کتاب مقدس ترسایان

((ترجمه خاص))

ارمیا

مقدمه و توضیحات طبق
ترجمه بین الکلیسایی کتاب مقدس

سطح عالی

کتاب ارمیا

پیشگفتار

۱. تنهایی مرد کلام

ارمیا برای خوانندهٔ کتابی که نام او را بر خود دارد، همچون شخصیتی بسیار تنها نمودار می‌شود. «در کناری نشستم»: این اصطلاحی است که خود او به کار می برد تا نوع روابطش را با جامعه توصیف کند (۱۷:۱۵). همان کسانی که می بایست دورش را می گرفتند و تشویقش می کردند، یعنی اعضای خانواده اش، نه فقط او را درک نکردند و به او محبت نشان ندادند، بلکه آزارش نیز دادند (۶:۱۲؛ ۱۰:۲۰)؛ او نه در جشن های عروسی ایشان شرکت می کرد، نه در مراسم سوگواری شان (۱۶:۵ ۹). او هیچگاه رفاه و مسئولیت زندگی زناشویی را تجربه نکرد و هرگز پدر نشد (۱۶:۱ ۴). او را به زندان افکندند، مورد بدرفتاری قرار دادند، و بر خلاف میلش به مصر بردند؛ او عمر خود را در سرزمینی دوردست به پایان رساند، بی‌آنکه کسی خاطره ای از قبرش نگاه دارد.

اما در زمینه زندگی درونی اش اطلاعات خوبی در دست داریم. این را می دانیم که این تنهایی و انزوا نزد او، به هیچ وجه مربوط حالات سرشتی اش نمی گردد. این تنهایی از سوی نیرویی بیرونی بر او تحمیل شده، نیرویی که با او خشونت می ورزد، او را به ستوه می‌آورد، او را آکنده می سازد، دچار عذاب روحی اش می کند، و تبعیت کامل از اراده اش را مطالبه می نماید. این نیرو به انزوای او نیاز دارد تا آن را همچون ابزاری برای عمل در میان قوم یهودا به کار گیرد. این نیروی سختگیر همانا کلام خدا بود. هیچ یک از انبیا مانند ارمیا، از کلام خدا و شیوهٔ عمل آن، با چنین صراحت و دقت دردناکی سخن به میان نمی‌آورند. این عبارت که می گوید: «کلام یهوه به من فرا رسید»، نزد ارمیا به فراوانی یافت می شود که هم مقدمه ای بر خطابهٔ او است و هم توصیف کنندهٔ آن (ر.ک. توضیح ۲:۱). می فرماید: «آن هنگام که سخنانت عرضه می شد، آنها را می بلعیدم» (۱۶:۱۵)؛ این سخنان با این که موجب وجد و شادی او می شود (۱۶:۱۵)، اما اثراتش اغلب ویرانگر است، چنان که می فرماید: «دلم در اندرونم شکسته، تمامی استخوان هایم خم شده؛ همچون آدم مست هستم، همچون آدمی که مغلوب باده شده، به سبب یهوه و به سبب سخنان مقدس او» (۹:۲۳). او این کلام امتحان کننده را که همچون «آتش» است (۲۹:۲۳)، فقط در بارقه های تنویری که گویی طی تجربیاتی فی

نفسه پیش پا افتاده عرضه می شود، دریافت نمی دارد (ر.ک. ۱:۱۱ ۱۴)؛ بلکه آن را در بارگاه خداوند آسمانی نیز می شنود (۱۸:۲۳، ۲۲؛ ر.ک. ۱:۵ و توضیح)، یعنی در مکانی که او در مقام نبی حق ورود به آن را دارد. به علاوه، خداوند آن را بر لبانش می گذارد (۹:۱) و بر آن نظارت می کند (۱۲:۱) تا از آن آتشی بسازد که قوم متمرد و نافرمان را از میان ببرد (۱۴:۵). گاه نیز به نظر می رسد که این کلام او را رها می کند و کمیاب می شود و برای اینکه بار دیگر بر او نازل شود، روزهایی طولانی او را چشم به راه نگاه می دارد (۷:۴۲). در زندگی این مرد، کلام همچون عاملی کلیدی، کانونی حکمفرما، بر هم زنندهٔ شادی، و نیز علت وجودی جلوه گر می شود؛ نوعی فرمانروای مستبد و خودکامه است که ظاهراً او را از خویشتن و همنوعانش بیگانه می سازد، تا بدینسان او را فی الواقع به قلب واقعیت فرو ببرد.

لذا درک می کنیم که ارمیا می بایست تلاشی دائمی کرده باشد تا این کلام را بر عهده بگیرد و خود را برای آن آماده سازد. آثار چنین تلاشی را در گفت گوهای متعدد که در سراسر کتاب مشاهده می شود، می یابیم؛ در این گفت وگوها، نبی با تندی با خدا در مورد معنی زندگی اش در مقام نبی بحث می کند. معروف ترین این گفت وگوها احتمالاً آن بخشی هایی است که مفسران امروزی، آنها را «اعتراف ارمیا» نامیده اند (۱۸:۱۱ ۲۳؛ ۱:۱۲ ۶؛ ۱۰:۱۵، ۱۵ ۲۰؛ ۱۴:۱۷ ۱۸؛ ۱۸:۱۸ ۲۳؛ ۷:۲۰ ۱۳، ۱۴ ۱۸). در این بخش ها، نبی به تلخی از انزوا و «بیگانگی» و پوچی وضعیتش شکایت می کند، اما در جواب، می شنود که این وضعیت اجتناب ناپذیر است و جزیی از رسالت نبوتی اش می باشد. با این حال، این «اعترافات» یگانه گفت وگوها میان ارمیا و خدایش نیست. گفت وگوهای دیگری را در آغاز کتاب مشاهده می کنیم: صحنهٔ دعوتش به رسالت که طی آن، این مرد جوان به عبث می کوشد از نفوذ کلام طفره رود (۴:۱ ۱۰)؛ و نیز رؤیاهای نخستین که تشکیل دهندهٔ رسالتش می باشد (۱۱:۱ ۱۴). همچنین می توان به بخشی اشاره کرد که در آن، نبی واداشته می شود بنیاد راستین حکم الهی در خصوص وضعیت جامعه یهودیان را تصدیق کند (۱:۵ ۶). در بخشی دیگر، باز به عبث می کوشد خشکسالی ای را که در مملکت بیداد می کرد، متوقف سازد (۱:۱۴ تا ۹:۱۵). در این گفت وگوها، کلام انسان با کلام خدا در حالت مبارزه قرار می گیرد، اما هر بار این کلام خدا است که غالب می آید. این گفت وگوها در هر شکل تاریخی که روی داده باشد (زیرا دشوار بتوان به عمق روان شناختی تجربهٔ نبی راه یافت)، به هر صورت گواه بر این است که کلام خدا دلمشغولی دائمی نبی را تشکیل می داده است.

۲. وثاقت و درستی دعوت نبی

از میان تمام مشکلاتی که چنین شخصیتی را تکان می داد، کثرت گرایی معتقدات نبوتی، قطعاً یکی از بارزترین آنها بوده است. منظور

این است که ارمیا یگانه کسی نبود که به نام یهوه سخن می گفت. خود کتاب ارمیا در زمینه فعالیت اشخاص دیگری شهادت می دهد که با عنوانی مشابه با عنوان او، و در کنار او، مدعی برخورداری از جایگاه و امتیازات انبیا بودند. در این میان، می توان از این افراد نام برد: اوریاهو پسر شَمَعیاهو (۲۶:۲۰ ۲۴)، حنانیا پسر عَزّور (فصل ۲۸)، اخاب پسر قولایا و صدقیا پسر معَسیا (۲۹:۲۱)، و نیز انبیایی بی نام که در بخش های مختلف به آنان اشاره شــــده (۸:۲، ۲۶، ۳۰؛ ۹:۴؛ ۱۳:۵، ۳۱؛ ۱۳:۶ ۱۴؛ ۷:۲۶ ۱۶؛ ۱۶:۲۷ ۱۸)، یـــا مورد خطاب قرار گرفته اند (۹:۲۳ ۴۰) یا ارمیا از آنان نام برده (۱۳:۱۴)، شاید هم حتی با تأیید (ر.ک. توض ۱۰:۴)؛ انبیا نیز در میان تبعیدیان بابل بودند.

از متن کتاب به طور خاص درمی یابیم که ارمیا در آغاز هیچ تمایلی نداشت که خود را از همکاران نبی اش جدا و متمایز سازد (ر.ک. ۱۳:۱۴ ۱۶؛ ۶:۲۸ ۹؛ و نیـــز ۱:۲۹)؛ او هیچ دلیلی نمی دید که ایشان را یکبار «نبی دروغین» معرفی کند. ما در اینجا در مقابل جنبه ای بسیار ظریف از تنهایی و انزوای ارمیا قرار داریم. به غیر از معیارهای اخلاقی که کاربردی ظریف دارند (۱۴:۲۳، ۱۷، ۲۲؛ ۲۳:۲۹)، او هیچگاه از معیارهای عینی برخوردار نبود تا راستی را از دروغ متمایز سازد، و پیام خاص خود را از پیام بسیاری دیگر ممتاز بنمایاند، یعنی همان هایی که از پیام خود با همان اطمینانی دفاع می کردند که او می کرد (با این حال، ر.ک. ۸:۲۸). به هر حال، او نیز ممکن بود اشتباه کند، همان گونه که رقیبش حنانیا می توانست اشتباه کند (۶:۲۸ ۹)، خصوصاً با توجه به این امر که نظر حنانیا با نظر اکثریت قاطع مسئولان سیاسی و نظامی همسو بود (ر.ک. مطالب بعدی و ۴ب).

لذا مسئلهٔ اصالت و معنی دعوت متمایز او در کانون گفت وگوهای او با خدا قرار دارد. اگر الهام کنندهٔ پیام ها خدا است، پس چرا پیام آوران یک صدا نیستند؟ اگر ارمیا را خدا فرستاده، چرا او تنها کسی می باشد که مدعی حقانیتی است که فقط خودش دریافت می داشته (سرنوشت شخصی مانند اوریاهو، ر.ک. ۲۶:۲۰ ۲۴، که به دست یهویاقیم ترور شد، نمی توانست باعث تسلی ارمیا شود)؟ اگر خدا به نبی خود مأموریتی داده، چرا وی باید متحمل مصائب شود، آن هم از سوی کسانی که می بایست او را با خوشوقتی همچون همقطار یا همچون نمایندهٔ ذیصلاح خدا بپذیرند، آن خدایی که در مقام سرور خود تکریم می کردند؟ آنچه که مورد سؤال است، هویت و درستی مکاشفه است.

ارمیا سردرگمی خود را پنهان نمی سازد، تا آنجا که به خدمتش مربوط می شود، او خطایی در کار خود نمی یابد. مگر نه آنکه وفادارانه کلام را در وجود خود پذیرفته و آن را «بلعیده» بود (ر.ک. ۱۶:۱۵)؟ مگر نه آنکه همواره صداقت کامل داشته است (۱۶:۱۷ب)؟ مگر نه آنکه برای همنوعان خویش، حتی برای دشمنانش، شفاعت می کرده، همان کاری که هر نبی راستینی می کند (۲۰:۱۸؛ ر.ک.

۱۳:۱۴؛ ۱۶:۱۷)؟ پس چرا باید دچار سرنوشت حزن‌انگیز شخصی تنها، فردی ناسازگار، و طغیانگری ابدی گردد؟

پاسخ خدا، بی‌چون و چرا، هیچ گونه توضیح و توجیهی به دست نمی‌دهد. تمامی مصائب او را خدا پیش بینی کرده؛ حتی به تدریج سخت‌تر نیز خواهد شد (۵:۱۲)؛ این پیام‌آوری که مورد اعتراض قرار دارد، چاره‌ای ندارد جز اینکه خویشتنداری پیشه کرده، به راه خود ادامه دهد (۱۹:۱۵ ۲۱)، و فقط تلاشی شخصی به خرج دهد تا پیام خود را هر چه کوبنده‌تر سازد (۱۹:۱۵). اما تا آنجا که به سایر انبیا مربوط می‌شود، خداوندی که ایشان را مأمور نکرده (۱۴:۱۴ ۱۶)، شیاد بودن آنان را برملا می‌سازد (۱۶:۲۳). برای برطرف کردن تردیدهایی که روح نبی را در هم می‌نوردد، تنها راهی که باقی می‌ماند، تکیه به این اطمینان عبث است که کسی که با او سخن می‌گوید، خدای زنده می‌باشد.

عمر ارمیا کفاف نداد که ببیند فاجعه‌ای که اعلام داشته بود، تحقق یافته و سبب شده که مردمان یهودا به تقدیر خود بیندیشند: عده‌ای از علمای آگاه الهیات، نه فقط وحی‌های او را، بلکه سنت‌های مربوط به رسالت او را گردآوری کردند، و سرانجام او را همچون نبی واقعی خداوند مورد تصدیق قرار دادند (ر.ک. بخش ۵).

۳. چند داده در مورد شرح حال او

در مقایسه با این تنش بنیادین، شرایط بیرونی زندگی نبی می‌تواند فقط از جذبه‌ای ثانوی برخوردار باشد. در واقع، از این شرایط اطلاع دقیقی در دست نداریم و نتایجی که از برخی داده‌ها کسب می‌کنیم، اکثراً مبتنی است بر حدس و گمان.

بر اساس ۱:۱، نبی در اصل اهل عناتوت بود که شهرکی بوده نه چندان دور از اورشلیم؛ خانوادهٔ او در آنجا صاحب املاکی بودند (فصل ۳۲؛ ر.ک. ۱۲:۳۷)؛ در ضمن، او از خانوادهٔ کهانتی بود. برخی از این امر نتیجه گرفته‌اند که ارمیا احتمالاً از اعقاب دور ابیاتار کاهن، اهل شیلوه بود که در گذشته، سلیمان او را به عناتوت تبعید کرده بود (۱-پاد ۲۶:۲ ۲۷) و لذا تربیت مذهبی او در خانوادهٔ پدری، و نیز خاطرات نیاکان و مجاورت با سرحدات حکومت فروپاشیدهٔ شمالی، می‌توانسته بر سبک و محتوای پیام او اثر گذاشته باشد. اما در این زمینه قطعیتی وجود ندارد.

طبق ۲:۱، ارمیا در سال ۶۲۶ ق.م. زمانی که هنوز بسیار جوان بود (۶:۱)، به خدمت نبوت دعوت شد. از این اشارات می‌توان حدس زد که وی احتمالاً در حدود سال‌های ۶۵۰ ۶۴۵ ق.م. ولادت یافته باشد. با این حال، نمی‌توان از نظر دور داشت که رقم مذکور در ۲:۱ (که در ۳:۲۵ تکرار شده)، در خصوص تاریخ دعوت ارمیا به رسالت، مبتنی است بر سنتی متأخر و اینکه این تاریخ باید حول و حوش سال‌های ۶۰۹ ۶۰۸ بوده باشد. این بدان معنا است که تعدادی از فرضیه‌های مربوط به سال‌های اولیهٔ خدمت نبوتی او، مبتنی است بر پایه‌هایی نسبتاً سست: ارمیا

احتمالاً از اصلاحات یوشیا در سال ۶۲۲ ق.م. با شادی استقبال کرده؛ حتی شاید با موعظه های خود، فعالانه در این کار شراکت داشته است (ر.ک. ۱:۱۱ ۱۴)؛ این اصلاحات یوشیا که ارمیا احتمالاً اشاعه می داد (ر.ک. ۲۱:۱۱ و سایر «اعترافات» ارمیا).

لذا گزیری نیست جز آنکه بپذیریم که آگاهی ما در مورد مراحل آغازین خدمت ارمیا کمتر از آن است که مایلیم بدانیم. اما بر عکس، چند رویداد در مراحل بعدی زندگی او، با جزئیاتی قاطع، در بخش دوم کتاب شرح داده شده است. در سال ۶۰۸ ق.م. مشاهده می کنیم که او، در ورودی معبد، خطابه ای را ارائه می دهد که او را در شرایطی بسیار بد قرار می دهد (فصل ۲۶؛ ر.ک. ۱:۷ تا ۳:۸). در سال های ۶۰۵ ۶۰۴ ق.م. برای نخستین بار وحی های خود را منتشر می سازد، وحی هایی که تا آن زمان، فقط در حافظه اش محفوظ داشته شده بود ـ شاید هم در حافظهٔ تعدادی از شنوندگان (فصل ۳۶). در سال ۵۹۴ ق.م. با سایر انبیا درگیر مشاجره می شود (فصل ها ۲۷ ۲۸)، و اندکی بعد، نامه ای برای تبعیدیان به بابل می فرستد که برای تحول و تکامل روحانی پراکندگان یهود، نقشی تعیین کننده دارد (فصل ۲۹). و بالاخره، گفت وگوهایش با صدقیا پادشاه و خدمتگزارانش در طول محاصرهٔ اورشلیم در سال های ۵۸۸ ۵۸۷ ق.م. و فعالیتش در میان رهایی یافتگان پس از سقوط شهر، موضوع فصل های ۳۲ ۳۵، ۳۷ ۴۴ را تشکیل می دهد. باید توجه داشت که این اطلاعات، با اینکه حاوی جزئیات است، شرح حال واقعی نبی را تشکیل نمی دهد ـ حتی ترتیب قرارگیری آنها در متن نیز، دقت ترتیب زمانی را زیر سؤال می برد؛ این اطلاعات فقط حالت مجموعه ای از رویدادهایی را دارا است که نحوهٔ عملکرد «کلام» در زندگی نبی در میان قومی را به نمایش می گذارد که دشوارترین دورهٔ تاریخ خود را طی می کند.

۴. خدمت «کلام» در طول زمان

تنهایی و انزوایی که وجه مشخصهٔ خدمت ارمیا از همان آغاز است، فقط ناشی از تجربهٔ مذهبی متمایز کننده نیست، بلکه از محتوای پیامی ناشی می شود که به او سپرده شده است. این پیام دائماً مردمان یهودا را در مقابل نیستی قرار می دهد، در مقابل ورطهٔ نابودی جامعه و نیز خلقت (ر.ک. ۲۳:۴ ۲۶). انزوای ارمیا دارای بعدی سیاسی است چرا که وجود یا توقف وجود همه بستگی به پذیرش یا رد پیام او دارد. اگر انزوای او ادامه بیابد و مردمان یهودا در امتناع از گوش دادن لجاجت ورزند، نبی واقعاً تنها کسی خواهد بود که از این فاجعهٔ فراگیر جان سالم می برد؛ اما برعکس، اگر پیام نبی با نوعی از پذیرش روبه رو شود، خواهند توانست از فاجعه بپرهیزند یا دست کم دچار جنبه ای تخفیف یافته از آن شده، از شکلی جدید از رفاه بهره مند گردند. پیام ناسازگار ارمیا، به گونه ای آمرانه، تصمیماتی بنیادین را ایجاب می کند. همان گونه که در مورد اکثر انبیا صدق می کند، برای ارمیا «کلام» ضرورتاً

کلامی است کامل و مطلق و تمامی جنبه های زندگی بشر را در بر می گیرد، چه جنبه های شخصی و چه جنبه های اجتماعی را.

در خدمت ارمیا می توان سه دوره را تشخیص داد:

الف) دورهٔ نخست از دعوت ارمیا آغاز می شود (که تاریخش قطعی نیست) و تا حوالی سال ۶۰۵ ق.م. ادامه می یابد، یعنی زمان جنگ تعیین کنندهٔ کرکمیش. در دورهٔ حکومت یوشیا که در سال ۶۰۹ ق.م. در گذشت، یهودا ابتدا دوره ای از آرامش را پشت سر گذاشت که نسبتاً با رفاه و کامیابی همراه بود. آشور از ستم راندن بر جهان باز ماند و استقلال زیادی نصیب یهودا شد؛ یوشیا از این امر بهره جست تا قلمرو حکومتش را توسعه بخشد و دست به هر نوع اصلاحاتی بزند. پس از مرگ او، مملکت یهودا برای چندین سال جذب مدار مصر می شود، بی آنکه یوغ آن را چندان سنگین احساس کند. برای یهودا، این سال ها دورهٔ نسبتاً آرامی را تشکیل می داد، به جز جنگ مَجِدّو ـ اگر چنین چیزی اساساً وجود داشته! ـ که در نهایت گویا فقط برای یوشیا نابود کننده بود (ر.ک. ۲ـ پاد ۲۹:۲۳). درست در همین سال ها است که ارمیا وادار می شود پیامی کاملاً غریب را اعلام دارد؛ او طی اشعاری که نیرویی خارق العاده در تداعی امور داشت، آمدن لشکری مقاومت ناپذیر را توصیف می کند که از شمال سر بر می آورد و یهودا و اورشلیم را فرو می گیرد (ر.ک. خصوصاً فصل های ۴ ۶)؛ این لشکر بی رحم امیدی برای مغلوبان باقی نمی گذارد ـ مگر آنکه اینان، پیش از آنکه دیر شود، به سوی خدا بازگشت کنند. ارمیا می داند که آن هشدار باور نکردنی که مأمور شده به هم میهنانش اعلام کند، از هیچ اقبالی برای مواجهه با واکنشی مساعد برخوردار نیست. قوم و رهبرانشان بیش از حد به خود اطمینان دارند و متقاعدند که نهادهایشان تزلزل ناپذیر می باشند (ر.ک. ۱۸:۱۸؛ ۸:۸). ایشان در مواقع ضروری، می توانند به معبد که پناهگاه نهایی شان می باشد، و به تجاوزناپذیری همیشگی آن، توسل جویند (ر.ک. ۴:۷، ۱۰). مضافاً، ارمیا پس از انجام تحقیقی جدی در میان طبقات مختلف مردم، لازم می بیند که تسلیم واقعیت شود، این واقعیت که تمام قوم، رهبر و افراد تحت رهبری، ستمکیش و ستمکش، همگی دچار انحطاط اند (ر.ک. ۵:۱ ۶)، و به گونه ای درمان ناپذیر گمراه اند ـ آیا سیاهپوست می تواند پوست خود را عوض کند؟ آیا پلنگ می تواند رنگ پوست خود را تغییر دهد؟ و آیا یهودائیان که به بدی خو گرفته اند، می توانند نیکویی کردن پیشه کنند (۲۳:۱۳)؟ این پیام خشن که هیچ گونه تمایزی قائل نمی شود (یعنی اینکه یا تمامیت را می خواهد یا هیچ) جدی تلقی نمی شود؛ اندیشهٔ نبی بیش از حد انتزاعی است و با واقعیت تجانس ندارد، واقعیتی که هیچگاه نه کاملاً سیاه است و نه کاملاً سفید، بلکه همیشه اندکی سیاه است و اندکی سفید؛ این اندیشه بیش از حد وارد قلمروهای مه آلود شناخت خدایی می شود که با آنچه که سنت تعلیم می دهد، در تناقضی

آشکار قرار دارد ـ زیرا که خدا، خدایی است نزدیک و آشنا (ر.ک. ۲۳:۲۳)، خدایی که قوم خود را رها نمی سازد. حرکت پرصلابت یهویاقیم پادشاه که بی دغدغه، طوماری را که حاوی این متون باور نکردنی است قطعه قطعه می کند، به وضوح بیانگر شکست موعظهٔ ارمیا در طول این بخش نخست از رسالتش می باشد (ر.ک. ۳۶).

ب) دورهٔ دوم از ۶۰۵ ق.م. آغاز و تا به ۵۸۷ ق.م. ادامه می یابد، یعنی از جلوس نبوکدنصر بر تخت تا ویرانی اورشلیم؛ این دوره، مهم ترین دلمشغولی رسالت ارمیا را تشکیل می دهد. نبوت های او که مربوط به حملهٔ نظامی می شد، به ناگاه تحقق می یابد. پادشاه بابلی ها مصمم بود که ارادهٔ خود را بر تمام حکومت های کوچکی که بر سر راه خود می یابد تحمیل کند؛ از این رو، بارها سوریه و فلسطین را با لشکر پیروزمند خود در می نوردد. این به معنی پایان استقلال یهودا بود. با این حال، مسئولان سیاست گذاری یهود نمی توانند بر سر اقداماتی که باید اتخاذ شود، به توافق برسند. اکثریت ایشان قاطعانه خواهان اتخاذ سیاستی هستند که منجر به بازیابی استقلالشان گردد؛ ایشان به مسئلهٔ اتحاد با مصر می اندیشند که همواره مایل بوده بابلی ها را در فاصله ای امن، دور از خود نگاه دارد؛ همین گرایش به اتحاد، شامل همسایگان کوچکی نیز می شود که به همان شکل مورد تهدید بابلی ها قرار دارند. این سیاست سخت، به وضوح مورد تأیید رئیس حکومت، یعنی پادشاه سلسله داود می باشد. اما اقلیتی آماده اند تا به حاکمیت بابل تن در دهند، به این امید که استقلالی نسبی را در بطن امپراطوری نبوکدنصر حفظ کنند. نام چند تن از اعضای گروه طرفدار بابل به واسطهٔ کتاب ارمیا حفظ شده، یعنی اخیقام که پشتیبان نیرمند ارمیا بود (۲۴:۲۶)، و پسرش جدلیا که پس از سقوط اورشلیم به سمت حاکم ناحیه منصوب می شود، و باروک پسر نِریا، یعنی همان شخصی که ارمیا را یاری داد تا انتشار وحی هایش را متحقق سازد. اشتباه است که باروک را صرفاً «کاتب» ارمیا بپنداریم، یعنی شخصیتی صرفاً در خدمت ارمیا، یا فردی در حد یادداشت کننده ای که خود را در اختیار ارمیا گذارده تا کار او را تسهیل کند. او در واقع یک «سوفِر» بود، یعنی دبیر حکومت، لذا یکی از مقامات، در حد مهردار؛ لذا او شخصیتی نسبتاً بلند مرتبه بود، همان گونه که برادرش سرایا نیز سرانجام رئیس اردوگاه در دستگاه اداری بابلی ها گردید (ر.ک. ۵۹:۵۱). محبوبیت و شهرت باروک در واقع به گونه ای بود که او را همچون یکی از رهبران گروه طرفدار بابل، و محرک واقعی وحی های ارمیا به شمار می آوردند (۳:۴۳).

بدینسان، راه حل های سیاسی بسیار روشن به نظر می رسند: یا باید با ورق آزادی بازی کنند ـ آزادی ظاهری، چرا که مصر اگر به یهودا کمک کند، دیگر هرگز حاضر به رها کردن آن نخواهد بود ـ و در صورت شکست، خطر از دست دادن همه چیز را بپذیرند، یا اینکه تن در دهند که جذب نظام سیاسی بابل شوند.

ارمیا کاملاً بر خلاف میل خود، درگیر این مباحثات می‌شود. موضع او فاقد هر گونه ابهامی است؛ طبق موضوع او، باید برتری بابل را پذیرفت. اما نه به دلایل فرصت‌طلبانه، زیرا ارمیا فردی سیاسی نیست، بلکه به این دلیل که ارادهٔ خدا است. آنچه که خدا مشتاقش می باشد، وجود حکومتی مستقل و نیرومند در یهودا نیست که از سوی سلسله مراتبی دوگانه اداره شود، یعنی دستگاه مدنی و مذهبی، بلکه خدا مشتاق داشتن قومی است که به او وفادار باشد و به دعوت پدرانهٔ او پاسخ مثبت دهد (ر.ک. ۳:۲۲ تا ۴:۴)، و در پی دفاع از حق، و زیستن در هماهنگی با هم باشد (ر.ک. ۱۳:۲۲؛ ۵:۲۳ ۶؛ و در دوره های قبلی ۱:۵ ۳). در نزد او، وجه مشخصهٔ گروه استقلال طلب، خوار شمردن تمامی ارزش هایی است که نزد خداوند گرامی می باشند؛ و در این میان، پادشاه مقصر اصلی است (۱۳:۲۲ ۱۷). به همین سبب، خدا نابودی حکومت را تقدیر نموده است. خدا طرحی کاملاً نوین تدارک می بیند: او در نظر دارد در بطن امپراطوری بابل، جامعه ای دگرگون شده و متشکل از آنانی تشکیل دهد که به داوری او گردن می نهند، جامعه ای که دیگر دغدغهٔ جلال خود را ندارد، بلکه آرزومند گسترش رفاه همگان است، چرا که کامیابی دیگران، شرط کامیابی خود او است (۵:۲۹ ۷). این جامعه پس از بازگشت سعادتمندانه به سرزمین نیاکانش، سرانجام به این تجربه خواهد رسید که تعهداتی را که قبلاً در قبال خداوند داشت، اکنون در باطن خود خواهد یافت، تا آن حد که دیگر وجود هیچ سلسله مراتبی به عنوان واسطه میان خدا و انسان ضرورت نخواهد داشت (۳۱:۳۱ ۳۴)؛ این پیام حتی به فراسوی پیام مذکور در ۱۵:۳ و ۶:۲۳ می‌رود که طبق آن، خداوند قصد داشت قوم خود را به کمک اشخاصی رهبری کند که به طور کامل وقف او باشند. این پیام تحقق کامل عهد را در اورشلیم آسمانی مدنظر دارد.

ج) سومین دورهٔ رسالت ارمیا، پس از سال ۵۸۷ ق.م. آغاز می‌شود، یعنی پس از ویرانی اورشلیم. اهمیت این دوره اغلب چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد زیرا از یاد می بریم که علی‌رغم تبعیدهایی که از سوی بابلی‌ها اعمال می‌شود (تبعیدهایی که فقط برخی از اقشار جمعیت را شامل می‌شد)، اکثریت اهالی یهودا در سرزمین خود باقی ماندند. در میان این جمعیت ره گم کرده، سه گرایش سر بر آورد. یکی که از سوی سردمداران گروه قدیمی طرفدار بابل، خصوصاً جدلیا تبلیغ می‌شد، این هدف را داشت که سرزمین را تحت حمایت بابل بازسازی کند. ارمیا به این دسته تعلق داشت. گروه دیگری به رهبری اسماعیل که مردی بی دغدغه و متکی به حمایت پادشاه عمّونی ها بود، بر خلاف گروه نخست، قصد داشتند پیکار را ادامه دهند و دست به اعمال توریستی بزنند (ر.ک. ۱:۴۱ ۱۰) و بالاخره گروه سوم به رهبری شخصی به نام یوحنان پسر قاریح، ترجیح می‌دادند جلای وطن کنند و به مصر بروند.

این گروه علی‌رغم وحی ارمیا که چنین اقدامی را نهی می‌کرد، طرح خود را به موقع اجرا گذاردند و نبی را با خود بردند و در سرزمین دوردست مصر، دیگر اثری از او باقی نماند.

۵.شکل کتاب

تقسیم بندی کلی کتاب ارمیا نسبتاً ساده است:

۱:۱ تا ۱۴:۲۵، شامل وحی‌ها و اعمال نمادین ارمیا است که بر علیه یهودا ادا می‌شد؛

۱:۲۶ تا ۵:۴۵، شامل وحی‌های مربوط به نجات اسرائیل و یهودا و همچنین روایات مربوط به رسالت ارمیا می‌باشد؛

۱:۴۶ تا ۶۴:۵۱ (همراه با مقدمه‌ای در ۱۵:۲۵ ۳۸) شامل وحی‌هایی بر علیه ملت‌های بیگانه است؛

۱:۵۲ ۳۴، که ضمیمه‌ای تاریخی است که از ۲ـ پاد ۱۸:۲۴ تا ۳۰:۲۵ به عاریت گرفته شده (همراه با چند داده جدید) شامل سقوط اورشلیم می‌باشد.

در ترجمهٔ یونانی، وحی‌های مربوط به ملت‌های بیگانه بلافاصله بعد از ۱۳:۲۵ قرار گرفته است. این ترتیب احتمالاً بازتاب شکلی قدیمی‌تر طومار می‌باشد، زیرا مشاهده می‌کنیم که چندین کتاب نبوتی (اش ۱ ۳۹؛ حزقیال؛ حبقوق؛ صفنیا) بر اساس طرحی سه بخشی شکل گرفته‌اند که در آن، وحی‌های مربوط به ملت‌ها، میان وحی‌های مربوط به مصائب اسرائیل و وحی‌های نجات اسرائیل قرار گرفته‌اند.

در داخل هر یک از این تقسیم بندی‌های عمدهٔ کتاب، بخش‌هایی کوچکتر، و تألیفات پیوسته و وحی‌هایی را می‌یابیم که ظاهراً از پیش به شکل برگه یا کتابچه‌هایی مستقل وجود داشته که بعداً در این کتاب بزرگ گردآوری شده‌اند. برای مثال، می‌توان به مجموعه‌هایی نظیر ۱۱:۲۲ تا ۸:۲۳ اشاره کرد که وحی‌های مربوط به «خاندان داود» را گرد هم می‌آورد؛ همچنین ۹:۲۳ ۴۰ که «در مورد انبیا» است؛ ۱:۳۰ تا ۴۰:۳۱ تحت عنوان «کتاب» (۲:۳۰) که تفقد از اسرائیل احیا شده را اعلام می‌دارد. به علاوه، تألیفاتی نظیر فصل ۲؛ فصل‌های ۴ ۶؛ ۱:۱۴ تا ۴:۱۵ و غیره را می‌توان جزو این جنگ‌های ارمیایی به شمار آورد که پیش از شکل‌گیری اثر نهایی وجود داشته‌اند.

در خصوص نگارش بخش اول کتاب (فصل‌های ۱ ۲۵) ماجرای طوماری که به دست باروک نوشته شد و یهویاقیم آن را از بین برد و مجدداً تحت شکلی بسط یافته تألیف شده («و بسیاری سخنان مانند آنها باز به آنها افزوده شد»، ۳۲:۳۶)، نقش مهمی در تحقیقات مفسران بازی می‌کند. این طومار حاوی وحی‌های تهدید کننده بود که پیش از سال ۶۰۵ ق.م. اعلام شده بود، و احتمال بسیار دارد که محتوایش در مطالبی داخل شده باشد که اکنون در فصل‌های ۱ ۲۵ کتاب ارمیا وجود دارد. مفسران برای تشخیص هویت این متون ذکاوت زیادی به کار برده‌اند، اما این تحقیقات منتهی به نتایجی متناقض گردیده و هیچ اتفاق نظری در حال حاضر وجود ندارد. عجالتاً بهتر است از تلاش برای

بازسازی این «طومار اولیه» چشم پوشید.

آنچه که موجب دشواری موضوع می‌شود، این است که فصل‌های ۱ ۲۵، علاوه بر وحی‌های منظوم که اصالتشان در اثر تحقیقات متعدد اثبات شده، حاوی بخش‌های بسیار زیادی است که کم و بیش طولانی هستند و گاه فصلی کامل را تشکیل می‌دهند؛ این بخش‌ها به نثر می‌باشند و به دلیل واژگان و اندیشهٔ الهیاتی‌شان، یادآور آثار ویراستاران تثنیه‌ای هستند که در طول دورهٔ تبعید، تصویر تاریخی عظیمی را به نگارش درآورده‌اند که در شکل کنونی‌اش، در کتاب‌هایی توزیع شده که «کتاب‌های انبیای نخستین» نامیده می‌شوند (ر.ک. «مقدمه‌ای بر کتاب‌های نبوتی»). این بخش‌ها را در شکل فعلی‌شان، نمی‌توان همچون اثر شخصی ارمیا تلقی کرد و دست کم باید تصدیق کرد که منعکس کنندهٔ وحی‌های ارمیا هستند که ویراستاران متأخر بر آنها مجدداً کار کرده‌اند.

در بخش دوم کتاب، روایات مربوط به رسالت ارمیا معمولاً به باروک نسبت داده می‌شود. او را به این علت نگارندهٔ این بخش‌ها به حساب می‌آورند که آنها حاوی داده‌های دقیق است و بدون هیچ تردیدی، یادداشت‌های شاهد عینی رویدادها می‌باشد؛ همچنین به این دلیل که این بخش‌ها با وحی‌های شخصی خطاب به باروک خاتمه می‌پذیرد. این انتساب گرچه محتمل است، اما به هیچ روی قطعی نیست. نگارنده احتمالاً ارمیا را در مصر همراهی کرده (ر.ک فصل‌های ۴۳ ۴۴) و از ۴۳:۶ پی می‌بریم که باروک، این رهبر قدیمی گروه طرفدار بابل، همراه با ارمیا به زور به مصر برده شده است.

لذا در آغاز تبعید، کتابچه‌ها و برگه‌ها و جنگ‌های پراکندهٔ متعددی در دسترس بود، و علاوه بر اینها، احتمالاً سنت‌هایی شفاهی مربوط به ارمیا وجود داشت. گردآوری تمامی این مطالب در یک مجلد کار ویراستاری ناشناس می‌باشد. هویت این ویراستار بر ما پوشیده است؛ با این حال، او حضور خود را در اضافات بی‌شمار و تألیفات پیوسته (خطابه و یک یا دو روایت) و تفسیرهایی به سبک نگارندهٔ تثنیه، نمودار می‌سازد؛ در زمینهٔ این تفسیرها کمی پیشتر اشاراتی ارائه دادیم؛ اینها تقریباً در تمام فصل‌های کتاب به چشم می‌خورد. ویراستار نهایی کتاب ارمیا کاملاً وابسته به مکتب «تثنیه‌نگار» است؛ باید تصدیق کرد که فعالیت گستردهٔ ادبی و الهیاتی در حوالی نیمهٔ دوم قرن ششم ق.م. در فلسطین در جریان بوده؛ این فعالیت شامل اندیشه و تحقیق و نشر می‌شده و معطوف بوده بر جمع آوری اسناد و مدارک و تفسیر آنها و گرد آوردن آنها در مجلدهای فشرده، و استخراج نتایجی که برای درک بهتر تقدیر اسرائیل مهم بوده است.

کتاب ارمیا

۱

۱ سخنان[a] ارمیا،
پسر حلقیاهو،
۷:۳۲ یکی از کاهنان عناتوت، در سرزمین
بنیامین[b].
۲ کلام یهوه در روزگار یوشیا، پسر آمون،
پادشاه یهودا، در سال سیزدهم سلطنت او[d]،
بر وی فرا رسید[c]. ۳ همچنین در روزگار
یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا[e] بر روی
فرا رسید، تا پایان سال یازدهم صدقیا، پسر
یوشیا، پادشاه یهودا[f]، تا تبعید اَرَ اورشلیم
در ماه پنجم[g]. ۱۵:۵۲

a منظور از «سخنان» فقط گفته های ارمیا نیست، بلکه برخی نقاط عطف زندگی و تاریخ روزگار او نیز هست؛ رسالت او در واقع به گونه ای تنگاتنگ به این تاریخ مرتبط است. «سخنان» را می توان «اعمال» یا «تاریخچه» یا «گفتار و کارها و حرکات» نیز ترجمه کرد. ر.ک. توضیحات لو ۱:۶۵؛ توضیحات اع ۱۰:۲۲.

b عناتوت شهر لاویان در سرزمین بنیامین بود (یوشع ۲۱:۱۸). خرابه های این شهر باستانی در مجاورت روستای فلسطینی عناته، واقع در ۵ کیلومتری شمال اورشلیم واقع است. ر.ک. مقدمه کتاب، بخش ۳.

d در مورد «روزگار یوشیا»، ر.ک. ۳:۶؛ ۳۶:۲؛ صف ۱:۱. یوشیا (ر.ک. ۲۲:۱۵ ۱۶) از سال ۶۴۰ تا ۶۰۹ ق.م. سلطنت کرد (۲ـ پاد ۲۱:۲۴ تا ۲۳:۳۰) به سال سیزدهم سلطنت او در ۲۵:۳ اشاره شده است. در خصوص همکاری احتمالی ارمیا با اصطلاحات یوشیا، ر.ک. مقدمه کتاب.

c این فرمول را به همین شکل، در آغاز برخی وحی ها یا مجموعهٔ وحی ها، در ۱۴:۱؛ ۴۶:۱؛ ۴۷:۱ و ۴۹:۳۴ مشاهده می کنیم (در خصوص فرمول متداول تر، ر.ک. توضیحات ۲:۱۳). «کلام» شروع به آشکار کردن فعالیت شخصی خود کرد که همانا فعالیت خود خداوند می باشد: سپس در قبال نبی فعال شد: در زندگی او جریان یافت، و به واسطهٔ او، در تاریخ (ر.ک. توضیحات ۵۰:۱) و در لحظه ای معین از این تاریخ (ر.ک. مقدمه کتاب). در زمینهٔ «کلام» که وسیلهٔ عمل الهی است، ر.ک. یو ۱:۳ و توضیحات.

e یهویاقیم (۶۰۹ ۵۹۸ ق.م. ر.ک. ۲ـ پاد ۲۳:۳۴ تا ۲۴:۶) بعد از حکومت کوتاه برادرش یهوآخاز یا شَلّوم بر تخت نشست (۱ـ توا ۳:۱۵) و به دست فرعون نکو به مصر تبعید شد (۲۲:۱۰ ۱۲؛ ۲ـ پاد ۲۳:۳۰ ۳۴؛ حزق ۱۹:۴). با سلطنت او، امیدهایی که در اثر اصلاحات یوشیا و انضمام بخشی از مملکت قدیمی شمال پدید آمده بود، بر باد رفت. یکی از مداخلت های چشمگیر ارمیا برای لرزندان پایه های سست مذهبی که تمامی رفتار انسان را شامل نمی شود (فصل ۷)، در آغاز سلطنت یهویاقیم رخ داد (فصل ۲۶)؛ میان نبی و این پادشاه خصومتی عمیق پدید آمد (فصل ۳۶) که به طور خاص در برخی از وحی ها بیان شده است (برای مثال ۲۲:۱۳ ۱۹، و شاید ۲۱:۱۱ تا ۲۲:۹).

f صدقیا بر جای برادر زادهٔ خود کُنیاهو (۳۷:۱) یا یکُنیا یا همان یهویاکین که فقط از اواسط دسامبر ۵۹۸ تا ۱۶ مارس ۵۹۷ قَ.م. سلطنت کرد (۲ـ پاد ۲۴:۶ ۱۷) و به بابل تبعید شد (۲۲:۲۴ ۳۰؛ ۵۲:۳۱ ۳۴)، بر تخت نشست. صدقیا در طول «یازده سال» پادشاهی خود (مارس ۵۹۷ تا ژوئیه ۵۸۷ ق.م. ر.ک. ۲ـ پاد ۲۴:۱۷ تا ۲۵:۷)، به نظر نمی رسد که بیش از یهویاقیم به پیام نبی گوش فرا داده باشد (۳۷:۲). با این حال، با رغبت با او مشورت می کرد، و نیاز داشت به او تکیه کند، و هر گاه که می توانست، از او حمایت به عمل می آورد (ر.ک. ۲۱:۱ ۱۰؛ ۳۷:۳۸).

g آیه ۳ آید بعدها اضافه شده باشد تا تمام طول خدمت ارمیا را شامل شود.

وحی‌هایی بر علیه یهودا

فراخوان نبی

۴ کلام یهوه به این مضمون به من فرا
رسید[h]:
۵ پیش از آنکه تو را در شکم [مادر]
شکل بخشم،
تو را می‌شناختم[i]، عا ۳:۲؛ یو ۲۷:۱۰
پیش از آنکه از رحم بیرون آیی،
تو را وقف کرده بودم[j]،
تو را نبی برای ملت‌ها مقرر نموده بودم[k]. اش ۱:۴۲

۶ گفتم: «آه! خداوند یهوه، اینک من
سخن گفتن نمی‌دانم؛ چرا که طفل هستم[l]!»
۷ یهوه مرا گفت: «مگو: من طفل هستم!
زیرا به سوی تمامی آنان[m] که تو را نزد اش ۶:۷-۸؛
ایشان بفرستم، خواهی رفت، و هر آنچه تو حزق ۳:۲-۷
را امر کنم، آن را خواهی گفت.
۸ در برابر ایشان هراسان مباش،
زیرا من با تو هستم تا تو را برهانم[n] - ۱۹:۱
وحی یهوه[o].»

h در مورد این فرمول یا شیوهٔ بیان، ر. ک. به توضیحات ۱۳:۱۳.

i خالق کل هستی (۱۰:۱۶؛ ۱۹:۵۱) که انسان اول را شکل داد و حیات بخشید (پید ۷:۲) هر انسانی را از لحظهٔ بسته شدن نطفه‌اش شکل می‌بخشد (۶:۱۸؛ مز ۱۵:۳۳؛ ۱۰۴:۳۰؛ ۱۳:۱۳۹-۱۶؛ ایوب ۸:۱۰-۱۲؛ حک ۱:۷؛ ۲-مک ۲۲:۷-۲۳). این عملی است مبتنی بر حکمت و محبت آن خدایی که آنانی را که به وجود فرا می‌خواند، از پیش «می‌شناسد» و ایشان را به «شناختی» متقابل و به رابطه‌ای نزدیک با خود دعوت می‌کند (ر. ک. روم ۸:۲۹). این امر در مورد آنانی که (چه فرد چه گروه) مقدر است نقشی مهم‌تر در تحقق طرح الهی برای کل بشریت ایفا کنند، به شکلی خاص واقع می‌شود (پید ۱۸:۱۹؛ اش ۲:۴۴، ۲۱، ۲۴؛ ۱:۴۹، ۵؛ ر. ک. امث ۲۲:۸-۲۳).

j نبی از سوی «قدوس اسرائیل» (۲۹:۵۰؛ ۵:۵۱) تقدیس یا کنار گذاشته شده (۳:۲؛ ۱۲:۳؛ لاو ۲۶:۲۰؛ مز ۱۵:۱۰۵؛ غلا ۱۵:۱) تا خدمت خاصی را به انجام برساند که به او صریحاً اعلام خواهد شد. این امر برای او مستلزم رابطه‌ای نزدیک با خداوند، و شناختی بلاواسطه از اندیشهٔ او خواهد بود (لو ۷۵:۱؛ یو ۱۷:۳، ۱۷، ۱۹، ۲۵-۲۶؛ افس ۴:۱). شمشون (داور ۵:۱۳)، یحیی تعمید دهنده (لو ۱۵:۱، ۴۱) پولس (غلا ۱۵:۱) و خصوصاً عیسی (لوقا ۳۵:۱؛ ر. ک. توضیحات ۳۶:۱۰) نیز این چنین پیش از ولادت تقدیس و وقف شده بودند (ر. ک. امث ۲۳:۸).

k این آمادگی غایی نبی است که از طریق دعوت خاص از او تحقق می‌یابد: پس از آنکه نبی در اثر طرح ازلی خدا انتخاب می‌شود و پیش از ولادت وقف می‌گردد، اینک باید در خدمت خود استوار گردد (ر. ک. لو ۲۲:۳) و رسالتش به او اعلام شود (ر. ک. آیات ۹ و ۱۰).

l ارمیا لب به اعتراض گشوده، می‌گوید که هنوز به سن لازم نرسیده (۳۰ سال، ر. ک. لو ۲۳:۳) تا بتواند فعالانه وارد زندگی اجتماعی شود (ر. ک. ۱-پاد ۷:۳؛ ایوب ۴:۳۲، ۶). منظور او نیست که مانند موسی، سخنور خوبی نیست، بلکه می‌خواهد بگوید که حق بیان کلام را ندارد. اما این اعتراض نمی‌تواند در برابر خدایی که می‌تواند به هر که می‌خواهد کلام را عطا کند، تاب آورد (خروج ۱۱:۴-۱۲؛ ۱-سمو ۱۸:۳-۲۰؛ ایوب ۸:۳۲؛ دانیال به زبان یونانی ۴۵:۱۳).

m این عبارت به گونه‌های مختلف قرائت شده است. در ترجمه آرامی و در «قیمهی» (؟)، «به هر جا» آمده. وولگات چنین قرائت می‌کند: «هر رسالتی که بر عهده‌ات بگذارم»؛ ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمه یونانی و «راشی» (ر. ک. آیه ۸). این هر سه ترجمه در آن واحد صحیح است، به این معنا که ارمیا در همه شرایط و در برابر هر کسی، استوار و راسخ باقی خواهد ماند (ر. ک. ۱۲:۲۶-۱۵، و غیره).

n هر گاه خدا رسالتی بر دوش کسی می‌گذارد، او را مطمئن می‌سازد که همراه او است و «خدا-با» (عمانوئیل) می‌باشد: پید ۲۴:۲۶؛ ۱۵:۲۸؛ خروج ۱۲:۳؛ داو ۱۲:۶؛ اش ۱۴:۷؛ ۱۰:۴۱؛ مت ۱۹:۲۸-۲۰؛ روم ۳۱:۸-در نظر ارمیا، خدا همانقدر که مالک قدرتمند عالم هستی است، مالک هر یک از عناصرش نیز می‌باشد (۳۵:۱۱)؛ و همانقدر که مالک تاریخ است (ر. ک. آیه ۱۰؛ ۷:۱۸-۱۰)، مالک هر بشری نیز هست (۱۱:۲۰؛ ۱۷:۳۹-۱۸؛ ۵:۴۵).

o در مورد این فرمول، ر. ک. توضیحات ۹:۵.

حزق ۲:۹ [۹] یهوه دست خود را پیش آورد و با آن
اش ۶:۷؛ دان ۱۰:۱۶ دهانم را لمس کرد، و یهوه مرا گفت: اینک
سخنان خود را در دهانت گذارده ام[p].
[۱۰] ببین؛ امروز تو را مقرر می دارم
اع ۹:۱۵ بنسی ۴۹:۷ بر ملت ها و بر ممالک[q]،
برای بر کندن و برای کوفتن،
و برای از میان بردن و برای ویران
کردن،
برای بنا کردن و برای کاشتن[r].

رؤیاها و مکاشفات نخستین

[۱۱] کلام یهوه به این مضمون به من
عا ۸:۲ فرا رسید: «ارمیا، چه می بینی؟» گفتم:
«شاخه ای از [درخت] نگهبان می بینم[s].»
[۱۲] یهوه مرا گفت: «درست دیدی؛ چرا که
بر کلامم نگهبانی می کنم تا آن را به انجام
۳۱:۲۸؛ دان ۹:۱۴؛ برسانم[t].»
بار ۲:۹ [۱۳] کلام یهوه برای بار دوم به این مضمون
بر من فرا رسید: «چه می بینی؟» عرض
کردم: «دیگی جوشان می بینم که روی
پیشین آن به سمت شمال است[u].» [۱۴] یهوه
مرا فرمود:
از شمال است که تیره روزی می جوشد[v]
بر علیه تمامی ساکنان سرزمین.
[۱۵] زیرا اینک فرا می خوانم ۲۵:۹؛ اش ۵:۲۶
تمامی خانواده های ممالک شمال را ـ
وحی یهوه.
ایشان خواهند آمد، و هر یک تخت ۳۹:۳؛ ۴۳:۱۰
سلطنت خود را قرار خواهد داد
در مدخل دروازه های اورشلیم،
در برابر تمامی حصارهای اطراف،
در برابر تمامی شهرهای یهودا.
[۱۶] داوری های خود را بر علیه آنها اعلام ۴:۱۲ ۲:۱۳
خواهم داشت
به سبب همهٔ بدکاری هایشان، چرا که مرا ۴۴:۳
ترک کرده اند،

p این حرکت پرمفهوم و مؤثر، یکی از عناصر تثبیت ارمیا به مقام نبوت است (توضیح آیه ۵؛ ر. ک. اش ۶:۷؛ حزق ۲:۸ تا ۳:۳؛ دان ۱۰:۱۶)؛ ارمیا از این پس این قابلیت را یافته تا عین سخنان خدا را اعلام دارد (ر. ک. ۵:۱۴؛ ۱۵:۱۹؛ خروج ۴:۱۲، ۱۵؛ تث ۱۸:۱۸؛ اش ۵۱:۱۶). او تمامی محتوای آنچه را که باید از سوی خدا اعلام دارد، یکجا دریافت نمی کند، اما این قابلیت خاص را می یابد تا کلام خدا را خدمت کند.

q ارمیا عمدتاً برای یهودا و اورشلیم فرستاده شده بود. با این حال، در مجموعهٔ نبوت هایش، پیامی که خطاب به «ملت ها» است، محدود نمی شود به بخش هایی که منحصراً به ملت ها مربوط می گردد (یعنی ۲۵، ۱۵ ۳۸: ۴۶ ۵۱) بلکه در سایر بخش های کتاب نیز به چشم می خورد (مثلاً ر. ک. ۲۷:۱۲؛ ۴۴:۳۰). در ضمن، یهودا نیز خودش هم «ملت» است (۵:۹ ۲۹؛ ۷:۲۸؛ ۹:۸) و هم مملکت.

r در خصوص این جفت فعل، ر. ک. ۲:۲۱؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۲:۱۴ ۱۷؛ ۱۸:۷، ۹؛ ۲۴:۶؛ ۳۱:۲۸؛ ۳۲:۴۱؛ ۴۲:۱۰؛ ۴۵:۴ و نیز ۳۹:۸؛ ۵۲:۱۴ کلام نبوتی این رویدادها را اعلام می دارد، آنها را فرا می خواند، و تحققشان می بخشد. در مقابل چهار فعل که بیانگر ویرانی است، فقط دو فعل بیانگر عمل بنا است؛ علت این امر این است که وظیفهٔ نخست ارمیا، اعلام مجازات است (ر. ک. ۲ ۲۵: ۴۶ ۵۱) و چشم اندازهای تفقد و بازسازی عمدتاً فقط در فصل های ۳۰ تا ۳۳ مشاهده می شود.

s در عبری، کلمهٔ «بادام» با «نگهبان یا مراقب» هم ریشه است و ما در اینجا آن را در معنای ریشه شناختی اش ترجمه کرده ایم؛ «بادام» به درختی اشاره می کند که بر سایر درختان نگهبانی می دهد زیرا پیش از هر درخت دیگری شکوفه می دهد (گاه در ماه ژانویه) (این توضیح بر اساس ترجمه اوستی تهیه شده /آرمان). خدا از آنچه نبی در حال مشاهده است، استفاده می کند تا چشمان او را به روی حضور خود که دائماً در حال عمل است، و نیز به روی طرح خود بگشاید، اما مشاهدات نبی می تواند صرفاً مکاشفه ای فوق طبیعی باشد، هم در اینجا و هم در آیه ۱۳.

t نام درخت «بادام» (در عبری: «شاقد») یادآور خداوند «مراقب» (در عبری: «شوقد») می باشد. کلام خداوند تماماً جامهٔ عمل خواهد پوشید: ۲۳:۲۹؛ ۴۴:۲۹؛ ۵۱:۶۴؛ یوشع ۲۳:۱۴؛ ۱ـ سمو ۳:۱۹؛ اشَ ۵۵: ۱۰ ۱۱؛ حب ۲:۳؛ مز ۱۳۰:۵؛ طو ۱۴:۴؛ مت ۵:۱۸؛ ۲ـ پطر ۳:۹.

u نشانگر تیره بختی میباشد که حاضراست روی یهودیه انداخته شود که از شمال (ساکاها یا بابل)خواهد امد.

v قرائت متن عبری: «از جانب شمال است که تیره روزی در می گشاید» قرائت ترجمه یونانی: «... زبانه می کشد» دیگ یادآور بدبختی است که از شمال بر یهودا فرو خواهد ریخت. ر. ک. توضیحات ۴:۲۰.

برای خدایان دیگر بخور سوزانده اند[w]
و در برابر عمل دستان خود سجده
کرده اند.
۶:۲۵؛ ۲پا ۱۷:۲۲ [17]اما تو، کمر خود را ببند و بایست!
به ایشان خواهی گفت
هر آنچه را که به تو امر کنم.
به سبب ایشان هراسان مباش،
و گرنه، تو را در برابر ایشان هراس
خواهم ساخت[x].
[18]و اینک امروز از تو شهری حصاردار
خواهم ساخت،
ستونی آهنین،
حصاری برنجین
در مقابل تمام سرزمین:
اش ۷:۵۰؛ حز ۸:۳؛ میک ۸:۳ (یعنی در مقابل) پادشاه یهودا، رؤسای
او،
کاهنانش و مردم سرزمین[y].
[19]با تو جنگ خواهند کرد،
اما بر تو چیره نخواهند شد،
زیرا من با تو هستم ۲۰:۱۵؛ صف۳: ۱۴ ۱۸
ـ وحی یهوه ـ تا تو را برهانم.

محبت نخستین

۲ [1]کلام یهوه به این مضمون به من ۳:۱۳
فرا رسید:
[2]برو، به گوش های اورشلیم فریاد برآور ۱۲:۳
(که) یهوه چنین سخن می گوید:
وفاداری جوانی ات را برایت به خاطر حز۱۶: ۶۰
می آورم،
محبت دوران نامزدی ات را،
آن گاه که مرا در بیابان[z] دنبال می کردی، تث۲:۷؛ ۸:۲ ۴
در سرزمینی که در آن نمی کارند.
[3]اسرائیل [مایملک] مقدس[a] یهوه بود،
نوبر حصاد او؛
جمله آنان که از آن می خوردند، مجرم هو۲: ۲۰
می شدند،

w ارمیا مانند هوشع (هو ۲: ۱۵؛ ۱۳:۴؛ ۱۱: ۲)، اغلب این عمل و سنت بت پرستی را تقبیح می کند (این امر ۱۸ بار در این کتاب ذکر شده که ۸ مرتبهٔ آن در فصل ۴۴ یافت می شود). در کتاب ارمیا، اصطلاح «بخور سوزاندن» به عنوان روشی برای عبادت خداوند، فقط در ۱۸:۳۳ به کار رفته است، اما این بخش احتمالاً مربوط به دوران بعد از ارمیا است.

x ر. ک. ۱:۱۰؛ ۲:۳۰؛ ۱۰:۳۰. خداوند آنانی را که به او اعتماد نمی کنند رها می سازد (ر. ک. اش ۹:۷؛ مت ۱۳:۲۵): ایمانی راسخ سبب پدیدآیی اطمینانی عظیم می گردد (ر. ک. توضیحات اع ۱۳:۴؛ ۲۸:۳۱).

y این اصطلاح در آن زمان، به مجموع شهروندانی اشاره می کرد که از تمام حقوق مدنی برخوردار بودند و وظایف خاصی نیز شامل حالشان می شد: ایشان می توانستند در امور اجتماعی مداخلت کنند (۲ـ پاد ۲۱:۲۴؛ ۲۳:۳۰؛ ر. ک. ۲ـ پاد ۱۴:۲۱) و همچنین موظف به انجام خدمت نظام بودند (۲۵:۵۲).

z ارمیا همانند هوشع (هو ۲:۱۶ ۲۲)، به دورهٔ بیابان از دیدگاه معجزاتی که خدا به عمل آورد می نگرد، نه از دیدگاه سرکشی های اسرائیل (حزق ۲۰:۱۳؛ مز ۷۸: ۴۰؛ ۹۵: ۱۰؛ ۱۰۶:۱۴): او فقط به وفاداری ایشان در پیروی از «راهنمایشان» در آن زمین لم یزرع («سرزمینی که در آن نمی کارند») توجه می کند: در چارچوبی چنین خشک و خشن، حضور الهی با قوت بیشتری حکمفرما بود و عبادت خدا بی پیرایه تر (ر. ک. ۷:۲۲؛ عا ۵:۲۵): مذهب نیز در مقایسه با خیانت هایی که از همان آغاز استقرار و جایگیری در کنعان حاکم شد ناب تر بود (آیات ۲۰ ۲۸)، و این جایگیری درست همان چیزی بود که رکابیان رد کردند (فصل ۳۵).

a قرائت تحت اللفظی: «چیز مقدس برای یهوه» (ر. ک. ۱۱:۱۵؛ ۳۱:۴۱؛ ۲۳:۹؛ ۲۵:۳۰؛ ۳۱:۲۳؛ خروج ۲۸:۳۶). فقط خداوند می تواند آن را مورد استفاده قرار دهد (ر. ک. ۳۶:۲۶؛ مز ۱۰۵:۱۵).

(و) دچار بلا می‌گردیدند[b]
وحی یهوه.

بار۳: ۱۲ رها کردن چشمهٔ آب زنده[c]

۷:۲ [4] ای خـانـدان یـعـقـوب و ای تـمـامی
حز۶:۳؛ هو۴:۱ خانواده‌های خاندان اسرائیل، کلام یهوه را
بشنوید:
[5] یهوه چنین سخن می‌گوید:
تث۳۲:۴؛ پدران شما در من چه بی‌عدالتی یافتند
اش۱:۱-۲؛ ایو۳۴:۱۰ که از من دور شدند،
۲پا۱۷:۱۵؛ (و) به دنبال «بطالت» رفتند
یون۲:۹؛ حک۱۳:۱ و خودشان نیز بطالت شدند[d]؟
اش۶۳:۱۱؛ [6] و نگفتند: «کجا است یهوه
ایو۳۵:۱۰ که ما را از سرزمین مصر بر آورد،
تث۳۲:۱۰-۱۲ که ما را در بیابان هدایت کرد،
در سرزمینی پر از صحراها و آبکندها،
در سرزمینی خشک و تاریک،
در سـرزمـینی که هیچـکس از آن عـبور
نمی‌کند
و جـایی که هـیچ انـسـانی در آن سـاکن
نمی‌شود؟»
[7] شـمـا را به سـرزمـینی از باغ‌هـا داخل تث۳۲:۱۳-۱۸
ساختم تا از میوه‌ها و مواهبش بخورید،
امـا چـون داخل شـدیـد، سـرزمـین مـرا
ناپاک کردید ۲۳:۱۵؛
و میراث مرا نفرت انگیز ساختید. اش۲۴:۵
[8] کاهنان نگفتند:
«کجا است یهوه؟» ۲پا۲:۱۴
آنان که شریعت را نگاه می‌دارند، مرا لو۱۱:۵۲
نشناختند[e]،
چوپانان[f] به من بی‌وفا بودند، ۵:۵
انبیا[g] به واسطهٔ بعل نبوت کردند،

[b] محبت خداوند باعث می‌شود که او کسانی را که خاصانش را لعنت می‌کنند، تحمل نکند (پید ۱۲:۳؛ اعد ۲۲-۲۴)؛ او خاصانش را در سختی‌ها محافظت می‌کند (پید ۳۵:۵؛ حک ۱۰:۱۱-۱۲)، و هر که را که بر آنان دست بگذارد (۱۰:۲۵ و توضیحات؛ پید ۱۲:۱۷؛ ۲۰:۳، ۷؛ مز ۱۰۵:۱۴)، یا هر کس را که رسالتی را که خداوند خودش موقتاً تعیین کرده، مورد سوء استفاده قرار دهد، مجازات می‌کند (ر.ک. اش ۱۰:۵-۱۹؛ ۴۷:۶-۸؛ زک ۱:۱۵) ر.ک. توضیحات زک ۱۱:۱۰.

[c] این وحی (آیات ۴-۱۳) پروندهٔ اتهامات اسرائیل را باز می‌کند: اسرائیل آن «همسری» است که متهم است کسی را که همه چیز او بود رها کرده (آیات ۲-۳) کسی را که «چشمهٔ آب زنده» بود (آیه ۱۳)، و اینک به دنبال سراب‌ها رفته است (ر.ک. آیه ۱۸). خداوند در آغاز ثابت می‌کند که نه او (آیه ۵) بلکه ایشانند (آیات ۶-۸) که خطاکارند. اتهاماتی که او وارد می‌سازد (آیه ۹) به شکل مقایساتی بسط می‌یابد ک برای اسرائیل طاقت فرسا است (آیات ۱۰-۱۳): مجازات ایشان (وحی بعدی) چیزی جز نتیجهٔ ارتداد خودشان نیست (آیات ۱۷، ۱۹)؛ آری، به راستی که ایشان از راه منحرف شده‌اند (ر.ک. آیه ۱۸).

[d] انسان به هر آنچه دل ببندد، به شباهتش در می‌آید (هو ۹:۱۰؛ مز ۱۱۵:۸؛ ۱۳۵:۱۸؛ ۲-قرن ۳:۱۸).

[e] در این آیه، ارمیا، پس از میکاه (میک ۳:۱۱)، خیانت مسئولان اصلی قوم عهد را افشا می‌کند؛ او نخست از خیانت کاهنان شروع می‌کند که نخست رسالتشان، نگاه داری و تفسیر مفاد عهد، و دادن رهنمودهای الهی بود (۱۸:۱۸؛ لاو ۱۰:۱۱؛ اعد ۲۷:۲۱؛ تث ۳۱:۹-۱۳؛ ۳۳:۱۰؛ حزق ۷:۲۶؛ هو ۴:۶؛ ملا ۲:۷؛ بنسی ۴۵:۱۷، ۲۶؛ ر.ک. اش ۲:۳؛ توضیحات ۸:۱۶). در زمینهٔ کهانت در اسرائیل، ر.ک. مقدمهٔ لاویان ـ «نگاه می‌دارند» = قرائت تحت اللفظی: «در دست حرکت می‌دهند» که اشاره‌ای است به روش‌های درخواست مشورت از خدا، ر.ک. توضیحات خروج ۲۸:۳۰؛ ۱-سمو ۱۴:۳۶-۴۲.

[f] «چوپانان» که همان «بزرگان» در میک ۳:۱۱ می‌باشد، به پادشاهان اشاره دارد که در بخش مربوط به پادشاهان (۲۱:۱ تا ۲۳:۸) بیشتر در مورد آنان بحث می‌شود.

[g] این بدترین خیانت است که در آیات دیگر نیز افشا شده (یعنی ۵:۱۳، ۳۱؛ ۶:۱۳؛ ۸:۱۰؛ ۱۴:۱۳-۱۵؛ ۲۷:۹، ۱۴-۱۸؛ ۲۸؛ ۲۹:۸-۹، ۱۵؛ ۳۷:۹)، خصوصاً در بخشی که علیه انبیا است (۲۳:۹-۴۰). شباهت این آیه با ۲۳:۱۳ (همچنین ر.ک. ۱-پاد ۱۸)، ظاهراً حاکی از آن است که ارمیا در اینجا نه فقط انبیای یهودا را که همدورهٔ او می‌باشند، بلکه انبیای شمال را نیز مد نظر دارد. در ۱۸:۱۸ در کنار گروه کاهنان و انبیا، به گروه حکیمان نیز اشاره شده که قابلیت این را دارند که

به دنبال آنانی رفتند که به هیچ کار
نمی‌آیند! ۱۱:۲: ۱سمو۱۲:۲۱
[۹]به این سبب است که بار دیگر شما را
به جنایت متهم خواهم ساخت
- وحی یهوه -
پسران پسرانتان را نیز به جنایت متهم خروج۲۰:۵
خواهم ساخت[h].
[۱۰]پس به جزیره های کتّیم[i] گذر کنید و
ببینید،
به قیدار[j] بفرستید و خوب دقت کنید؛
ببینید آیا چیزی مانند این وجود دارد!
[۱۱]آیا ملتی خدایان خود را معاوضه
می‌کند[k]؟
- با اینکه آنها خدا نیستند. ۷:۵
اما قوم من «جلال»[l] خود را معاوضه مز۱۰۶:۲۰
کرده است ۱۹:۱۶: اش۴۴:۹
با چیزی که به هیچ کار نمی‌آید!

[۱۲]ای آسمان‌ها، از این امر متحیر
باشید، اش۱:۲
بلرزید و کاملاً حیران باشید
- وحی یهوه.
[۱۳]زیرا قوم من دو کار بد مرتکب شده هو۱۰:۱۰
است:
ایشان مرا، چشمهٔ آب زنده را، رها ۱۷:۲: ۱۳:۱۷
کرده‌اند
تا برای خود آب انبارها بسازند، یو۴:۱۰
آب انبارهای ترک دار
که آب را نگاه نمی‌دارند!

درد و تلخی

[۱۴]آیا اسرائیل برده‌ای خریداری شده
است
یا خانه‌زاد[m]؟
چرا تبدیل به غنیمت شده است؟

مسائل را درست تبیین کنند، و اعتقادات عمومی و درس های تجربی را به موقع ابراز دارند، و نسبت به امور نگرشی درست داشته باشند؛ ایشان به واسطهٔ همین قابلیت ها، می‌توانند مانع گمراهی قوم شوند (امث ۲۹:۱۸).

h در نسخ خطی عبری و وولگات، فقط آمده: «پسرانتان را...»

i «کتیم» در آن زمان نه فقط به مردمان قبرس، بلکه به تمامی اهالی کناره های بخش شرقی حوزهٔ مدیترانه اشاره داشت (ر.ک. توضیحات اعد ۲۴:۲۴ و توضیحات اش ۲۳:۱).

j «قیدار» قبیله ای است در شمال عربستان (ر.ک. توضیحات اش ۲۱:۱۶) که در ۴۹:۲۸ نیز آن را باز می یابیم.

k مذهب نهادی دولتی بود و چنان وابسته به زندگی مردم بود که تغییر خدایان تقریباً غیرقابل تصور می نمود؛ اما افزودن به مجموعهٔ خدایان ملی امری بود که با رغبت انجام می شد. نعمان که یکی از نخستین گروندگان به خدای حقیقی بود و عهد عتیق ماجرای او را برای ما نقل می کند، این ضرورت را احساس می کرد که هر گاه می‌خواست خداوند را عبادت کند، مخفیانه از کشور خود خارج شود (۲ـ پاد ۵:۱۷ و توضیحات).

l خداوند برای قوم، گرانبهاترین بود: او ارزش واقعی ایشان بود، سرچشمهٔ زندگی شان (ر.ک. آیه ۱۳)، اساسی ترین جنبهٔ شخصیت ایشان و نیز هر فردی، یعنی جلال ایشان (مز ۸:۶؛ ایوب ۱۹:۹؛ ۲۹:۱ ۲۰) یا جگر آنان (به عبری «کاود» که مشابه «کاوُد» = جلال است و گاه با آن اشتباه می شود، ر.ک. توضیحات مرا ۲:۱۱ و ر.ک. مز ۷:۶؛ ۱۶:۹؛ ۳۰:۱۳؛ ۱۰۸:۲)، ر.ک. توضیحات ما ۶:۸ در حالی که غیریهودیان بی‌چون و چرا به خدایانشان که «به هیچ کار نمی‌آیند» این چنین چسبیده اند، اسرائیل به خدا که «جلالشان» می باشد، خیانت کرده اند. در مورد خدای واقعی که جلال قوم خود می باشد، ر.ک. در عهد جدید: ۲ـ قرن ۳:۱۸؛ کول ۱:۱۱؛ ۱ـ پطر ۴:۴.

m ر.ک. پید ۱۴:۱۴؛ ۱۷:۱۲ ۱۳، ۲۳، ۲۷؛ لاو ۲۲:۱۱. منظور برده یا غلامی است که با پول خریداری نشده، بلکه در خانهٔ ارباب، همچون برده زاده شده است. دردسر چنین برده‌ای کمتر است. آیات ۱۴ ۱۷ گویی در حکم پرانتز است؛ آیه ۱۸ که آن را می‌توان به راحتی بعد از آیه ۱۳ آورد، روابطی را میان اسرائیل و مصر مفروض می گیرد که با روابط مذکور در آیه ۱۶ متفاوت است (جنگ نکوی دوم در سال ۶۰۹ ق.م.؟)

۴:۷؛ ۵۱:۳۸
۱۵ شیربچگان بر علیه او می غرند[n]،
صدا برآورده اند؛
سرزمین او را به ویرانی سپرده اند،
شهرهایش سوزانده شده، سکنه ای
ندارد.
۱۶ حتی پسران نوف و تَحفَنیس[o] سر تو
را تراشیده اند[p]!
۱۷ آیا این بر تو واقع نشده
۲:۱۹؛ ۵:۷
از این سبب که یهوه، خدایت، را ترک
کرده ای،
در آن زمان که او تو را در راه هدایت
می کرد؟

۱۸ و اینک چه کار داری که راه مصر را
در پیش می گیری
تا آب شیحور[q] را بنوشی؟
و چه کار داری که راه آشور را در پیش
می گیری[r]
تا آب «رود»[s] را بنوشی؟
امد ۱۴:۳۴؛ مز ۱۰۷:۱۷؛ حک ۴:۲۰
۱۹ بادا که بدکاری ات تو را اصلاح کند،
بادا که ارتدادت[t] تو را تنبیه کند.
پس بدان و ببین که چقدر بد و تلخ است
۲:۱۳؛ ۱:۱۶؛ ۵:۲۲
که یهوه، خدایت، را رها کنی
و از من ترسان نباشی[u]
ـ وحی خداوند یهوه لشکرها.

n منظور شیرهای کوچک نیس، بلکه مقصود شیرهایی است که در اوج قدرت جوانی خود هستند، در خصوص تصویر غرش شیر (۸:۱۲)، ر.ک. توضیحات اش ۵:۲۹.

o «نوف» و «تحفنیس» نام های عبری شهرهایی است که به یونانی «ممفیس» و «دافنه» خوانده می شود. «تحفنیس» در کنار دریاچهٔ «منزاله»، بین «تانیس» و «پلوز» (در شرق دلتای نیل) واقع شده است. در خصوص «نوف» (حزق ۳۰:۱۳، ۱۶) (همان ممفیس، در کنار نیل در نزدیکی قاهره) یا «موف» (هو ۹:۶) و «تحفنیس» (۴۳:۷، ۹؛ ۴۴:۱؛ حزق ۳۰:۱۸)، ر.ک. به توضیحات ۴۶:۱۴ و توضیحات اش ۱۹:۱۳.

p ر.ک. توضیحات ۴۸:۴۵ و ۶:۳؛ مز ۸۰:۱۴. ترجمهٔ احتمالی دیگر: «پوست سرت را کنده اند».

q «شیحور» (ر.ک. اش ۲۳:۳) نام شاخهٔ شرقی نیل است که به دریاچهٔ «منزاله» در نزدیکی «تحفنیس» ختم می شود.

r این کشور کوچک در معرض این وسوسه بود که به یکی از این دو قدرت بزرگ، یکی واقع در جنوب غربی و دیگری واقع در شمال شرقی، تکیه کند، و همواره میان آنها در کشاکش بود. انبیا در نقطه مقابل، موعظه می کردند که یهودا فقط باید به خداوند تکیه کند (ر.ک. آیه ۱۳؛ حزق ۲۹:۱۶ و توضیحات، و قبلاً در هو ۵:۱۳؛ ۷:۱۱؛ ۸:۹ و ۱۲:۲؛ ۱۴:۴ و توضیحات آنها). در پایان سدهٔ پیشین (توضیحات اش ۳۰:۱)، اشعیا همواره با اتحاد با مصر مخالفت کرده بود (توضیحات اش ۲۰:۲؛ توضیحات ۲۸:۲)، اتحادی که در نهایت برای حزقیا بسیار گران تمام شد. ناحوم که به دوره ارمیا نزدیکتر بود، شکنندگی قدرت آشور را اعلام می داشت (ر.ک. نا ۱:۹ تا ۲:۳ و توضیحات). در روزگار ارمیا، وضعیت اساساً مانند گذشته باقی ماند، با اینکه شرایط تغییر کرده بود. در شمال، بابل می رفت تا جای نینوا را بگیرد، و در جنوب، پس از فاجعه سال ۶۶۳ ق.م. که طی آن سلسلهٔ نوبیایی فرو پاشید، احیای ملی به واسطهٔ سایی ها، سلسلهٔ ۲۶، تحقق یافت؛ در برخی از دوره ها، تمام امیدهای یهودا در این سلسله تبلور می یافت (آیه ۳۷)، زیرا این سلسله توانسته بود مصر را از یوغ آشور رهایی دهد.

s منظور از «رود» همان رود فرات است (پید ۳۱:۲۱؛ خروج ۲۳:۳۱، و غیره) که «رود بزرگ» نیز نامیده شده است (پید ۱۵:۱۸؛ تث ۱:۷؛ یوشع ۱:۴)؛ این رود بر سر «راه آشور» قرار دارد (ر.ک. اش ۷:۲۰) که شهرهای بزرگش (نینوا، کالح، آشور) در امتداد رود دیگری، دورتر از این یک، قرار دارد، یعنی رود دجله (دان ۱۰:۴).

t علاوه بر امث: ۱:۳۲؛هو ۱۱:۷؛۱۴:۵این کلمه فقط درارمیا پیدا میشود .ار۸:۵؛۳:۲۲؛۵:۶؛۱۴:۷؛۳:۶؛۸:۱۱؛۱۲:۱۱.

u قرائت تحت اللفظی: «و نه لرزشی (در مقابل) من نزد تو» منظور همانا فقدان ترس خداوند است که اصل حکمت می باشد: تث ۶:۴؛ ایوب ۲۸:۲۸؛ امث ۱:۷؛ ۹:۲۰؛ بنسی ۱:۱۶. یک روز، خداوند جامعهٔ «بازگشتی ها» را در این حالت ترس که برای زندگی کردن در عهد اساسی است، استوار خواهد ساخت (۳۲:۴۰).

رد استدلالات متهم[v]

۲۰ آری، از دیرباز[w] یوغ خود را شکستی،
بندهایت را گسستی، ۵:۵
گفتی: «خدمت نخواهم کرد!» ۱۱:۱۰؛ مت۱۱:۳۰
آری، بر روی هر تپهٔ مرتفع
و زیر هر درخت سبزی
دراز کشیدی و روسپیگری کردی[x]!
۲۱ اما من با مرغوب‌ترین[y] تاک‌ها تو را مز۸۰: ۹ ۱۰
غرس کرده بودم،
همه، با اصل و نسبی درست؛
پس چگونه به نهالی فاسد تبدیل شدی، تث۳۲: ۳۲
به تاکی حرام زاده؟
۲۲ اگرچه خود را با اُشنان پاک سازی، ایو۹: ۳۰
اگرچه برای خود نمک قلیا را به فراوانی
به کار بری،
خطایت در برابر من چسبیده است ۱۷: ۱
- وحی خداوند یهوه.
۲۳ چگونه توانی گفت: «خود را ناپاک ۴۸: ۱۴
نساخته‌ام،
(و) در پی بعل‌ها نرفته‌ام؟»
راه خود را در «دره»[z] ببین،
آنچه را که کرده‌ای تصدیق کن.

v در این وحی، تصاویر فراوانی از بی‌بند و باری باور نکردنی قوم عهد به چشم می‌خورد، تصاویری که گاه فاقد نظم است. از ورای این تصاویر، می‌توان حالتی را حس کرد که مدت‌ها مهار شده بود، اما سرانجام به نقطهٔ انفجار می‌رسد: «شدت احساسات از انسجام تصاویر سنگین‌تر می‌نماید» (توضیحات هو ۱: ۲). در اینجا است که بار دیگر شاهد از سرگیری دعوی می‌باشیم (آیه ۲۸، ر.ک. آیه ۲۶)، که از ابتدای فصل آغاز شده بود (ر.ک. توضیحات آیه ۴) و اغلب نیز تکرار می‌شود (مثلاً آیه ۳۵: ۵: ۱ ۹).

w یعنی از زمان ورود به سرزمین موعود (ر.ک. توضیحات آیه ۲)، یا حتی پیش از آن، از زمان خروج (حزق ۲۰: ۲۳؛ اع ۷: ۵۱). ارمیا مکرراً به فساد اسرائیل (مثلاً ۶: ۲۷ ۳۰: ۸: ۴ ۷: ۱۳: ۲۳) و به نااطاعتی ایشان اشاره می‌کند: این نااطاعتی سبب می‌شود که ایشان کمترین قید و بندی را تحمل نکنند، و هر چه را که مانعی بر سر راه هوس‌هایشان قرار می‌دهد، خدمت در بردگی تلقی کنند. در اینجا نماد ازدواج هوشع را باز می‌یابیم، یعنی «زنی بی‌وفا که راه بازگشتی ندارد» (مقدمهٔ هوشع)، ر.ک. به توضیح بعدی.

x قوم اسرائیل بر این تصور بودند که می‌توانند همانند سایر ملت‌ها (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱)، عبادت بعل‌های سرزمینی را که به تصرف درآورده بودند، در کنار عبادت خداوند خود انجام دهند: اعتقاد بر این بود که این بعل‌ها می‌توانند سبب حاصلخیزی زمین گردند: عبادت بعل‌ها در مکان‌هایی صورت می‌گرفت که یادآور حاصلخیزی بود (درختزارهایی که همیشه «سبز» بود: ۳: ۶، ۱۳؛ تث ۱۲: ۲ و توضیحات؛ ۱-پاد ۱۴: ۲۳؛ ۲-پاد ۱۶: ۴؛ ۱۷: ۱۰؛ اش ۱: ۲۹ و توضیحات؛ ۵۷: ۵؛ حزق ۶: ۱۳؛ هو ۴: ۱۳؛ ر.ک. توضیحات ۱-پاد ۳: ۲)؛ این عبادت با اعمالی همراه بود که انبیا آنها را مخالف احکام الهی می‌شماردند (ر.ک. هو ۲: ۱۵). خداوند چنین اشتراکی را نمی‌پذیرد (ر.ک. توض [مخفف توضیحات/آرمان] نا ۱: ۲؛ یع ۴: ۴ ۸). قوم او باید برای همه چیز به او چشم بدوزند، حتی برای حاصلخیزی زمینشان (مقدمه هو و توض ۱۴: ۹؛ ر.ک. ار ۳: ۳: ۱۱: ۱۶)؛ هر عمل بت‌پرستانه، خاصه عبادت این بعل‌های منفور که خداوند نمی‌خواهد حتی نامشان بر زبان آورده شود (هو ۲: ۱۹)، بی‌وفایی و خیانت به «شوهرش» (آیه ۲؛ اش ۵۴: ۵؛ هو ۲: ۱۸)، وزنایی به حساب می‌آید که اغلب در حد روسپیگری توصیف شده است (۳: ۱ ۴؛ ۵: ۷؛ ۱۳: ۲۷...؛ اش ۵۷: ۳؛ حزق ۱۶؛ ۲۳؛ هو ۲: ۷؛ ۴: ۱۰؛ ر.ک. مت ۱۲: ۳۹؛ ۱۶: ۴؛ مر ۸: ۳۸؛ یو ۸: ۴۱؛ یع ۴: ۴).

y قرائت تحت اللفظی به: «سرخ»، «لعل گون»، یا «سورق»، این نام گذاری شاید به این اشاره دارد که این نهال‌ها از «وادی سورق» می‌آمد (داور ۱۶: ۴)؛ ر.ک. پید ۴۹: ۱۱؛ اش ۵: ۲؛ ۱۶: ۸. در مورد تاک که نماد قوم عهد می‌باشد، ر.ک. توضیحات اش ۵: ۱.

z احتمالاً منظور «دره‌ای» است که اورشلیم را از غرب و جنوب احاطه می‌کرد و از دروازهٔ «وادی» می‌شد به سوی آن رفت (توضیحات نح ۳: ۱۳؛ ۲: ۱۳، ۱۵؛ ۲-توا ۲۶: ۹) و به نام وادی ابن هنّوم (۷: ۳۱ ۳۲؛ ۱۹: ۶؛ ۳۲: ۳۵؛ ر.ک. توضیحات یو ۱۵: ۸) شناخته شده است. در مورد مراسم مذهبی نفرت انگیز که این دره محل نمایش آنها بود، ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۲۳: ۱۰. این دره تبدیل خواهد شد به نماد ملعون‌ترین مکان: توضیحات مت ۵: ۲۲.

مـاده شـتـر سـبک که قـدم هـایش بـا هم
تلاقی می کنند[a]،
۲۴ مـاده الاغ وحـشی که بـه صـحـرا خـو هو۸: ۹
گرفته،
در شدت میلش، هوا را نفس می کشد؛
شهوت او را چه کس باز خواهد داشت؟
هر که او را بجوید، نیازی ندارد خود را
درمانده سازد؛
او را در ماهش می یابند[b].
۲۵ مراقب باش که پایت، کفش خود را
گم نکند
(و) گلویت تشنه نگردد.
اما تو می گویی: «نه! بی فایده است! ۱۲:۱۸
من بیگانگان[c] را دوست می دارم ۱۳:۳؛ تث۳۲:۱۶
و می خواهم در پی شان بروم.»
۲۶ به آن سان که دزد چون گرفتار آید،
شرمسار گردد،
به همان سان، شرمسار خواهند گشت
آنان که از خاندان اسرائیل اند،
ایشان، پادشاهانشان، بزرگانشان،
و کاهنان و انبیایشان،
۲۷ (آنان) که به چوب می گویند: «تو ۳:۹؛ تث۳۲:۶؛ حک۱۷:۱۳
پدر من هستی!»
و به سنگ (می گویند): «مرا تو
زاده ای[d]!»
زیرا ایشان پشت خود را به من
برگردانده اند
و نه روی خود را.
آنگاه، به وقت تیره بختی شان می گویند:
«برخیز و ما را نجات ده!»
۲۸ پس کجایند خدایانی که برای خود ۱۰:۸،۱۴؛ ۱۶:۲۰؛ تث۳۲:۳۷ ۳۸؛ ۱ پا۱۹:۱۸؛ اش۲:۸؛ هو۱۴:۴؛ نامه ار۳۶
ساخته ای؟
بادا که برخیزند، اگر می توانند تو را به
وقت تیره بختی ات نجات بخشند!
زیرا خدایانت، ای یهودا
به تعداد شهرهایت می باشند[e]!
۲۹ چرا مرا به جنایت متهم می کنید؟
شما همگی نسبت به من بی وفا بوده اید
وحی یهوه.

a تصویر بی ثباتی و بولهوسی (ر.ک. توضیحات آیه ۲۰) و نیز تصویر تشویش و نگرانی.

b منظور یا «ماه» میل جنسی اوست که طی آن، الاغان نر دچار زحمتی در یافتن او نمی شوند زیرا که او خودش به استقبال ایشان می آید، یا آخرین «ماه» بارداری اوست که می توانند به راحتی او را غافل گیر کنند، زیرا در آن زمان دیگر مانند دورهٔ میل جنسی اش، غیر قابل دسترس نیست.

c «بیگانگان» احتمالاً در وهلهٔ نخست، اشاره به مردان دارد، مانند ۵:۱۹؛ ۳۰:۸؛ ۵۱:۲، ۵۱؛ اش ۱:۷ و غیره. همچنین می توانند دلالت کنند بر خدایان مانند ۳:۱۳ (ر.ک. مز ۴۴:۲۱؛ ۸۱:۱۰). منظور همیشه بی وفایی اسرائیل نسبت به «شوهر» خود می باشد (آیه ۲)، موضوعی که دائماً افشا می شود (ر.ک. توضیحات آیه ۲۰؛ ر.ک. حزق ۱۶:۳۲). این «بیگانگان» هر چقدر هم فریبنده باشند (ر.ک. حزق ۲۳)، رفتارشان نمی بایست در نظر اسرائیل پسندیده بیاید.

d اشاره ای جدید به عبادت در مکان های بلند (ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۳:۲) که در آنجا ستون های مقدس، نماد خدایانی بود که از سوی خداوند رد شده بودند (تث ۷:۵؛ ۱۶:۲۱ ۲۲). در خصوص پدر بودن خدایان نسبت به پیروانشان، ر.ک. اعد ۲۱:۲۹؛ ملا ۲:۱۱.

e ترجمهٔ یونانی حاوی این جملهٔ اضافی است: «و قربانی هایی که به بعل تقدیم می شود، به تعداد کوچه های اورشلیم است»؛ ر.ک. ۱۱:۱۳؛ هو ۸:۱۱. یوشیا با قدرت بر علیه کثرت و تعدد مکان های عبادت اقدام کرد، چرا که می توانست منجر به شرکت شود، ر.ک. توضیحات تث ۱۲:۵.

اعلام جرم[f]

۳۰ پسران شما را بیهوده زدم:
ایشان[g] درس را نپذیرفتند؛ ۵:۳
شمشیرتان[h] انبیای شما را دریده است، اش ۱:۲۰؛ نح ۹:۲۶؛ ۱تسا ۲:۱۵
همچون شیری ویرانگر.
۳۱ شگفتا از این نسل شما! کلام یهوه را ببینید[i].
آیا من برای اسرائیل، بیابان بوده ام؟
یا سرزمینی با تاریکی غلیظ؟
چرا قوم من می گویند: «ما آزادیم، ۲:۲۰؛ ۵:۲۳
دیگر به سوی تو نخواهیم آمد»؟
۳۲ آیا دختر جوان زینت خود را فراموش می کند،
یا عروس، کمربندهای خود را؟
اما قوم من مرا فراموش کرده است[j] ۲:۱۷؛ ۶:۱۹
از روزهای بی شمار پیشین!
۳۳ راه های خود را چه خوب آماده می سازی
تا به دنبال عشق بگردی!
به همین سبب است که راه های خود را آشنا ساختی
حتی با بدی!
۳۴ خون موجودات بی گناه را مراثی ۴:۱۴
که به هنگام جرم ایجاد رخنه[l] گرفتار نکرده بودی،
تا به دستانت[k] می یابند!
اما با تمام اینها
۳۵ می گویی: «من بی گناهم،
خشم او بی گمان از من برگشته است». ۳:۵
اینک با تو وارد داوری می شوم،
از این سبب که می گویی: «گناهی نکرده ام[m].»
۳۶ چقدر برایت کم ارزش است[n] (؟)
که راهت را تغییر دهی!
از مصر نیز سرخورده خواهی شد، ۴۸:۱۳؛ اش ۳۰:۳

f این فراخوانی است جدید و عاجل برای توجه به این حقیقت که ایشان خداوند را به شدت رد کرده اند، گرچه آن را انکار می کنند (آیه ۳۵). او دیگر نمی تواند بیش از این تحمل کند که ایشان در رفتار خود نسبت به خداوند، چنین بی توجهی واقعی یا ساختگی نشان دهند.

g ترجمهٔ یونانی: «شما نمی پذیرید».

h ترجمه های یونانی و سریانی: «شمشیر».

i این خطاب احتمالاً توضیح کاتبی است که می خواسته اهمیت «کلام یهوه» را برای هر دوره خاطرنشان سازد و روش کند که آن را باید مجدداً درک کرد («ببینید»)؛ ر. ک. توضیحات ۱۴:۱۰.

j ر. ک هو ۲:۱۵ و تث ۸:۱۴.

k این ممکن است به این معنا باشد که این جنایات در ملاء عام صورت گرفته (مسودات داوید و ر. ک. ترجمه یونانی در خصوص «روی دستانت»). یا بر عکس، ممکن است به این معنا باشد که جنایت در خفا انجام گرفته است (آرامی، تفسیر «قیمهی»).

l این عبارت، ترجمه ای است فرضی از متنی ناقص. در ضمن، بر اساس قرائت «قیمهی»، این عبارت را به آیهٔ بعدی متصل کرده ایم.

m واژهٔ عبری که در اینجا به کار رفته، اصطلاحی است متداول در واژگان مربوط به گناه؛ معنی آن چنین است: «به هدف نخوردن» (توضیحات مرا ۴:۶)؛ ر. ک. داور ۲۰:۱۶؛ مز ۳۹:۲ (در اینها، معنی آن «دور شدن» می باشد) و در امث ۸:۳۵-۳۶ در معنای مقابل «یافتن» به کار رفته است.

n یا: «چگونه به انحراف می روی».

همچنان که از آشور شدی[o].
۳۷از آنجا نیز بیرون خواهی آمد، ۲سمو۱۳:۱۹
و دستانت بر سرت خواهد بود،
زیرا یهوه آنان را که بر ایشان اعتماد
داشتی، رد کرده است،
و با آنان توفیق نخواهی یافت.

روسپی نامدار

۳ ۱[کلام یهوه] به این مضمون[p] [به
من فرا رسید]:
اگر مردی زن خود را طلاق دهد
و این زن پس از ترک وی،
از آن مرد دیگری باشد،
آیا می تواند به سوی وی باز گردد[q]؟
چنین زنی
آیا تماماً آلوده نیست[r]؟ ۲:۷؛ ۳:۲، ۹
اما تو که با فاسقان بسیار روسپیگری
کرده ای،
آیا به سوی من باز خواهی گشت[s]!؟
وحی یهوه.

۲چشمان خود را به سوی کوه های برهنه
بر افراز و ببین:
چه جایی هست که خود را تسلیم نکرده ۲:۲۰
باشی؟
بر سر راه ها برای آنان می نشستی، پید۳۸:۱۴؛ حز۱۶:۲۵؛ مز۱۲:۷؛ نامه ار۴۲
همچون زن عرب در بیابان،
و سرزمین را آلوده ساختی
با روسپیگری خود و با بدکاری خویش.
۳لذا رگبار باز داشته شده ۵:۲۴ ۲۵؛ ۱۴:۴؛ تث۲۸:۲۳؛ عا۴:۷
و باران بهاری نبارید.
و تو پیشانی روسپی داشتی:
از سرخ شدن امتناع ورزیدی.
۴آیا حتی در آن هنگام به سوی من فریاد
نمی کردی که
«پدر من! تو دوست جوانی ام می باشی[t]!
۵آیا او [کینه] را برای همیشه نگاه ۳:۱۲؛ ۲:۳۵؛ اش۶۴:۸
خواهد داشت؟
آیا [خشمش] را تا به نهایت حفظ
خواهد کرد[u]؟»
تو چنین سخن می گفتی
و بدی را گستاخانه به عمل می آوری[v]!

o ر. ک توضیحات آیه ۱۸. اما این آیه ۳۶ به موقعیتی اشاره دارد که آشکارا مربوط به دوره ای بعد از فروپاشی مملکت آشور می گردد.

p این اصطلاح عبری، در متون مدرن و در وسط متن، معمولاً با علامت «: » نشان داده می شود.

q طبق رسم روزگار، بر مرد جایز نبود که زنی را که طلاق داده بود و به ازدواج مرد دیگری در آمده بود، مجدداً به همسری بگیرد: اگر چنین می کرد، باعث می شد که بر «زمین» (یعنی سرزمین) خطا وارد شود (تث ۲۴:۱ ۴).

r ر. ک تث۲۴:۴؛اش ۲۴:۵؛اعد۳۵:۳۳؛مز۱۰۶:۳۸.

s خدا نمی تواند قوم خود را که «مکروه» شده (تث ۲۴:۴) و خود را تسلیم خدایان دیگر کرده، بپذیرد. اما با این حال، چنین پذیرشی برای آنانی که حاضرند آبروی خود را از دست بدهند، مجدداً میسر خواهد بود (آیات ۳:۱۳، ۲۵؛ لو ۱۵:۱۸ ۱۹؛ ۱۸:۱۳ ۱۴).

t واژگان مذهبی سنتی (ر. ک. آیه ۱۹ و خروج ۴:۲۲؛ تث ۳۲:۶؛ هو ۲:۱؛ ۱۱:۱؛ ملا ۱:۶) که می تواند بیانگر ایمانی اصیل باشد، اما در واقع، در پس خود، بی نظمی و ارتدادی واقعی را پنهان می سازد: این حالت مانع از آن است که ایشان نسبت به واقعیت هشیار گردند (ر. ک. توضیحات ۲:۳۰) و توبه کنند: نشانه های مجازات آشکار است اما ایشان مایل به خواندن آن نیستند؛ ر. ک. توضیحات آیه ۶.

u چه کسی سخنان این بیت را بیان می کند؟ مردم که اعتمادی سهل را به بخشایش الهی ابراز می دارند، مانند هو ۶:۱ ۳؟ یا نبی که مردم را به این توبهٔ صمیمانه که فاقدش می باشند، فرا می خواند (ر. ک. دنبالهٔ آیه)؟

v می توان این گونه نیز استنباط کرد: «اما تو از گفتن بدی و عمل کردن به آن باز نمی ایستی»؛ ر. ک. ۲:۲۱.

اسرائیل مرتد و یهودای خیانت پیشه[w]

۶ در روزگار شاه یوشیا، یهوه مرا گفت: ۲:۱
آیا دیدی اسرائیل مرتد[x] چه کرده است؟ ۲۰:۲
بر روی هر کوه مرتفع و زیر هر درخت سبز
می‌رفت؛ در آنجا روسپیگری کرده است.
۷ به خود می‌گفتم: پس از انجام تمام اینها،
به سوی من باز خواهد گشت؛ اما باز
نگشت! خواهرش، یهودای خیانت پیشه
[این را] دید؛ ۸ او دید که من برای تمام
زناکاری‌هایی که اسرائیل مرتد کرده بود،
او را بیرون کردم و طلاق نامه‌اش را به او
دادم[y]. اما خواهرش، یهودای خیانت پیشه، اش ۵۰:۱
نترسید؛ او نیز رفت و روسپیگری کرد! ۹ و
با روسپیگری پرهیاهویش، سرزمین را
آلوده ساخت[z]؛ با سنگ و با چوب زنا کرد. ۲۷:۲
۱۰ و حتی پس از تمام اینها، خواهرش،
یهودای خیانت پیشه، با تمام دل خویش به هو ۷:۱۳
سوی من باز نگشت، بلکه با دروغ[a]!
وحی یهوه.

خداوند از روی امانتش، اسرائیل توبه‌کار را باز خواهد گرداند[b]

۱۱ یهوه مرا گفت: اسرائیل مرتد خود را
عادل‌تر از یهودای خیانت پیشه نمایانده
۲:۲ است. ۱۲ برو این سخنان را به سوی شمال
۱۸:۳ فریاد بزن. بگو:
۱۴:۳؛ باز گرد، ای اسرائیل مرتد - وحی یهوه -
تث ۳۰:۲ ۱۰ چهره‌ای سختگیر به شما نخواهم نمود[c]،
۵:۳؛ مز ۱۰۳:۹؛ مراثی ۳:۳۱ زیرا نیکخواه می‌باشم - وحی یهوه -
[کینه] را برای همیشه نگاه نمی‌دارم.
۱۳ فقط خطایت را تصدیق کن:
مز ۲۸:۱۳ لاو ۲۶:۴۰ تو نسبت به یهوه، خدایت، بی‌وفا
بوده‌ای
با گام‌هایی شتابان به سوی بیگانگان
۲۵:۲ رفتی،
زیر هر درخت سبز؛
و صدای مرا نشنیدید!
- وحی یهوه.
۲۲:۳؛ هو ۱۴:۲؛ ۲ تو ۲۹:۶ ۱۴ باز گردید، ای پسران مرتد،
- وحی یهوه -
زیرا صاحب شما منم.
شما را خواهم گرفت،

w برای ایماندار، بدبختی‌ها تبدیل به فراخوان‌هایی به بازگشت می‌شود، فراخوان‌هایی که خطاب به همه است (ر.ک. لو ۱۳:۱ ۵ و توضیحات؛ تا ۳:۶ و غیره). بدبختی‌های اسرائیل درسی بود برای یهودا؛ اما اغلب دشوارتر است که انسان به جای اندیشیدن به بدبختی‌های خود، به بدبختی‌های دیگران بیندیشد (ر.ک. فصل ۲۴). حزقیال (فصل‌های ۱۶ و ۲۳) مقایسهٔ میان دو خواهر را بسط خواهد داد.

x مرتد: اسم خاص قوم برگزیده شد. ر.ک ۸:۱۱ و ۱۲.

y منظور سقوط سامره و تبعید مملکت شمالی در ۷۲۲ ۷۲۱ ق.م است (۲. پاد ۱۷).

z ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمه‌های سریانی، آرامی، و وولگات. با قرائت فعل با حروف صدادار متفاوت، می‌توان چنین ترجمه کرد: «خود زمین نیز آلوده شده است».

a یهودا در خیانت و بی‌وفایی و دروغ زندگی می‌کند. همه چیز در او نادرست است، حتی ادعاهایی که در مورد وابستگی‌اش، خطاب به خداوند ابراز می‌دارد: ۲:۲۳، ۲۷، ۳۵؛ ۳:۴؛ ۸:۸.

b ارمیا دعوت می‌شود تا با قدرت کلام نبوتی خود، به نوعی این بخش از قوم را که در شمال از میان رفته‌اند، باز آفرینی کند.

c تحت‌اللفظی: «چهرهٔ خود را بر شما نخواهم افکند» منظور از چهره، حضور خدا است، و این حضور دیگر سنگینی تهدید را به همراه نخواهد داشت.

یکی را از یک شهر، دو نفر را از یک
خانواده،
و شما را به صهیون باز خواهم گرداند.
۱۵ به شما چوپانانی مطابق دلم خواهم ۳:۲۳؛ ۱ سمو۲:۳۵
بخشید،
که شما را با دانش و فطانت خواهند
چرانید.

گردهمایی همگانی نزد پادشاه عظیم

۱۶ و آنگاه که در سرزمین کثیر شده، ۳:۲۳؛
بارآور شده باشید، در آن روزها ـ وحی یهوه تث۶:۳؛ اش۵۴:۱؛
ـ دیگر دربارهٔ صندوق عهد یهوه سخن زک۱۰:۸؛ بارو۲:۳۴؛
نخواهند گفت، و به ذهن کسی خطور اع۶:۷
نخواهد کرد، و آن را به یاد نخواهند آورد،
برای آن افسوس نخواهند خورد، و صندوق
دیگری نخواهند ساخت[d].
۱۷ در آن زمان، اورشلیم را «تخت
سلطنت یهوه» خواهند نامید؛ تمامی حز۴۳:۷؛ مکا۲۲:۳ ار۱۲:۱۶
ملت‌ها در آنجا گرد خواهند آمد[e]، و دیگر
لجاجت[f] دل بدکار خود را پیروی نخواهند
کرد.
۱۸ در آن روزها، خاندان یهودا به سوی ۵۰:۴؛
خاندان اسرائیل خواهد رفت، و با هم از ۳:۱۲؛
سرزمین شمال، به سرزمینی که ارث پدران ۱۶:۱۵
شما ساختم، خواهند آمد.

بازگشت فرزند مُسرف

۱۹ و من به خود گفتم:
چگونه تو را در میان پسران قرار دهم[g]
و سرزمینی از لذت‌ها به تو ببخشم، حز۲۰:۶؛
میراثی که گوهر گوهرهای[h] ملت‌ها دان۸:۹؛ ۱۱:۱۶
باشد؟
به خود گفتم: مرا «پدر من» خواهد ۳:۴؛
خواند[i]، ۲:۲۷؛
و از عقب من منحرف نخواهی شد[j]. اش۶۳:۱۶
۲۰ اما به آن سان که زنی به همسر خود
خیانت می‌کند،

d در مورد تاریخ دقیق ناپدید شدن صندوق عهد چیزی نمی‌دانیم. معبد به دست چندین فاتح غارت شد: فرعون شیشق (۱ـ پاد ۱۴:۲۵ ۲۶)، یوآش اسرائیلی (۲ـ پاد ۱۴:۱۴)، نبوکدنصر (۲ـ پاد ۲۵:۹، ۱۳ ۱۷؛ ار ۵۲:۱۳، ۱۷ ۲۳). نیز ر.ک. داستانی که در ۲ـ مک ۲:۵ نقل شده است.

e متن عبری چنین آمده: «... گرد خواهند آمد، به نام یهوه، در اورشلیم». ما در این ترجمه، به تبع ترجمه یونانی، این عبارت را حذف کرده‌ایم. خداوند با تملک معبد خویش در صهیون، نام خود را در آنجا ساکن خواهد ساخت (۷:۱۰؛ تث ۱۲:۵، ۱۱، ۲۱ و غیره).

f در عبری، این کلمه را می‌توان به ریشه‌های مختلف مربوط ساخت؛ بر حسب این ریشه‌ها می‌توان معانی گوناگون اخذ کرد: پرخاشگری (آرامی)، رؤیاهای باطل، سختی دل، کشش، یا طرح‌ها. همین اصطلاح را در ۷:۲۴؛ ۹:۱۳؛ ۱۱:۸؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۶:۱۲؛ ۱۸:۱۲؛ ۲۳:۱۷؛ تث ۲۹:۱۸؛ مز ۸۱:۱۳ بازمی‌یابیم.

g این گونه نیز می‌توان برداشت کرد: «چگونه تو را در ردیف پسران قرار دهم؟» (ر.ک. توضیحات اش ۱:۲)؛ در اینجا اسرائیل به دختر تشبیه شده و دختران حقی در ارث و میراث نداشتند، جز در موارد استثنایی (اعد ۲۷:۴، ۷).

h تحت‌اللفظی: «پرشکوه‌ترین میراث ملت‌ها»؛ اگر نقطه گذاری ماسورت‌ها را دقیق‌تر رعایت کنیم، چنین قرائت خواهیم کرد: «میراثی پرشکوه، تمام شکوه ملت‌ها». اکثر ترجمه‌های کهن و تفسیرهای قدیمی، چنین برداشت کرده‌اند: «میراثی پرشکوه (مطلوب) برای لشکریان ملت‌ها».

i طبق قرائت ترجمه‌های یونانی و سریانی: «خواهید خواند». ماسورت‌ها مانند ترجمه آرامی و وولگات، این فعل را با ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث قرائت کرده‌اند.

j ر.ک. توضیحات هو ۱۱:۱.

به همان سان شما به من خیانت
۵:۱۱ کرده اید، ای خاندان اسرائیل
- وحی یهوه.
۲۱ بر روی کوه های برهنه، فریادی شنیده
می شود،
۳۱:۹،۱۸؛ ۵۰:۴ (یعنی) زاری و استغاثه های پسران
اسرائیل؛
زیرا گمراه شده اند
و یهوه، خدای خویش را از یاد برده اند.
۳:۱۴ ۲۲ باز گردید، ای پسران مرتد؛
هو۱۴:۵ من ارتدادهای شما را شفا خواهم
بخشید.
- لبیک؛ به سوی تو می آییم،
زیرا یهوه، خدای ما، تویی[k].
۲۳ آری، دروغ هستند، تپه ها
و غرش کوه ها[l]!
آری، نجات اسرائیل
مز۳:۹ از یهوه، خدای ما است!
۲۴ شرم[m]، از دوران جوانی مان،
تث۲۸:۳۳ عایدات پدران ما را از میان برده است،
[گوسفندان ایشان و گاوان ایشان را،
پسران ایشان و دختران ایشان را].
عز۹:۶ ۷ ۲۵ در شرم خویش بخوابیم

و بادا که خجالتمان ما را بپوشاند؛
زیرا که در حق یهوه، خدایمان، گناه
ورزیده ایم،
هم ما و هم پدران ما،
۷:۲۵ ۲۸؛ از جوانی مان تا به امروز،
۲۲:۲۱؛ ۲پا۱۸:۱۲ و به صدای یهوه، خدای خویش گوش
نکردیم!

۴ ۱ ای اسرائیل، اگر باز گردی وحی
یهوه
۳:۴؛ باید که نزد من باز گردی.
یول۲:۱۲ اگر «کثافات»[n] خود را از میان ببری،
نیازی نخواهی داشت که از برابر من
بگریزی.
۱۲:۱۶؛ ۲ اگر با وفاداری و انصاف و عدالت
تث۶:۱۳ به حیات یهوه سوگند یاد کنی،
اش۶۵:۱۶؛ آنگاه ملت ها در او خود را مبارک
مت۵:۱۶ خواهند ساخت[o]
و در او خود را جلال خواهند داد[p].

احیای کامل[q]

۳ زیرا یهوه با مردمان یهودا و با اورشلیم
چنین سخن می گوید:

k ترجمهٔ احتمالی دیگر: «آری، یهوه، خدای ما، تویی».

l اشاره به آیین های بت پرستی که پرهیاهو و همراه با عیش و نوش بود. ر.ک. خروج ۳۲:۶؛ اعد ۲۵:۱ ۳؛ ۱-پاد ۱۸:۲۶ ۲۹؛ هو ۸:۱۴.

m اشاره ای است به نام بعل، ر.ک. هو ۹:۱۰ . برای اجتناب از تلفظ نام خدایان ملت ها (ر.ک. هو ۲:۱۹) آن را با اصطلاحاتی تحقیرآمیز جایگزین می ساختند: ر.ک. توضیحات ۵:۳۱؛ ۱۱:۱۳؛ هو ۹:۱۰.

n اشاره به تب ها است؛ ر.ک. توضیح n در ۱۶:۱۸؛ خروج ۲۰:۳.

o اگر در اینجا و در مصرع بعدی، حرف صدادار نادرستی را مفروض گیریم و آن را این چنین اصلاح کنیم، نکته ای معادل با پید ۱۸:۲۲ و ۲۶:۴ حاصل خواهد شد، یعنی «... در تو خود را...».

p آیه ۲ را به این شکل نیز می توان برداشت کرد: «به حیات یهوه سوگند یاد خواهی کرد و ... ملت ها خود را مبارک خواهند ساخت...»

q بخشی که در ۴:۳ ۳۱ وجود دارد، مجموعه ای از شعرهایی است که در آنها خداوند و نبی به تناوب مطالبی را بیان می دارند. خداوند هجوم سپاهی سهمگین را اعلام می دارد که از شمال می آید (آیات ۳ ۷، ۹، ۱۱ ۱۸، ۲۲، ۲۷ ۲۸) و نبی، سخنان او را انعکاس می دهد، خواه از طریق اندرز دادن به قوم (آیه ۸)، خواه از طریق شفاعت برای ایشان (آیه ۱۰)، و خواه با ابراز

هو۱۰:۱۲؛ مت۵:۱۶ زمین های بایر را برای خود آمادهٔ کشت
کنید
و بر روی خارها بذر مپاشید.
۴ خود را برای یهوه ختنه کنید، قَلَفهٔ دل
۹:۲۵؛ ۹:۱۷ ۲:۱۱ خود را دور سازید[r]،
ای مردمان یهودا و ای ساکنان اورشلیم،
۱۳:۱۰:۲۱:۱۲ مبادا که خشم من به سان آتش، شعله ور
شود
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش
کند،
به سبب شرارت کارهایتان!

اعلام خطر در یهودا

۵ آن را در یهودا ندا کنید،
و در اورشلیم اعلامش نمایید!
۴:۱۹:۵۱:۲۷ در سرزمین کَرنا[s] بنوازید،
۸:۱۴ و با آوای بلند فریاد برآورید و بگویید:
گرد آیید و داخل شویم
به شهرهای حصاردار.
۶ از جانب صهیون نشانه ای برافرازید،
زک۹:۱۲ پناهگاهی بجویید و توقف منمایید!
چرا که شوربختی را من از شمال[t] خواهم
آورد،
و مصیبتی گران را.

۷ شیری[u] از بیشه اش برآمده، نح۲:۱۲
ویرانگر ملت ها به راه افتاده است؛ ۶:۸
از اقامت گاه خود خارج شده
تا سرزمین تو را به ویرانه تبدیل کند؛
شهرهایت ویران خواهند شد، بدون ۴:۲۹
سکنه.
۸ به سبب این، پلاس در بر کنید، ۶:۲۶؛ اش۱۵:۳
زاری کنید و زوزه بکشید؛
زیرا شدت خشم یهوه
از ما روی بر نتافته است!

سرگردانی عمومی

۹ بنا بر این، در آن روز - وحی یهوه -
دل پادشاه فرو خواهد ریخت،
و دل بزرگان (نیز)؛
کاهنان مبهوت خواهند شد
و انبیا، متحیر.
۱۰ گفتم: «آه، ای خداوند یهوه،
به راستی که تو این قوم و اورشلیم را
خوب فریب داده ای
چرا که گفتی: از صلح برخوردار خواهید
بود
حال آنکه شمشیر به گلوی ما رسیده
است[v].»

درد و اندوهش (آیات ۱۹ ۲۱) و نیز حیرت خود (آیات ۲۳ ۲۶). ترتیب این شهرها به صورت گفت و گو، با خصلت بنیادین رسالت ارمیا سازگاری دارد، زیرا او همواره در کشاکش گفت و گو میان انسان و خدا قرار دارد.

r در خصوص ختنهٔ قلب که فکر و ارادهٔ انسان را برای اجرای وظایفشان آماده می سازد، ر. ک. تث ۱۰:۱۶ و توضیحات؛ ۳۰:۶؛ توضیحات روم ۲:۲۹؛ توضیحات فی ۳:۲. و در خصوص ختنهٔ گوش، ر. ک. ۶:۱۰ و توضیحات.

s ر. ک. توضیحات اش ۲۷:۱۳؛ توضیحات زک ۹:۱۴.

t مصیبت عموماً از شمال می‌آید (ر. ک. ۱:۶؛ ۱۵:۱۲؛ ۵۰:۳؛ توضیحات یول ۲:۲۰). در اینجا، مانند ۱:۱۳ ۱۵، دقیقاً مشخص نیست که به کدام تهدید اشاره می شود. ارمیا برای یادآوری آن، کافی است آنچه را که از لشکریان آشور یا سکایی می داند، به کار برد؛ ر. ک. توضیحات ۲۰:۴.

u ر. ک. ۲:۱۵، ۲۹؛ ۵:۶؛ ۴۹:۱۹؛ ۵۰:۴۴؛ توضیحات اش ۵:۲۹.

v ارمیا یا هنوز بر این باور است که انبیایی که صلح و آرامش را اعلام می کنند، فرستادگان راستین خداوند هستند (ر. ک. توضیحات ۱۴:۱۳ و ۲۸:۶)؛ یا اینکه واکنش های قوم را که از سوی این انبیای دروغین فریب خورده اند، بر خود می گیرد. طبق برخی نسخ خطی ترجمه های یونانی و عربی، این جمله را «انبیای» آیهٔ قبل بیان می دارند تا خداوند را به فریبکاری متهم سازند.

آخرین اندرزها به اورشلیم تهدید شده

۱۱ در آن زمان، به این قوم و به اورشلیم
خواهند گفت:
بادی سوزان از کوه های برهنه، ۵۱:۱:
در بیابان، به سوی دختر قوم من[w] به راه هو۱۳:۱۵
افتاده
نه برای باد دادن و نه برای پاک کردن؛
۱۲ بادی شدید از برای من می آید[x].
اکنون خودم داوری ها را بر علیه آنان ۱۲:۱:۳۹:۵
اعلام خواهم داشت.
۱۳ اینک او همچون ابر بر می آید، حز۳۸:۹
ارابه هایش همچون تندبادند، نح۲:۵
(و) اسبانش تندتر از عقاب ها! حب۱:۸:
وای بر ما زیرا از میان رفتیم! مراثی۴:۱۹
۱۴ دل خود را از بدی بشوی، ای اورشلیم، اش۱:۱۶:
تا نجات یابی. حز۱۸:۳۱:
تا به کی در بطن تو مسکن خواهند گزید یعقوب۴:۸
اندیشه های گناه آلود تو؟
۱۵ زیرا شایعه ای آن را از دان (تا به این
سو) ندا می دهد،
تیره بختی را از کوه افراییم (تا به این
سو).
۱۶ آن را در یهودا خبر دهید،
آن را بر علیه اورشلیم اعلام دارید[y].
محاصره کنندگانی از سرزمینی دوردست ۵:۱۵
فرا می رسند
و بر علیه شهرهای یهودا صدا می دهند.
۱۷ به مانند نگهبانان مزرعه، اورشلیم را
احاطه می کنند، ۲:۱۷، ۱۹:
زیرا که بر علیه من طغیان کرده است مز۱۰۷:۱۷
وحی یهوه.
۱۸ رفتارت و کارهایت
این را برایت به ارمغان آورده است؛
این شرارت تو است، چه تلخ!
به چه سان دلت را فرا گرفته است!

دلشکستگی نبی در برابر بدبختی های سرزمین

۱۹ احشایم، احشایم! لرزانم! ۱۳:۱۷:
جداره های قلبم! ۲ پا۸:۱۱:
قلبم در درونم ناله سر داده است؛ حب۱۳:۱۶:
خاموش نخواهم شد. مراثی۱:۲۰
زیرا صدای کَرنا را شنیده ام، ۶:۱۷
هیاهوی نبرد را. ۴۹:۲
۲۰ فریاد می زنند «مصیبت روی مصیبت» ۱۴:۱۷:
چرا که سراسر سرزمین ویران شده، حز۷:۲۶
خیمه هایم به ناگاه ویران شده است،
و چادرهایم در یک آن. ۱۰:۲۰
۲۱ تا به کی نشانه را خواهم دید
و صدای کرنا را خواهم شنید؟ ۴:۵

رأی الهی

۲۲ زیرا قوم من دیوانه اند، ۵:۲۱:۸:۷:
مرا نمی شناسند؛ تث۳۲:۲۸:
پسران ابله اند اش۲۷:۱۱:
هو۴:۶:
مز۸۲:۵:
لو۲۴:۲۵

w ر.ک. ۶:۲۶؛ ۸:۱۱، ۱۹، ۲۱ ۲۳؛ ۹:۶؛ ۱۴:۱۷.
x یعنی اینکه «به خدمت من در می آید».
y تحت اللفظی: «(فرمان ها را) بر علیه اورشلیم اعلام دارید».
z «نیکی کردن» به معنی جستجوی خدا است (عا ۵:۴، ۶، ۱۴)، جستجوی حکمتی است که سرچشمهٔ تمام فضائل می باشد (حک ۸:۷) که بدون آن نمی توان مقبول خدا واقع شد (حک ۷:۱۴، ۲۸) و راه های او را درک کرد (۹:۱۱؛ هو ۱۴:۱۰؛ مز ۱۰۷:۴۳).

و بی‌خرد؛
در بدی کردن ماهرند،
اما نیکی کردن را نمی‌دانند[z].

بازگشت به هرج و مرج[a]

۲۳به زمین نگاه می‌کنم، و اینک هرج و مرج است،
و به سوی آسمان‌ها: دیگر روشنایی خود را ندارند. ۲۸:۴
۲۴کوه‌ها را می‌نگرم، و اینک می‌لرزند، داور ۵:۵؛ نح ۱:۵؛ مز ۴۶:۳ ۴
و تمام تپه‌ها تکان خورده‌اند.
۲۵می‌نگرم، و اینک انسانی نیست،
و جمله پرندگان آسمان گریخته‌اند. ۹:۹
۲۶می‌نگرم، و اینک باغ میوه، بیابان شده، لاو ۲۶:۳۴؛ مز ۱۰۷:۳۴
و همهٔ شهرهایش ویران شده است
در برابر یهوه،
در برابر شدت خشم او. ۸:۴؛ نح ۱:۶

خدا بر آن شده تا قومش را مجازات کند

۲۷زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
تمامی سرزمین ویرانه خواهد بود،
اما قلع و قمع نخواهم نمود[b]. ۱۰:۵
۲۸به سبب این، سرزمین در سوگواری خواهد بود ۴:۱۲
و آسمان در آن بالا، تاریک خواهد شد؛ اش ۳:۵۰
زیرا سخن گفته‌ام و پشیمان نخواهم شد،
تصمیم گرفته‌ام و از آن باز نخواهم گشت. اعد ۱۹:۲۳

صهیون را عاشقانش فریفته‌اند

۲۹از صدایی که سواران و تیراندازان به پا می‌کنند
تمامی سرزمین می‌گریزد؛
به جنگل‌های انبوه داخل می‌شوند،
به صخره‌ها بر می‌آیند،
تمامی شهرها رها شده،
در آنها سکنه‌ای نیست. ۷:۴
۳۰پس تو[c] چه خواهی کرد؟
آنگاه که ارغوان بر تن کنی،
آنگاه که با زیورهای طلا خود را بیارایی، ۲ پا ۹:۳۰؛ ایو ۱۴:۴۲
آنگاه که چشمانت را با سرخاب انبساط دهی،
بیهوده است که خود را زیبا سازی! ۳۰:۱۴؛ حز ۲۲:۲۳
آنان که [برای تو] می‌سوختند، خوارت می‌شمارند
و در پی جانت هستند.
۳۱آری، فریادهایی همچون [زنی] در حال درد زایمان، به گوشم می‌رسد ۴۱:۴۸؛۲۴:۶
ناله‌هایی همچون دختر جوانی در حال وضع حمل؛

a پس از سر و صدای شدید فاجعه (آیات ۱۹ ۲۱) ارمیا در رؤیایی نبوتی، بازگشت هولناک هرج و مرج اولیه را مشاهده می‌کند (پید ۱:۲؛ ر.ک. توضیحات نا ۷:۲).

b این فعل، با تغییر در حرف صدادارش، می‌تواند تبدیل به تأییدی مثبت گردد، یعنی: «آری، قلع و قمع خواهم نمود». این جمله با مضمون متن ترجمه ما هماهنگ می‌ماند.

c متن عبری موجود، در اینجا حاوی عبارت «ویران شده» می‌باشد که در ترجمه یونانی نیست. شاید چنین عبارتی، توضیحی باشد که جایش در این متن چندان مناسب نیست.

اینها فریادهای دختر صهیون[d] است که اش۱:۸،۱۵: مز۸۸:۱۰: مرا۱:۱۷
نفسش برنمی‌آید
(و) دست‌های خود را دراز می‌کند (و
می‌گوید):
«آه! وای بر من! چرا که جانم در برابر
قاتلان درمانده می‌شود».

اعلام رأی محکومیت پس از تحقیق

۵

[1] در کوچه‌های اورشلیم بگردید،
ببینید و بدانید:
در میدان‌هایش جستجو کنید[e]
تا بلکه انسانی[f] را بیابید،
اگر کسی باشد که راستی را به عمل آورد ۷:۲۸: میک۷:۲: مز۱۴:۲: مت۲۳:۲۳: لو۱۸:۸
و صداقت را بجوید[g]،
و من [شهر] را خواهم بخشید[h].
[2] حتی آنگاه که می‌گویند: «سوگند به ۴:۲
حیات یهوه»،
آن نیز برای این است که سوگندی دروغ ۷:۹
یاد کنند.
[3] ای یهوه، مگر نه اینکه دیدگان تو به
سوی صداقت[i] معطوف است؟
تو ایشان را زده‌ای، و نلرزیدند[j]، ۲:۳۰
ایشان را قلع و قمع کردی، و از پذیرفتن
درس امتناع کردند؛ ۷:۲۸
روی خود را از صخره سخت‌تر حز۳:۸
ساخته‌اند،
از بازگشت کردن امتناع ورزیده‌اند. ۸:۵
[4] و من می‌گفتم: «فقط کوچکان
دیوانه‌وار عمل می‌کنند؛ ۵:۲۱: ۹:۲۳
زیرا طریق یهوه را نمی‌شناسند، «حق»[k]
خدای خود را.
[5] پس نزد بزرگان خواهم رفت و با ایشان
سخن خواهم راند؛
زیرا که ایشان طریق یهوه را می‌شناسند، میک۳:۱
«حق» خدای خود را».
اما ایشان نیز یوغ را شکسته‌اند، ۲:۸،۲۰
بندها را گسیخته‌اند.
[6] به این سبب است که شیر جنگل به
ایشان حمله می‌کند،
گرگ بیابان ایشان را نابود می‌سازد، ۲:۱۵: حز۲۲:۲۷: هو۱۳:۷
پلنگ در برابر شهرهایشان در کمین
است؛
هر که از آنها خارج شود، تکه تکه
می‌شود.

d ر.ک. ۶:۲، ۲۳؛ ۴۶:۲۴؛ ۵۰:۴۲؛ ۵۱:۳۳؛ توضیحات ۴:۱۱.

e گویا خدا فرشتگان را مخاطب قرار می‌دهد و ایشان را مأمور بازرسی می‌کند (ر.ک. پید ۱۸:۱۶ ۲۱؛ حزق ۹)؛ نبی نیز به شورای فرشتگان در آسمان پذیرفته می‌شود (۲۳:۲۲؛ ۱-پاد ۲۲:۱۹ ۲۲؛ اش ۶؛ عا ۳:۷ و توضیحات). به این جهت است که ارمیا فرا خوانده می‌شود تا در تحقیق در مورد مجرمیت اورشلیم شرکت کند، تحقیقی که خدا می‌خواهد پیش از اعلام قطعی رأی خود انجام شود (ر.ک. ۶:۲۷ ۳۰؛ پید ۱۱:۵ ۷؛ ۱۸:۱۹).

f «انسان» واقعی آن است که به راستی عمل کند، چه در رفتار شخصی خویش و چه در فعالیت‌های اجتماعی‌اش. خداوند در وهلهٔ اول چنین چیزی از او می‌طلبد (میک ۶:۸)؛ ر.ک. ۹:۲۳ و توضیحات ۲۲:۱۳.

g به چنین انسانی است که می‌توان اطمینان کرد، چرا که رفتارش، به خاطر راستی و امانتش، موجد اعتماد است. ر.ک. خروج ۱۸:۲۱؛ نح ۷:۲؛ یو ۳:۲۱ و توضیحات.

h در مورد انسان عادلی که انبوهی از گناهکاران را نجات می‌بخشد، ر.ک. پید ۱۸:۲۰ ۳۳؛ اش ۵۳؛ حزق ۲۲:۳۰؛ ۱-یو ۲:۱ و توضیحات.

i یا «امانت و وفاداری» ر.ک. توضیحات آیه ۱.

j ر.ک. توضیحات ۳:۶.

k این کلمه می‌تواند به «نظمی» که خدا می‌خواهد برقرار سازد دلالت داشته باشد (ر.ک. ۸:۷).

زیرا خطاهایشان بی‌شمار است
و ارتدادهایشان بسیار. ۱۵:۳۰

هرزگی اخلاقی

۷ پس چگونه تو را ببخشم؟ ۱:۵
پسرانت مرا ترک کرده‌اند، ۱۶:۱
به چیزی سوگند یاد کرده‌اند که خدا
نیست. ۱۱:۲؛
من ایشان را سیر کرده بودم، ایشان خرو۲۳:۱۳؛ ۱ پا۱۹:۱۸؛
مرتکب زنا شده‌اند علا۴:۸
و خانهٔ روسپی را محاصره می‌کنند.
۸ (این) اسب‌های نر شکم سیر و هرزه، ۱۳:۲۷؛
هر یک برای زن همسایه‌اش شیهه می‌زند. حز۲۲:۱۱؛ ۲۳:۲۰
۹ و به سبب این، نباید مجازات کنم! ۲۹:۵
وحی یهوه[l]
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

کلام خداوند بلامنازع است

۱۰ بر بامهایش برآیید و ویران سازید، ۸:۳۹
اما بالکل قلع و قمع مکنید[m]، ۲۷:۴
شاخه رَزهایش را قطع کنید
چرا که از آن یهوه نیستند.
۱۱ زیرا خاندان اسرائیل و خاندان یهودا ۳:۸، ۲۰
جز خیانت به من، کاری نکرده‌اند
- وحی یهوه.
۱۲ ایشان یهوه را انکار کرده‌اند،
به او گفته‌اند: «او نه! حز۲۸:۱۵
و به ما هیچ بدی نخواهد رسید، ۱۴:۱۳
شمشیر و قحط را نخواهیم دید؛
۱۳ انبیا چیزی جز باد نیستند
و «کلام»[n] در ایشان نیست».
۱۴ به این سبب، یهوه چنین سخن
می‌گوید،
خدای لشکرها:
۱۳ج به ایشان چنین خواهد شد[o]،
۱۴ج از این رو که این را گفته‌اند:
اینک من سخنان خود را به سان آتش
در دهانت قرار خواهم داد، ۱:۹
و این قوم چوبی خواهند بود حز۱۰:۱۷
که [این آتش] آن را خواهد بلعید. مکا۱۱:۵

l این شیوه بیان، گواه بر این است که پیام از جانب خداوند می‌آید. لذا استفادهٔ نادرست از آن امری است بسیار جدی (حزق ۱۳:۱ ۹؛ ر.ک. ار ۲۳:۳۱). این فرمول به طور خاص در ارمیا به کرات به کار رفته، خواه در شکل ساده‌اش مانند اینجا (۱۶۴ بار)، خواه با برخی اضافات مربوط به نام خدا مانند ۲:۱۵، ۲۲؛ ۴۶:۱۸؛ ۴۹:۵ (۱۱ بار). این فرمول در ترجمهٔ یونانی کمتر به کار رفته؛ در آن، این فرمول و فرمول کمیاب‌تر، تقریباً به یک شکل به کار رفته‌اند، یعنی فرمول «یهوه می‌گوید» (ر.ک. ۶:۱۵ و توضیحات) و نیز فرمول مجلل آغازین «یهوه چنین سخن می‌گوید» (ر.ک. ۶:۲۱ و توضیحات). این اصطلاح که مشخصهٔ واژگان نبوتی است و فقط در یونس و حبقوق یافت نمی‌شود، در سایر کتاب‌های نبوتی در زمینهٔ مداخلت انبیا به چشم می‌خورد. این اصطلاح خواه در جریان وحی می‌آید، خواه در خاتمهٔ آن، و خواه بسیار به ندرت در آغاز وحی (۹:۲۱؛ زک ۱۲:۱؛ مز ۱۱۰:۱).

m این مجازاتی است که منجر به انهدام کامل نمی‌گردد: آیه ۱۸؛ ۳۲۰:۱۱؛ لاو ۲۶:۴۴؛ حزق ۲۰:۱۷؛ حکم ۱۱:۲۰ تا ۱۲:۲۲؛ ر.ک. ۱ـ قرن ۱۰:۱۳.

n تحت‌اللفظی: «سخن گفتن در ایشان نیست». این اشاره‌ای است به فرمول آغاز وحی‌ها. قرائت ترجمهٔ یونانی: «کلام خداوند در ایشان یافت نمی‌شد».

o کلمهٔ «چنین»، نخستین کلمهٔ وحی‌های نبوتی را که معمولاً مصیبتی را اعلام می‌کنند، از سر می‌گیرد (ر.ک. ۲۸:۸).

ایشان با شمشیر و قحط و تبعید مواجه خواهند شد

۱۵اینک بر علیه تو خواهم آورد
ملتی دوردست را، ۶:۲۲؛ تث۲۸:۴۹؛ حب۱:۶
ای خاندان اسرائیل - وحی یهوه -
ملتی است زورآور،
ملتی است کهن،
ملتی که زبانشان را نمی‌دانی
و نمی‌فهمی چه می‌گویند.
۱۶ترکش او به‌سان قبری است گشاده[p]، مز۵:۱۰
همگی ایشان مردمانی هستند شجاع.
۱۷او حصادت و نانت را از میان خواهد برد، لاو۲۶:۱۶؛ تث۲۸:۳۳، ۵۱
پسرانت و دخترانت را از میان خواهد برد،
گوسفندانت و گاوانت را از میان خواهد برد،
درخت مو تو و درخت انجیرت را از میان خواهد برد،
شهرهای حصاردارت را به شمشیر ویران خواهد ساخت
که بر آنها اعتماد داری.
۱۸با این حال، حتی در آن روزها
- وحی یهوه - شما را بالکل قلع و قمع نخواهم نمود. ۵:۱۰
۱۹و آنگاه که به تو گویند: «از چه سبب، یهوه، خدای ما، تمام اینها را بر ما
وارد ساخته است؟» به ایشان بگو: «همان گونه که شما مرا ترک کرده و خدایان ۱:۱۶؛ ۱۷:۱۳؛ ۱ سمو۷:۳
بیگانه را در سرزمین خود خدمت کرده‌اید، به همان شکل بیگانگان را در سرزمینی که از آن شما نیست، خدمت خواهید کرد».

نظام آفرینش به سبب شناخت نادرست عمل الهی بر هم می‌خورد

۲۰این را در خاندان یعقوب ندا کنید
و در یهودا اعلام نمایید و بگویید:
۲۱پس به این گوش فرا دهید،
ای قوم ابله و بی‌عقل: ۵:۴؛ ۸:۷؛
ایشان چشم دارند و نمی‌بینند، مت۱۳:۱۵؛ مر۸:۱۸
گوش دارند و نمی‌شنوند!
۲۲آیا از من نمی‌ترسید؟ - وحی یهوه - ۱۰:۷
آیا در برابر من نمی‌لرزید[q]،
که شن را برای حد دریا قرار داده‌ام، مز۱۰۴:۹
حدی ابدی و غیرقابل عبور[r]؟
موج‌هایش به حرکت در می‌آیند، اما ناتوانند[s]،
می‌خروشند (یا: می‌غرند)، اما از آن عبور نمی‌کنند. ۶:۲۳
۲۳اما این قوم دلی سرکش و نامطیع دارند، ۵:۲۱؛ ۶:۲۸؛ تث۳۱:۲۷؛ هو۱۱:۷
دور شده‌اند و رفته‌اند؛
۲۴در دل خود نگفته‌اند:
«از یهوه، خدای ما، بترسیم،

p تیرهای بی شمار آنان، مرگی حتمی را به همراه می‌آورند.
q این همان نکته‌ای است که در ۲:۱۹ به چشم می‌خورد و با کلمهٔ دیگری در زبان عبری بیان شده است؛ ر.ک. آیه ۲۴ و توضیحات ۲:۱۹.
r اشاره‌ای است به تجلی خاص قدرت مطلق خدا که دریا را، فقط به واسطهٔ سدی شنی، در محدودهٔ خود نگاه می‌دارد.
s در اصل، به جای «موج‌هایش»، ضمیر سوم شخص به کار رفته. در عبری، این ضمیر به صورت جمع است و به «موج‌های دریا» اشاره دارد؛ در ترجمه‌های یونانی و سریانی، این ضمیر به صورت مفرد است و به دریا دلالت دارد.

که باران را می دهد، باران پاییزی را
و باران بهاری را، در وقتش، :۱۳:۱۰ تث۱۱:۱۴:
که هفته های معین برای حصاد را برای ما یول۲:۲۳: زک۱:۱۰
نگاه می دارد».
۲۵خطاهای شما این را بر هم زده است، :۳:۳
گناهانتان شما را از این مواهب محروم :۷ ۱:۱۴ اش۲:۵۹
ساخته است.
۲۶زیرا در قوم من، بدکارانی یافت
می شود که در کمین می نشینند، پنهان
همچون شکارچیان پرندگان، دام ها آماده مز۹:۱۰: امث۱۱:۱
می کنند، انسان ها را گرفتار می سازند.
۲۷بدان سان که قفس پر است از
پرندگان[t]،
به همان سان خانه های ایشان پر است از
تقلب؛
به همین سبب است که توانمند و
دولتمند می گردند؛
۲۸ایشان فربه اند و درخشنده. تث۳۲:۱۵: مز۷۳:۷
حتی از حدود بدی نیز فراتر می روند؛
عدالت را به جا نمی آورند،
عدالت برای یتیم را، و کامیاب
می شوند[u]!

حتی مستمندان را ادا نمی کنند.
۲۹و به سبب این، نباید مجازات کنم! ۵:۹:۹:۸
- وحی یهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

در طریق نادرستی

۳۰امری حیرت انگیز و هولناک :۱۴:۲۳ هو۶:۱۰
در سرزمین رخ می دهد:
۳۱انبیا دروغ[v] را نبوت می کنند ۶:۲۰
و کاهنان طبق میل خود حکومت می کنند[w].
و قوم من این را دوست می دارد! میک۲:۱۱: یو۳:۱۹
اما در آخر چه خواهید کرد؟

آغاز حمله به اورشلیم

۶ ۱در بیرون از اورشلیم، ای پسران یوشع۱۸:۲۸: لو۲۱:۴۱
بنیامین،
پناهگاهی بجویید[x].
در تقوع[y] کرنا بنوازید،
بر بیت هکّاریم[z] نشانه ای برافرازید!
زیرا از شمال[a] تیره روزی تهدید می کند
و مصیبتی عظیم.

t ترجمه دیگر بر اساس ترجمهٔ آرامی: «به سان مرغی دانی که پر از مرغ است».
u اشاره ای است به رسوایی روش هایی ظالمانه که در عین حال، کمیاب است (ر.ک. مز ۳:۷۳ ۱۲).
v ر.ک ۲۰:۶؛ ۲۹:۹؛ ۲۷:۱۵.
w تحت اللفظی: «کاهنان بر روی دستان خود می پذیرند»: این فعل در داور ۹:۱۴ در معنایی مشابه به کار رفته است. ترجمه های دیگر: «کاهنان در پهلوهای خود سلطه می رانند» یا با اندکی تصحیح: «کاهنان تحت اقتدار خود، رهنمودهایی می دهند».
x ارمیا قبلاً مردم را دعوت کرده بود که در اورشلیم پناه بگیرند (۴:۵ ۶) اما اکنون که خود اورشلیم نیز مورد حمله قرار گرفته (۴:۲۹ ۳۱)، باید در مناطقی جنوبی تر پناه گرفت.
y از این شهرک نام برده شده، نخست به این علت که در جنوب اورشلیم واقع شده بود (ر.ک. توضیحات عا ۱:۱)؛ اما علت دیگر آن است که نام آن با فعل «زنگ بزنید» (تیقوعَه) شباهت دارد.
z محل این قریه را که در باغ ها محصور بود، نمی توان مشخص کرد (ر.ک. نح ۳:۱۴ و توضیحات).
a در شمال کوهی بود که مجمع خدایان کنعانی شمرده می شد (اش ۱۴:۱۳ و توضیحات)، و مشابه و قرینهٔ کوه صهیون، شهر پادشاه عظیم، بود (مز ۴۸:۳ و توضیحات). از این بلندی های شمال بود که مصیبت می رفت تا بر اورشلیم وارد آید (۱:۱۳ ۱۵؛ ۴:۶؛ ۶:۲۲ و غیره).

۴:۳۱ ۲ نابود می‌سازم آن دلربا و لطیف را.
دختر صهیون را؛
۳ به سوی او می‌آیند چوپانان
با گله هایشان؛
در برابر او، از همه سو، چادرهای خود را
بر پا کرده‌اند،
هر یک، سهم خود را می‌چرانند.
۴ با تقدس بر علیه او وارد جنگ شوید،
۲۲:۷؛ ۵۱:۲۷؛ یول۴:۹ بر پا! وسط ظهر بر آییم.
وای بر ما! زیرا روز به پایان می‌رسد،
زیرا سایه های عصر طولانی می‌شود.
۵ بر پا! شب برآییم
۸:۳۹ و کاخ هایش را ویران سازیم.

داوری یهوه بر شهر محاصره شده

۶ زیرا یهوه لشکرها چنین سخن می‌گوید:
درختانش را فرو کوبید،
۴:۳۳؛ ۲ سمو۲۰:۱۵؛ دان۱۱:۱۵ در مقابل اورشلیم خاکریزها[b] بر پا
نمایید.
وای بر شهر دروغ[c]!
در بطن او، همه چیز ستم است.
۷ بدان سان که چاه آب خود را
می‌جوشاند،
۶:۲۹؛ ۱۴:۴ به همان سان او شرارت خود را
می‌جوشاند؛
در آنجا جز خشونت و ویرانی چیزی به
گوش نمی‌رسد،
در برابر من دائماً بیماری و زخم
(هست)!
۱۷:۲۳ ۸ بگذار که اصلاح شوی، ای اورشلیم،
هو۹:۱۲ مبادا که جانم از تو کنده شود
۴:۷ و از تو ویرانه‌ای بسازم،
زمینی غیرمسکون.
۹ یهوهٔ لشکرها چنین سخن می‌گوید:
تث۲۴:۲۱ خوشه‌چینی کن، خوشه‌چینی کن همچون
درخت مو،
باقی اسرائیل را؛
دست خود را باز آور
به سان خوشه‌چین بر شاخه ها[d].
۱۰ «با چه کس باید سخن گفت،
به چه کس باید هشدار داد، تا گوش فرا
دهند[e]؟
اع۷:۵۱ اینک گوش ایشان نامختون است[f]؛
نمی‌توانند توجه کنند؛
اینک کلام یهوه برای ایشان تبدیل شده
۶:۱۷؛ ۲۰:۸ به رسوایی: آن را نمی‌خواهند!»
۱۱ اما من از خشم یهوه مملو هستم؛
۲۰:۹ از باز داشتن آن خسته شده‌ام!
آن را بر طفلی در کوچه خواهم ریخت
و بر حلقهٔ جوانان؛
زیرا مرد و زن گرفته خواهند شد،
سالخورده و آن که از روزها آکنده است.
۸:۱۰-۱۲؛ تث۲۸:۳۰ ۱۲ خانه هایشان به دیگران منتقل خواهد
شد،

b ترجمهٔ احتمالی دیگر: «جاده ای به سوی اورشلیم بسازید». ر.ک. ۳۲:۲۴ و توضیحات ۲. یاد ۱۹:۳۲.
c ترجمهٔ احتمالی دیگر: «این شهری است که تسلیم شده است». سنت یهود این عبارت را این چنین استنباط کرده است: «شهری که گناهش مجازات شده است».
d این گونه نیز می‌توان استنباط کرد: «بادا که دستت بار دیگر به سبدها باز گردد» (تا باز میوه هایش را ببری).
e تحت اللفظی: «با که سخن بگویم، (بر علیه) چه کس شهادت دهم تا گوش فرا دهند؟
f «گوش نامختون» قادر به شنیدن صدای خدا نیست؛ ر.ک. توضیحات ۴:۴.

مزارع و زن ها، جملگی،
زیرا که من دست خود را دراز خواهم نمود
بر علیه ساکنان سرزمین - وحی یهوه.
13 زیرا در میان آنان، از کوچکترین گرفته تا بزرگترین، 5:27؛ اش56:11
همگی سودی نادرست به دست می‌آورند،
و از نبی گرفته تا کاهن،
همگی دروغ را به جا می‌آورند.
14 ایشان شکستگی قوم مرا به سهل انگاری درمان می‌کنند
و می‌گویند: «آرامش! آرامش!» 4:10؛ 14:13؛ 23:17
و آرامشی نیست.
15 آیا از اینکه مرتکب کراهت شده‌اند، شرمسارند؟
اما ایشان شرم هم ندارند، 3:3
حتی نمی‌دانند چگونه سرخ شوند.
به این سبب است که در میان آنانی خواهند افتاد که می‌افتند،
آن هنگام که ایشان را مجازات کنم،
خواهند لغزید، 9:8
یهوه می‌فرماید[g].

ثمرهٔ دسیسه‌چینی‌های قوم

16 یهوه چنین سخن می‌گوید:
بر سر راه‌ها بایستید و ببینید، لو14:28
از جاده‌های باستانی[h] اطلاع کسب کنید: بنسی8:9؛ 39:1
راه درست کدام است؟ در آن سالک شوید
و برای جان خود آرامی خواهید یافت. مت11:29
اما ایشان گفتند: «در [آن] سالک نخواهیم شد». 2:31
17 برای شما دیدبانان بر انگیختم[i]:
«مراقب صدای کرنا باشید!» 42:14؛ 6:10
اما ایشان گفتند: «مراقب نخواهیم بود».
18 از این سبب، ای ملت‌ها، گوش فرا دهید، اش34:1؛ میک1:2
و بدان، ای جامعه که چه چیز انتظار آنان را می‌کشد[j].
19 ای زمین، گوش فرا ده: تث32:1
اینک من تیره بختی‌ای به سوی این قوم می‌آورم،
ثمرهٔ افکارش را؛ 11:11؛ امث1:31؛ غلا6:7
چرا که به سخنان من توجه نکردند،
و شریعت مرا خوار شمردند!

g این شیوه بیان (ر.ک. توضیحات 5:9 و 6:21) در خاتمه یا در وسط وحی می‌آید (و استثنائاً در آغاز، 15:11)، تا شهادت دهد که این وحی از جانب خدا صادر شده است.
h تحت‌اللفظی: «جاده‌های همیشه». منظور تجربهٔ نسل‌های گذشته است که در کلام خدا تعلیم یافته بودند (ر.ک. 18:15؛ مز 139:24).
i اشاره به انبیایی است که موظف به اعلام مجازات بودند: ایشان نخستین کسانی بودند که می‌بایست مجازات را مشاهده کنند و مردم را به توبه دعوت نمایند: حزق 3:16-21؛ 33:1-9؛ ر.ک. اعد 23:3؛ اش 21:6-12؛ هو 9:8؛ حب 2:1.
j این ترجمه‌ای است تحت‌اللفظی از متنی دشوار: بعضی این مصرع را این چنین استنباط می‌کنند: «و بدان ... که در آنان چه هست» که در این صورت، منظور گناهی است که قبلاً بدان اشاره شد. یا شاید هم طبق ترجمه ما، مجازات‌هایی است که در اثر این گناه نازل می‌شود، یا «جامعهٔ» اسرائیل دعوت می‌شود تا از توطئه‌هایی که نزد ملت‌ها چیده می‌شود، آگاهی و هشیاری یابد. ترجمهٔ یونانی چنین قرائت می‌کند: «به سبب این، ملت‌ها شنیده‌اند و نیز آنان که گله‌های خود را می‌چرانند».

۲۰ بخوری که از سبا[k] می‌آید، به چه کارم می‌آید، اش ۱:۱۱؛ ۲۳:۴۳
و دارچین گرانبها که از سرزمینی دوردست (می‌آید)؟
قربانی‌های سوختنی شما مقبول من نیست ۲۱:۷؛ ۱۲:۱۴؛ عبر ۱۰:۵-۶
و قربانی‌های ذبحی شما خوشایند من نمی‌باشد.

دامهای سر راه

۲۱ به این سبب یهوه چنین سخن می‌گوید[l]:
اینک برای این قوم موانع قرار خواهم داد حز ۳:۲۰
که بر آنها خواهند لغزید؛
پدران و پسران همگی با هم،
همسایه‌ها و دوستان از میان خواهند رفت.

ویرانگر در راه است ۵۰:۴۱-۴۳

۲۲ یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک از سرزمین شمال قومی فرا می‌رسد، ۴:۶؛ ۱۶؛ حز ۳۸:۱۴-۱۶
ملتی عظیم از انتهای زمین سر بر می‌آورد.
۲۳ کمان و زوبین[m] را در دست دارند،
سنگدل و بی‌رحم‌اند،
صدایشان همچون دریا می‌خروشد، ۵۱:۵۵؛ دان ۷:۲
بر اسبان برآمده‌اند،
همچون مردی واحد، برای نبرد صف‌آرایی کرده‌اند،
بر ضد تو، ای دختر صهیون. ۴:۳۱
۲۴ «آن گاه که خبر را شنیدیم،
دستانمان سست شد[n]،
اضطراب ما را فرا گرفت،
(و) لرزه، همچون زنی که می‌زاید. ۱۳:۲۱
۲۵ به صحرا بیرون مروید
و سر راه مروید،
زیرا که دشمن شمشیری دارد: ۲۰:۱۰؛ مرا ۲:۲۲
وحشت از همه سو!
۲۶ ای دخترقوم من[o]، پلاس در بر کن
و در خاکستر بغَلت[p]، ۴:۸؛ ۴۸:۳۷
سوگواری کن (همچون) برای پسری یگانه، عا ۸:۱۰؛ زک ۱۲:۱۰
گریه و زاری پر از تلخی؛
چرا که ویرانگر به ناگاه بر ما می‌آید.

k در مورد «سبا»، ر.ک. توضیحات اش ۶۰:۶. در مورد بخور، ر.ک. توضیحات خروج ۳۰:۳۴؛ لاو ۱۶:۱۳ و توضیحات. خداوند یک بار دیگر (ر.ک. توضیحات ۳:۴)، توسل به ظواهر مذهب و ستم‌های عمیق را افشا می‌کند.
l یا: «اینک آنچه که یهوه می‌گوید» (ر.ک. ۴:۳؛ ۱۳:۱؛ ۲۳:۳۵، ۳۷؛ ۲۵:۱۵): این فرمولی است که پیام‌های خداوند را آغاز می‌کند و کاربرد آن نزد ارمیا بسیار فراوان است (۷۸ بار در شکل ساده‌اش؛ به علاوه ۲۰ بار با عبارت الحاقی «خدای لشکرها»). در ترجمهٔ یونانی کمتر به کار رفته است.
m به عبارتی دقیق‌تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته‌ای بلند دارد.
n تصویری است از دلسردی و نومیدی (۵۰:۴۳، ر.ک. ۴:۳۸؛ ۴۷:۳).
o ر.ک. توضیحات ۴:۱۱
p ر.ک. ۲۵:۳۴؛ حزق ۲۷:۳۰؛ یو ۳:۵-۶. این فراخوانی است غایی برای بازگشت و توبه؛ ر.ک. توضیحات یون ۳:۵؛ توضیحات متی ۱۱:۲۱.

حز۲۲:۱۸ ۲۲ **اسرائیل، فلز تصفیه نشده**

۲۷ من تو را در قوم خویش قرار داده ام تا
آن را بیازمایی[q]،
۶:۹ تا رفتار ایشان را بشناسی و بیازمایی.
۲۳،۲۱:۵ ۲۸ همه سرکش اند[r] و افترا زننده؛
ایشان برنج یا آهن اند و همگی فاسد.
۲۹ دم (آهنگری) خرناس می کشد،
اش۱:۲۵ سرب در اثر آتش تماماً ناپدید می شود؛
:۷:۶ بیهوده تصفیه می کنند، تصفیه می کنند،
:۲۳:۱۳ مز۲۲:۲۷ تفاله (آن) زدوده نمی شود.
اش۱:۲۲ ۳۰ «نقرهٔ دفع شده» این است نامی که بر
آنان گذارده اند؛
زیرا که یهوه ایشان را دفع کرده است.

ارمیا در دروازهٔ معبد، مردم را سرخورده می سازد[s]

۷ ۱ کلامی که از جانب یهوه به این
مضمون به ارمیا فرا رسید: ۲ بر
۲۰:۱۷ دروازهٔ خانهٔ یهوه بایست؛ در آنجا این کلام
را فریاد بزن و بگو: به کلام یهوه گوش
سپارید، ای تمامی اهالی یهودا که برای
پرستش یهوه از این دروازه ها داخل
می شوید. ۳ یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، ۱۱:۱۸
چنین سخن می گوید: رفتار و کارهای خود
را اصلاح کنید و من شما را در این مکان
ساکن خواهم ساخت[t]. ۴ به این سخنان ۱۴:۵۱
دروغین[u] اعتماد نکنید که «اینجا است[v]
معبد یهوه، معبد یهوه، معبد یهوه! ۵ اما
چنان چه رفتار و کارهای خود را به راستی ۳:۷
اصلاح کنید، چنان چه راستی را به واقع در ۱:۵
حق یکدیگر[w] به جا آورید، ۶ چنان چه از ۳:۲۲:۲۸:۵
غریب و یتیم و بیوه بهره کشی نکنید، چنان
چه در این مکان خون بی گناه را نریزید،
چنان چه به دنبال خدایان دیگر برای ۶:۲۵:۹:۷
تیره بختی خود نروید، ۷ آنگاه شما را در ۳:۷
این مکان ساکن خواهم ساخت[x] در
سرزمینی که از دیرباز و برای همیشه به :۱۸:۳ ۱۵:۹۱
پدران شما داده ام.
۸ اما اینک شما به سخنان دروغینی
اعتماد می کنید که به هیچ کار نمی آید. ۴:۷
۹ دزدی، قتل، ارتکاب زنا، سوگند دروغ، هو۴:۲ ۱۶:۱
بخور سوزاندن برای بعل، رفتن به دنبال :۱۰:۱۱ تث۲۸:۶۴

q ازمودن قوم مانند ذوب کردن. ر. ک۹:۶؛اش۱:۲۵؛حز۲۲:۱۸ ۲۲؛ملا۳:۲و۳؛مز۱۷:۳؛۲:۲۵.

r این گونه نیز می توان استنباط کرد: «بزرگان سرکشان».

s سخنرانی بر دروازهٔ معبد (۱:۷ تا ۳:۸) در سال ۶۰۸ ق.م. انجام شد؛ موقعیت آن و عواقبش در فصل ۲۶ شرح داده شده است. با این حال، این مکان نیز هست که متن این سخنرانی به دست مؤلف های بسط داده شده باشد تا تمام موضوعات مهم موعظه های ارمیا در آن گردآوری شود؛ این موضوعات عبارتند از: بطالت اعتماد کورکورانه به معبد و به نهادهای مذهبی به جای اطاعت راستین از احکام خدا (آیات ۱ ۱۵)، ممنوعیت وساطت برای قوم زیرا خدا ایشان را علی رغم مناسک مذهبی شان مجازات می کند (آیات ۱۶ ۲۰)، امتناع سرسختانهٔ قوم از احترام به ارادهٔ خدا که بر کوه سینا و نیز به وساطت انبیا مکشوف شده (آیات ۲۱ ۲۸)، و شدید بودن مجازات (۲۹:۷ تا ۳:۸).

t آکیلا و وولگات چنین قرائت می کنند: «تا بتوانم با شما ساکن شوم». ترجمهٔ ما مبتنی است بر متن عبری (به جز چند نسخه خطی) و ترجمه یونانی. این امر در آیه ۱۲ نیز صدق می کند.

u ر. ک. آیه ۸؛ توضیحات ۲۵:۱۳.

v این ترجمهٔ سه حرف است که تصور می شود مخفف عبارت «این مکان» باشد.

w تحت اللفظی: «میان یک شخص و یارش».

x ر. ک. توضیحات آیه ۳.

خدایان دیگری که نمی‌شناسید[y]، ۱۰ سپس
۱۹:۳۵ می‌آیید و در این خانه که به نام من خوانده
شده[z]، در برابر من حاضر می‌شوید و
می‌گویید: «نجات یافته‌ایم!» به این منظور
که تمام این مکروهات را به جا آورید!
۱۱ آیا در نظر شما این غار راهزنان[a] است،
۱۴:۷ این جانه که به نام من خوانده شده است؟
مت۲۱:۱۳ من نیز آن را به روشنی می‌بینم[b] وحی
یهوه.
۱۲ پس به مکان من در شیلو بروید که
قبلاً نام خود را در آنجا ساکن ساخته بودم[c]،
و ببینید به سبب شرارت‌های قومم
اسرائیل، به آن چه کرده‌ام[d]. ۱۳ و اینک،
از آنجا که تمام این کارها را مرتکب
:۱۷:۳۵:۲۵:۷ می‌شوید ـ وحی یهوه ـ از آنجا که بدون
اش ۲:۵۰: ۱۲:۶۵ خستگی با شما سخن گفتم و گوش
نگرفتید، از آنجا که شما را خواندم و
جواب ندادید، ۱۴ به خانه‌ای که به نام من
خوانده شده و به آن اعتماد دارید، و به

۳۰:۷ مکانی که به شما و نیز به پدران شما
داده‌ام، همان کاری را خواهم کرد که به
۱پا۹:۷ شیلو کردم. ۱۵ شما را از روی خود دور
۳۹:۲۳ خواهم انداخت، همان گونه که همهٔ
برادرانتان، تمامی اعقاب افراییم را دور
۲ پا۱۷ انداختم[e].

خداوند دیگر گوش نمی‌دهد...

:۱۴:۱۱ ۱۶ و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع
:۳:۳۷ تث۹:۱۴ ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی؛ نزد من
وساطت منما، زیرا گوش نخواهم داد.
۱۷ آیا نمی‌بینی در شهرهای یهودا و در
کوچه‌های اورشلیم چه می‌کنند؟ ۱۸ پسران
چوب جمع می‌کنند، پدران آتش بر
می‌افروزند، زنان خمیر می‌سازند تا برای
۱۳:۱۹ ملکهٔ آسمان[f] شیرینی درست کنند، و برای
خدایان دیگر هدایای ریختنی می‌ریزند، تا
۱۷:۱۱ مرا به خشم آورند. ۱۹ اما آیا واقعاً مرا به
خشم می‌آورند؟ ـ وحی یهوه ـ آیا خودشان

y یعنی خدایانی که بر سر راهتان قرار نگرفته بودند و شفقت آنان را تجربه نکرده بودید؛ ر.ک. ۱۹:۴؛ ۴۴:۳؛ تث ۱۷:۳۲.

z وقتی انسان جایی را که خدا برگزیده، به نام او می‌خواند، این کار در حکم این است که آن مکان را متعلق به حضور خدا اعلام می‌کند و آن را تحت حاکمیت انحصاری او قرار می‌دهد. لذا خدا حق دارد ایجاب کند که اشخاص برای حضور در آنجا، شرایط خاصی را رعایت کنند (ر.ک. مز ۱۵).

a همان گونه که راهزنان پس از ارتکاب دزدی در غاری پناه می‌گیرند، به همان گونه اسرائیلیان تصور می‌کنند که در معبد امنیت می‌یابند علی رغم اینکه رفتارشان نسبت به صاحب این مکان اهانت‌آمیز است. اما خداوند تمام زندگی ایشان را «می‌بیند» و می‌خواهد در آن حضور داشته باشد، و به ایشان خبر می‌دهد که تمام شور و شوق مذهبی‌شان چیزی جز «تزویر» نیست (۱۱:۱۵) و هدف آن سرپوش گذاشت بر بی‌عدالتی‌هایشان می‌باشد (ر.ک. توضیحات ۶:۲۰).

b یعنی «من نیز شما را در آنچه که تصور می‌کنید پناهگاه دزدان است، می‌بینم» (ر.ک. مز ۱۳۹:۱۲).

c این فرمولی است که در تثنیه برای معبد اورشلیم به کار رفته است (تث ۱۲:۱۱؛ ۱۴:۲۳؛ ۱۶:۲، ۶، ۱۱؛ ۲۶:۲؛ نح ۱:۹؛ ر.ک. تث ۱۲:۵؛ ۱۴:۲۴؛ ۱ـ پاد ۹:۳). قرائت وولگات: «در جایی که نام من ساکن است» ر.ک. توضیحات آیه ۳.

d شهر شیلو (ر.ک. توضیحات یوشع ۱۸:۱) و مکان مقدس آن که خدمتگزاران آن شاید نیاکان ارمیا بودند (ر.ک. مقدمه)، در حدود سال ۱۰۵۰ ق.م. به دست فلسطینیان ویران شد. خداوند مسئولیت این ویرانی را که دراثر خطاهای اسرائیل صورت گرفت، بر عهده می‌گیرد (ر.ک. مز ۷۸:۵۶ ـ ۶۷).

e اشاره به تبعید اسرائیلیان شمال (۷۲۲ ق.م.).

f منظور الههٔ ایشتار (عشتاروت یا آستارته) می‌باشد که خصوصاً در بین النهرین «ملکهٔ آسمان» نامیده می‌شد و با سیارهٔ زهره (ونوس) همسان انگاشته شده است (ر.ک. ۴۴:۱۷ ـ ۱۹).

نیستند، برای شرمساری روی خودشان؟
۲۰ به همین سبب، خداوند یهوه چنین سخن
می‌گوید: اینک خشم من و غضب من بر
این مکان فرو خواهد ریخت، و بر مردمان ۱۸:۴۲
و بر حیوانات، بر درختان صحرا و بر
میوه‌های زمین، خواهد سوزاند و خاموش
نخواهد شد! ۲۷:۱۷؛ ۲ پا ۲۲:۱۷

... زیرا قوم گوش نمی‌دهند

۲۱ یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین
سخن می‌گوید: قربانی‌های سوختنی خود را ۶: ۲۰؛
به قربانی‌های ذبحی خود بیفزایید و گوشت عا ۴:۴ ۵
آن را بخورید[g]! ۲۲ زیرا در روزی که پدران
شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم، به
ایشان درباره قربانی‌های سوختنی و
قربانی‌های ذبحی هیچ حکمی به ایشان هو ۶:۶؛
ندادم[h]. ۲۳ اما این است چیزی که به ایشان میک ۶:۶
حکم کردم؛ به ایشان گفتم: به صدای من ۴:۱۱؛
گوش فرا دهید؛ آنگاه من خدای شما خواهم خروج ۱۹:۵؛ تث ۶:۳؛
بود، و شما قوم من خواهید بود و در تمامی ۱۷:۲۶
طریقی که به شما امر نمایم، سلوک خواهید
کرد، تا سعادت نصیبتان گردد. ۲۴ اما
ایشان نشنیدند و گوش فرا ندادند؛ ایشان
طبق مشورت‌های خودشان سلوک نمودند،
طبق لجاجت دل بدکارشان؛ ایشان به عقب ۶:۸؛ ۱۷:۳
رفتند و نه به جلو[i]. ۲۵ از روزی که پدران ۲: ۲۰؛
شما از مصر بیرون آمدند تا به امروز، ۲ پا ۱۵:۲۱
خدمتگزاران خود، انبیا را به سوی شما
فرستادم؛ هر روز بدون خستگی آنان را ۴:۲۵
گسیل داشتم. ۲۶ اما ایشان مرا نشنیدند و ۲۴:۷؛ ۸:۱۱
گوش فرا ندادند؛ پس گردن خود را سخت ۲۳:۱۷؛
ساختند و بیش از پدران خود بدی کردند. ۲ پا ۱۴:۱۷
۲۷ تمامی این سخنان را به ایشان بگو، و
ایشان به تو گوش نخواهند سپرد؛ آنان را
خواهی خواند و تو را پاسخ نخواهند گفت.
۲۸ پس به ایشان بگو: «اینک ملتی که به
صدای یهوه، خدایش، گوش فرا نداد، و ۲۱،۱۳:۴۲؛
درس را نپذیرفت. صداقت از میان رفته و مت ۴۵:۲۱؛ ۸:۶
از دهان ایشان بریده شده است».

میوه‌های تلخ انحرافات مذهبی

۲۹ موی خود[j] را بتراش و دور بیفکن،
بر کوه‌های برهنه سرود عزا سر بده؛ ۲:۳
زیرا یهوه پس زده و دور افکنده
نسلی را که او را به خشم آورده است.
۳۰ زیرا پسران یهودا آنچه را که در نظر
من بد است، به جا آورده‌اند ـ وحی یهوه.
ایشان «کثافات» خود را در خانه‌ای که به ۳۵:۳۴
نام من خوانده می‌شود، گذارده‌اند، تا آن ۷: ۱۰؛ ۲۵:۲۹
را نجس سازند؛ ۳۱ مکان بلند[k] توفَت را

g در قربانی سوختنی، تمام قربانی که به خدا تقدیم می‌شد، در آتش می‌سوخت. اما خداوند قربانی‌های سوختنی اسرائیل بی‌وفا را نمی‌پذیرد؛ لذا به او پیشنهاد می‌کند که گوشت قربانی را که قرار بود بسوزد، بخورد، همان طور که گوشت قربانی‌های ذبحی را می‌شد خورد.

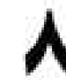
h ر.ک. توضیحات اش ۱:۱۱؛ توضیحات عا ۵:۲۵؛ مز ۵۱:۱۸.

i این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «ایشان پشت خود را به من بر گرداندند، به جای اینکه روی خود را بر گردانند».

j تحت‌اللفظی: «نذیرهٔ خود را بتراش. نتراشیدن مو نزد نذیره‌ها نشانهٔ تخصیص و وقف به خدا بود، ر.ک. اعد ۶:۵، ۹؛ داور ۱۳:۵، ۷؛ ۱۶:۱۷؛ ۱ـ سمو ۱:۱۱. اسرائیل دیگر قوم وقف شده نبود (ر.ک. آیات ۱:۱۵؛ ۲:۳).

k ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۳:۲؛ در اینجا بیشتر منظور پشته‌ای است که بر قبرها بنا می‌کردند و مربوط می‌شد به نیایش‌های بت‌پرستانه ـ کلمهٔ «توفت» (نیز در ۱۹:۶ ۱۴) احتمالاً به معنی «اجاق» یا «قربانگاه» می‌باشد (ر.ک. توضیحات اش ۳۰:۳۳). در خصوص «وادی ابن هنوم» ر.ک. توضیحات ۲:۲۳.

بـنـا کـرده انـد که در وادی ابن هِـنّـوم واقع ۵:۱۹؛
است، تـا پسران و دختران خود را در آتش تث۱۸:۱۰؛ ۲پا۲۱:۶
بسوزانند، چیزی که امر نکرده بودم و به
ذهنم خطور نکرده بود. [۳۲] از این سبب، ۶:۱۹
اینک روزهایی فرا می‌رسد[l] وحی یهوه
که دیگر نخواهند گفت «توفت» یا «وادی
ابن هنوم»، بلکه «وادی قتل عام»، و در
اثر نبود جا، در توفت دفن خواهند کرد[m]. حز۶:۵
[۳۳] جنازه های این قوم برای پرندگان آسمان ۴:۱۶
و برای حیوانات زمین خوراک خواهد شد،
بی‌آنکه کسی آنها را مضطرب سازد. [۳۴] و ۲ سمو۲۱:۱۰
من از شـهـرهـای یـهـودا و از کـوچه هـای
اورشلیم فریاد وجد و فریاد شادی را، و
سرود داماد و سرود عروس را محو خواهم ۹:۱۶؛
ساخت؛ زیرا که سرزمین تبدیل به ویرانه بار۲:۲۳؛ مکا۱۸:۲۳
خواهد شد.



[۱] در آن زمـــان وحی یـــهـــوه
استخوان های پادشاهان یهودا را از
مقبره های ایشان خارج خواهند ساخت، ۱ پا۱۳:۲۲؛ بار۲:۲۴
اسـتـخـوان هـای بـزرگـان [سـرزمـین] را،
استخوان های کاهنان را، استخوان های انبیا
را و استخوان های ساکنان اورشلیم را. [۲] آنها
را در برابر خورشید پهن خواهند کرد، در
بـرابـر مـاه و در بـرابـر تـمـامی «لـشـکـر» ۱۸:۷؛
آسمان ها که آنها را دوست داشتند، آنها را ۲ پا۱۷:۱۶؛ ۳:۲۱
خدمت کردند و در پی آنها رفتند، با آنها
مشورت کردند و آنها را پرستیدند. (این
استخوان ها) را نه جمع خواهند کرد و نه ۹:۲۱؛ ۲۵:۳۳
دفن: آنها بر روی زمین تبدیل به کود خواهد
شد. [۳] و برای بقیه، مرگ بر زندگی ارجح
خواهد بود، (برای) آنان که از این تبار بد ایو۳:۲۱؛ مکا۹:۶
باقی خواهند ماند، در تمامی مکان هایی که
ایشان را برانم ـ وحی یهوهٔ لشکرها.

لجاجت بی مانند

[۴] به ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن
می گوید:
آیا کسی می افتد بدون اینکه برخیزد؟ روم۱۱:۱۱
آیا کسی روی بر می تابد بدون اینکه باز
گردد؟
[۵] از برای چه این قوم مرتد شده است؟
از برای چه اورشلیم ارتدادی بی انتها ۲:۳۱
شده است؟
ایشان در فریب پای می فشارند،
از بازگشتن امتناع می ورزند. ۵:۳
[۶] من دقت کردم و شنیدم:
آنچه را که شایسته نیست می گویند، ۴۸:۳۰
حتی یکی هم از شرارتش توبه نمی کند
و می گوید: «چه کرده ام!»
جملگی به مسیرهای خود[n] باز می گردند، ۷:۲۴
به سان اسبی که به نبرد هجوم می برد.
[۷] حتی لک لک نیز در آسمان
موسم های خود را می شناسد؛
قمری و پرستو و کلنگ
زمان آمدن خود را ملاحظه می کنند. ۶:۱۰؛ ۹:۲۳؛
و قوم من «حق» یهوه را نمی شناسند[o]. تث۳۲:۶

[l] این فرمولی است در سبک نبوتی که بر ویژگی خطاناپذیر پیام تأکید می گذارد؛ این عبارت اشاره به این دارد که وقایعی که اعلام شده، در آستانهٔ فرا رسیدن است. در ارمیا، ۱۵ بار این اصطلاح به کار رفته و هر بار، با عبارت «وحی یهوه» همراه است.

[m] بدینسان، محل عبادات در اثر تجمع اجساد نجس می شود.

[n] ترجمهٔ ما مبتنی است بر متن عبری خوانده شده. در متن مکتوب چنین آمده: «هر یک طبق میل خویش منحرف می شود».

[o] در نظر ارمیا و نیز اشعیا (اش ۱:۳)، اسرائیل آنچه را که برای درک عمیق «حق» و حقایق الهی لازم بود دریافت کرده بوده است؛ با این حال، درک غریزی حیوانات در سطح خودشان از دک قوم اسرائیل بیشتر است.

کلام و کلام ...

۸چگونه می‌توانید بگویید: «ما حکیم
هستیم
و شریعت یهوه با ما است؟»
و اینک قلم دروغگوی کاتبان[p]
از آن دروغی ساخته است!
۹حکیمان را شرم خواهد پوشاند، ایو۵:۱۳؛
ایشان هراسان و گرفتار خواهند شد. روم۲:۱۷ ۲۵؛ ۱قر۱:۱۹ ۲۰
اینک ایشان کلام یهوه را خوار
شمرده‌اند،
و چه حکمتی است حکمت ایشان[q]؟

بی‌توجهی انبیا و کاهنان[r]

۱۰به همین سبب است که همسرانشان را
به دیگران خواهم داد،
مزرعه‌هایشان را به فاتحان؛
زیرا از کوچکترین گرفته تا بزرگترین، حز۲۲:۲۷؛
همگی سودی نادرست به دست می‌آورند؛ حب۲:۹
از نبی گرفته تا کاهن
همگی دروغ را به جا می‌آورند.
۱۱ایشان شکستگی دختر قوم مرا به
سهل‌انگاری درمان می‌کنند[s] و می‌گویند: ۸:۲۱

«آرامش! آرامش!»
و آرامشی نیست.
۱۲آیا از اینکه مرتکب کراهت شده‌اند
شرم دارند؟
اما ایشان شرم هم ندارند
و نمی‌دانند چگونه سرخ شوند.
به همین سبب است که در میان آنان که
می‌افتند خواهند افتاد،
(و) به هنگام مجازاتشان، خواهند ۲۳:۱۲
لغزید، یهوه می‌فرماید.

«زیر چوب رها شدهٔ او»

۱۳آن هنگام که می‌خواهم نزد ایشان درو صف۱:۲
کنم وحی یهوه
انگوری بر روی تاک نیست، حب۳:۱۷
انجیری بر درخت انجیر نیست، اش۱:۳۰
و برگهایشان پژمرده شده[t].
۱۴چرا در اینجا بمانیم؟ گرد آیید و به
شهرهای حصاردار داخل شویم ۴:۵
تا در آنجا هلاک شویم، ۹:۱۴؛
چرا که یهوه، خدای ما، ما را هلاک مرا۳:۱۵، ۱۹
می‌سازد

p گویا منظور ارمیا، فعالیت کاتبان در تبدیل کتاب تثنیه به قانون حکومتی می‌باشد، فعالیتی که می‌بایست به طور خاص در احکامی که با قلم فلزی بر روی سنگ حک می‌شود ظاهر شود (یعنی روش اعلانات در قدیم). در ۳۱:۳۳، ارمیا اعلام می‌دارد که خداوند خودش احکام خود را در عمق وجود ما خواهد نوشت. به این ترتیب، هر نوع امکان تحریف از سوی کسانی که تحت سلطهٔ روح خدا نیستند، برطرف می‌شود.

q تحت‌اللفظی: «حکمت به آنان چه ربطی دارد؟» کلام خدا در قلب حکمت و آزادی قرار دارد (ر.ک. یو ۸:۳۱ ۳۲)؛ لذا وقتی ایشان کلام خدا را که همیشه زنده است خوار می‌شمارند تا آن را منجمد سازند و کم و بیش تحریف کنند (آیه ۸)، در این صورت حکمتشان فرو می‌پاشد و آزادی واقعی را از دست می‌دهند (ر.ک. یو ۸:۳۴)، خصوصاً که این کلام از سوی شخصی چون ارمیا اعلام می‌شود.

r آیات ۱۰ ۱۲ با چند اختلاف، مشابه ۶:۱۲ ۱۵ می‌باشد.

s ر.ک. توضیحات ۴:۱۱.

t در متن عبری، مصرع دیگری پس از این مصرع آمده که بسیار مبهم است. ترجمه‌های احتمالی آن چنین می‌تواند باشد: «آنها را به کسانی که می‌گذرند، خواهم داد»، یا «و آنها را خواهم داد که ببرند» یا «به آنان غارتگرانی داده‌ام که غارتشان می‌کنند» ما طبق ترجمهٔ یونانی، این مصرع اضافی را حذف کرده‌ایم.

و به ما آب زهرآلود می نوشاند،
زیرا به یهوه گناه ورزیده ایم.
[۱۵]منتظر آرامش بودیم، و هیچ چیز نیکی ۱۹:۱۴
نیست!...
زمان شفا، و اینک وحشت! حز۷:۲۵
[۱۶]از دان (به این سو) غرش اسبانش به
گوش می‌رسد؛
از صدای شیههٔ اسبان جنگی‌اش
تمام زمین می لرزد؛
فرا می‌رسند و می درند سرزمین را مز۲۴:۱
و هر آنچه را که آن را پر می کند،
شهر و آنان را که در آن ساکن اند. ۸:۴۶
[۱۷]زیرا اینک مارها و افعی ها بر علیه اعد۲۱:۶؛ تث۳۲:۲۴؛ حک۱۱:۱۵
شما می فرستم
که در مقابل آنها افسونی نیست؛
شما را خواهند گزید ـ وحی یهوه ـ
[۱۸الف]و شفایی نخواهد بود[u]!

شکایت نبی

[۱۸ب]محنت مرا فرا می گیرد،
قلبم به درد آمده.
[۱۹]اینک فریاد وحشت دختر قوم من[v]
از سرزمینی دور دست برمی‌آید:
«آیا یهوه دیگر در صهیون نیست؟ تث۳۱:۱۷
«پادشاهش» دیگر در آنجا نیست؟» میک۴:۹

ـ از چه سبب مرا با بت‌هایشان به خشم
آورده اند،
با «بطالت های» بیگانه؟ ۸:۱۰
[۲۰]«حصاد گذشت، تابستان تمام شد،
اما ما نجات نیافته ایم!»
[۲۱]از شکستگی دخترقومم[w]، من خرد ۴:۶، ۲۰؛ ۶:۱؛ ۱۰:۱۹
شده ام،
اندوهگینم، بهت مرا فرو گرفته.
[۲۲]آیا در جلعاد روغن بلسان دیگر ۴۶:۱۱
نیست؟
آیا در آنجا پزشک دیگر نیست؟
پس چرا زخم دخترقومم نمی تواند التیام
یابد؟
[x۲۳]چه کس سر مرا به آب تبدیل خواهد
ساخت
و چشمانم را به چشمهٔ اشک،
تا اینکه روز و شب گریه کنم ۱۳:۱۷؛ ۲ سمو۱:۱۹؛ مرا۱:۱۶
برای قربانیان دختر قومم؟

حقیقت از میان رفته[y]

۹ [۱]آه! کاش که در بیابان منزلگاهی ۱ پا۱۹:۳ ۴؛ مز۵۵:۷ ۹
برای مسافران می داشتم!
قوم خویش را رها می کردم
و از اینجا می‌رفتم، به دور از ایشان!
زیرا ایشان همگی زناکارند ۵:۷ ۸:۲۳:۱۰

u «شفایی نخواهد بود. محنت مرا فرا می گیرد» ترجمهٔ اصلاح شدهٔ متنی است مخدوش.
v ر. ک. توضیحات ۴:۱۱.
w ر. ک. توضیحات ۴:۱۱.
x در ترجمه های یونانی و وولگات، این آیه در آغاز فصل ۹ آمده است. به همین دلیل، شماره گذاری این دو ترجمه برای دنبالهٔ فصل ۹، نسبت به متن عبری یک رقم جلوتر است.
y در راستای ۵:۱ ۳ و ۷:۲۸، نبی (آیات ۱ ۵) و خود خداوند (آیات ۶ ۸ و آیه d2؟ و b5؟) به تناوب سخن می گویند تا بر نبود هر نوع حقیقت و راستی در روابط انسان ها دل بسوزانند (ر. ک. اش ۵۹:۱۵؛ هو ۴:۱ ۲؛ مز ۵:۷؛ ۱۲:۳ ۵؛ ۱۴:۳۴؛ امث ۱۲:۱۹، ۲۲؛ بنسی ۲:۲۴ ۲۶).

(و) دسته ای خائن.
۲زبان خود را همچون کمان می کشند؛
آنچه بر سرزمین فرمان می راند
دروغ است و نه صداقت[z]،
زیرا از جنایت به جنایت می روند،
و مرا نمی شناسند!
:۲۳:۹ هو۴:۱ - وحی یهوه[a].
۳هر یک از شما از دوست خود برحذر
باشد
:۶:۱۲ میک۷:۵: مز۴۱:۱۰ و هیچ کس به برادر خود اعتماد نکند؛
چرا که هر برادر کاری جز از میان بردن
انجام نمی دهد
۲۸:۶ و هر دوستی افترا زنان می رود.
۴هر کس دوست خود را فریب می دهد
مز۱۲:۱۲۰ و حقیقت را نمی گویند،
زبان خود را آموخته اند تا دروغ را ادا
کند؛
۵:۸ بدی می کنند،
۵(و) قادر به بازگشت نیستند.
خشونت روی خشونت! فریب روی
فریب[b]!
از شناختن من سر باز می زنند - وحی یو۳:۱۱
یهوه[c].

خداوند مداخلت خواهد کرد

۶از این سبب، یهوهٔ لشکرها چنین سخن
می گوید:
اینک ایشان را تصفیه و آزمایش خواهم :۲۷:۶ اش۱:۲۵
کرد؛
زیرا در برابر شرارت[d] ایشان[e] چه توانم
کرد؟
۷زبانشان تیر مهلک است[f]، :۱۸:۱۸ مز۵۷:۵: ۴:۶۴
سخنان دهانشان جز فریب نیست؛
با دوست خود دربارهٔ آرامش سخن مز۲۸:۳: بنسی۱۲:۱۶: مت۲۶:۴۹
می گویند،
اما در دل خود برایش دامی مهیا
می سازند.
۸و به سبب این، نباید مجازاتشان
کنم[g]؟ :۱۸:۳۲ :۲۲:۴۴ روم۲:۲
- وحی یهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

z سنت یهود، متن عبری را این چنین استنباط کرده: «زبانشان را برای دروغ همچون کمان خم می کنند و ترقی شان در سرزمین، برای حقیقت نیست». ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی.
a در ترجمهٔ یونانی، «وحی یهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را این چنین تعبیر کرد: «و خداوند را نمی شناسند» ر. ک. توضیحات آیه ۵.
b ترجمهٔ ما مطابق با ترجمهٔ یونانی است. سنت متأخر یهود، کلمات را به شکل دیگری تقسیم بندی کرده: «(انتهای آیه ۴) در تباهی، خود را خسته می سازند. (آیه ۵) مسکن تو در وسط فریب است. در فریب، از شناختن...»
c در ترجمهٔ یونانی، «وحی یهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را چنین تعبیر کرد: «از شناختن یهوه سر باز می زنند». ر. ک. توضیحات آیه ۲.
d کلمهٔ «شرارت» بر اساس ترجمه های آرامی و یونانی افزوده شده است.
e قرائت عبری: «دختر قوم من». ر. ک. توضیحات ۴:۱۱.
f در اینجا، موضوع آیات ۲ ۵ تکرار می شود.
g این فعل (ر. ک. ۵:۹، ۲۹) بیانگر مداخلت الهی است به منظر برقراری نظم، خواه با مجازات کردن و مطالبهٔ حساب، خواه با ظاهر کردن روشی ملایم تر، یعنی نشان دادن نگرانی خود برای خاصانش (۱۵:۱۵؛ ۲۷:۲۲؛ ۲۹:۱۰؛ ۳۲:۵). این فعل به علت معنی چندگانه اش (ر. ک. توضیحات خروج ۳:۱۶؛ توضیحات عا ۳:۲؛ توضیحات لو ۱:۶۸) چند بار با عباراتی مترادف با «توجه داشتن» ترجمه شده است (ر. ک. ۲۳:۲ و نیز ۲۳:۱۲ و توضیحات).

حکیم است آنکه علت مصیبت را درک کند[h]

[۹]بر روی کوه ها، گریه و ناله را طنین افکن سازید
و بر چراگاه های بیابان، سرود عزا را!
چرا که سوخته اند، کسی از آنجا نمی گذرد
و صدای گله ها در آنجا به گوش نمی رسد؛
از پرندگان آسمان گرفته تا به بهایم
همه گریخته اند، همه رفته اند[i]. ۴:۲۵:۱۲:۴؛ صف۱:۳
[۱۰]از اورشلیم توده ای از سنگ خواهم ساخت، ۲۶:۱۸:۵۱:۳۷
پناهگاه شغال ها؛
و از شهرهای یهودا ویرانه ای خواهم ساخت،
بدون هیچ ساکنی.
[۱۱]کدام است آن انسانی که اندکی حکمت دارد تث۳۲:۲۹؛ هو۱۴:۱۰؛ مز۱۰۷:۴۳
تا این را درک کند؟
کدام است آنکه دهان یهوه با او سخن گفته باشد
تا آن را انتشار دهد؟
از برای چه سرزمین هلاک شده،
همچون صحرا سوخته، ۳:۳:۵:۲۵
بدون هیچ رهگذری؟
[۱۲]یهوه می گوید: به این سبب که
شریعت مرا که در برابر ایشان قرار داده
بودم ترک کرده اند؛ صدای مرا گوش
نگرفتند و مطابق آن سلوک نکردند؛ [۱۳]اما
لجاجت دل خود را پیروی کردند، در پی ۳:۱۷؛ اش۶۵:۲
بعل ها که پدرانشان آنها را به ایشان
شناساندند. [۱۴]به این سبب، یهوهٔ لشکرها، ۲۳:۱۵
خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید:
اینک به این قوم[j] افسنتین خواهم خوراند،
و آب مسموم به آنان خواهم نوشاند. مکا۸:۱۱
[۱۵]ایشان را در میان ملت هایی پراکنده ۱۳:۲۴
خواهم ساخت که نه خودشان می شناختند و
نه پدرانشان، و شمشیر را به دنبال ایشان ۱۵:۱۴
خواهم فرستاد تا آن زمان که آنان را بالکل ۴۹:۳۷
قلع و قمع کنم!

دعوت از زنان نوحه‌سرا

[۱۶]یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
توجه کنید! زنان نوحه سرا را بخوانید[k]، جا۱۲:۵
و بادا که بیایند!
ماهرترین آنان را خبر کنید، و بادا که بیایند!
[۱۷]باشد که بشتابند و بر ما ناله ها ادا کنند؛
بادا که چشمانمان از اشک آکنده شود ۸:۲۳
و از پلکانمان آب جاری گردد!
[۱۸]زیرا صدای ناله از صهیون شنیده می شود:
«چگونه از میان رفتیم، ۴:۱۳
شرمسار گشته ایم!

h ر.ک. توضیحات ۳:۶.
i ر.ک. توضیحات ۳:۵۰ . ایه۹تا۱۱زیاد روشن نیست که در این قسمت به کدام اتفاق تاریخی اشاره میشود. احتمالا به هجوم نبوکد نصر طبق ۲پا۲۴:۱.
j عبارت «این قوم» که حالت توضیحی دارد، در متن عبری وجود دارد، اما در ترجمهٔ یونانی نیست.
k خداوند زنان نوحه سرا را فرا می خواند زیرا نسبت به مصائب قوم خود بی تفاوت نیست: شفقت او در این مرثیهٔ تکان دهنده تجلی می یابد. خداوند نهایت تلاش خود را کرد تا فرزندانش را از مصیبت دور نگاه دارد، اما وقتی ایشان راه سقوط را انتخاب کردند، او اینک رنج و محنت ایشان را شدیداً احساس می کند.

زیرا سرزمین را ترک می کنیم،
چـرا که مـسـکن هـایمـان را فـرو افکنده اند[l].»
۱۹ پس ای زنـان، کلام یـهـوه را گـوش گیرید،
و گوشتان کلام دهان او را دریافت کند؛
به دختران خود ناله را تعلیم دهید
و هر یک از شما، سرود عزا را به دوست خویش:
یول۲:۹ ۲۰ «مرگ از پنجره هایمان برآمده است،
به قصرهایمان داخل شده است،
۱۱:۶: کودک را از کوچه نابود کرده،
تث۳۲:۲۵: جوانان را از مکان های عمومی.
مرا۱:۲۰ [m]۲۱ جنازه های مردم در کشتزارها افتاده است،
به سان کود،
۲:۸ به سان بافه ای که در پس درو کننده رها شده باشد،
ایو۵:۲۶ و کسی نیست که [آنها] را جمع کند!»

شناخت خدا، یگانه حکمت واقعی[n]

۲۲ یهوه چنین سخن می گوید:
حکیم به حکمت خود نبالد، امث۳:۵:
شجاع به شجاعت خود نبالد، ۲۱:۳۰:
(و) دولتمند به دولت خود نبالد! جا۹:۱۱ بنسی۱۰:۲۲
۲۳ اما آنکه می بالد، به این ببالد
که هوشمندی دارد و مرا می شناسد. ۱۶:۲۱:
زیـرا من یـهـوه هـستم که وفـاداری را به عمل می آورم، ۲۲:۱۶: مز۳۴:۳: یو۱۷:۳: ۱ قر۱:۳۱: ۲ قر۱۰:۱۷
و انصاف و عدالت را بر روی زمین؛
زیرا این است آنچه دوست می دارم
- وحی یهوه.

ختـنـهٔ جـسـمـانی، انـسـان را از مجازات دور نگاه نمی دارد

۲۴ اینک روزهایی می آید - وحی یهوه - ۹:۸
که در آن هر مختونی را که نامختون است مجازات خواهم کرد: ۲۵ بر علیه مصر، و بر علیه یهودا، و بر علیه ادوم، و بر علیه پسران عمّون، و بر علیه موآب، و بر علیه «شقیقه - تراشیده هایی» که در صحرا ساکن اند[o]؛ زیرا همهٔ ملت ها نامختون اند، و تمامی خاندان اسرائیل در دل، نامختون اند[p].

[l] قرائت ترجمهٔ یونانی: «مسکن های خود را رد کرده ایم». می توان همراه با مفسران یهود، متن حروف صدادار را مانند یونانی این چنین استنباط کرد: «از مسکن هایمان دور افکنده شده ایم».

[m] در متن عبری، این آیه با این عبارت آغاز می شود: «سخن بگو! اینک وحی یهوه». این فرمول در ترجمهٔ یونانی نیامده و ما نیز آن را نیاورده ایم. این فرمول به ندرت برای آغاز وحی به کار می رود؛ ر. ک. توضیحات ۹:۵.

[n] شناخت خداوند به معنی ملاقات با خدایی است که در زندگی انسان ها مداخلت می کند و ایشان را به راه وفاداری و دستگیری از یکدیگر، راستی و انصاف، و عدالت رهنمون می گردد.

[o] اشاره به قبایل عرب است (۲۵:۲۳؛ ۴۹:۳۲) که برای بریدن مو و ریش خود، رسومی را به جا می آوردند که در اسرائیل ممنوع بود (لاو ۱۹:۲۷). این قبایل، مانند نیای خود اسماعیل (پید ۱۷:۲۳)، رسم ختنه را رعایت می کردند، همان گونه که در زمان ارمیا، در میان سایر اقوام مذکور در این آیه، متداول بود.

[p] در این دو آیه، ارمیا تأیید می کند که خداوند تمام این ملت ها، و نیز یهودا را، با اینکه ختنه شده اند، مجازات خواهد کرد. بخش پایانی («زیرا همهٔ ... در دل نامختون اند») احتمالاً توضیحی متأخر می باشد: از آنجا که رسم ختنه جز در میان یهود، در میان سایر اقوام رواج خود را از دست می داد، این توضیح می کوشد، با اشاره به ۴:۴ (ر. ک. توضیحات)، تأیید ارمیا را با این وضعیت جدید انطباق دهد: تث ۱۰:۱۶؛ ۳۰:۶.

در برابر خداوند خدا، بتها چه هستند؟

۱۰ ۴:۲
۱ کلامی را که یهوه خطاب به شما می فرماید گوش گیرید، ای خاندان اسرائیل.
۲ یهوه چنین سخن می گوید:
طریق ملت ها را نیاموزید، ۱۶:۱۲؛ روم۱۲:۲
و از علائم آسمان نهراسید؛
زیرا از آنها ملت ها می ترسند. حک۱۷:۱۰
۳ زیرا هراس قوم ها بطالت است؛
از چوبی است که در جنگل می برند،
اثری که با اسکنه با دست های تندیس ساز ساخته شده؛ ۹:۱۰
۴ با نقره و طلا، به آن زیبایی می بخشند، اش۱۹:۴۰؛ حک۱۳ ۱۴
با میخ ها و چکش ها آن را تثبیت می کنند
تا تلوتلو نخورد.
۵ آنها همچون مترسک در مزرعهٔ خیار هستند، نامه ار ۶۹
و سخن نمی گویند؛
باید حملشان کرد زیرا راه نمی روند. مز۱۱۵:۴ ۷
از آنها مترسید، زیرا ضرری نتوانند رساند،
خیر رساندن نیز در توانشان نیست. حب۲:۱۸

۶ هیچ کس[q] همچو تو نیست، ای یهوه؛ ۱۹:۴۹؛ مز۸۶:۸ ۱۰
تو عظیمی
و نام تو در قوت، عظیم است.
۷ کیست که از تو نترسد،
ای پادشاه ملت ها؟ ۲۲:۵؛ مکا۱۵:۴
آری، این است آنچه که تو را سزد؛
زیرا که در میان تمامی حکیمان ملت ها
و در تمامی مملکت های ایشان،
هیچ کس همچو تو نیست.
۸ جملگی بدون استثنا ابله اند و احمق، روم۱۶:۲۷
تعلیمشان بطالت[r] است؛ چوب است، زکر۱۰:۲؛ حک۱۴:۲۲ ۳۱
۹ نقرهٔ کوبیده شده که از ترشیش آورده شده
و طلای اوفاز[s]،
اثر تندیس ساز و دست های ریخته گر،
که با ارغوان بنفش می پوشانندش و با ارغوان سرخ: ۳:۱۰
اثر صنعت گران، تمام اینها!
۱۰ اما یهوه خدایی است حقیقی[t]،
او خدایی است زنده
و پادشاه ابدیت. تث۵:۲۶؛ میک۴:۷؛ مز۱۸:۸؛ نح۱:۶
چون به خشم آید، زمین به لرزه آید،
و ملت ها را یارای تحمل غضب او نیست.

q متن عبری را بر اساس تفسیر ربی ها، این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «با توجه اینکه هیچ کس همچو تو نیست...»

r این واژه (یعنی «بطالت» از جا ۱:۲، ر.ک توضیحات آن) گاه برای اشاره به بت ها به کار رفته است، خصوصاً در ۸:۱۹؛ ۱۰:۱۵؛ ۱۴:۲۲؛ ۱۶:۱۹؛ تث ۳۲:۲۱؛ ۱ـ پاد ۱۶:۱۳، ۲۶؛ یون ۲:۹؛ مز ۳۱:۷؛ اع ۱۴:۱۵؛ ر.ک. از ۲:۵. کلمهٔ «چوب» که در عبری، متصل به واژهٔ «بطالت» است، یادآور آیه ۳ می باشد که به روشنی بیان می دارد که مفهوم آن همین است (نیز ر.ک. آیه بعدی). ق.ت.ل: «این است تعلیم بطالت ها»، یعنی اگر بگذاریم آنها ما را تعلیم دهند، نتیجه اش چنین خواهد بود.

s محلی ناشناخته که در دان ۱۰:۵ نیز ذکر شده. در آرامی و سریانی: اوفیر، ر.ک. ۱ـ پاد ۹:۲۸ و توضیحات.

t این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «... در حقیقت خدا است». نبی با استفاده از سبک جدلی نوشته های دورهٔ پس از تبعید بر علیه بت پرستی، خداوند و بتها را در تقابل قرار می دهد: بتها که هیچ اند، یا تقریباً هیچ اند، پیروان خود را به انحطاط اخلاقی و روانی و جسمانی سوق می دهند (آیه ۸: ر.ک. آیات ۲ ۳) حال آنکه یهوه، خدای حقیقی است که می توان به او اعتماد کرد: او مؤمنان خود را به سوی حیات رهنمون می گردد.

۱۱اینک دربارهٔ آنها خواهید گفت:
«خدایانی که آسمان و زمین را نساخته‌اند،
نح۱:۱۴ اینها از زمین و از زیر آسمان ناپدید
خواهند شد[u].»
۵۱:۱۵ ۱۹ ۱۲او زمین را با قوت خویش ساخته،
مز۱۰۴:۲۴؛ امث۳:۱۹ جهان را با حکمت خود برقرار نموده،
و با هوشمندی خویش آسمانها را
گسترده است.
۱۳اگر آوا دهد،
خروش آبها در آسمان است؛
مز۱۳۵:۷؛ ۱۴۷:۸ ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد،
برق ها را برای باران پدید می‌آورد،
باد[v] را از خزانه های خویش می‌کشد.
۱۴هر بشری ابله است، به سبب نبود
دانش،
هر ریخته‌گری شرمسار است از تندیس
خویش؛
زیرا آنچه می‌ریزد، دروغ است،
در آن دمی نیست.
۱۰:۸ ۱۵بطالت هستند، اثری مضحک،
۲۳:۱۲ در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد.
تث۴:۲۰؛ مز۱۶:۵ ۱۶سهم یعقوب این چنین نیست:
همه چیز را «او» شکل بخشیده است،
۱۶:۲۱؛ و اسرائیل قبیلهٔ میراث او است،
خروج۱۵:۳؛ عا۴:۱۳ یهوهٔ لشکرها نام او است.

به سبب ترک خداوند، همه چیز فرو می‌پاشد

۱۷ای دختر محاصره شده[w]، ۴۶:۱۹؛ حز۱۲:۳
بار سفرت را از زمین جمع کن!
۱۸زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک این بار، ساکنان سرزمین را ۲۲:۲۸؛
به سان فلاخن پرتاب خواهم کرد؛ ۱سمو۲۵:۲۹
از نزدیک ایشان را خواهم فشرد،
تا [مرا] بیابند[x].
۱۹وای بر من به سبب شکستگی‌ام! ۱۴:۱۷
علاج ناپذیر است جراحت من! ۱۵:۱۸
و من می‌گفتم:
این رنج من است، آن را تحمل خواهم
نمود.
۲۰خیمه‌ام ویران شده ۴۹:۲۹
و تمام طناب هایم گسیخته است.
پسرانم مرا ترک گفته‌اند: دیگر نیستند[y]
کسی نیست که خیمه‌ام را بگستراند
و پرده هایم را بر پا دارد. عا۹:۱۱
۲۱زیرا که چوپانان احمق بودند ۵:۵
و یهوه را نجستند؛
به همین سبب است که کامیاب نشدند، ۳:۱۵
و تمام گله شان پراکنده شده است. ۲۳:۱؛
۲۲به شایعه گوش دهید! اینک فرا ۱ پا۲۲:۱۷
می‌رسد!

u آیه ۱۱ توضیحی است حاشیه‌ای به زبان آرامی، خطاب به ملت ها.
v قرائت یونانی: «نور»
w به نظر می‌رسد که نبی اورشلیم محاصره شده را مورد خطاب قرار می‌دهد. اما بخشی از سنت یهود، این آیه را به گونه‌ای کاملاً متفاوت استنباط می‌کند. طبق این استنباط، نبی بابل را مخاطب قرار می‌دهد و به او می‌گوید: «ای تو که در مکانی حصاردار ساکنی، دیگر سنگینی جهان گشایی خود را بر زمین وارد میاور».
x قرائت ترجمه یونانی و وولگات: «تا یافت شوند». معنی این مصرع را با قطعیت نمی‌توان تعیین کرد و تفسیر علمای یهود از آن بسیار گوناگون است: آنانی که ترجمهٔ ما را تأیید می‌کنند، آن را مقدمه‌ای بر آیهٔ بعدی به شمار می‌آورند. این فرض را نیز می‌توان در نظر داشت که کلمهٔ «گناه» (یا «مجازات گناه») در معنی مصرع مستتر است (ر.ک. پید ۴۴:۱۶): در این صورت، مفهوم این مصرح چنین خواهد بود: «تا گناه خود را (مجازات خود را) بیابند» (ر.ک. آکیلا).
y ترجمهٔ یونانی چنین قرائت می‌کند: «فرزندانم و چارپایانم دیگر نیستند». سنت دیگری نزد علمای یهود، به جای «چارپایان»، شکلی از فعل مفرد را قرائت می‌کند که معمولاً به این گونه ترجمه می‌شود: «ایشان از من بیرون آمدند».

هیاهوی عظیمی از سرزمین شمالی می‌آید
۶:۴ تا از شهرهای یهودا
۹:۱۰ مکانی ویران بسازد، پناهگاه شغالها.

دعای نبی

اش۱۶:۱، ۹:؛ ۲۰:۲۴؛ دان۵:۲۳؛ حک۷:۱۶ ۲۳ می‌دانم، ای یهوه،
که طریق انسان از آن او نیست،
(و) نه از آن کسی که راه می‌رود،
هدایت گام های خویش!
مز۶:۲؛ ۳۸:۲؛ ۱۴۳:۲ ۲۴ مرا اصطلاح فرما، ای یهوه، اما بر
حسب عدالت[z]،
نه بر حسب خشمت، چرا که ممکن است
مرا خوار سازی[a]!
۲۵ غضبت را بر ملت‌هایی بریز
که تو را نمی‌شناسند،
و بر قبایلی که نام تو را نمی‌خوانند.

زیرا یعقوب را دریده‌اند، ۸:۱۶؛ ۳۰:۱۶؛ مز۱۴:۴
او را دریده‌اند، او را قلع و قمع
کرده‌اند،
اقامتگاهش را ویران ساخته‌اند[b].

مجازات عدم وفاداری به عهد[c]

۱۱ ۱ کلامی که از سوی یهوه به این ۷:۱؛ ۴۴:۱
مضمون به ارمیا فرا رسید: ۲ با
مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم سخن
بگو[d]؛ ۳ به ایشان خواهی گفت[e]: یهوه، ۱۷:۲۰
خدای اسرائیل، چنین سخن
می‌گوید: ملعون باد کسی که به سخنان این تث۲۷:۲۶؛ غلا۳:۱۰
«عهد» گوش نگیرد، ۴ (سخنانی) که به
پدران شما امر فرمودم، در روزی که ایشان
را از سرزمین مصر بیرون آوردم، از کورهٔ
آهن[f]؛ به ایشان گفتم: صدای مرا گوش ۷:۲۳؛ یو۱۰:۲۷

z یعنی «مطابق میزان» یا طبق هنجارها.

a ترجمهٔ یونانی، این آیه را به صورت جمع قرائت کرده: «ما را اصلاح فرما، ... ما را خوار سازی». در واقع، بیشتر محتمل است که بتوان این درخواست (و خاصه درخواست آیه بعدی) را در دهان قوم گذاشت تا در دهان خود نبی. در این دعا، از خدا درخواست شود که در اصلاح خاصان خود، رعایت میزان و هنجار را بکند (ر.ک. توضیحات ۵:۱۵؛ ۳۰:۱۱). «عدالت» (یا میزان و هنجار)، جایگاه خاصی در کتاب مقدس دارد (پید ۱۳:۳۳؛ اش ۲:۴۲ ۳؛ امث ۱۶:۲۵ ۱۷؛ ۷:۳۰ ۹؛ بنسی ۱۸:۳۰ تا ۱۹:۳؛ ۲۷:۳۱ ۲۸؛ مت ۴:۵؛ ۲۹:۱۱ ۳۰؛ روم ۳:۱۲؛ غلا ۲۳:۵؛ تیط ۲:۳؛ ۱ـ پطر ۱۶:۳؛ ۸:۵). در ضمن، از یهویاقیم انتقاد شده که طرح هایش خارج از هنجار بوده است (۱۴:۲۲).

b این دعا (که با مز ۶:۷۹ ۷ موازی است) یکی از درخواست های متعدد از «خدایی غیور و انتقام گیرنده» است (نا ۲:۱ و توضیحات) تا به نفع خاصانش که خوار شده اند مداخلت کند (ر.ک. ۳۲ و توضیحات؛ ۱۴:۱۲؛ حزق ۲۵؛ یول ۲:۴). این نوع درخواست ها در مزامیر بسیار به چشم می خورد. دلمشغولی برای جلال خدا که الهام بخش چنین دعاهایی است، در بنسی ۱:۳۶ ۱۷ (ر.ک. مز ۲۱:۱۳۹ ۲۲) و دلمشغولی برای ستایش او در کتاب یونانی استر، فصل ۱۰، به روشنی مشاهده می شود.

c متن موجود در ۱:۱۱ ۱۴ احتمالاً الگوی موعظه ای است که بدست مؤلفان تثنیه ای این کتاب نگاشته شده است (ر.ک. مقدمه) اگر سال بعثت نبی را ۶۲۶ ق.م. بدانیم، می توان تصور کنیم که این متن متکی است بر برخی اطلاعات مربوط به زندگی او. ارمیا در زمان یوشیا، احتمالاً در ترویج اصلاحات پادشاه شرکت جسته بود، اصلاحاتی که مبتنی بود بر کتاب «عهد» که در معبد یافت شده بود؛ اما بعدها احتمالاً در اثر شکست این اقدامات دچار دلسردی شده بود.

d در متن عبری، این آیه این چنین آغاز می گردد: «مفاد این عهد را بشنوید» در این ترجمه، ما بر اساس ترجمه یونانی و سریانی و تارگوم، این بخش را حذف کرده ایم. «عهدی» که به اسرائیل پیشنهاد شده بود، مستلزم تعهدی از جانب ایشان بود؛ این تعهد خودش پاسخی بود به تعهد اولیهٔ خداوند (آیه ۵)؛ ر.ک. توضیحات خروج ۵:۱۹.

e قرائت متن عبری: «به ایشان خواهید گفت». ترجمهٔ ما مطابق ترجمه یونانی و سریانی و آرامی است.

f ر.ک. توضیحات تث ۲۰:۴.

گیرید و مطابق هر آنچه که به شما امر
می‌کنم، عمل نمایید[g]: آنگاه قوم من
خواهید بود، و من خدای شما خواهم بود. ۷:۲۴؛
۵ بدینسان، به سوگند خود وفا خواهم کرد تث۴:۲۰؛ ۷:۶؛
که برای پدران شما یاد کردم تا سرزمینی را حز۱۴:۱۱
به ایشان بدهم که در آن شیر و عسل جاری تث۱۱:۸-۹؛
است، چنان که امروز [شده است]. پاسخ مز۱۰۵:۸-۱۱
دادم و گفتم: «آمین[h]! ای یهوه».
۶ یهوه مرا گفت: این سخنان را در ۲:۲
شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم
فریاد بزن؛ بگو: سخنان این «عهد» را
گوش گیرید و به آنها عمل کنید. ۷ زیرا به ۷:۲۳-۲۶
پدران شما، در روزی که ایشان را از
سرزمین مصر برآوردم، با صلابت هشدار
دادم و تا به امروز به ایشان بدون خستگی
با این سخنان هشدار داده‌ام: «صدای مرا
گوش گیرید!» ۸ اما ایشان نشنیدند و گوش ۳۵:۱۵
نسپاردند؛ ایشان هر یک مطابق لجاجت دل
بدکار خود سلوک کرده‌اند. آنگاه تمامی
سخنان این «عهد» را بر آنان وارد ساختم،
سخنانی که امر فرموده بود که بدان‌ها عمل
کنند و ایشان عمل نکردند[i].
۹ یهوه مرا گفت: نزد مردمان یهودا و نزد
ساکنان اورشلیم، توطئه‌ای یافت شده
است. ۱۰ ایشان به خطاهای پدران اولیه‌شان
باز گشته‌اند که از گوش گرفتن به صدای
من سر باز زدند؛ آنان نیز به دنبال خدایان
دیگر رفتند تا آنها را خدمت کنند. خاندان ۱۳:۱۰؛ ۴۴:۳
اسرائیل و خاندان یهودا «عهد» مرا
شکسته‌اند، عهدی که با پدرانشان بسته ۳۱:۳۲
بودم. ۱۱ به همین سبب، یهوه چنین سخن
می‌گوید: اینک بر ایشان مصیبتی خواهم ۱۹:۳؛
آورد که نخواهند توانست از آن بیرون آیند: ۱ پا۱۴:۱۰
نزد من فریاد برخواهند آورد و به ایشان
گوش نخواهم گرفت. ۱۲ شهرهای یهودا و
ساکنان اورشلیم خواهند رفت تا به سوی
خدایانی فریاد برآورند که برای آنها بخور ۱:۱۶
سوزاندند، اما آنها نخواهند توانست ایشان
را در زمان مصیبتشان رهایی دهند.
۱۳ زیرا به تعداد شهرهایت، ای یهودا، ۲:۲۸
تعداد خدایانت می‌باشد!
به تعداد کوچه‌های اورشلیم،
تعداد قربانگاه‌هایی است که آماده
کرده‌اید تا برای بعل بخور بسوزانید[j]!
۱۴ و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع ۷:۱۶؛ ۱۴:۱۱؛
ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی، زیرا خرو۳۲:۱۰
آن زمان که به سبب[k] مصیبتشان نزد من
فریاد برآورند، گوش نخواهم گرفت.

g ر. ک. توضیحات مت ۷:۲۴.
h یعنی: «آری».
i هستهٔ آیات ۱-۱۴ را احتمالاً آیه ۶، و بخش آخر آیه ۸، و آیات ۹-۱۲ تشکیل می‌دهد. در واقع، چند جمله (آیات ۷-۸) در ترجمه یونانی وجود ندارد، و آیات ۲-۵ نیز به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از فرمول‌های تثنیه‌ای باشد. این امر برای برخی از مفسران نشانه‌ای است از همکاری ارمیا با اصلاحات یوشیا و شکست نهایی آن (اما ر. ک. مقدمه). متن فعلی می‌تواند بازتاب امیدها و ناامیدی‌های ناشی از این اصلاحات باشد: به این ترتیب که در آغاز، نبی به عهد سینا اشاره کرده، از معاصران خود می‌خواهد که نسبت به آن متعهد گردند (آیات ۲-۸؛ ر. ک ۲ـ پاد ۲۳:۳)؛ مدتی بعد، پس از ۶۰۹ ق.م. مشاهده می‌کند که اوضاع بدتر از گذشته شده است (آیات ۹-۱۴، ر. ک. آیات ۱۵-۱۷)؛ اما ر. ک. مقدمه.
j قرائت متن عبری: «تعداد قربانگاه‌هایی است که برای «شرم» برپا کرده‌اید، قربانگاه‌هایی برای سوزاندن هدایا برای بعل». در این حالت، برای «شرم»، ر. ک. توضیحات ۳:۲۴. ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمهٔ یونانی.
k ترجمهٔ ما مبتنی است به دسته‌ای از نسخ عبری. برخی نسخ دیگر چنین قرائت می‌کنند: «زیرا آن زمان که به هنگام مصیبتشان...»

خداوند درخت زیتون خود را می‌زند

۱۵ محبوبهٔ مرا در خانهٔ من چه کار است! ۷:۱۱؛ اش۱:۱۲
او دست به تزویر یازیده است.
آیا نذرها و گوشت های مقدس
مصیبت را از تو دور خواهند ساخت؟
اگر چنین می‌شد، می‌توانستی وجد
نمایی[l].
۱۶ «درخت زیتون سبز با قامتی زیبا» هو۱۴:۷؛ مز۵۲:۱۰
این نامی است که یهوه به تو داده بود.
او به صدای هیاهویی عظیم
برگ هایش را به آتش می‌کشد،
شاخه هایش می‌سوزد.
۱۷ یهوهٔ لشکرها که تو را کاشته بود، بر
علیه تو (سخنان) بد گفته است، به سبب
آن بدی که خاندان اسرائیل و خاندان
یهودا مرتکب شده اند، تا با سوزاندن ۷:۲۵
بخور برای بعل، مرا به خشم آورند[m]. ۹:۷

ارمیا از سوی اعضای خانواده‌اش تهدید می‌شود[n]

۱۸ یهوه مرا آگاه ساخت و من می‌دانم؛ ۱ پا۱۴:۵
آنگاه تو کردار ایشان را به من نشان
دادی[o]. ۱۹ و من همچون بره‌ای دست‌آموز
بودم که برای ذبح می‌برند، و نمی‌دانستم اش۵۳:۷
که بر ضد من طرح هایی در سر
می‌پروراندند: «درخت را در شیره‌اش
ویران سازیم، آن را از زمین زندگان
برکنیم، و نامش را از یادها محو سازیم!» مز۱۰۹:۱۳؛ بنسی۴۱:۱۱
۲۰ اما [تو] این یهوهٔ لشکرها که با
عدالت داوری می‌کنی، ۱ پط۲:۲۳؛ ۱ تسا۲:۴؛ مکا۲:۲۳
که دل ها و گرده ها را کاوش می‌نمایی[p]،
کاش انتقام تو را از آنان ببینم؛ ۸:۹
چرا که داد خود را به تو سپرده ام[q].
۲۱ به همین سبب، چنین سخن می‌گوید
یهوه بر علیه مردمان عناتوت که در پی جان ۲۹:۲۷

l این مصرع به صورت مبهم منتقل شده است. سنت یهود در قبال مفهوم آن موضعی نامشخص دارد. برخی دیگر این مصرع را چنین ترجمه کرده اند: «آیا در این شرایط می‌توانستی از آن رهایی یابی؟»

m بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «با سوزاندن بخور برای بعل، به او (یعنی به یهوه) اهانت کرده اند».

n این بخش (۱۱:۱۸ تا ۱۲:۶) شامل نخستین عناصری است از آنچه که به «اعترافات ارمیا» معروف است (ر.ک. مقدمه). این اعترافات چیزی بیش از یادداشت های شخصی نبی است: آنها وارد موعظهٔ او می‌شود و گواهی است بر این نکته که پیام‌آور خداوند بودند به چه بهایی تمام می‌شود (آیه ۱۹؛ ۱۲:۵ ۶؛ ۱۵:۱۰، ۱۷ ۱۸؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۱۰، ۱۴ ۱۸؛ ۲۳:۹). دعوت نبی که به دور از هر گونه جاه طلبی های شخصی است، رسالتی است کاملاً وابسته به ارادهٔ آمرانه و متغایر شخصی دیگر (۲۰:۷ ۹؛ ر.ک. ۱:۶؛ خروج ۴:۱۳). نبی واقعی به هنگام اجرای رسالت خود، چیزی از خود ندارد که انجام دهد (۲۸:۶، ۱۱؛ ر.ک. ۲۳:۱۶) و به طور کامل تحت هدایت تصمیم غیرقابل پیش بینی الهی است (۲۸:۱۲؛ اعد ۲۴:۱۲ ۱۳؛ ر.ک. توضیحات ۱:۹). تصور بر این است که محرک توطئهٔ خویشان ارمیا (آیات ۱۸ ۱۹، ۲۱؛ ۱۲:۶) همانا همکاری او با اصلاحات یوشیا بوده باشد (ر.ک. آیات ۲ ۸): مردمان عناتوت و خصوصاً کاهنان خانوادهٔ او، احتمالاً با سرکوب شدن آیین محلی شان مخالف بودند. اما این ماجرا احتمالاً بیشتر مربوط به دورهٔ حکومت یهویاقیم می‌باشد، مثلاً بعد از انتقاد تلخ نبی از آیین عبادی که در معبد اورشلیم به جا آورده می‌شد (فصل های ۷ و ۲۶). در این صورت، ارمیا قاعدتاً در عناتوت پناه گرفته و اغتشاشی که به وجود آورده بود، گریبان او را در انزوا نیز گرفت. این مجموعه شاید از عناصر متعلق به دوره های مختلف تشکیل شده باشد و الزاماً بر حسب ترتیب زمانی شان مرتب نشده اند. مثلاً جای تعجب است که چرا بخشی که در آن ارمیا سرخوردگی خود را از کامیابی بدکاران ابراز می‌دارد (۱۲:۱ ۲)، بعد از بخشی قرار دارد که در آن، خداوند به او اعلام می‌دارد که مخالفانش به زودی مجازات خواهند شد (۱۱:۲۱ ۲۳).

o قرائت ترجمهٔ یونانی: «آنگاه کارهای ایشان را کشف کردم».

p منظور امتحان کردن احساسات و افکار انسان است. ر.ک. ۱۷:۱۰؛ ۲۰:۱۲؛ ۱ـ سمو ۱۶:۷؛ مز ۷:۱۰؛ ۲۶:۲؛ ۱ـ توا ۲۸:۹.

q ر.ک. توضیحات ۲۰:۱۲.

عا۲:۱۲ تو هستند و می‌گویند: «اگر می‌خواهی به
دست ما نمیری، نباید به نام یهوه نبوت
کنی». ۲۲ به همین سبب، چنین سخن
۸:۹ می‌گوید یهوهٔ لشکرها: اینک ایشان را تنبیه
خواهم کرد: جوانانشان به شمشیر خواهند
مرد؛ پسران و دخترانشان در اثر قحط
خواهند مرد.
۹:۹؛ ۳۶:۲۹ ۲۳ کسی برای آنان باقی نخواهد ماند،
زیرا مصیبتی به سوی مردمان عناتوت خواهم
۱۲:۲۳ آورد، همانا سال عقوبتشان را.

مز۱۱۹:۱۳۷؛ مرا۱:۱۸ **۱۲** ۱ تو بیش از آن عادلی، ای یهوه،
که تو را به جنایتی متهم سازم؛
با این حال دربارهٔ داوری‌ها است که
می‌خواهم با تو سخن گویم.
حب۱:۱۳؛ مز۷۳:۳ ۱۲؛ ایو۱۲:۶ چرا سرنوشت بدکاران کامیاب است؟
چرا در آرامش‌اند تمام مرتکبان خطای
خیانت؟
۲ آنان را می‌کارد و ریشه می‌دوانند،
بزرگ می‌شوند و میوه می‌آورند.
۹:۷؛ مز۶۲:۵؛ مر۷:۶ تو نزدیک دهان ایشان می‌باشی،
اما دور از گرده‌های[r] ایشان.
۱۱:۲۰؛ مز۱۳۹ ۳ و تو، ای یهوه، مرا می‌شناسی و مرا
می‌بینی،

دل مرا می‌کاوی، آن نزد تو است.
ایشان را بکش، همچون گوسفندان به
کشتارگاه،
ایشان را برای روز کشتار ذخیره نگاه ۷:۲۲
دار[s].
۴ تا به کی سرزمین در سوگواری خواهد ۲۳:۱۰؛ هو۴:۳؛ یول۱:۱۰
بود
و تمام علفهای مزارع خشک خواهد بود؟
به سبب بدکاری ساکنان آن است
که چارپایان و پرندگان[t] هلاک ۹:۹
می‌شوند. ۵:۲۵؛ ۶:۱۹
زیرا می‌گویند:
«او راه‌های ما را نمی‌بیند[u].»
۵ [v] اگر دویدن با پیادگان تو را خسته
می‌کند،
چگونه با اسبان رقابت خواهی کرد؟
و اگر در سرزمین که در آرامش است،
احساس امنیت نمی‌کنی،
در پرپشتی انبوه اردن چه خواهی کرد[w]؟
۶ چرا که حتی برادرانت و خانهٔ پدرت، لو۲۱:۱۶
خود ایشان به تو خیانت می‌کنند،
خود ایشان، پشت تو، با تمام گلو فریاد
برمی‌آورند[x]؛

r منظور اشاره به دل است.
s ر. ک. توضیحات ۱۰:۲۵.
t ر. ک۴:۲۵؛هو۴:۳؛صف۱:۳.
u ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی. قرائت عبری: «آیندهٔ ما را نمی‌بیند».
v آیات ۵ ۶ شامل پاسخ خداوند است به شکایت‌های مذکور در آیات ۱ ۴. خداوند نه فقط نمی‌کوشد به نبی خود اطمینان ببخشد، بلکه به او اعلام می‌کند که مشکلات بزرگتری انتظارش را می‌کشد.
w ر. ک. ۴۹:۱۹. این مصرع را بخشی از سنت این چنین استنباط کرده است: «آن گاه که اردن بالا آید»، یعنی وقتی که رود اردن طغیان کند. منظور این است که «اگر کوچکترین سختی را نمی‌توانی تحمل کنی، چگونه سخت‌های شدیدتر را متحمل خواهی شد؟» «در پرپشتی انبوه اردن» منظور وفور گیاهان اطراف رود اردن است که منزلگاه حیوانات وحشی بود.
x این بخش از آیه را نمی‌توان با اطمینان ترجمه کرد. بخش عمدهٔ سنت یهود و نیز ترجمهٔ یونانی، این چنین قرائت می‌کنند: «خود ایشان پشت سر تو، مردمان بسیاری را احضار می‌کنند. این آیه اگر بعد از ۱۱:۱۸ بیاید، بیشتر قابل درک خواهد بود.

به ایشان اعتماد مکن
آنگاه که به تو سخنان نیکو می گویند.

خداوند میراث خود را رها می کند[y]

۷ خانه خود را رها نموده ام[z]،
میراث خود را رد کرده ام،
آنچه را که جانم عزیز می داشت
به مشت دشمنانش سپرده ام.
۸ میراث من برایم همچون شیری در بیشه
بود،
او بر علیه من صدا داده است؛
به همین سبب نسب به او کینه دارم.
۹ آیا میراث من پرنده ای است رنگارنگ
که پرندگان درنده احاطه اش می کنند؟ لو۱۷:۳۷
بروید، گرد آیید، ای تمام چارپایان
مزارع،
برای خوردن گوشت مازاد بیایید. اش۵۶:۹؛ ۷:۳۳
۱۰ چوپانان بسیار، به تاکستان من زیان
رسانده اند، ۶:۳
قلمرو مرا لگدمال کرده اند،
از قلمرو لذات من
بیابانی ویران ساخته اند؛ ۳:۹
۱۱ آن را به ویرانه ای تقلیل داده اند،
سوگوار است، ویران در برابر من؛
تمام سرزمین خراب شده،
بی آنکه کسی به این امر اعتنا کند. اش۴۲:۲۵؛ ۵۷:۱
۱۲ بر تمام کوه ها برهنه شدهٔ بیابان
ویرانگران فرا رسیده اند؛ ۴:۱۱
زیرا یهوه شمشیری دارد که می درد ۴۶:۱۰؛
از یک انتهای زمین تا انتهای دیگر؛ اش۳۴:۵
برای هیچ بشری آرامش نیست!
۱۳ گندم کاشته اند و خار درو کرده اند؛
بدون نفعی، خود را خسته ساخته اند؛
از برداشت خود شرمسار باشید،
به سبب شدت خشم یهوه. ۴:۲۶

درسی به ملت ها[a]

۱۴ چنین سخن می گوید یهوه بر علیه تمام
همسایگان بد من که به میراثی که قومم
اسرائیل را وارث آن ساخته ام، دست ۱:۱۰
می زنند: اینک آنان را از روی زمینشان
برخواهم کند، و خاندان یهودا را از میان
ایشن برخواهم کند. ۱۵ اما پس از کندن
آنان، بار دیگر بر ایشان رحم خواهم فرمود ۱ پا۸:۴۱
و هر یک را به میراث خود، و هر یک را به حز۲۹:۱۴
سرزمین خود باز خواهم گرداند. ۱۶ و اگر
بخواهند طریق های قوم مرا بیاموزند، آن ۱۰:۲
سان که به نام من سوگند یاد کنند، به ۲۳:۷
حیات یهوه، همان گونه که به قومم آموختند
که به بعل سوگند یاد کنند، در میان قوم من

y در ۱۲:۷ ۱۳ خداوند لب به شکایت می گشاید زیرا رنج می کشد از اینکه باید میراث خود را به ویرانگران بسپارد (ر.ک. هو ۱۱:۸ ۹) این قطعه شعر درست بعد از گلهٔ ارمیا قرار داده شده (۱۲:۱ ۶) شاید به این علت که آن را نوعی پاسخ به گلهٔ نبی به حساب می آوردند. در این صورت، می توان چنین استدلال کرد که خدا از اینکه باید بشر را مجازات کند رنج می برد، چرا که بر هر حال، ایشان را دوست می دارد؛ به همین دلیل، در اجرای مجازات تأخیر می کند.

z ر.ک. توضیحات هو ۸:۱؛ توضیحات زک ۹:۸؛ ۱. قرن ۳:۹.

a این وحی تکمیل کنندهٔ ۱۰:۲۵ (ر.ک توضیحات) در خصوص رفتار خداوند در قبال ملت ها است و تأیید می کند که او قطعاً برای همهٔ انسان ها، عملی نجات بخشی را پی می گیرد. ر.ک. ۳:۱۷؛ ۱۶:۱۹ ۲۱؛ توضیحات ۲۳:۲۳ و توضیحات ۴۶:۲۶؛ توضیحات اش ۱۹:۱۶ ۲۵؛ توضیحات عا ۹:۷.

بنا خواهند شد[b]. ۱۷اما چنانچه گوش
نگیرند، آن ملت را بر خواهم کند؛ آن را بر
خواهم کند و هلاک خواهم ساخت - وحی
یهوه.

درسی از کمربند[c]

۱۳ ۱یهوه با من چنین سخن گفت:
«برو و برای خود کمربندی کتانی
بخر؛ آن را بر گرده هایت ببند و در آب آن
را فرو مبر[d].» ۲من مطابق کلام یهوه
کمربند را خریدم و بر گرده هایم بستم.
۳کلام یهوه بار دوم به این مضمون به من
فرا رسید[e]: ۴«کمربندی را که خریده ای و
بر کمرت تو است برگیر و سپس بر پا
بایست! به فرات[f] برو و در آنجا آن را در
شکاف صخره ای پنهان ساز». ۵من مطابق
آنچه که یهوه مرا امر فرموده بود، رفتم و آن
را در نزدیکی فرات پنهان کردم.
۶باری، پس از روزهای بسیار، یهوه مرا
گفت: «بر پا بایست! به فرات برو و از
آنجا کمربندی را که تو را امر فرموده بودم
که پنهان سازی باز برگیر». ۷من به فرات
رفتم، زمین را کندم و کمربند را از مکانی
که آن را پنهان کرده بودم باز برگرفتم. و
اینک کمربند خراب شده بود؛ دیگر به هیچ
کاری نمی آمد.
۸کلام یهوه به این مضمون به من فرا
رسید: ۹«یهوه چنین سخن می گوید: تکبر
یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را به همین
شکل خراب خواهم ساخت. ۱۰این قوم
شرور که از گوش سپردن به سخنان من ۱۰:۱۱
امتناع می ورزند، و مطابق لجاجت دل خود ۱۷:۳

b این نکته می تواند دو معنی داشته باشد: بازسازی شدن و برخورداری از نسل (ر.ک. پید ۲:۱۶؛ ۳:۳۰) و این امر از طریق قرار گرفتن در میراث خداوند میسر می گردد.

c این عمل نمادین در حکم مثلی است که با حرکات بیان می شود و یادآور رابطه میان خداوند و قومش می باشد. اول جذب قوم از سوی خدا و وابستگی او را به این قوم می بینیم (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱)؛ دوم، گسستگی و قطع رابطه می آید (در اثر خطای قوم)؛ سوم، تجزیه و تخریب است که هم به مجازات الهی اشاره دارد (آیه ۹) و هم به عواقب این قطع رابطه: با نهایت تعجب مشاهده می کنیم که این امور «پس از روزهای بسیار» جامه عمل می پوشد. چنین اعمال و حرکاتی نمادین، هم برای عاملین آن و هم برای تماشاگران احتمالی شان، نه فقط ارزشی تصویری داشتند، بلکه واقعاً متضمن وقایع آینده بودند. با توجه به این نکته است که می توان واکنش شخصی به نام فشحور در ۲:۲۰ را درک کرد، چرا که حرکت نمادین ارمیا بسیار سنگین و سخت بود. نیز ر.ک. ۲۷ ۲۸؛ ۳۲؛ ۸:۴۳ ۱۳؛ ۵۹:۵۱ ۶۴.

d یعنی اینکه نباید آن را بشوید. عرق بدن و چرک و کثافت باعث خرابی سریع پارچه می شود.

e این فرمول اغلب آغازگر تشریح آن چیزی است که خداوند بر نبی مکشوف ساخته (۴:۱، ۱۱، ۱۳، و غیره)؛ نیز آغازگر اعلام پیام هایی است که نبی موظف است از سوی خدا بیان دارد (۱:۲ و غیره). این امر خصوصاً در مورد کتاب های حزقیال و ارمیا و زکریا و حجی صدق می کند. این فرمول می تواند مانند اینجا حاکی از بیان راز خود نبی در مورد ملاقاتش با کلام زندهٔ خداوند باشد (۴:۱ و غیره)، یا می تواند شهادت ویراستار در مورد این امر در زندگی نبی باشد (۱۲:۲۸ و غیره). ساختار جمله قویاً بر خود کلام و عمل آن تأکید می گذارد (ر.ک. توضیحات ۲:۱). در اینجا شخصیت یافتن کلام مشخص تر است زیرا این فرمول هم ارزش است با فرمول آیه ۱ (ر.ک. ۱۹:۷) که در آن، فاعل فعل خود خداوند است (ر.ک. توضیحات ۲۱:۶).

f شاید منظور «وادی فرا» باشد که با عناتوت، یک ساعت پیاده فاصله دارد. اما کلمهٔ عبری «پرات» معمولاً در کتاب مقدس به رود فرات اشاره درد. این اشاره به رود فرات از ورای فرا، عنصر دیگری را به این قیاس می افزاید. اما چگونه باید این را تفسیر کرد؟ آیا باید آن را اشاره ای دانست به اتحادها و ائتلاف های بیگانه (ر.ک. توضیحات ۱۸:۲) یا به اعتقادات اختلاطی آشوری - بابلی؟ یا همچون اشاره ای به تبعید؟ اما تبعید باعث «پوسیدگی» تبعیدشدگان نخواهد شد زیرا که به ایشان وعدهٔ آینده ای با سعادت داده می شود: لذا ایشان «به کار خواهند آمد» (ر.ک. فصل های ۲۴ و ۲۹). اما دست کم می توان در تمثیل کمربندی که در کنار فرات می پوسد، اشاره ای به مشکلات تبعید را مشاهده کرد.

۱۱:۱۶ سلوک می‌کنند، و به دنبال خدایان دیگر
می‌روند تا ایشان را خدمت کنند و
بپرستند، بادا که چون این کمربند باشند
که دیگر به هیچ کاری نمی‌آید! [۱۱]زیرا به
حز۵:۱۵ آن سان که کمربند به کمر انسان بسته
می‌شود، به همان سان من تنها خاندان
یهودا را به خود بسته بودم[g] - وحی یهوه - تا
ایشان برای من قومی باشند، آوازه‌ای،
۱۱:۴:۳۳:۹؛ خرو۱۹:۵ افتخاری، و جلالی؛ و ایشان گوش
نگرفتند!»

ظرف غضب[h]

[۱۲]این کلام را به ایشان خواهی
گفت: یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن
می‌گوید: «هر سبویی باید از شراب پر
شود». و اگر تو را گویند: «آیا نمی‌دانیم
که هر سبویی باید از شراب پر شود؟» [۱۳]به
ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن
می‌گوید: اینک جملهٔ ساکنان این سرزمین
را از مستی پر خواهم ساخت، و پادشاهانی
را که بر تخت سلطنت داود می‌نشینند،
انبیا را، کاهنان را، و تمامی ساکنان
اورشلیم را. [۱۴]ایشان را به هم کوفته، خرد ۵۱:۳۹؛
خواهم ساخت، پدران و پسران را نیز - وحی اش۵۱:۱۷؛ مر۴:۲۱
یهوه - نه شفقت خواهم کرد، نه رحمت و نه
ترحم: ایشان را نابود خواهم ساخت». ۲۱:۷؛ ۵۱:۳

پیش از آنکه خیلی دیر شود، گوش فرا دهید

[۱۵]گوش کنید، گوش فرا دهید، متکبر
مشوید، زیرا یهوه سخن گفته است. اش۲۸:۲۳
[۱۶]یهوه، خدای خود را جلال دهید،
پیش از آنکه ظلمات فرا رسد، یوشع۷:۱۹؛
و پیش از آنکه پایهایتان برخورد یو۹:۲۴
به کوه‌های شامگاهان.
روشنایی را انتظار خواهید کشید، جا۱۲:۱ ۲؛ یو۱۱:۱۰؛ ۱۲:۳۵
و آن را به تاریکی تبدیل خواهد نمود[i]، اش۵: ۳۰؛
و از آن ابری سیاه خواهد ساخت. ۸:۲۲؛ عا۸:۹

g پیوند (بسته شدن) قوم به خداوند وابسته است به پیوندیکه خداوند قبلا با قوم خویش به وجود آورده بود هر حکم دیگری در این پیوند خلاصه می شود و از آن بر می‌خیزد، یعنی ترس و خدمت و محبت و توجه به کلام او، حفظ احکامش، سلوک در طریق‌های او، و پیروی او (تث ۱۰:۲۰؛ ۱۱:۲۲؛ ۱۳:۵؛ ۳۰:۲۰). آنانی که به خداوند می‌پیوندند، مالک سرزمین موعود می شوند (تث ۱۱:۲۲ ۲۵)، کامیاب می گردند (۲-پاد ۱۸:۶ ۷)، از حیات برخوردار می شوند، حال آنکه کسانی که به دنبال بعل می‌روند نابود می گردند (تث ۴:۳ ۴؛ ۳۰:۲۰). این پیوند و وابستگی، در واقع، مستلزم الصاق تمام وجود انسان است (ر.ک. پید ۲:۲۴) و نیز روح او (مز ۶۳:۹؛ ر.ک. پید ۳۴:۳ و توضیحات مرا ۱:۱۱)؛ و خود خداوند، حیات و تحرک شخصی و صمیمی ناشی از آن را در شخص تجدید می کند (۳۸:۱۶)، و این امر سبب می شود که انسان به ارادهٔ او (مز ۱۱۹:۳۱) و نیز به عبادت واقعی یعنی عبادت در تمام شئونات زندگی، ملصق و وابسته شود (ر.ک. روم ۱۲:۱ و توضیحات). از اینجا است که می‌توان به اهمیتی که برای این وابستگی به خدا قائل شده‌اند پی برد، اهمیتی که در مز ۷۳:۲۸ تجلی یافته است: «سعادت من این است که به خداوند بپیوندم». نیز ر.ک. ۱-قرن ۶:۱۷.

h ر.ک. روم ۹:۲۲ و توضیحات. ارمیا پیش از آنکه به این تصویر بپردازد و آن را مورد بهره برداری قرار دهد، یک ضرب المثل عادی به کار می برد که بی‌چون و چرا مورد پذیرش شنوندگانش می باشد. اما ایشان درک نمی کنند این ضرب المثل، وقتی از زبان خداوند بیان می شود، که به طور کامل در معرض بادهٔ غضب خدا قرار بگیرند (ر.ک. ۲۵:۱۵ تا فصل ۲۹؛ ۴۹:۱۲؛ حزق ۲۳:۳۲؛ عو ۱۶؛ نا ۳:۱۱؛ حب ۲:۱۶ و توضیحات؛ مکا ۱۶) نبی با دنبال کردن تصویر سبو، می بیند که ایشان مست شراب‌اند و تلوتلو می‌خورند و با برخورد به یکدیگر، با صدای بلند در هم می شکنند.

i ر.ک. ۲:۶ و توضیحات ایوب ۳:۵.

۱۷ اگر به این گوش فرا ندهید،
جانم در خفا خواهد گریست
به سبب تکبر [شما]؛
اشک از چشمم جاری خواهد شد، ۱۴:۱۷؛
چرا که گلهٔ یهوه به اسارت خواهد رفت. ۴۸:۳۶

اینک مجازات بی‌وفایی

۱۸ به پادشاه بگویید و به بانوی بزرگ[j]،
در جای پست بنشینید[k]،
زیرا که از سرتان[l] فرو افتاده است
تاج جلالتان. مز۸۹:۴۰؛ مرا۵:۱۶
۱۹ شهرهای نگب مسدود شده
و کسی نیست که بگشاید!
یهودا یکسره تبعید شده،
به طور کامل تبعید شده است.
۲۰ چشمان خود را برافراز، ای اورشلیم،
و ببین
آنان را که از شمال فرا می‌رسند.
کجا است گله ای که به تو داده شده بود، ۴:۶
گوسفندان جلالت؟
۲۱ چه خواهی گفت آن گاه که کسانی را
که خو داده بودی تا نزدیکانت باشند[m]،
بر تو رئیس بگمارند؟ ۲ پا۱۶:۷؛ ۲۰:۱۳
آیا درد تو را فرو نخواهد گرفت
به سان زنی که می‌زاید؟
۲۲ و اگر در دل خود گویی: ۲۲:۲۳
«چرا این امر بر من واقع می‌شود؟»
به سبب بزرگی خطایت می باشد که
دامن های ردایت مکشوف شده،
و پاشنه هایت کوفته شده است[n]. ۱۳:۲۶؛
۲۳ آیا کوشی[o] می توانند پوست خود را اش۴۷:۲؛ ۳؛ حب۲:۱۶
عوض کند
و پلنگ خال های خود را؟
و شما، آیا ممکن است بتوانید نیکی
کنید؟
شما که به بدی کردن خو گرفته اید!
۲۴ من ایشان را پراکنده خواهم ساخت، ۶:۲۹؛
مانند کاهی[p] که در اثر باد صحرا مز۵۵:۲۰؛ مت۱۲:۳۴؛ ۳۰:۱۱
می‌رود.
۲۵ این است قسمت تو، سهمی که برایت
وزن شده
از سوی من - وحی یهوه.
از آنجا که مرا فراموش کرده ای
تا به دروغ اعتماد کنی[q]، ۲:۳۲:۳:۲۱؛ تث۸:۱۹

j احتمالاً یهویاقیم و مادرش: ر.ک. توضیحات ۱:۳. ملکهٔ مادر، آن زمان که پسرش جوانتر بود، قطعاً نقش مهمی ایفا می کرده است.
k ر.ک اش ۶۲:۳؛حز۱۶:۱۲؛۲۳:۴۲؛امث۴:۹؛۱۶:۳۱.
l ترجمهٔ ما مطابق با قرائتی است که ترجمه های قدیمی از متن با حروف بی‌صدا کرده اند. قرائت عبری: «از بالینتان» (ر.ک. پید ۲۸:۱۱، ۱۸؛ ۱-پاد ۱۹:۶).
m در ترجمهٔ ما، از سنگینی متن کمی کاسته شده است ترجمه تحت اللفظی: «... تا نزدیکانت باشند و ایشان به سم تبدیل می شوند» (ر.ک. عا ۶:۱۲). می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «به ضرر خودت، ایشان را خو داده بودی که دوستانت باشند و قدرت را به دست بگیرند» ر.ک. ۱-پاد ۲۰:۱۲ ۱۹.
n تحت اللفظی: «پاشنه هایت مورد خشونت واقع شده است». این احتمالاً روشی مؤدبانه است برای مطلبی خلاف ادب.
o یعنی شخصی از سرزمین «نوب» یا حبشه. منظور سیاهپوست میباشد.
p ر.ک اش ۲۹:۵؛صف۲:۲.
q همانند ۲۸:۱۵ و ۲۹:۳۱، منظور دروغ بعل ها یا بتها (توضیحات ۵:۳۱؛ ۱۰:۱۴؛ ۱۶:۱۹) و عبادت آنها است (۳:۲۳)، ارمیا این دروغ را افشا می کند، همانطور که به افشای دروغ بودن عبادت در خود معبد می‌پردازد (۷:۴، ۸)، و به افشای هر نوع ادعای دروغین در مورد وفاداری به خداوند (۳:۱۰ و توضیحات)، و دروغ ها و سوگندهای دروغ در زندگی اجتماعی (۷:۹؛ توضیحات ۹:۱؛ ۳۷:۱۴؛ ۴۰:۱۶)، منحرف کردن کلام خدا (۸:۸)، نادرستی رفتار کاهنان و انبیا (۶:۱۳؛ ۸:۱۰؛ ۲۳:۱۴)، انبیایی که به نام «دروغ» نبوت می کنند (۵:۳۱؛ ۲۰:۶؛ ر.ک. ۲:۸) یا اینکه به نام خداوند به

۲۶ من به نوبهٔ خود، دامن‌های ردایت را
تا به چهره‌ات بلند خواهم کرد نح۳:۵؛ مکا۱۷:۱۶
تا رسوایی‌ات را ببینند.
۲۷ زناکاری‌ها و شیهه‌هایت را،
روسپیگری مفتضح تو را، ۸:۵
بر روی تپه‌ها، در مزارع، ۲:۲۰
آنها را دیده‌ام، «کثافاتت» را!
وای بر تو، ای اورشلیم، که خود را طاهر ۱۶:۱۸
نمی‌سازی[r]!
اما تا به کی؟ ۴:۱۴؛ حز۲۴:۱۳؛ هو۸:۵

خشکسالی

۱۴ ۱ آنچه که کلام یهوه بود، به ارمیا
دربارهٔ خشکسالی[s]. ۲:۱

درخواست

۲ یهودا سوگوار است
و دروازه‌هایش ویران می‌شود؛ ۱۲:۴؛ مرا۱:۴
آنها تاریک‌اند و بر زمین قرار گرفته‌اند
و فریاد اورشلیم برمی‌خیزد.
۳ بزرگانش زیردستان خود را به سر آب
می‌فرستند؛
ایشان به نزد منبع‌ها می‌رسند،
آب نمی‌یابند[t]،
و با ظرف‌های خالی باز می‌گردند؛
شرمسار و پریشان،
سر خود را می‌پوشانند[u].
۴ کار زمین متوقف شده
چرا که باران نبوده است؛
کشتکاران، شرمسار، ۳:۳
سر خود را می‌پوشانند. یول۱:۱۱
۵ آری، حتی گوزن ماده در صحرا،
بچه‌های خود را رها می‌کند،
چرا که سبزی‌ای نیست،
۶ و گورخران که بر کوه‌های برهنه
ایستاده‌اند،
هوا را مانند شغال‌ها استنشاق می‌کنند؛
چشمانشان ضعیف می‌شود[v]
چرا که علفی نیست.
۷ اگر خطاهایمان بر علیه ما شهادت
می‌دهد، ۵:۲۵؛ مز۷:۱۰۷:۳۴
ای یهوه، به خاطر نامت عمل کن!
زیرا که ارتدادهای ما بسیار است، ۱۴:۲۱؛ دان۳:۳۴
ما در حق تو گناه کرده‌ایم.

دروغ چیزهای نادرست و رؤیاها و خواب‌های غلط نبوت می‌کنند (۱۴:۱۴؛ ۲۳:۲۵ ۲۶، ۳۲؛ ۲۷:۱۰، ۱۴ ۱۵؛ ۲۹:۲۱، ۲۳) و کاری می‌کنند که مردم به تکیه‌گاه‌های نادرست اعتماد کنند (۲۸:۱۵؛ ۲۹:۳۱؛ ر.ک. ۲:۱۸، ۳۷). همچنین ر.ک. ۵:۱.

r متن عبری مبهم است. قرائت ترجمه یونانی وولگات: «افسوس، ای اورشلیم، تو نمی‌خواهی با پیروی از من، خود را طاهر سازی...»

s این آیه کتاب مقدس عنوان ویراستاری بخش ۱۴:۱ تا ۱۵:۴ را تشکیل می‌دهد. این بخش، گفت و گویی طولانی است میان نبی و خدایش. پس از تشریح خشکسالی و دعای نبی که از طرف قوم ادا می‌شود (۱۴:۱ ۹)، خداوند پاسخی منفی می‌دهد (۱۴:۱۰). به دنبال آن، گفت و گویی دربارهٔ شفاعت و موعظهٔ سایر انبیا می‌آید (۱۴:۱۱ ۱۶)، و بعد از آن، دعایی جدید که بخشی از آن از طرف جامعه ادا می‌شود (۱۴:۱۹ ۲۲)؛ و بالاخره پاسخ نهایی خداوند را می‌یابیم (۱۵:۱ ۴). موقعیت اصلی که باعث نگارش این بخش شده، حادث شده خشکسالی‌ای سخت بود؛ اما به مصائب دیگری نیز اشاره رفته است، خصوصاً جنگ (۱۴:۱۷ ۱۸).

t در ارمیا ۲:۱۳همان کلمه بود که استفاده کرد: تا برای خود اب انبارها بسازند ،اب انبارهای ترک دار که اب را نگاه نمیدارند.

u این تصویر بیانگر سرخوردگی و دلسردی شدید است. (۲سمو۱۵:۳۰؛استر۶:۱۲)

v ر ک مز۶۹:۴؛۱۱۹:۸۲؛۱۲۳:ایو۱۱:۲۰؛۱۷:۵؛مرا۲:۱۱.

۱۴:۲۰؛ ۲۵:۳؛ ۱۴:۸ [8]ای یهوه، ای امید اسرائیل،
۱۳:۱۷ تو که ایشان را در زمان تنگی نجات
می‌بخشی،
چرا در سرزمین باید همچو بیگانه باشی،
همچو مسافری که شب را خیمه می‌زند؟
[9]چرا باید همچو مردی حیران باشی،
همچو قهرمانی که قادر به نجات دادن
نیست؟
با این حال، تو ای یهوه، در میان ما
خرو۲۹:۴۵؛ یو۱:۲۶ می‌باشی،
و ما به نام تو خوانده شده‌ایم[w]:
تث۲۸:۱۰؛ اش۴۳:۷ ما را رها مکن!

حکم بدون فرجام

[10]یهوه در مورد این قوم چنین سخن
می‌گوید: آری، ایشان پرسه زدن را دوست
۲:۳۱ دارند؛ پای خود را باز نمی‌دارند. اما یهوه
از ایشان راضی نیست؛ اینک او خطاهای
آنان را به یاد خواهد آورد و گناهانشان را
مکافات خواهد رساند. [11]یهوه مرا گفت:
به نفع این قوم، برای خیریت ایشان دعا
۱۱:۱۴ مکن. [12]اگر روزه بدارند، به فریادشان
گوش نخواهم گرفت[x]؛ اگر قربانی
سوختنی و هدیهٔ آردی تقدیم کنند، از آنها
۶:۲۰؛ هو۹:۴ راضی نخواهم شد؛ اما با شمشیر و با قحط
و با طاعون، ایشان را قلع و قمع خواهم
کرد.
[13]گفتم: «آه، ای خداوند یهوه، اینک
انبیا به ایشان می‌گویند[y]: «شمشیر را
۵:۱۲؛ نخواهید دید و قحطی نخواهید داشت،
پید۳:۴ زیرا به شما در این مکان، آرامشی[z] استوار
عطا خواهم کرد»». [14]یهوه مرا گفت: آنچه
که انبیا به نام من نبوت می‌کنند، دروغ
۲۵:۱۳ است؛ من ایشان را نفرستاده‌ام، به ایشان
امر نکرده‌ام، و با ایشان سخنی نگفته‌ام.
۳۲:۲۳ رؤیایی دروغین، فال بینی نیست، فریب دل
خودشان، این است آنچه که ایشان برای
شما نبوت می‌کنند! [15]به این سبب، یهوه
بر ضد انبیایی که به نام من نبوت می‌کنند
چنین سخن می‌گوید، حال آنکه من ایشان
را نفرستاده‌ام، و می‌گویند: «شمشیر و
قحط، چنین چیزها در این سرزمین نخواهد
بود»؛ این انبیا با شمشیر و با قحط بالکل
نابود خواهند شد! [16]اما مردمانی که آنان
برای ایشان نبوت می‌کنند، آنان در اثر
قحط و شمشیر، در کوچه‌های اورشلیم
افکنده خواهند شد، بی آنکه کسی باشد
۲:۸ که دفنشان کند، ایشان را، زنانشان را،
پسرانشان را، و دخترانشان را. من
۶:۹؛ مز۷:۱۷ شرارتشان را بر ایشان فرو خواهم ریخت.

w ر.ک. ۱۶:۱۵ و توضیحات ۷:۱۰
x در مورد ارتباط میان شکایت و روزه، ر.ک. یول: مز ۶۹.
y ر.ک. توضیحات ۴:۱۰؛ ۶:۱۴؛ ۲۳:۱۷.
z ر.ک. ۱۶:۵؛ ۲۹:۷، ۱۱؛ ۳۳:۶، ۹. این کلمه را می‌توان «کامیابی» نیز ترجمه کرد. واژهٔ عبری «شالوم» مفاهیم ذیل را به ذهن می‌آورد: مفهوم کمال (ر.ک. ۱۹:۱۳، «تبعید کامل»)؛ مفهوم آسایش و به روزی (۶:۱۴؛ ۸:۱۵؛ ۱۴:۱۹؛ ۱۵:۵؛ ۲۳:۱۷؛ ۳۰:۵؛ ۳۸:۴؛ ۴۳:۱۲) ناشی از روابط اجتماعی کاملاً متعادل؛ مفهوم صلح (۹:۲۸ که در اینجا در مقابل «جنگ و قحطی و طاعون» است: ۴:۱۰؛ ۹:۷؛ ۱۲:۵، ۱۲؛ ۳۴:۵) و در نتیجهٔ آن، مفهوم دوستی (۲۰:۱۰؛ ۳۸:۲۲). نیز ر.ک. توضیحات ۱-پاد ۵:۲۶.

درخواست جدید

۱۷ این کلام را به ایشان بگو[a]:
بادا که از چشمانم اشک جاری شود،
بادا که شب و روز مجال نداشته باشند؛ :۱۹:۴
زیرا شکستگی عظیمی است که آن اش۲۲:۴: لو۱۹:۴۱
باکره، دختر قوم من، با آن شکسته شده ۱۲:۳۰
است[b]،
جراحتی بی نهایت لاعلاج!
۱۸ اگر به صحرا بیرون روم،
اینک قربانیان شمشیر؛ حز۷:۱۵
اگر به شهر داخل شوم،
اینک رنج های گرسنگی.
آری، حتی نبی، حتی کاهن،
سرزمین را می پیمایند و هیچ نمی فهمند.
۱۹ آیا به راستی یهودا را پس زده ای؟
آیا جانت از صهیون بیزار شده است؟ مرا۵:۲۲
چرا ما را زده ای بی آنکه برایمان شفایی ۸:۱۲
باشد؟
چشم انتظار آرامش بودیم، و هیچ چیز ۱۸:۱۵
نیکو!... ۱۵:۸
زمان شفا، و اینک هراس!
۲۰ ای یهوه، ما شرارت خود را
می شناسیم، دان۹:۴ ۱۹
خطای پدرانمان را؛
زیرا در حق تو گناه کرده ایم. :۷:۱۴

۲۱ به خاطر نام خویش، خوار مساز، حز۳۶:۲۲: مز۲۵:۱۱
سرافکنده مکن تخت سلطنت جلالت را؛
به یادآور! عهدت را با ما مگسل. ۱۲:۱۷
۲۲ در میان «بطالت های»[c] ملت ها، آیا
کسی هست که باران بباراند؟
آیا آسمان است که رگبار می دهد؟
آیا تو نیستی، ای یهوه، خدای ما؟
به این سبب، به تو امید می داریم؛
زیرا تو هستی که همهٔ اینها را انجام
می دهی. :۲۴:۵ ایو۵:۱۰: نامه ار۵۲: اع۱۴:۱۷

مجازات تغییرناپذیر

۱۵ ۱ یهوه مرا گفت: حتی اگر موسی و
سموئیل در برابر من می ایستادند[d]، مز۹۹:۶
جان من به سوی این قوم [بر نمی گشت].
ایشن را از (مقابل) «روی» من دور بینداز ۱۴:۱۱
و باشد که بروند! ۲ و اگر به تو گویند: «به
کجا برویم؟» به ایشان بگو: یهوه چنین
سخن می گوید:
آنکه برای مرگ است، به مرگ!
آنکه برای شمشیر است به شمشیر!
آنکه برای قحط است، به قحط! :۱۴:۱۲: ۱۱:۴۳ مکا۱۳:۱۰
آنکه برای اسارت است، به اسارت!
۳ من بر ایشان چهار دستهٔ منفور را خواهم
گماشت ـ وحی یهوه ـ شمشیر را برای حز۱۴:۲۱

a دعای شفاعت نبی (آیات ۱۹ ۲۲) در اینجا بعد از یادآوری مصائبی ذکر شده که بر قوم فرو می‌آید (آیات ۱۷ ۱۸). این یادآوری همچون وحی‌ای از سوی خداوند بیان شده است. این می توان به معنی آن باشد که خداوند خودش نیز از دیدن در هم کوفتگی قومش رنج می برد، ر.ک. توضیحات ۹:۱۶؛ توضیحات ۱۲:۷؛ ۱۷:۱۳.

b ر.ک. توضیحات ۴:۱۱؛ ۱۸:۱۳؛ ۳۱:۴، ۲۱؛ ۴۶:۱۱.

c ر.ک. توضیحات ۸:۱۰

d ارمیا در احاطهٔ نمایندگان قومش می باشد (ر.ک. آیه ۲) اما خودش نیز مأمور است تا با شفاعت های خود، نمایندهٔ ایشان در حضور خداوند باشد (ر.ک. توضیحات آیه ۱۹). اما دیگر دیر شده و خداوند هر شفاعت کننده‌ای را رد می کند (ر.ک. توضیحات ما ۷:۲) حتی اگر کسی در مقام موسی (خروج ۳۲:۱۱؛ ۳۴:۹؛ اعد ۱۱:۲ و غیره) یا سموئیل بوده باشد (۱ـ سمو ۷:۸ ۱۰؛ ۱۲:۱۹ ۲۳؛ بنسی ۴۶:۱۶). سنت در شخص ارمیا، شفاعت کننده‌ای آسمانی را مشاهده می کند (۲ـ مک ۱۵:۱۲ ۱۶)، در ردیف فرشتگان (ر.ک. ایوب ۳۳:۲۳ و توضیحات؛ دان ۱۰:۱۳ و توضیحات؛ خنوخ حبشی ۳۹:۵).

کشتن، سگ‌ها را برای کشیدن، پرندگان
آسمان و حیوانات زمین را برای دریدن و
نابود کردن. ۴من از ایشان وحشتی برای
۹:۲۴؛ نح۳:۶ تمام ممالک زمین خواهم ساخت[e]، به سبب
منسی، پسر حزقیا، پادشاه یهودا، برای تمام
آنچه که در اورشلیم کرده است.

خدا اورشلیم را رها کرده چون اورشلیم خدا را رها کرده است

۵زیرا چه کس بر تو شفقت خواهد
۱۴:۱۳ داشت، ای اورشلیم،
نح۳:۷؛ مز۶۹:۲۱ و چه کس بر تو دل خواهد سوزاند؟
چه کس از راه خویش منحرف خواهد شد
تا از وضع تو خبر گیرد[f]؟
۶این تو هستی که مرا پس زده ای وحی
یهوه
تو به عقب رفته ای؛
آنگاه دستم را بر علیه تو دراز کردم و
۶:۱۲؛ ۵۱:۲۵ نابودت ساختم؛
از ترحم کردن خسته بودم!
۴۴:۲۲؛ عا۷:۸ ۷ایشان را در دروازه های سرزمین،
با غربال باد داده ام؛
از فرزند محروم کرده ام و نابود ساخته ام
قومم را،
به سبب رفتار بد ایشان که از آن بر
نمی گردند[g].
۸بیوه هایش را افزون تر از ریگ دریا
ساخته ام[h]؛
بر مادران و جوانان جنگجو، در میانهٔ
ظهر، ۶:۴
ویرانگری را آورده ام.
اضطراب و وحشت را
به ناگاه بر ایشان فرود آورده ام.
۹آن زن که هفت جوان جنگجو زاده بود،
ضعف می کند و جان را تسلیم می نماید؛
آن گاه که هنوز روز بود، خورشیدش
غروب کرده است،
او شرمسار و پریشان است.
و آنچه که از ایشان بر جای ماند، آن را
به شمشیر خواهم سپرد،
در حضور دشمنانشان ـ وحی یهوه.

رسالت ارمیا علی رغم شکایت‌هایش، تأیید می‌شود[i]

۱۰وای بر من، ای مادر من که مرا
زاده ای
من که مرد مجادله و مرد منازعه برای ۲۰:۱۴
تمام سرزمین هستم.

e این تهدید کاملاً به سبک ارمیا است (ر.ک. ۹:۲۴؛ ۱۸:۲۹؛ ۱۷:۳۴)، اما موضوع هایش (ر.ک. ۲ـ پاد ۲۱: توضیحات ۴:۲۴) با چارچوب کتاب همخوان نیست. در واقع، برای ارمیا، خطاهایی که موجب مکافات می شود، فقط خطاهای پدران نیست، بلکه ناتوبه کاری فعلی شنوندگانش می باشد (۱۶:۱۰ ۱۳ و غیره؛ ر.ک. ۳۱:۲۹ ۳۰).
f تحت اللفظی: «برای کسب اطلاع از آرامشت»؛ ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۳.
g در اینجا موضوع مجازات و دعوت به بازگشت مطرح می شود (۳۵:۹؛ ۹:۱۱؛ ۱۲:۱۴ ۱۷؛ ر.ک. توضیحات ۳:۴، ۶ و توضیحات نا ۳:۴). منظور در اینجا جوانانی است که کشته می شوند یا به هنگام جنگ در مرزها، به اسارت در می آیند (ر.ک. اش ۴۱:۱۶؛ نا ۳:۱۳).
h این تصویری است کلاسیک برای اشاره به تعداد انبوه (ر.ک. ایوب ۶:۳؛ ر.ک. مز ۷۸:۲۷). اغلب تصریح می شود که منظور ریگ های «کنارهٔ» دریا است (پید ۲۲:۱۷؛ یوشع ۱۱:۴ و غیره) ر.ک. ۳۳:۲۲.
i آیه های ۱۰ ۲۱ بخشی جدید از «اعترافات» است (ر.ک. مقدمه، قسمت اول؛ توضیحات ۱۱:۱۸؛ توضیحات ۱۷:۱۲؛ توضیحات ۲۰:۷) که در آن قطعاتی از وحی ها گنجانده شده است (آیات ۱۱ و ۱۲ ۱۴).

نه قرض داده ام و نه قرض گرفته ام،
[با این حال] همگان مرا نفرین
می کنند.
۱۱ای یهوه، به راستی آیا تو را برای
نیکی خدمت نکرده ام[j]؟
آیا برای دشمنم نزد تو وساطت
نکرده ام[k]،
به هنگام مصیبتش، به هنگام
پریشانی اش؟ ۸:۱۴
۱۲آیا آهن آهن شمال می شکند
و برنج را[l]؟
۱۳ثروتت و گنجهایت را
به یغما خواهم سپرد،
نه در مقابل پرداخت، بلکه برای تمام
گناهانت[m]، ۶:۱۹؛ ۱۶:۱۴
در تمامی خطه ات.

۱۴کاری خواهم کرد که دشمنانت را
خدمت کنی[n]
در سرزمینی که نمی شناسی؛
زیرا که آتشی در بینی من افروخته
شده[o]،
و بر روی شما خواهد سوخت[p].
۱۵تو این را می دانی[q]!
ای یهوه، مرا به یاد آور[r]، از من مراقبت
نما
و انتقام مرا از آزارکنندگانم بگیر؛
با شکیبایی خویش، مگذار که مرا بر
دارند[s]؛
بدان که برای تو است که متحمل
رسوایی می شوم. مز ۶۹:۸
۱۶آن هنگام که سخنانت عرضه می شد[t]،
آنها را می بلعیدم،

j متن این آیه در شرایط مناسبی نیست. ما بر اساس ترجمهٔ یونانی بازسازی کرده ایم. با تغییر اعراب دو کلمه، می توان چنین استنباط کرد: «گفتم: ای یهوه، تو را به بهترین وجه خدمت کردم؛ آری، برای دشمنم نزد تو وساطت کردم، به هنگام ...» ر. ک. ۱۸: ۲۰. این آیه را به این دو شکل نیز می توان استنباط کرد: «یهوه گفت: سوگند می خورم، آنچه که از تو باقی می ماند، برای سعادت است»، یا «آری، تو را برای خیریت آزاد می کنم».

k متن این آیه ابهام انگیز است و فکر مفسران را بسیار مشغول ساخته است. بعضی از ایشان، «دشمن» را نبوزردان تلقی می کنند، بعضی دیگر، یهودیانی که مخالف ارمیا بودند. ـ آکیلا و وولگات این گونه استنباط کرده اند: «من با تو بر علیه دشمنانت متحد شده ام». ترجمهٔ احتمالی دیگر: «سوگند می خورم، کاری می کنم که دشمن از تو تقاضا کند، به هنگام ...»

q این بخش از آیه ۱۵، از نظر معنی به این بخش مربوط می شود . این عبارت در ترجمهٔ یونانی نیامده است.

l آیا این خداوند است که به این شکل مجازات سختی را که از شمال می آید (ر. ک. ۶:۱؛ توضیحات ۶:۴) و قاطعیت کسی را که مأمور اعلام آن می باشد (ر. ک. آیه ۲۰) به یاد می آورد؟ یا این شکایت خود نبی است که انگاری می گوید: چگونه می توانم به مقاومت قومی سخت دل به سان سخت ترین فلزات و به سان برنج، خاتمه دهم؟

m ر. ک. اش ۵۰:۱؛ ۵۲:۳؛ مز ۴۴:۱۳. ترجمهٔ احتمالی دیگر: «این است مزد تمامی خطاهایت».

n ترجمهٔ ما منطبق است با برخی نسخ خطی، و ترجمه های یونانی و سریانی؛ ر. ک. ۱۷:۴. قرائت سایر نسخ خطی عبری: «دشمنانت را عبور خواهم داد (!)».

o تحت اللفظی: «آتش از بینی ام می جهد» ر. ک. ۱۷:۴؛ تث ۳۲:۲۲؛ مز ۱۸:۹.

p یا طبق چند نسخه خطی، و مانند ۱۷:۴ «برای ابد خواهد سوخت».

r ر. ک. توضیحات ۹:۸.

s یعنی اینکه «به سبب شکیبایی ات (در حق دشمنانم یا در تحقق تهدیدهایت، ر. ک. ۱۷:۱۵)، مرا (از روی زمین) بر مدار». ر. ک. ۲. مک ۶:۱۴.

t تحت اللفظی: «آن هنگام که سخنانت یافت می شد (قابل یافت شدن بود)»: منظور کلامی است که خداوند مستقیماً خطاب به او می فرمود (ر. ک. ۱:۹) و شاید هم کلام مکتوب خدا.

سخنانت برای من وجد بود و شادی
دلم[u]؛ مز۱۹:۹،۱۱؛ ۱۱۹:۱۱۱،۱۳۱؛ یو۴:۳۴؛ عبر۶:۵
زیرا که به نام تو خوانده شده‌ام[v]،
ای یهوه، خدای لشکرها.
۱۷ در محفل خندانان برای خوش
گذراندن ننشستم[w]؛
من که زیر دست تو [تحت انقیاد در آمده
بودم]، در کناری نشستم؛
زیرا مرا از غضب آکنده ساخته بودی!
۱۸ از چه سبب دردم پایان نمی‌پذیرد،
و جراحتم علاج ناپذیر است و از شفا
یافتن سر باز می‌زند؟ ۱۰:۱۹؛ ۴۶:۱۱؛ میک۱:۹
پس آیا برای من همچون [جویباری]
فریبنده خواهی بود،
همچون آبی که بر آن نمی‌توان حساب
کرد[x]؟
۱۹ به همین سبب، یهوه چنین سخن
می‌گوید:
۱۸:۳۱ اگر بازگردی، تو را باز خواهم گرداند[y]،
۱۰:۷ و در برابر من خواهی ایستاد[z]؛
و اگر چیز ارزشمند را از چیز بی بها جدا
سازی[a]،
همچو دهان من خواهی بود.
ایشان به سوی تو باز خواهند گشت،
اما تو به سوی ایشان باز نخواهی گشت.
۲۰ تو را برای این قوم حصاری از برنج
تقویت شده خواهم ساخت.
با تو پیکار خواهند کرد، ۱:۱۸ ۱۹
اما بر تو پیروز نخواهند شد؛
زیرا من با تو هستم
تا تو را نجات بخشم و تو را رهایی دهم ۱:۸
- وحی یهوه. ۲۰:۱۳
۲۱ تو را از دست بدکاران رهایی خواهم
داد، ۳۸:۹،۱۳
و از چنگ مردمان خشن آزادی خواهم
بخشید.

ارمیا، مرد تنها

۱۶ ۱ کلام یهوه به این مضمون به من
فرا رسید: ۲ زن نخواهی گرفت و در
این مکان پسران و دختران نخواهی داشت. حز۲۴:۱۶؛ مت۱۹:۱۲؛ ۱ قر۷:۲۶
۳ زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه دربارهٔ
پسران و دربارهٔ دخترانی که در این مکان
زاده می‌شوند، دربارهٔ مادرانی که ایشان را

u ر. ک. توضیحات غزل ۳:۱۱.
v ر. ک. ۱۴:۹ و توضیحات ۷:۱۰.
w ر. ک. ۱۶:۸.
x ر. ک. ایوب ۶:۱۵ - ۲۰.
y ترجمهٔ احتمالی دیگر: «اگر باز گردی و تو را باز گردانم» (یا: اگر تو را اجازه دهم که باز گردی»).
z این حالتی است که خدمتکار در مقابل اربابش دارد و خصوصاً حالت مرد خدا در مقابل خداوندش، به هنگام شفاعت و ستایش و گوش دادن به کلام؛ ر. ک. ۱۸:۲۰؛ ۱ـ پاد ۱۷:۱؛ مز ۱۰۶:۲۳.
a تحت‌اللفظی: «اگر چیزهای سنجیده و نه بی‌ارزش را بیان کنی» (یعنی اگر سخنانت را بسنجی، به جای اینکه هر چه به زبانت آمد بگویی). مفسران یهود مطابق ترجمه آرامی چنین استنباط می کنند: «اگر از بی بها، شریف را خارج سازی» (یعنی اگر بدکاران را به عدالت باز گردانی). - «همچون دهان ...» یعنی اینکه سخنان نبی بار دیگر کلام خدا خواهد بود. نبی فقط سخنگو نیست، او «حامل صدای» کس دیگری است. آنچه که از نظر ترتیب زمانی و ماوراء الطبیعی، برای او قبل از هر چیز دیگری قرار دارد، وابستگی اش به آن کسی است که باید کلامش را منتقل سازد، ر. ک. ۱:۹؛ ۵:۱۴؛ خروج ۴:۱۶؛ ۱ـ پاد ۱۷:۲۴ و توضیحات.

می‌زایند و دربارهٔ پدرانی که ایشان را در
این سرزمین تولد می‌کنند: ۴به مرگی بد
خواهند مرد[b]؛ نه برایشان خواهند گریست
و نه دفن خواهند شد؛ بر روی سطح زمین
تبدیل به تپاله شده، در اثر شمشیر و در اثر
۱۶:۱۴:۲:۸ قحط قلع و قمع خواهند شد، و اجسادشان
خوراکی برای پرندگان آسمان و حیوانات
۱۲:۹:۱۹:۷؛ مز۷۹: ۲ ۳ زمین خواهد گشت.
۵آری، یهوه چنین سخن می‌گوید: به
خانه‌ای که در آن غذای عزا می‌دهند داخل
مشو، و برای سوگواری مرو بر آنان دل
مسوزان: زیرا آرامش خود را از این قوم باز
گرفته‌ام[c] ـ وحی یهوه ـ وفاداری و شفقت را.
اعد۶:۲۶ ۶بزرگ و کوچک در این سرزمین خواهند
۱۴:۱۳ مرد: دفن نخواهند شد و برایشان نخواهند
گریست: برای آنان نه خود را مجروح
۱۸:۲۲؛ حز۲۴:۲۳ خواهند ساخت و نه سر خواهند تراشید[w].
۷برای کسی که در سوگ است نان را تکه
نخواهند کرد[e] تا او را برای شخص متوفی
تسلی دهند[f]؛ به او[g] جام تسلی به سبب پدر
یا مادرش نخواهند نوشانید.
۸به خانهٔ ضیافت نیز داخل نخواهی شد
تا با ایشان برای خوردن و نوشیدن بنشینی.
۱۷:۱۵ ۹زیرا چنین سخن می‌گوید، یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: اینک از این مکان، در
مقابل چشمان شما و در روزگار شما، فریاد
وجد و فریاد شادی را، و آواز داماد و آواز ۲۵:۱۰؛ اش۲۴:۸
عروس را نابود خواهم ساخت.
۱۰و چون همهٔ اینها را به این قوم اعلام
کنی و تو را گویند: «به چه سبب یهوه
دربارهٔ تمام این مصیبت بزرگ بر ضد ما
سخن گفته است؟ خطای ما چیست و چه ۱۹:۵؛ ۲:۵۸
گناهی در حق یهوه، خدایمان، مرتکب
شده‌ایم؟ ۱۱به ایشان خواهی گفت: به این
سبب است که پدران شما مرا رها کرده‌اند
ـ وحی یهوه ـ و در پی خدایان دیگر رفته‌اند
و آنها را خدمت کرده‌اند و در مقابل آنها
سجده نموده‌اند؛ و مرا و شریعت مرا رها ۱۷،۵:۲
کرده‌اند و آن را حفظ ننموده‌اند! ۱۲اما ۹،۶:۷
شما بدتر از پدران خود کرده‌اید، و اینک ۶:۲۵
هر یک از شما لجاجت دل شرور خود را
پیروی می‌کند، آن چنان که مرا نشنود.
۱۳بنابراین، شما را از این سرزمین دور
خواهم انداخت، به سرزمینی که ۱۷:۳
نشناخته‌اید، نه شما و نه پدرانتان، و در
آنجا روز و شب خدایان دیگر را خدمت ۴:۱۷
خواهید کرد؛ زیرا بر شما لطف نخواهم
نمود[h]. ۱۹:۵؛ تث۴:۲۸؛ ۶۴:۲۸

b مفسران یهود این گونه تفسیر می‌کنند: «در اثر شکنجهٔ گرسنگی خواهند مرد»، ر.ک. ۱۴:۱۸.

c یا «کامیابی خود را ...» (ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴). بلافاصله بعد از این عبارت، تصریح می‌شود که باز پس گرفتن این عطیه که حاوی همه عطیه‌های دیگر است، نتیجهٔ گسستن «عهد» است. در واقع، سایر عطیه‌ها، یعنی «وفاداری» (۳:۳۱؛ ۳۳:۱۱؛ ۹:۲۳؛ ۳۲:۱۸) و «شفقت»، دو صفت بنیادین خدای عهد هستند (ر.ک. خروج ۳۴:۶)؛ او خود را کنار می‌کشد چون قوم خاصش او را رها کرده‌اند (آیات ۱۱ ۱۲)؛ «آرامش» جز در حضور او میسر نیست (ر.ک. توضیحات یو ۱۴:۲۷).

d ر.ک. ۵:۴۷؛ توضیحات تث ۱۴:۱.

e برخی از نسخ خطی عبری، به جای «نان»، قرائت کرده‌اند: «برای ایشان».

f اشاره به مراسمی است که در خانهٔ افراد عزادار انجام می‌شد. آیین تقدیم نان و شراب همچون هدیه، با این هدف صورت می‌گرفت که خانوادهٔ سوگوار خاصه رئیس جدید خانواده را به نوعی به دنیای زندگان باز گردانند و ایشان را «تسلی» بخشند.

g قرائت متن عبری: «به ایشان»؛ «به او» مطابق است با قرائت ترجمه یونانی.

h تحت‌اللفظی: «به شما شفقت نخواهم کرد».

بازگشت[i]

۱۴به این سبب، اینک روزهایی می‌آید ـ
وحی یهوه ـ که دیگر نخواهند گفت:
«سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را
از سرزمین مصر برآورد!» ۱۵بلکه:
«سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را
از سرزمین شمال و از تمام سرزمین‌هایی که
ایشان را به آنها رانده بود، برآورده
است!» ایشان را به زمینشان که به ۸:۳۱
پدرانشان داده‌ام، باز خواهم گرداند.

تمام مقصرین گرفته خواهند شد[j]

۱۶اینک صیادان بیشمار خواهم فرستاد ـ ۱۲:۱۵:۲۴:۶؛ با۲:۳۴
وحی یهوه ـ و ایشان را صید خواهند کرد؛
بعد از آن، شکارچیان بی‌شمار خواهم
فرستاد، و ایشان را از هر کوهی و هر
تپه‌ای، و از شکاف‌های صخره‌ها شکار حز۱۲:۱۳؛ عا۴:۲؛
خواهند کرد. ۱۷زیرا چشمانم بر تمام رفتار حب۱:۱۵
ایشان است؛ آن از من پنهان نیست[k]، و ۴:۲۹؛ اش۲:۱۰؛
خطایشان از دیدگانم مخفی نمی‌ماند. ۱۹:۷
۱۸[l]خطا و گناه ایشان را دو برابر[m] به
ایشان خواهم پرداخت، زیرا با جنازه‌های ۱۹:۳۲؛ هو۷:۲؛
«کثافاتشان» به سرزمین من اهانت مز۹۰:۸
کرده‌اند و میراث مرا به «کراهت‌های»[n]
خویش پر ساخته‌اند. ۷:۲

انتشار شناخت خداوند در سراسر جهان[o]

۱۹ای یهوه، قوت من و قلعهٔ من،
و پناهگاه من در روز تنگی،
به سوی تو ملت‌ها خواهند آمد مز۲۸:۷
از اقصا نقاط زمین، و خواهند گفت: ۲سمو۲۲:۳
پدران ما چیزی جز دروغ به ارث نبردند، ۳:۱۷:۱۲:۱۵؛ ۱با۸:۴۳
و بطالتی[p] که به هیچ کار نمی‌آید.
۲۰آیا انسان می‌تواند خدایان بسازد[q]؟ ۱۳:۲۵
اما اینها خدایان نیستند! ۲:۸،۲۸؛ ۲با۱۹:۱۸
۲۱به همین سبب، اینک من ایشان
راخواهم شناسانید، ۹:۲۳

i پس از تهدید در مورد تبعید، این نیاز احساس شده که وعده‌هایی در مورد بازگشت در اینجا گنجانده شود؛ این وعده‌ها مربوط به ۲۳:۷ ۸ می‌شود که تغییر چندانی نیز در آن داده نشده است.

j آنچه که در جاهای دیگر گفته می‌شود که مستقیماً به دست خداوند انجام می‌پذیرد (حزق ۱۲:۱۳؛ ۱۷:۲۰؛ ۲۹:۴؛ ۳۲:۳ و توضیحات: ایوب ۱۹:۶)، در اینجا به دست فرستادگان او تحقق می‌یابد (آیه ۱۶؛ ر.ک. حب ۱:۱۵ ۱۷).

k ر.ک. ۱۱:۲۰؛ مز ۱۳۹؛ بنسی ۱۷:۱۵، ۱۹ ۲۰؛ ۲۳:۱۹ ۲۱.

l در متن عبری، در اینجا اصطلاح «ابتدا» یا «اول» آمده و به این ترتیب، امیدی برای وقایع بعدی باقی می‌گذارد. این اصطلاح در ترجمه یونانی نیست.

m ترجمهٔ ما منطبق است با استنباط ترجمه آرامی؛ ر.ک. ۱۷:۱۸؛ اش ۴۰:۲؛ ۶۱:۷؛ زک ۹:۱۲؛ مکا ۱۸:۶. ترجمه‌های یونانی و وولگات این چنین استنباط کرده‌اند: «کاری خواهم کرد که جنایت مضاعف و خطای خود را پرداخت کنند»، ر.ک. ۲:۱۳؛ ۱۶:۱۱ ۱۲.

n متن عبری به شکل دیگری نقطه گذاری می‌کند: «... به سرزمین من اهانت کرده‌اند. میراث مرا با جنازه‌های کثافاتشان و با کراهت‌های خویش پر ساخته‌اند». «کثافات» و «کراهت‌ها» در اینجا به بت‌ها اشاره دارد، ر.ک. ۱۳:۲۷؛ ۲ـ پاد ۲۳:۱۳؛ اش ۴۴:۱۹؛ نا ۳:۶. در مورد نجس شدن سرزمین، ر.ک. لاو ۱۸:۲۴ ۳۰؛ ۲۶:۳۰؛ حزق ۳۶:۱۸.

o ر.ک. ۳:۱۷؛ توضیحات ۱۲:۱۴.

p ر.ک. توضیحات ۱۰:۸؛ ۳:۲۳.

q ر.ک. ۲:۱۱. ترجمه‌های قدیمی بر اساس بخشی از سنت یهود، این چنین قرائت می‌کنند: «آیا انسان‌ها می‌توانند برای خود خدایان بسازند، آنها که خدایان نیستند؟ (نیز ر.ک. حک ۱۵:۱۶ ۱۷).

این بار، به ایشان خواهم شناسانید
دست خود و قدرت خویش را،
و خواهند دانست که نام من یهوه
می‌باشد!

:۳۵:۳۱
حز۵:۱۳

گناهکاران دیرینه در اثر خشم خدا از اموالشان محروم می‌شوند

۱۷ [۱]گناه یهودا با قلمی فلزی نوشته
شده،
با نوکی از الماس بر لوح دلشان حک
شده
ایو۱۹:۲۴
[۲]و بر شاخ‌های قربانگاه‌هایشان[r]
بر ستون‌های یادبودشان و بر تیرهای
مقدسشان،
:۲۲:۲
:۲۹،۷:۶
۲۳:۱۳
بر هر درخت سبزی،
بر تپه‌های مرتفع،
[۳]بر کوه‌ها، در دشت[s].
ثروتت را و تمامی گنجهایت را
:۲۰:۲

به یغما خواهم داد،
اش ۱:۲۹
مکان‌های بلند گناهت را[t]
در تمامی خطه‌ات.
[۴][u]تو از دست خواهی داد میراثت[v] را
که به تو داده بودم.
کاری خواهم کرد که دشمنانت را خدمت
کنی
در سرزمینی که نمی‌شناسی؛
تث۲۸:۴۸
زیرا آتشی که در بینی‌ام برافروخته‌اید
۱۵:۱۴:۱۶:۱۳
برای همیشه خواهد سوخت[w].

آنچه که فریب می‌دهد و آنچه که فریب نمی‌دهد[x]

[۵]یهوه چنین سخن می‌گوید[y]،
ملعون باد کسی که بر انسان اعتماد
می‌کند
و گوشت را قوت خویش می‌سازد[z]،
مز۱۴۶:۳
اما دلش از یهوه دور می‌شود!

r قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «قربانگاه هایتان». در مورد «شاخ‌های قربانگاه‌ها»، ر.ک. توضیحات خروج ۲۷:۲. خطای قوم غیرقابل انکار است و در کثرت مکان‌های عبادت بت‌ها ظاهر می‌شود (ر.ک. آیات ۲ ۳: ۱۱:۱۳؛ توضیحات ۱:۲۷) و در اعماق وجود هر شخص ریشه دارد. در نتیجه، خداوند برای تجدید «عهد»، باید رهنمودهای خود را در همین اعماق ثبت کند (۳۱:۳۳؛ ر.ک. حزق ۳۶:۲۵ ۲۷). در خصوص تصویر «لوح دل»، ر.ک. امث ۳:۳؛ ۷:۳؛ ۲ـ قرن ۳:۳؛ تث ۶:۴ ۹.

s تحت‌اللفظی: «کوه نشین در دشت». ترجمهٔ ما مبتنی است بر تفسیر مفسران یهود.

t متن عبری را می‌توان این چنین نیز استنباط کرد: «مکان‌های بلندت را به یغما خواهم داد، به سبب خطایی که در تمامی خطه‌ات (انتشار می‌یابد).» بعضی نیز به پیروی از ترجمهٔ آرامی و بخشی از سنت یهود که دو کلمهٔ عبری را جابه‌جا می‌کنند، این آیه را چنین ترجمه می‌کنند: «ثروت‌ها و تمامی گنج‌هایت را به یغما خواهم داد، به سبب خطای مکان‌های بلندت». دستهٔ دیگری از مفسران یهود چنین استنباط کرده‌اند: «مکان‌های بلندت که در خطا درست شده‌اند...»

u این متنی است معماگونه که مفسران یهود و نیز آکیلا و وولگات این چنین ترجمه می‌کنند: «تو آن «عفو» بزرگ را به‌جا خواهی آورد، تنها، دور شده از میراثی که به تو داده‌ام» طبق این ترجمه، ایشن چون قانون «عفو» را طبق اقتضای تورات به جا نیاورده‌اند (تث ۱۵:۹)، میراث خود را نیز از دست می‌دهند.

v با فرض اینکه کلمه‌ای در متن عبری دچار خدشه شده، می‌توان بر اساس تث ۱۵:۳، این عبارت را این چنین ترجمه کرد: «تو میراثت را از خویش خلع ید خواهی کرد» (یعنی از حق خود بر میراثت دست خواهی کشید).

w ر.ک. توضیحات ۱۵:۱۴.

x در امتداد وحی پیشین، موضوع امنیت کاذب و واقعی (ر.ک. توضیحات ۲:۱۸؛ اش ۳۰:۱۵؛ ۳۱:۱ ۳) بار دیگر بسط می‌یابد (آیات ۵ ۸)، اما به شکلی جهان شمول‌تر که به موضوع دو طریق مرتبط می‌گردد (تث ۳۰:۱۵ ۲۰؛ مز ۱:۱؛ امث ۴:۱۸ ۱۹؛ ۱۲:۲۸؛ ۱۵:۲۴؛ بنسی ۱۵:۱۷؛ ۳۳:۱۴؛ مت ۳:۱۳ ۱۴). دو ضمیمه (آیات ۹ ۱۰ و ۱۱) این را تکمیل می‌کند.

y این فرمول در ترجمهٔ یونانی نیامده، و همچنین آیات ۱ ۴.

z تحت‌اللفظی: «بازوی خود را از گوشت (بشر) می‌سازد».

۲تو۳۲:۸ ۶او همچون سرو کوهی در صحرا است
و آمدن سعادت را نمی بیند؛
در مکان های سوخته، در بیابان اقامت
مز۳۴:۱۳؛ ایو۲۰:۱۷؛ ۳۹:۶ می کند،
در شوره زاری که در آن ساکن نمی شوند.
۷فرخنده باد کسی که به یهوه اعتماد
می کند
مز۱۸:۱۹؛ ۳۴:۹؛ ۸۴:۱۳؛ امث۱۶:۲۰؛ بنسی۳۴:۱۵ و اعتمادش یهوه می باشد!
۸او همچو درختی است که نزد آبها
کاشته شده
و ریشه هایش را به سوی جریان (آب)
می فرستد؛
چون گرما فرا می رسد، نمی ترسد
و برگ هایش سبز باقی می ماند؛
حز۴۷:۱۲ از خشکسالی نگران نمی شد
و از میوه دادن غافل نمی ماند.
۹دل[a] خائن است، بیش از هر چیزی،
و شفاناپذیر: چه کس آن را می شناسد؟
۱:۱۷ ۱۰من، یهوه، دل را تفتیش می کنم
و گرده ها[b] را می کاوم،

ایو۳۴:۲۱؛ عبر۴:۱۲ تا به هر کس مطابق رفتارش بدهم،
مطابق ثمرهٔ اعمالش.
۳۲:۱۹؛ حز۱۸:۳۰؛ هو۱۲:۳ ۱۱کبکی که بر تخمی که نگذارده
می خوابد،
همچنان است آن کس که ثروت را با
نادرستی کسب کند؛
مز۳۹:۷؛ ۵۵:۲۴؛ مز۲۸:۸ در وسط روزهایش باید آن را رها
سازد
و در آخر، او چیزی جز شخصی بی عقل[c]
لو۱۲:۲۰ نیست.

دعا[d]

۱۲تخت سلطنت جلال، که از آغاز در
مکانی بلند قرار داشت،
۱۴:۲۱ مکان قدس ما[e]!
۱۳ای امید اسرائیل، ای یهوه،
جملهٔ آنان که تو را رها می کنند، شرمسار
۵۰:۷ خواهد گشت،
۲:۱۳؛۵:۱۹؛ آنان که از تو[f] دور می شوند، از سرزمین
مز۳۶:۱۰؛ ریشه کن خواهند شد[g]؛

a ر.ک. بنسی ۱۷:۶؛ ۲۱:۲۴.
b ر.ک. ۱۱:۲۰؛ ۲۰:۱۲؛ ۱ـ پاد ۸:۳۹؛ مز ۱۳۹:۲۳؛ روم ۸:۲۷.
c یا «دیوانه»، اما در معنایی که در توضیحات ایوب ۲:۱۰ آمده است.
d لااقل از آیه ۱۴، بخش جدیدی از «اعترافات ارمیا» را می یابیم (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱۸). مانند قطعهٔ بعدی (۱۸:۱۸ ۲۳)، در این بخش توالی احساساتی متضاد که دل ارمیا را ریش می سازد، ظاهر می شود. نبی که از اعلام بی وقفهٔ پیام مجازات دلزده شده (آیه ۱۶: ۱۷:۱۵ ۱۸؛ ۱۸:۲۰؛ ۲۰:۹، ۱۴ ۱۸، ر.ک. توضیحات ۲۰:۸)، وآماده است تا خوش بینی سایر انبیا را بپذیرد (۴:۱۰؛ ۱۴:۱۷؛ ۲۸:۶)، و به خاطر رنج های کنونی و آتی قومش پر از دلسوزی است (۸:۱۸ ۲۲؛ ۱۳:۱۷؛ ۱۴:۱۷)، در اثر طعنه ها یا توطئه های بی ایمانان (آیه ۱۵؛ ۱۱:۱۸ ۱۹؛ ۱۵:۱۰؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۷ ۸، ۱۰)، ناگهان به نقطه ای می رسد که آرزوی تحقق آنی تهدیدات الهی را می کند (۱۵:۱۵) و خواهان شرمساری و مصیبت دشمنان خودش (۱۸:۲۱ ۲۳) و نیز دشمنان قومش (۱۰:۲۵ و توضیحات) می گردد، و می خواهد که بدکاران نابود شوند (۱۲:۳). این انتظار ناشی است از رها ساختن خود در دست های خداوند (۱۱:۲۰؛ ۲۰:۱۱ ۱۳)، و ایمانش به قدرت مطلق و نجات بخش الهی (ر.ک. آیات ۱۳ ۱۴)، ایمانی که شامل جنبه های دیگری نیز می باشد (ر.ک. خصوصاً توضیحات ۱۲:۱۴)؛ او هم چنین تصدیق می کند که در اثر این صمیمیت با خداوند، از شادی عمیقی برخوردار شده است (۱۵:۱۶).
e ر.ک. ۳:۱۷؛ توضیحات مکا ۱۱:۱۹.
f قرائت عبری: «از من». ترجمهٔ ما مبتنی است بر وولگات.
g تحت اللفظی: «در سرزمین ثبت شده اند»، یعنی «در سرزمین بی بازگشت» که اقامت گاه مردگان باشد و محلش در اعماق زمین پنداشته می شد (ر.ک. توضیحات یون ۲:۷). در لو ۱۰:۲۰ اصطلاحی متضاد را می یابیم: «در آسمان ها ثبت شده است».

بار۳:۱۲ چـرا که یـهوه، چشـمهٔ آب زنـده را رهـا
کرده اند.
۱۴ شـفـایم ده، ای یـهوه، و شـفـا خـواهم
یافت،
۳۱:۱۸؛ ۲با۵:۷؛ مز۶:۳؛ ۱۰۳:۳؛ ۱۴۷:۳ مرا نجات بخش و نجات خواهم یافت؛
زیرا تو ستایش من هستی.
۱۵ اینک ایشان به من می گویند:
«کـجـا است کلام یـهـوه؟ بـادا که
برسد[h]!»
۱۶ اما من تو را برای بدی نشتاباندم[i]،
روز مهلک را آرزو نکردم،
تـو این را می دانی! آنـچه که از دهـانم
بیرون می آمد
در برابر «روی» تو بود.
۱۷ برای من وحشت مباش،
۱تسا۲:۱۰ تو، ای پناهگاه من در روز مصیبت!
۱۸ بـاشـد که آزارکـنـنـدگـانم شـرمـسار
گردند،
و من شرمسار نگردم!
۱۵:۱۵؛ ۲۰:۱۱؛ مز۳۵:۴ بادا که ایشان هراسان شوند،
و من هرسان نشوم!
روز مصیبت را بر ایشان بیاور،
و ایـشـان را به شـکـسـتـگی مـضـاعف
بشکن[j]!

سَبَّت، روز استراحت برای خداوند[k]

۱۹ یهوه این چنین با من سخن گفت: برو
و بـر دروازهٔ پـسـران قـوم[l] بـایـست که
پادشاهان یهودا از آنجا داخل می شوند و از
آنجـا خـارج می شـونـد، و بـر تـمـامی
دروازه های اورشلیم. ۲۰ به ایشان خواهی
گفت: به کلام یهوه گوش فرا دهید، ای
پادشاهان یهودا و ای تمامی یهودا، و همگی
شـمـا، ای سـاکـنـان اورشـلیم که از این ۳:۱۹
دروازه ها داخل می شوید. ۲۱ یهوه چنین
سخن می گوید: خود را نگـاه دارید ـ به
خاطر زندگی خودتان ـ از حمل بار در روز
سـبت و داخل کـردن آن از دروازه هـای
اورشلیم. ۲۲ در روز سبت باری از خانه های
خود خارج مسازید، و هیچ کاری مکنید.
روز سبت را تقدیس نمایید، مطابق آنچه
که به پدران شما امر فرمودم. ۲۳ اما ایشان
گوش نکردند و گوش نسپردند؛ گردن خود
را سخت ساختند تا گوش فرا ندهند و
درس را نیاموزند. ۱۹:۵؛ ۵:۳؛ صف۳:۲
۲۴ اگر به راستی به من گوش فرا دهید ـ
وحی یـهـوه ـ و در روز سـبت بـاری از
دروازه های این شهر داخل نسازید، و اگر
روز سبت را تقدیس نمایید و در آن هیچ
کاری نکنید، ۲۵ آنگاه از دروازه های این

h ر.ک. توضیحات اش ۵:۱۹.

i ر.ک. ۱۸:۲۰ و توضیحات ۱۱:۱۵. متن عبری بسیار مبهم است. بر اساس ترجمهٔ آرامی، می توان چنین قرائت کرد: «نشتابیدم تا به دنبال تو چوپان نباشم» (یعنی امتناع نکردم که به دنبالت چوپان باشم). قرائت ترجمه یونانی: «از دنبال کردن تو خسته نشدم»، قرائت وولگات: «پریشان نشدم از اینکه به سان چوپان تو را دنبال کنم».

j ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

k خروج ۱۶:۲۳. بسط این موضوع که به نح ۱۳:۱۵ ۲۲ نزدیک است، تنها بخش از کتاب ارمیا است که در آن از سَبَّت سخن به میان آمده است. این امر بیشتر تجلی تفکری «کهانتی» از شخصی مانند حزقیال است (۲۰:۲۰؛ ۲۲:۲۶؛ ۴۴:۲۴...)؛ نیز ر.ک. اش ۵۶:۲ ۶؛ ۵۸:۱۳.

l یعنی دروازه ای که بیش از بقیه مورد استفاده است.

شهر، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داود
می نشینند داخل خواهند شد، سوار بر
ارابه ها و بر اسبان، هم ایشان و هم
بزرگانشان، هم مردمان یهودا و هم ساکنان
اورشلیم. این شهر برای همیشه مسکون
خواهد بود، [۲۶]و از شهرهای یهودا و از ۱۱:۱۸؛ ۲ پا۲۳:۲
حوالی اورشلیم خواهند آمد، از سرزمین
بنیامین، از زمین های هموار و از کوهستان ۷:۷؛ یول۴: ۲۰
و از نگِب، و قربانی سوختنی و قربانی
ذبحی، و هدیه آردی و بخور خواهند آورد،
و قربانی ستایش را به خانهٔ یهوه خواهند
آورد.
[۲۷]اما اگر از گوش فرا دادن به من و ۱۱:۳۳
تقدیس روز سبت امتناع ورزید و به هنگام
دخول از دروازه های اورشلیم در روز سبت،
باری حمل کنید، آنگاه آتشی بر
دروازه هایش بر خواهم افروخت؛ و
قصرهای اورشلیم را خواهد بلعید و
خاموشی نخواهد پذیرفت. ۱۴،۱۲:۲۱

خاك رس و كوزه گر[m] ۲۰:۷

۱۸ [۱]کلامی که از سوی یهوه به این
مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]«بر پا
بایست! به خانهٔ کوزه گر فرود آ و در آنجا
سخنانم را به تو خواهم شنوانید» [۳]به خانهٔ
کوزه گر فرود آمدم، و اینک او با چرخ کار
می کرد. [۴]و چون ظرفی که می ساخت
خراب می شد، همان گونه که برای گل رس بنسی۳۸: ۲۹
زیر دست کوزه گر [رخ می دهد]، ظرفی
دیگر می ساخت، بر حسب آنچه که مورد
پسندش بود که بسازد.
[۵]کلام یهوه به این مضمون به من فرا
رسید: [۶]این خاندان اسرائیل، آیا من
نمی توانم مانند این کوزه گر در حق شما
عمل نمایم؟ - وحی یهوه. آری، همان گونه
که گل رس در دست کوزه گر است، شما
پید۲:۷؛ اش۶۴:۷؛ ایو۱۰:۷ ۹ بنسی۳۳:۱۳ نیز ای خاندان اسرائیل، در دست من
می باشید. [۷]گاه بر علیه ملتی و بر علیه
مملکتی سخن می گویم برای بر کندن و
کوبیدن و هلاک ساختن؛ [۸]اما اگر این ملتی
که بر علیه آن سخن گفته ام، از شرارتش باز
گردد، آنگاه از بدی ای که تدبیر کرده بودم
که به او برسانم، پشیمان می شوم. [۹]و گاه
۳:۲۶ بر علیه ملتی و بر علیه مملکتی سخن
می گویم برای بنا کردن و کاشتن [۱۰]اما اگر
[این ملت] آنچه را که در نظر من بد است
انجام دهد، به گونه ای که به صدایم گوش
فرا ندهد، آنگاه از نیکی ای که درباره اش
سخن گفته بودم که برایش انجام دهم،
پشیمان می شوم.
پید۶:۶ ۷ [۱۱]و اکنون با مردمان یهودا و با ساکنان
اورشلیم به این مضمون سخن بگو: یهوه
چنین می گوید: اینک من بر علیه شما
۳۲:۳۲ مصیبتی شکل می بخشم و بر علیه شما
طرحی می ریزم. پس هر یک، از راه بد
خویش بازگشت کنید، و رفتارتان و

m خود خداوند از نبی می خواهد که نزد کوزه گر برود (آیه ۱)، و خود خداوند نیز معنای نمادین اموری را که او مشاهده می کند، بر او آشکار می سازد (آیه ۵): ابتکار عمل در دست ارمیا نیست و او هیچ چیزی را به واسطهٔ هوشمندی بشری اش کشف نمی کند. این است آنچه که خداوند بر او مکشوف می سازد: کوزه گر صاحب و مالک مواد خود می باشد: او می تواند ظرفی را که مطابق طرحش نیست خراب کند و ظرفی دیگر بسازد. به همان شکل، خداوند نیز می تواند حاکمانه قوم ها را بر پا دارد و از میان ببرد. آیات ۷ ۱۲ این نماد را با اندکی تفاوت تعبیر می کند و شاید بعدها اضافه شده باشد.

۲۵:۵؛۲۶:۱۳؛ ۳۵:۱۵؛ زک۱:۴ اعمـالتان را اصلاح نمـایید. [۱۲]امـا ایشـان
خـواهـنـد گـفـت: «بی فـایـده است! مـا
می خواهیم افکار خود را دنبال کنیم، و هر
۲:۲۵ یک مطـابق سرسختی دل بـد خـویش عمل
خواهیم نمود».
۳:۱۷

خطایی هولناک

[۱۳]به این سبب، یهوه چنین می گوید:
از ملت ها سؤال کنید:
چه کس چنین چیزی شنیده است؟
۲:۱۰ ۱۱ او کارهای بسیار زشت مرتکب شده
است،
آن باکرهٔ اسرائیل!
[۱۴]آیا برف لبنان
۳۱:۴، ۲۱ ۵: ۳۰ صخره های سریون را رها می سازد؟
یا آب های کوهساران خشک می شود
(آن آبهای) گوارا و جاری[n]؟
[۱۵]اما قوم من مرا از یاد برده اند!
برای «نیستی» بخور سوزانده اند،
۲:۳۲ در راه های خویش لغزش خورده اند،
۱:۱۶ بر جاده های کهن[o]،
۲:۱۱
تا در راه های تنگ ره بسپارند،
بر راهی که ترسیم نشده،
[۱۶]تا سرزمین خود را تبدیل به ویرانه
سازند،
به ریشخند، برای همیشه[p]. ۲۵:۹؛ ۲۹:۱۸؛ ۵۱:۳۷
هر کس که از کنار او بگذرد، حیرت
خواهد کرد
و سر خواهد جنباند.
[۱۷]به سان باد شرقی، ایشان را پراکنده
خواهم ساخت
از برابر دشمن. ۴:۱۱؛۱۳:۲۴
در روز شوربختی شان،
پشت خود را به ایشان نشان خواهم داد،
نه «روی» خود را[q].

«آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند[r]؟»

[۱۸]ایشان گفته اند: «بیایید تدبیرها بر
علیه ارمیا بیندیشیم؛ زیرا کاهن تعلیم کم
نخواهد آورد، و حکیم مشورت، و نبی
کلام[s]. بیایید او را با زبان خودش بزنیم و ۲پا۱۲:۳

n متن لطمه دیده و تا حدی به کمک حدس و گمان بازسازی شده ست. «سریون» (تث ۳:۹؛ مز ۲۹:۶) نامی است که مردم صیدون به کوه حرمون داده بودند. قرائت ترجمهٔ یونانی: «آیا زبری از سنگ محو می شود یا برف از لبنان؟ آیا آبی که دراثر باد برده می شود، می تواند مقاومت کند؟» قرائت ترجمهٔ آرامی: «همان گونه که امکان ندارد آب برفی که بر صحراهای لبنان نازل می شود باز ایستد، به همان گونه بارانی که می بارد و آبی که از چشمه می جوشد، باز نخواهد ایستاد».

o تحت اللفظی: «جاده های همیشگی» ر.ک. دد ۶:۱۶.

p تحت اللفظی: «به سوت زدن، برای همیشه». این سوت زدن و تکان دادن سر بیشتر بیانگر حیرت و وحشت است تا تقبیح یا تحقیر (ر.ک. مرا ۲:۱۵)؛ این حرکات همچنین به منظور دور کردن تأثیرات نحس و شیطانی انجام می شد.

q این پاسخی است به ۲:۲۷ (نیز ر.ک ۱۵:۶)، قرائت عبری: «من پشت سر را می بینم و نه صورت را» (یعنی اینکه ایشان در حال فرار هستند، ر.ک. خروج ۲۳:۲۷). ما طبق قرائت ترجمه های یونانی و آرامی و سریانی و وولگات و مفسران یهود، فعل عبری «دیدن» را در وجه سببی قرائت کرده ایم.

r ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷.

s تحت اللفظی: «تعلیم (به عبری: تورات، ر.ک. توضیحات اش ۲:۳) نزد کاهن از میان نخواهد رفت، نه مشورت نزد حکیم، و نه کلام نزد نبی». معاصران ارمیا بر این باورند که در نقش سه گانهٔ کاهنان و حکیمان و انبیا، وسیله ای در دست دارند برای شناخت ارادهٔ خدا در هر زمان (ر.ک. توضیحات ۲:۸؛ مرا ۲:۹ ۱۰). فکر می کنند می توانند ارمیای نبی و پیامش را رد کنند بی آنکه لطمه ای بخورند. اما ر.ک. مز ۱۱۸:۲۲. بعضی از مترجمان، این آیه را چنین استنباط کرده اند: «اگر کاهن نباشد تعلیم از میان نمی رود، اگر حکیم نباشد...»

۹:۲، ۷ به هر یک از سخنانش توجه کنیم[t].»
۱۹ای یهوه، به من توجه فرما،
و بشنو صدای آنان را که مرا به جنایت
متهم می‌سازند.
مز۵:۳ ۲۰آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند
که چاهی[u] می‌کنند تا زندگی [را از من
مز۳۵:۱۲ بگیرند]؟
به یادآور که من در برابر تو ایستادم[v]
تا دربارهٔ ایشان نیکویی بگویم[w]،
تا خشم تو را از ایشان برگردانم[x].
۲۱به این سبب، پسرانشان را به قحطی
۶:۱۱ بسپار
و آنان را به قدرت شمشیر رها ساز.
بادا که زنانشان از فرزند و شوهر محروم
گردند!
مز۹:۱۰۹ بادا که مردانشان قربانی طاعون شوند و
بمیرند!
بادا که جوانانشان در جنگ به شمشیر
زده شوند!
۹:۲۰ ۲۲بادا که فغان از خانه‌هاشان بیرون
آید،
آن گاه که به ناگاه غارت‌گران را بر
ایشان می‌آوری.

چرا که چاهی برای گرفتنم حفر کرده‌اند
و دام‌های زیر پایهایم پنهان ساخته‌اند.
مز۱۴۰:۶ ۲۳اما تو، ای یهوه، تو آگاهی
از جمیع طرح‌های مهلک ایشان بر علیه
۳:۱۲: حب۱:۱۳: مز۳۵:۲۲ من.
خطای ایشان را میامرز،
و گناهشان را از برابر خویش محو مساز!
بادا که در برابر تو بلغزند
مز۱۰۹:۱۴: نح۳:۳۷: ۱۴:۶ و به هنگام خشمت، بر علیه آنان عمل
نما!

سخت‌دلی ایشان را مصیبت مکافات خواهد داد

۱۹ ۱آنگاه یهوه [به ارمیا] گفت: برو و
سبویی از گل رس بخر[y]. همراه
خود، مشایخ قوم و چند کاهن بر دار، ۲و به
سوی وادی ابن هنّوم که در مدخل دروازهٔ
«خرده سفال[z]» است خارج شو. در آنجا.
سخنانی را که به تو خواهم گفت، فریاد
۲:۲ زده، ۳خواهی گفت: ای پادشاهان یهودا و
ای ساکنان اورشلیم، به کلام یهوه گوش فرا
دهید. یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل چنین
۱۱:۲۱ سخن می‌گوید: اینک بر این مکان مصیبتی

t ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمه‌های یونانی و سریانی. قرائت متن عبری: «او را با افتراها نابود کنیم و به سخنانش هیچ توجهی نکنیم».
u ر ک مز۱۶:۷؛ ۵۷:۷؛ ۱۱۹:۸۵؛ امث۲۶:۲۷و...
v ر.ک. توضیحات ۱۵:۱۹.
w یا «تا برای ایشان سعادت بطلبم».
x ر.ک. ۱۶:۷؛ توضیحات ۱۵:۱؛ توضیحات ۲۰:۱۲.
y در متن عبری، این توضیح اضافی وجود دارد: «... بخر، از کسی که خاک رس را شکل می‌بخشد».
z این دروازه، مانند دروازهٔ «دره» (ر.ک. توضیحات ۲:۲۳) و دروازهٔ «تپاله» (نح ۳:۱۴) که احتمالاً باید آن را با همین دروازه یکی دانست، ظاهراً مشرف به درهٔ ابن هنوم بود. پس حرکت نمادینی که در آیه ۱۰ توصیف می‌شود (ر.ک. توضیحات ۱۳:۱)، در مقابل این دره انجام شده است؛ ویراستاران در اینجا با تغییراتی اندک، سخنانی را که بر علیه این مکام ملعون بیان شده و قبلاً ذکر گردیده (۷:۳۰ تا ۸:۳)، تکرار کرده‌اند.

خـواهم آورد که هـر کس آن را بـشـنـود،
گوشهایش زنگ خواهد زد[a]؛ [۴]زیرا مرا رها ۵:۴۵
کرده‌اند و این مکان را منتقل ساخته‌اند، و
در آنجا برای خدایان دیگر که نه خودشان
می‌شناختند، نه پدرانشان، و نه پادشاهان ۱۶:۱
یهودا[b]، بخور سوزانده‌اند، و این مکان را
از خون بی‌گناهان پر ساخته‌اند. [۵]ایشان
برای بعل مکان‌های بلند بنا کرده‌اند تا ۷:۶،۳۱؛ ۳:۲۲؛
پسران خود را همچون قربانی سوختنی برای مز۱۰۶:۳۸؛ ۲پا۱۶:۳؛
بعل، در آتش بسوزانند، چیزی که نه امر ۱۷:۱۷
کرده بودم و نه گفته بودم، و به فکرم خطور
نکـرده بـود[c]. [۶]به هـمـین سبب، اینـکه
روزهایی می‌آید ـ وحی یهوه ـ که این مکان
دیـگـر «تـوفت[d]» و «وادی ابن هـنّـوم»
نامیده نخواهد شد، بلکه «وادی قتل عام»
[۷]در این مکـان، طـرح یـهودا و اورشـلیم را
تخلیه خواهم کرد؛ ایشان را به شمشیر و
دست آنان که قصد جانشان را دارند، در ۷:۳۲
برابـر دشمـنـانشان فـرو خواهم انداخت، و اش۱۹:۳
جنازه‌هایشان را برای خوراک به پرندگان
آسمان و به حیوانات زمین تسلیم خواهم لا۲۶:۱۷
کرد. [۸]این شهر را به ویرانه و به ریشخند[e]
تبـدیل خواهم نمـود؛ هر که از نـزدیک آن ۲۰:۳۴
بگـذرد، حیـرت خواهـد کرد و در مقـابل
تـمـامی بلاهـایش سـوت خـواهـد زد[f]. [۹]به ۱۷:۴۹
ایـشـان گـوشت پـسـرانـشـان و گـوشت
دخترانشان را خواهم خوراند، و یکدیگر را
خواهند خورد، در تنگی و در اضطرابی که لا۲۶:۲۹؛ ۲پا۶:۲۹؛

دشـمـنـانـشـان و آنـان که قـصـد جـانـشـان را حز۵:۱۰؛ با۲:۳
دارند برایشان پدید خواهند آورد.
[۱۰]آن سبو را در مقابل چشمان مردانی که
با تو آمده‌اند، بشکن، [۱۱]و به ایشان بگو:
یهوهٔ لشکرها چنین سخن می‌گوید: به این
شکل است که این قوم و این شهر را خواهم
شکـست، همـان گونه که ظرف کوزه‌گر را
می‌شکنند که دیر قابل مرمت نباشد. و در اش۳۰:۱۴؛ مر۴۲:۲
توفت دفن خواهـند کـرد، زیرا جـایی برای
دفن کـردن نـخواهـد بـود. [۱۲]به این مکـان
هـمـچـنـین خـواهم کرد ـ وحی یـهـوه ـ و به
سـاکـنـانش، آنگـاه که این شـهـر را مـانـنـد
تـوفت بـسـازم. [۱۳]خـانه‌هـای اورشـلـیم و
خانه‌های پادشاهان یهودا، به مانند مکان
توفت، نجس خواهد بود، (یعنی) تمام این
خـانه‌هـا که بـر بـام‌هـایـشـان بـرای تـمـام
«لشـکـر» آسـمـان‌ها بـخور سوزانده‌اند و
بـرای خـدایـان دیـگـر هـدایـای ریـخـتـنـی
ریخته‌اند! ۱:۱۶؛ ۳۲:۲۹؛ ۴۴:۱۷ ۱۹
[۱۴]هنگامی که ارمیا از توفت بازگشت که
یهوه او را به آنجا فرستاده بود تا نبوت
کند، در صحن خانهٔ یهوه ایستاد، و به تمام
قـوم گـفـت: [۱۵]«یـهـوهٔ لـشـکـرهـا، خـدای
اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: اینک بر
این شـهـر و بـر هـمـهٔ شـهـرهـای [تـابع] آن،
مصیبتی را که در مورد آن سخن گفته‌ام
خـواهم آورد، زیـرا گـردن خـود را سـخـت ۴۹:۱۳
کرده‌اند تا به سخنانم گوش فرا ندهند».

a تحت‌اللفظی: «دو گوشش زنگ خواهد زد» (۱ـ سمو ۳:۱۲؛ ۲ـ پاد ۲۱:۱۲).
b ر. ک. توضیحات ۷:۹؛ ۴۴:۳.
c ر. ک توص حزق ۲۰:۲۵.
d ر. ک. توضیحات ۷:۳۱.
e ر. ک. توضیحات ۸:۱۶.
f تحت‌اللفظی: «بر تمامی ضرباتش سوت خواهد زد»، ر. ک. توضیحات ۱۸:۶.

۲۶:۷؛ تث ۱۰:۱۶؛ اع ۵۱:۷

مصیبت به دست پادشاه بابل خواهد آمد

۲۰ ۱فَحشور کاهن، پسر امّیر، رئیس
ناظران خانهٔ یهوه، شنید که ارمیا
۶:۲۰ این چیزها را نبوت می کند. ۲فشحور دستور
داد تا ارمیا نبی را بزنند و او را در دروازهٔ
«عالی بنیامین» که در خانهٔ یهوه[h] است، در
کُنده[g] بگذارند. ۳اما روز بعد، فشحور
۲پا۱۵:۳۵ دستور داد تا ارمیا را از کنده برگیرند،
ولیکن ارمیا به او گفت: «یهوه دیگر تو را با
نام فشحور نخواهد خواند بلکه با نام
«ماگور ـ مسّابیب» [وحشت از هر سو].
۴زیرا یهوه چنین سخن می گوید: اینک تو
۱۰:۲۰ را به وحشت تسلیم خواهم کرد، تو و همهٔ
دوستانت را؛ ایشان به شمشیر دشمنانشان
خواهند افتاد، و چشمانت این را خواهد
مز۳۱:۱۲ دید! و تمام یهودا را به دست پادشاه بابل[i]
تسلیم خواهم نمود و او آنان را به بابل تبعید
خواهد کرد و به شمشیر خواهد زد. ۵تمام
ثروت های این شهر، تمام عایدات آن، و هر
چیز ارزشمندی را که دارد تسلیم خواهم
نمود؛ و تمام گنج های پادشاهان یهودا را به
دست دشمنانشان تسلیم خواهم کرد؛ ایشان اش۳۹:۶
آنها را غارت کرده، خواهند گرفت و به
بابل خواهند برد. ۶اما در مورد تو، ای
فشحور، و تمام ساکنان خانه ات، شما به
اسارت خواهید رفت؛ به بابل خواهی رسید
و در آنجا خواهی مرد، و در آنجا دفن خواهی
شد، تو و تمام دوستانت که برای آنان دروغ
را نبوت کرده ای[j]!

۲۵:۱۳

خداوند بدون رقت جنگ را برمی انگیزد ...[k]

۷تو مرا فریفتی، ای یهوه، و فریب
خوردم،
مرا گرفتی و پیروز شدی!
تمامی روز موضوع خنده می باشم، ۱:۷
همگان مرا استهزاء می کنند.
۸زیرا هر بار که سخن می گویم باید
هیاهو کنم مز۴۴:۱۴؛ مرا۳:۱۴؛ حک۵:۴

h بدینسان این دروازه را از دروازه شهر که به همین نام وجود دارد، متمایز می سازند (۳۷:۱۲؛ ۳۸:۷).

g کلمهٔ عبری می تواند به تیری اشاره کند که مجرم را به آن می بستند و می آویختند، گاه نیز شاید وارونه. از متن مشخص است که این عمل در ملأ عام صورت می گرفت (ر.ک. ۲۹:۲۶).

i این نام سرنوشت ساز برای نخستین بار در اینجا از سوی ارمیا به کار می رود. شاید بلافاصله بعد از نبرد کرکمیش به سال ۶۰۵ ق.م. (ر.ک. توضیحات ۴۶:۲) باشد که نبی هویت این دشمنان مشهور را که از شمال می آیند، افشا می کند؛ ر.ک. توضیحات ۴:۶؛ ۶:۱.

j ر.ک. توضیحات ۵:۳۱. این فشحور که کاهن و نبی بود (با فشحوری که منصب مذهبی نداشت فرق دارد، توضیحات ۲۱:۱)، احتمالاً در همان سال ۵۹۷ ق.م. به تبعید رفت، زیرا در سال ۵۹۴ ق.م. می بینیم که مسئول محافظان معبد، کاهنی است به نام صفنیا، پسر مَعَسیا که خود نیز پس از یهویاداع به این مقام رسیده بود (۲۹:۲۵ ۲۶). منظور از «رئیس ناظران» فرمانده محافظان یا نیروی انتظامی معبد است.

k آیات ۷ ۱۸ آخرین عناصر «اعترافات ارمیا» است (ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷). این عناصر بیش از پیش به ۱۵:۱۰ ۲۱ نزدیک می شود (ر.ک. توضیحات آیه ۱۴)؛ اما در آیات ۷ ۹، شهادتی اصیل در مورد مصائب مربوط به رسالت نبوتی وجود دارد (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱۸). نبی با آزادی بسیار، خداوند را مسئول قلمداد می کند و اساساً به او می گوید: «مرا فریب دادی و حالا دچار چنین وضع اسف باری شده ام (آیات ۷ ۸). اما مقاومت کردن دیگر ممکن نیست، زیرا کلام تو در من نیرویی است قابل انفجار (آیه ۹)». ر.ک. ۵:۱۴؛ ۲۳:۲۹؛ عا ۳:۸.

و فریاد کنم به خشونت و به ویرانی[l]!
زیرا که کلام یهوه برای من[m]
رسوایی و استهزاء است تمامی روز.
۹ گفتم: دیگر از او ذکری به میان نخواهم
آورد :۱۸:۲۰؛ ۱۵:۱۰، ۱۵
و دیگر به «نام» او سخن نخواهم گفت.
اما آن در دلم همچون آتشی سوزان بود،
محبوس در استخوان‌هایم؛ یون ۳:۱
از خودداری خسته شدم
و دیگر قادر به آن نبودم. مز ۴:۳۹؛ ایو ۳۲:۱۸ ۱۹
۱۰ زیرا سخنان شرارت‌آمیز از مردم :۱۱:۶؛ عا ۸:۳
می‌شنیدم:
«وحشت از هر سو!
افشا کنید! او را افشا خواهیم کرد!
همهٔ دوستان نزدیکم[mm] :۵:۴۶؛ مز ۳۱:۱۴
در کمین بودند که بیفتم:
«شاید فریب بخورد و بر او پیروز شویم، مر ۲:۳
از او انتقام خواهیم گرفت».

...اما او نزدیک می‌ماند

۱۱ اما یهوه همچو قهرمانی با هیبت با من
است،
به همین سبب است که آزارکنندگانم
خواهند لغزید
به جای اینکه پیروز شوند. :۱۸:۳۲؛ اش ۴۲:۱۳؛
از اینکه موفق نشده‌اند، کاملاً خجل :۱۸:۱۷؛ مز ۴۰:۱۵
خواهند شد:
شرمساری ابدی و فراموش نشدنی!
۱۲ اما [تو] ای یهوهٔ لشکرها، که عادل را ۲۳:۴۰
تفتیش می‌کنی،
که گرده‌ها و دل[n] را می‌بینی، ۲ توا ۱۶:۹
کاش که انتقام تو را از آنان ببینم!
چرا که داد خود را به تو سپرده‌ام[o].
۱۳ برای یهوه بسرایید،
یهوه را بستایید، :۲۰:۱۱؛ مز ۳۷:۵؛ مز ۹۶:۱
زیرا از دست بدکاران
جان مستمند را رهایی داده است. مز ۱۴۸:۱

«چرا از بطن مادر بیرون آمدم[p]؟» :۲۱:۱۵؛ :۱۸:۳۹؛ مز ۹۷:۱۰

۱۴ لعنت بر آن روز
که در آن زاده شدم!
آن روز که مادرم مرا زایید، ایو ۳:۳
بادا که فرخنده نباشد!
۱۵ لعنت بر آن کس که برای پدرم خبر
آورد و گفت:

l این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «باید درخواست کمک کنم و فریاد بزنم: «خشونت، ستم!» به دلیل بدرفتاری‌هایی که بلافاصله بر نبی وارد می‌آید (ر.ک. ۲۰:۲؛ ۲۶)، شاید چنین برداشتی درست باشد.
m تحت‌اللفظی: «از آنجا که کلام یهوه به من فرا رسید...» ر.ک. ۲۵:۳؛ توضیحات ۱۳:۳.
mm تحت‌اللفظی: «مردمان آرامش من»؛ ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۳.
n ر.ک. توضیحات ۱۱:۲۰.
o ارمیا می‌داند که هر جرمی باید مجازات شود و هر عمل بدی با رنج مکافات خواهد شد (ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۵ و توضیحات ۱۷:۱۲)؛ این اصل تعادل اعمال باید در همه جا و در همه وقت بر رفتار متقابل میان اعضای جامعه حاکم باشد. اما ارمیا خودش اقدام به عمل تنبیهی نمی‌کند؛ او این امر را به خداوند واگذار می‌کند (ر.ک. تث ۳۲:۳۵؛ روم ۱۲:۱۹). عیسی و به تعبیت از او، استیفان، تلویحاً این اصل را تصدیق خواهند کرد، اما برای اعدام کنندگان خود دست به شفاعت خواهند زد (لو ۲۳:۳۴؛ اع ۷:۶۰؛ نیز ر.ک. ارمیا در ۱۷:۱۶؛ توضیحات ۱۵:۱۱).
p ایوب ۳:۲۳. آیات ۱۴ ۱۸ (نیز ر.ک. ۱۵:۱۰) ممکن است الهام بخش فصل ۳ ایوب بوده باشد. در مقابل این سخنان مردی که دیگر توان خود را از دست داده، باید ۱۵:۱۹ ۲۱ را به یاد آورد، یعنی پاسخ خداوند به ۱۵:۱۰، ۱۵ ۱۸ را.

«برایت پسری زاده شد»،
[و] اورا سرشار از شادی کرد.
۱۶ بادا که این شخص همچون شهرهایی
باشد
که یهوه بدون پشیمانی واژگون ساخت؛
بادا که بامدادان فریادها بشنود
و هیاهویی به گاه ظهر!
۱۷ زیرا مرا از همان بطن مادر نمیراند؛ ۲۲:۱۸
آنگاه مادرم گور من می بود ۲:۴۹
و بارداری‌اش برای همیشه به درازا ایو۳:۱۱
می‌کشید!
۱۸ پس چرا از بطن مادر بیرون آمدم
تا رنج و محنت را ببینم،
و روزهایم در خجالت تلف شود؟ ایو۳: ۱۰، ۲۰

در مورد پادشاهان یهودا[q] ۸:۲۰
پاسخی به صدقیا[r]

۲۱ ۱ کلامی که از سوی یهوه به ارمیا
فرا رسید، آن هنگام که صدقیا
پادشاه، فشحور، پسر مَلکیا[s]، و صفنیا ۱:۱۸
کاهن، پسر مَعَسیا[t] را نزد او فرستاد تا [به
او] بگوید: ۲ «از یهوه برای ما مشورت نما،
زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل، بر علیه ما
می‌جنگد؛ شاید یهوه تمام کارهای شگفت ۷:۳۷؛ ۲پا۲۲:۱۳
انگیز خود را برای ما تجدید کند، طوری
که این شخص از نزد ما دور شود».
۳ ارمیا به ایشان گفت: «با صدقیا چنین
سخن خواهید گفت: ۴ این چنین سخن مز۱۰۵:۲، ۵
می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: اسلحهٔ
جنگ که در دست دارید و با آنها با پادشاه
بابل و کلدانیانی که شما را محاصره
کرده‌اند می‌جنگید، اینک آنها را از بیرون
دیوارها باز آورده، در میان این شهر گرد
خواهم آورد[u]. ۵ من خودم با دستی دراز شده
و با بازویی نیرومند[v] بر علیه شما خواهم
جنگید، با خشم و غضب و غیظی عظیم؛
۶ ساکنان این شهر را، از انسان گرفته تا
حیوان، با طاعونی سخت خواهم زد و از آن ۳۷:۳۲
خواهند مرد. ۷ پس از آن وحی یهوه
صدقیا، پادشاه یهودا، و خدمتگزارانش و
جمعیتی که بعد از طاعون و شمشیر و قحط
در این شهر مانده باشند، ایشان را به دست
نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست
دشمنانشان، و به دست آنانی که قصد
جانشان را دارند، تسلیم خواهم نمود؛ او
ایشان را با لبهٔ تیز شمشیر خواهد زد[w] و

q این مجموعه ای است از وحی های مختلف دربارهٔ آخرین پادشاهان یهودا. در بخش نتیجه گیری (۲۳: ۱ ۸)، خداوند اعلام می دارد که برای قومش چوپانان (۲۳:۴) یا بلکه چوپانی (۲۳: ۵ ۶) مهیا می سازد که تجسم عدالت خودش بوده، و بالاخره «مطابق دلش» خواهد بود (ر.ک. ۳: ۱۵) ـ نبوتی مشابه در حزق ۳۴ یافت می شود.

r ر.ک. توضیحات ۱:۳.

s این شخصیت را (ر.ک. ۳۸: ۱) نباید با کاهنی به همین نام که پسر اِمّیر بود (۲۰: ۱، ر.ک. توضیحات ۲۰: ۶) اشتباه کرد.

t این شخصیت را در ۲۹: ۲۵؛ ۳۷: ۳؛ ۵۲: ۲۴ نیز می یابیم.

u متن مبهم است. این عبارت می تواند به دو معنا باشد: یکی اینکه خدا اسلحهٔ اسرائیلیان را بر می گرداند و در میان شهر گرد می آورد؛ یا اینکه خدا اسلحهٔ ایشان را منحرف می سازد. بعضی نیز این گونه برداشت کرده اند که خدا کلدانیان را در وسط شهر گرد خواهد آورد، ر.ک. ۳۹: ۳.

v ر.ک. توضیحات ۳۲: ۱۷؛ تث ۴: ۳۴؛ اش ۴۴: ۱۲؛ ۶۲: ۸؛ مز ۸۹: ۱۱.

w تحت اللفظی: «او ایشان را با دهان شمشیر خواهد زد». مطابق ۳۴: ۵، صدقیا «در آرامش خواهد مرد» (ر.ک. ۳۲: ۵)؛ این امر باعث ایجاد این فکر می شود که این آیه که مجموعه ای از فرمول هایی است نه چندان اصیل، ممکن است توضیح ویراستار باشد، ر.ک. «مقدمه».

نسبت به آنان بدون ترحم و بدون شفقت و
بی‌رحم خواهد بود».
[۸]و به این قوم بگو: «یهوه چنین سخن :۱۴:۱۳
می‌گوید: اینک در مقابل شما راه حیات و :۵:۱۵ ۵:۱۶
راه مرگ را قرار می‌دهم[x]. [۹]آن کس که در
این شهر بماند، با شمشیر و با قحط و با
طاعون خواهد مرد؛ آن کس که از آن خارج ۲:۳۸
شود و به جانب کلدانیانی برود که شما را
محاطره کرده‌اند، خواهد زیست و زندگی
خود را به غنیمت خواهد برد[y]. [۱۰]زیرا
«روی» خود را به سوی این شهر ثابت نگاه
داشته‌ام برای شوربختی و نه برای
خوشبختی ـ وحی یهوه ـ و آن به دست :۱۱:۴۴ لاو۲۰:۳:
پادشاه بابل تسلیم خواهد شد که آن را با حز۸:۱۴: عا۹:۴
آتش خواهد سوزاند».

پادشاهان، قصرهایشان، و شهرشان

[۱۱]و برای خاندان پادشاه یهودا:
و به کلام یهوه گوش فرا دهید،
[۱۲]ای خاندان داود!
یهوه چنین سخن می‌گوید:
از بامداد عدالت را به اجرا درآورید
و ستمکش را از دست ستمگر رهایی
دهید، ۱۳،۳:۲۲ :۴:۴

مبادا که خشمم مانند آتش شعله‌ور شود :۲۰:۷ عا۵:۶: نا۱:۶،۲
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش
کند،
به سبب شرارت اعمالتان!
[۱۳]من اینک به ضد تو هستم، ای دختری
که ساکن وادی هستی، :۳۱:۵۰ نا۲:۱۴: ۵:۳
ای صخرهٔ دشت[z] ـ وحی یهوه ـ
شما که می‌گویید: «چه کسی بر ما فرو
خواهد آمد،
چه کس به عزلت‌گاه‌های ما داخل خواهد
شد؟»
[۱۴]من بر ضد شما مجازات را به‌جا :۴:۴۹ هو۳
خواهم آورد
مطابق ثمرهٔ اعمالتان ـ وحی یهوه ـ ۸:۹ ۱۰:۱۷
در جنگلش[a] آتش خواهم افروخت،
و تمامی حوالی‌اش را خواهد سوزانید.
۱۲:۲۱

۲۲

[۱]یهوه چنین سخن می‌گوید: به خانهٔ ۱۴:۴۶
پادشاه یهودا فرود آ[b]؛ در آنجا این
کلام را خواهی گفت؛ [۲]بگو: ای پادشاه
یهودا که بر تخت سلطنت داود می‌نشینی،
به کلام یهوه گوش فرا ده، تو و :۲:۷:۲۹:۲۲ ۴:۳۴:۲۰:۱۷
خدمتگزارانت و قومت که از این دروازه‌ها
داخل می‌شوید. [۳]یهوه چنین سخن

[x] ر.ک. ۵:۱۷
[y] تحت‌اللفظی: «زندگی‌اش برایش تبدیل به غنیمت خواهد شد»، مانند ۳۸:۲؛ ر.ک ۳۹:۱۸؛ ۴۵:۵.
[z] در این مجموعهٔ وحی‌ها که مربوط به خانوادهٔ سلطنتی است، این عبارت باید اشاره‌ای باشد به کاخ پادشاه (مانند ۲۲:۶ ۷) و نه به اورشلیم در کلیت آن. دشمن که از سمت شمال می‌آید (ر.ک. توضیحات ۴:۶)، برای رسیدن به کاخ که در آن سوی معبد قرار داشت، می‌بایست یک سرازیری را طی کند. صخره‌ای واقعی، جلو دشت (یعنی محوطهٔ معبد) را می‌گرفت و مشرف بر وادی قدرون بود.
[a] منظور از «جنگل» احتمالاً (مانند ۲۲:۶ ۷) اشاره‌ای است به ستون‌ها و چوبکاری‌های دیوارهای کاخ، ر.ک. ۱ـ پاد ۷:۲. بعضی از مترجمان پیشنهاد کرده‌اند که بر اساس قرائت متفاوت ترجمه یونانی در ۴۶:۱۴، مصرع بعدی این چنین ترجمه شود: «و تمامی چوبکاری‌هایش را خواهد سوزانید».
[b] قصر سلطنتی نسبت به معبد در ناحیه‌ای پست‌تر قرار دارد، ر.ک. توضیحات ۲۱:۱۳؛ ۲۶:۱۰؛ ۳۶:۱۲؛ ۲ـ پاد ۱۱:۱۹؛ ۲۰:۵.

می گوید: انصاف و عدالت را به جا آورید؛
ستمکش را از دست ستمگر رهایی دهید؛
غریب و یتیم و بیوه‌زن را آزار مرسانید و با ۱۲:۲۱
آنان شدت مکنید؛ و خون بی گناه را در این :۶:۷ خرو۲۲: ۲۰ ۲۱
مکان مریزید. ۴زیرا اگر به راستی این کلام
را به جا آورید، آنگاه از دروازه های این :۱۷:۲۲ تث۱۹: ۱۰،، ۱۳
خانه، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داود
می نشینند داخل خواهند شد، سوار ارابه ها
و بر اسبان، هم ایشان، و هم
خدمتگزارانشان، و هم قومشان. ۵اما اگر به ۲۵:۱۷
این سخنان گوش فرا ندهید، به (ذات)
خویش سوگند[c] - وحی یهوه - این خانه
تبدیل به ویرانه خواهد شد.
۶زیرا یهوه دربارهٔ خانهٔ پادشاه یهودا
چنین سخن می گوید: ۱۰:۹
تو برای من یک جلعاد[d] بودی،
قله ای در لبنان؛
سوگند که از تو بیابانی خواهم ساخت، زک۱۰:۱۰
شهری غیرمسکون.
۷بر علیه تو ویرانگرانی اختصاص خواهم
داد،
هر یک را با ابزارهایش؛ :۶:۴ :۳:۱۲ اش۱۳:۳
سدرهای مرغوبت را فرو خواهند کوفت
و آنها را در آتش خواهند افکند.
:۲۳،۱۵:۲۲ اش۳۷:۲۴

۸ملت های بسیار از کنار این شهر
خواهند گذشت، و مردمان به یکدیگر
خواهند گفت: «از چه سبب یهوه با این
شهر چنین کرده است؟» ۹و خواهند گفت: ۸:۱۹
«به این سبب که عهد یهوه، خدای خویش :۱۹:۵ تث۲۹: ۲۳ ۲۵
را رها کردند، و در برابر خدایان دیگر
سجده کرده، آنها را خدمت کردند.»

۱۰:۱۳

در مورد شَلّوم[e]

۱۰مگریید برای آن کس که مرده است
و بر او دل مسوزانید.
بگریید، بگریید برای آن کس که رفته
است؛ ۲توا۳۵: ۲۴ ۲۵
چرا که دیگر او را بازنگشتی نخواهد
بود،
زادگاه خویش را نخواهد دید.
۱۱زیرا این چنین سخن می گوید یهوه
دربارهٔ شَلّوم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، که
در جای پدرش یوشیا سلطنت کرده است:
آن کس که از این مکان بیرون رفته، به آن
باز نخواهد گشت؛ ۱۲زیرا در مکانی که به
آن تبعید شده، در آنجا خواهد مرد، و این
سرزمین را دیگر نخواهد دید.

c خداوند برای اینکه استحکام عزم خود را بیان کند، نمی توانست سوگند یاد کند مگر به خودش (۴۹:۱۳: پید ۲۲:۱۶: اش ۴۵:۲۳: عبر ۶:۱۳)، یا به حیات خود (۵۱:۱۴: عا ۶:۸)، یا به قدوسیت خویش (عا ۴:۲: مز ۸۹:۳۶)، یا به نام عظیم خود (۴۴:۲۶)، یا به دست راست و بازوی نیرمند خویش (اش ۶۲:۸)، و به وفاداری و امانت خود (مز ۸۹:۵۰).

d جلعاد و لبنان هر دو نماد فراوانی و زیبایی بودند: اشاره به جنگل های جلعاد (ر. ک. ۲ـ سمو ۱۸:۶، ۸ ۹) و لبنان، شاید اشاره ای باشد به چوبکاری های خانهٔ پادشاه (ر. ک. توضیحات ۲۱:۱۴).

e ر. ک. توضیحات ۱:۳. آیه های ۱۱ ۱۲ به منزلهٔ توضیح آیه ۱۰ به شکل نثر می باشد. این وحی سه ماه پس از رویداد مَجدّو بیان شده است (۶۰۹ ق.م.، ر. ک. ۲ـ پاد ۲۳:۲۹). عزای ملی برای یوشیا هنوز پایان نیافته بود که ارمیا مردم را به سوگواری برای رفتن کس دیگری فرا می خواند. ـ شَلّوم نام دیگر یهوآحاز می باشد، مانند یدیدیا ـ سلیمان (۲ـ سمو ۱۲:۲۵)، عزریا ـ عزیا (توضیحات ۲ـ پاد ۱۵:۱۳)، الیاقیم ـ یهویاقیم (۲ـ پاد ۲۳:۳۴)، مَتَنیا ـ صدقیا (۲ـ پاد ۲۴:۱۷).

بر علیه یهویاقیم[f]

۱۳ وای بـــر آن کس که خـــانهٔ خـــود را بسازد[g]
بدون [رعایت] عدالت،
و اتاق های بلند خود را، بدون [رعایت] انصاف[h]، میک۳:۱۰؛ حب۲:۱۲؛ بنسی۲۱:۸؛ یع۵:۴
که همسایهٔ خود را برای هیچ به کار وا می دارد
و بهای کارش را به او نمی دهد[i]؛
۱۴ او که می گوید: «برای خویش خانه ای وسیع بنا خواهم کرد
و اتاق های بلند جادار»،
که در آن پنجره ها[j] تعبیه می کند،
آن را با سقفی از سدر می پوشاند
و با شنگرف اندود می کند.
۱۵ آیا نمی توانی پادشاه باشی
مگر آنکه با سدر رقابت کنی[k]؟
آیا پدرت[l] نخورد و ننوشید؟
او انصاف و عدالت را به جا می آورد،
لذا همه چیز برای او نیکو بود!
۱۶ او به داد فقیر و مستمند می رسید،
لذا همه چیز نیکو بود!
آیـا شـنـاخت من این نـیـست؟[m] - وحی یهوه.
۱۷ اما تو چشمانت و دلت فقط به دنبال منافع ات می باشد، ۲۳:۹؛هو۶:۶
به دنبال خون بی گناه تا آن را بریزی[n]،
به دنبال ستم و خشونت، تا آنها را به جا آوری. مز۱۱۹:۳۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۲پا۲۱:۱۶
۱۸ به این ســبب، این چــنــین ســخن می گوید یهوه دربارهٔ یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا:
وای بر این مرد!
برای او نوحه سرایی نخواهند کرد (و نخواهند گفت): ۶:۱۶؛ مز۷۸:۶۴
«برادرم، افسوس! خواهرم، افسوس!»
برای او نوحه سرایی نخواهند کرد (و نخواهند گفت):

f ر. ک. توضیحات ۱:۳.

g احتمالاً در یکی از اتاقهای جدید «خانهٔ شاهانه» است که یهویاقیم نخستین مجموعهٔ وحی های ارمیا را می سوزاند (۳۶:۲۲).

h دفاع از انصاف و عدالت وظیفهٔ اولیهٔ پادشاه (آیت ۳ و ۱۵؛ ۲۳:۵؛ ۳۳:۱۵؛ توضیحات پید ۱۸:۱۹؛ میک ۳:۱؛ امث ۱۶:۱۲ ۱۳؛ ۲۹:۴، ۱۴ و توضیحات) و نیز هر انسانی است (ر. ک. ۵:۱ و توضیحات). پادشاه که بر روی زمین جایگزین خدایی است که انتقام گیرندهٔ ستمکشان است (۵:۲۸ ۲۹؛ ۹:۲۳؛ عا ۲:۶ ۸ و غیره؛ توضیحات نا ۱:۲؛ مز ۹۴:۱ ۲، ۵ ۶...) به طور خاص مسئولیت مطرودان و فقیران و ضعفا را بر دوش می کشد (آیه ۱۶، ر. ک. مز ۷۲:۲ ۴، ۱۲ ۱۴؛ ۱۳۲:۱۵). اما یهویاقیم همچون بیدادگری بی دین (آیات ۱۳، ۱۷) با ادعاهایی اغراق آمیز (آیه ۱۴، ر. ک. توضیحات ۱۰:۲۴) عمل می کند.

i ر. ک. تث ۲۴:۱۴ ۱۵. پادشاه در دین موسی، حاکمی مستبد تلقی نمی شد که مجاز باشد به دلخواه خود از مردم برای امور شخصی خود بیگاری بکشد؛ او نیز مانند هر فرد دیگری، می بایست حق الزحمه کارگران خود را بپردازد.

j یا بالکن های سقف دار به سبک مصری که در طبقات جدیدی که به قصرش اضافه کرده بود، ساخته بود.

k تحت اللفظی: «آیا به این سبب حکومت خواهی کرد که با سدر وارد رقابت می شوی» این گونه نیز می توان استنباط کرد: «آیا با وارد شدن به رقابت با سدر، حکومت خواهی کرد؟» ر. ک. ۱۲:۵.

l برخی از مفسران بر این باورند که منظور اشاره به سلیمان یا داود می باشد؛ اما بیشتر تصور می رود که منظور یوشیا باشد. در مورد یوشیا (پدر یهویاقیم)، ر. ک. توضیحات ۱:۲ و ۲ـ توا ۳۴ ۳۵؛ بنسی ۴۹:۱ ۴.

m ر. ک. توضیحات ۹:۵، ۲۲. این شناخت راستین خدا که در اجرای عدالت متجلی می شد، شرط کامیابی مادی برای یوشیا (و نیز برای سلیمان) بود (آیه ۱۵).

n مثلاً قتل اوریاهو (۲۶:۲۳).

«ای سـرورم، افـسـوس! افـسـوس، ای
اعلیحضرت[o]!»
[۱۹]تدفین خر، تدفین او خواهد بود؛
او را کشیده، خواهند انداخت
به آن سوی دروازه های اورشلیم[p].
۱۵:۳؛ ۲ سمو۱۷:۱۳

دختر نامطیع غمزده[q]

[۲۰]به لبنان بر آن و فریاد برآور،
در باشان صدا بزن،
از اباریم[r] فریاد بزن؛
زیرا جمله عاشقانت[s] له شده اند!
[۲۱]به هنـگـام آسـودگی ات بـا تـو سخن
گفتم؛
گفتی: «گوش نخواهم داد».
از جوانی ات رفتارت این چنین است؛
۱۸:۱۲ تو به صدای من گوش فرا ندادی[t].
۳:۲۵؛ ۳۱:۱۹ [۲۲]همهٔ چوپانانت را باد خواهد فرستاد
که بچرند،
عاشقانت به اسارت خواهند رفت؛
آنگاه خجل و شرمسار خواهی بود ۲۲:۲۰
از تمامی شرارتت[u]. ۳۱:۱۹
[۲۳]ای تو که در لبنان ساکنی، ۷:۱۲
و در سدرها لانه داری[v]،
آن هنگام که دردها بر تو آیند، چه ناله ای
خواهی کرد، ۲۲:۷
لرزشی، به سان زنی که می زاید.

در مورد کُنیاهو[w]

۳۰:۶؛ حز۴۲:۱۴
[۲۴]به حیاتم سوگند ـ وحی یهوه ـ حتی اگر
کُنیاهو، پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا،
انگشتری بر دست راستم می بود، حتی از
آنجا او را بر می کندم[x]! [۲۵]تو را به دست
آنانی که قصد جانت را دارند خواهم سپرد،
به دست آنانی که از ایشان می ترسی، به
دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست
کلدانیان. [۲۶]تو و مادرت را که تو را زاده
است، به سرزمین دیگری خواهم افکند که
در آنجا زاده نشده اید، و در آنجا خواهید ۲۲:۲۸؛ ۱۶:۱۳؛ ۲ پا۲۴:۱۵

o اینها عیناً اصطلاحات مراسم نوحه خوانی و عزاداری است؛ ر.ک. ۳۴:۵؛ ۱ـ پاد ۱۳:۳۰.
p ر.ک. ۳۶:۳۰. اما ظاهراً هیچ امر غیرعادی به هنگام مرگ او رخ نداده است (ر.ک. ۲ـ پاد ۲۴:۶ و خصوصاً ترجمهٔ یونانی ۲ـ توا ۳۶:۸ که تصریح می کند که یهویاقیم با پدرانش دفن شد). اما شاید نبوکدنصر قبر او را هتک حرمت کرده، و بقایای جسد او را پراکنده کرده باشد، ر.ک. ۸:۱ ۲ و توضیحات اش ۱۴:۱۹. نیز ر.ک. ۲ـ توا ۳۶:۶.
q اورشلیم که به شکل شخص معرفی شده (ر.ک. حزق ۱۶)، دعوت شده تا به رفیع ترین قله ها برآید تا پریشانی خود را فریاد زند، پریشانی ای که مجازات بی وفایی خودش می باشد. اگر این وحی مربوط به اورشلیم، در مجموعهٔ وحی های علیه پادشاهان و در کنار وحی مربوط به یهویاکین قرار داده شده، احتمالاً به این علت است که به «چوپانان» (آیه ۲۲)، و نیز ظاهراً به تبعید ۵۹۷ ق.م. اشاره می کند.
r ر.ک. توضیحات اعد ۲۷:۱۲. قرائت برخی از ترجمه های دیگر: «همه جا فریاد برآور». طبق تفسیر یهود، ر.ک. ۴۹:۳۲، و ترجمه های یونانی و سریانی: «از آن سوی دریاها فریاد کن»؛ قرائت وولگات: «به رهگذران...».
s «عاشقانت» احتمالاً اشاره به خدایان بیگانه نیست (هو ۲:۷ ۱۵؛ زک ۱۳:۶؛ ر.ک. توضیحات ار ۲:۲۰ و ۲۵)، بلکه به متحدین یهودا در مبارزه اش بر علیه بابل (ر.ک. ۳۰:۱۴؛ حزق ۱۶:۳۳، ۳۶ ۳۷؛ ۲۳:۵، ۹، ۲۲؛ مرا ۱:۱۹).
t ر.ک. توضیحات ۲:۲۰
u قرائت ترجمه یونانی (قرائت دیگر متن حرو بی صدا): «به سبب تمام آنان که تو را دوست می دارند».
v تصویری شاعرانه برای اشاره به تکبر اورشلیم و خانه های زیبایش از چوب سدر.
w در مورد کنیاهو (یا یکنیا یا یهویاکین)، ر.ک. توضیحات ۱:۳.
x تحت اللفظی: «تو را از آن برخواهم کند». در مورد تصویر انگشتری، ر.ک. توضیحات حجی ۲:۲۳.

مرد. ۲۷ و اما دربارهٔ سرزمینی که آرزوی[y]
بازگشت به آن را دارند، به آنجا باز
نخواهند گشت.
۲۸ آیا این مرد، کُنیاهو،
ظرفی است قابل تحقیر و خرد شده،
یا شیئی که هیچ کس آن را نمی خواهد؟ ۱۱:۱۹؛ ۳۸:۴۸؛
چرا افکنده شده اند، او و اعقابش، مز۳۱:۱۳؛ بنسی۲۱:۱۴
افکنده شده در سرزمینی که
نمی شناختند؟ ۱۸:۱۰
۲۹ ای زمین! ای زمین! ای زمین!
به کلام یهوه گوش فرا ده[z].
۳۰ یهوه چنین سخن می گوید: ۲۰:۲۹
نام این مرد را این چنین ثبت کنید:
«بی اولاد، مردی که در روزگار خود
توفیق نمی یابد»؛
چرا که از اعقاب او هیچ کس توفیق
نخواهد یافت
که بر تخت سلطنت داود جلوس کند ۲۲:۲۲؛ ۳۰:۳۶؛
و بار دیگر در یهودا سلطه براند. ۱ تو۱۷:۲۴

گلهٔ رها شده بار دیگر چوپانانی نیکو می یابد[a]

۲۳
۱ وای بر چوپانانی که گلهٔ چراگاه مرا
هلاک ساخته، پراکنده می سازند ـ
وحی یهوه. ۲ به این سبب است که یهوه، ۲۱:۱۰؛
خدای اسرائیل، بر علیه چوپانانی که قوم مرا ۶:۵۰
می چرانند چنین سخن می گوید: این شما
هستید که گوسفندان مرا پراکنده ساختید،
و آنها را رانديد، و نسبت به آن هیچ
توجهی نشان نداده اید. بسیار خوب! من به
شرارت اعمالتان توجه نشان خواهم داد، بر
علیه شما ـ وحی یهوه.
۳ و من بازماندهٔ گوسفندانم را از تمام ۲۲:۲۳
سرزمین هایی که ایشان را به آنها رانده ام
گرد خواهم آورد، و ایشان را به چراگاهشان
باز خواهم گرداند؛ آنان ثمر آورده، کثیر
خواهند شد. ۴ بر سر آنان شبانانی بر خواهم ۶:۲۴
انگیخت که ایشان را خواهند چراند؛ دیگر ۱۹:۳۰؛ ۱۵:۳
نخواهند ترسید و هراسان نخواهند گشت،
و از ایشان چیزی کم نخواهد شد[b] ـ وحی
یهوه.
۵ اینک روزهای می آید وحی یهوه
که در آن برای داود جوانه ای عادل[c] بر
خواهم انگیخت؛ ۲ سمو۷:۱۲
در مقام پادشاه فرمان خواهد راند و با
حزم عمل خواهد کرد،
و انصاف و عدالت را در سرزمین به علم میک۵:۳
خواهد آورد. اش۹:۶
۶ در روزگار او، یهودا نجات خواهد
یافت
و اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد؛
و این است نامی که با آن او را خواهند ۳۷:۳۲
خواند:
«یهوه ـ عدالت ـ ما[d].»

y ر. ک. ۲۷:۱۶؛ ۲۸:۱۵؛ ۲۹:۳۱.
z تحت اللفظی: «ای سرزمین، این سرزمین، ای سرزمین، گوش فرا ده». می توان از خود پرسید که آیا این فراخوان که مضمون متن را بر هم می ریزد، در جای خود قرار دارد یا نه. اما هیچگاه نمی توان به اصالتش شک کرد (ر. ک. ۲:۳۱).
a ر. ک. توضیحات ۱:۲۱
b یادآوری سعادت مربوط به دوران مسیحایی، ر. ک. ۳:۱۵؛ ۲۹:۱۰ ۱۴؛ ۳۰:۱۰.
c «جوانه» یا «شاخه» ر. ک. زک ۳:۸ و توضیحات؛ ۶:۱۲؛ اش توضیحات ۴:۲. «عادل» یا «شرعی»، ر. ک. به آنچه که بلافاصله در مورد اعمال این پادشاه و نام او گفته شده است.
d وقتی «چوپانان» در وظایف خود قصور می ورزند، (ر. ک. توضیحات ۲۲:۱۳)، خداوند خودش امور را در دست می گیرد

ملا۳: ۲۰؛ روم۱۰: ۴ [e]۷به این سبب، اینک روزهایی می آید ـ
وحی یهوه ـ که در آن دیگر نخواهند گفت:
«سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از
سرزمین مصر برآورد!» ۸بلکه: «سوگند به
حیات یهوه که اعقاب خاندان اسرائیل را از
سرزمین شمال و از تمام سرزمین هایی که
ایشان را به آنها رانده بود، برآورده، و آورده
۳:۱۸؛ اش۴۳: ۶ است تا در زمین خودشان ساکن شوند!»

کتابچه مربوط به انبیا

۹برای انبیا[f].

عمومیت یافتن بی نظمی

دلم در اندرونم شکسته،
تمامی استخوان هایم خم شده؛
همچون آدم مست هستم[g]،
همچون آدمی که مغلوب باده شده،
به سبب یهوه
و به سبب سخنان مقدس او[h].

۱۰چرا که سرزمین پر است از زناکاران[i]، ۸:۲۰
ـ آری، به سبب این مردمان، سرزمین در
عزا است[j]،
مرتع های صحرا خشک شده اند ـ ۲۸:۴
مسیر ایشان بدی را دنبال می کند،
و رشادتشان، آنچه را که مناسب نیست. ۴:۱۲
۱۱آری، حتی نبی، حتی کاهن،
بی دین اند،
شرارت ایشان را تا به «خانهٔ» خود مرا۴: ۱۳
یافته ام
ـ وحی یهوه.
۱۲به همین سبب طریق ایشان برای ایشان
به سان زمینی لغزنده خواهد شد؛
در ظلمات رانده خواهند شد مز۳۵: ۶
و در آنجا خواهند افتاد.
زیرا بر آنان مصیبتی خواهم آورد، ۱۶:۱۳
در سال مجازات ایشان[k] ـ وحی یهوه.

بدتر از انبیای سامره[l]

۱۳نزد انبیای سامره بطالتی دیدم:

(صف ۳:۳ ۵؛ ر.ک. توضیحات لو ۳:۱۵). او این کار را به واسطهٔ نسل داود که انتظارش را می کشند، انجام خواهد داد (توضیحات حزق ۲۳:۳۴). این شخص که وسیله ای فرمانبردار پادشاه واقعی اسرائیل می باشد (۱ـ سمو ۱۲:۱۲)، نظم کامل اجتماعی را تأمین خواهد کرد و عدالت خود خداوند برای دو بخش قوم (ر.ک. ۲۷:۳۱ ۲۸؛ ۷:۳۳) دوباره برقرار شده، به دست او به اجرا درخواهد آمد، دو بخشی که سرانجام با هم متحد می شوند (ر.ک. توضیحات ۴:۵۰) طبق عهد جدید، این عدالت به واسطهٔ مسیحای موعود به تمام اعضای قوم برگزیده اعطا خواهد شد (روم ۱۷:۱؛ ۱ـ قرن ۳۰:۱؛ ۲ـ قرن ۲۱:۵؛ فی ۹:۳). در ۱۶:۳۳، این نام که یادآور آن پادشاه موعود است (یهوه ـ عدالت ـ ما) به اورشلیم جدید داده شده است.

e ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۶.

f این بخش (آیات ۹ ۴۰؛ ر.ک. توضیحات ۸:۲) متشکل است از عناصری متنوع و مربوط به زمان های مختلف، که نخستین آن (آیات ۹ ۱۲)، شکایت نبی است. ارمیا از آنچه که بر او منکشف شده، منقلب و مبهوت است، یعنی از فساد اخلاقی قوم و خصوصاً بزرگان مذهبی (انبیا و کاهنان) که بهای سنگینی برای آن خواهند پرداخت.

g ر ک اش ۱۹:۱۴؛ ۲۰:۲۴؛ مز۷۸:۶۵؛ ۲۷:۱۰۷؛ ایو۱۲:۲۵.

h آنچه که باعث منقلب شدن نبی می شود، صرفاً محتوای مکاشفه نیست، بلکه خود مکاشفه نیز (ر.ک. مقدمه؛ دان ۸:۱۰).

i ر.ک. ۵:۸؛ ۱:۹. این فساد اخلاقی نزد انبیا نیز بیداد می کرد (آیه ۱۴؛ ۲۹ ۲۳).

j قرائت متن عبری: «به سبب نفرین...» قرائت وولگات: «به سبب لعنت...» چند نسخه خطی و ترجمه های یونانی و سریانی: «به سبب این...»

k ترجمهٔ احتمالی دیگر: «آن گاه که به حسابشان برسم (برای مجازاتشان)» ر.ک. آیه ۲. اسم موصوفی که در عبری به کار رفته، از ریشهٔ همان کلمه ای می آید که دو بار در آیه ۲ به کار رفته (ر.ک. توضیحات ۸:۹) این کلمه را ۸ بار در ارمیا می یابیم (۱۲:۸؛ ۱۵:۱۰؛ ۲۳:۱۱؛ ۱۲:۲۳؛ ۲۱:۴۶؛ ۴۴:۴۸؛ ۲۷:۵۰؛ ۱۸:۵۱) و همیشه در معنای مجازات و رسیدگی به حساب ترجمه شده است، ر.ک. ۸:۴۹؛ ۳۱:۵۰.

l در آیات ۱۳ ۱۵، ارمیا بر وخامت خطای انبیای اورشلیم تأکید می گذارد؛ این انبیا فساد اخلاقی را به انحرافات مذهبی انبیای سامره افزوده اند.

ایشان به بعل نبوت کرده اند
و قوم من، اسرائیل را گمراه ساخته اند؛
[۱۴] اما نزد انبیای اورشلیم
چیزهایی ترسناک دیده ام:
مرتکب زنا می‌شوند و در دروغ زندگی
۵:۳۰-۳۱؛ ۱۳:۱۸ می کنند[m]،
به بدکاران دست می دهند،
به آن گونه که کسی از شرارت خود باز
۲۲:۲۳ نمی گردد،
ایشان همگی برای من چون سدوم
می باشند
تث۳۲:۳۲ و ساکنان [شهر]، همچون عموره!
[۱۵] به همین سبب، یهوهٔ لشکرها بر علیه
انبیا چنین سخن می گوید:
۱۴:۹ اینک به ایشان افسَنتین خواهم خوراند
و آب مسموم به ایشان خواهم نوشاند؛
زیرا بی دینی از انبیای اورشلیم آمده
۱۴:۸ و تمام سرزمین را فرا گرفته است.

۲:۳:۷:۲ اینان انبیای دروغین‌اند

[۱۶] یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
به سخنان انبیایی که برای شما نبوت
می کنند، گوش فرا مدهید؛
ایشان شما را با توهمات مشغول
می سازند،
و آنچه ادا می کنند، رؤیاهای دل ۱۴:۱۴؛ مرا۱۴:۲
خودشان می باشد،
نه [آنچه که] از دهان یهوه [بیرون
می آید].
[۱۷] ایشان جرأت می کنند که به آنان که
کلام یهوه را خوار می‌شمارند بگویند[n]:
«آرامش خواهید داشت!»
و به تمام آنان که مطابق لجاجت دل خود
سلوک می کنند، می گویند: ۱۴:۶
«هیچ بدی بر شما وارد نخواهد آمد». ۱۷:۳
[۱۸] اما چه کس در شورای یهوه حضور
داشته[o]
تا کلام او را ببیند و بشنود؟
چه کس به کلام[p] او توجه نموده و آن را
شنیده است؟

خشم یهوه[q]

[۱۹] اینک گردباد یهوه: ترس بیرون آمده

m ر. ک. توضیحات ۱۳:۲۵.
n ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی. قرائت متن عبری: «... به آنانی که مرا خوار می شمارند بگویند: (یهوه سخن می گوید! برای شما همه چیزآرامش خواهد بود)».
o نبی پیش از آنکه سخنگو باشد (آیه ۲۲: توضیحات ۱۵:۱۹)، باید در «شورای» خداوند خداوند حضور داشته باشد زیرا در آنجا «طرح» خداوند تعیین می شود (آیه ۲۰: توضیحات عا ۳:۷؛ ر. ک. پاد ۲۲:۱۹-۲۲؛ اش ۶؛ ایوب ۱:۶؛ ۲:۱؛ ۱۵:۸) و در آنجا می تواند به طور مؤثر وساطت کند (پید ۱۸:۲۳-۳۲؛ عا ۷:۱-۶؛ ر. ک. توضیحات ۱۵:۱؛ ۱۸:۲۰). او آن دوستی است که می داند اربابش چه می خواهد بکند (پید ۱۸:۱۷؛ یو ۱۵:۱۵). چیزی نظیر این نزد مدعیان نبوت که مورد اشارهٔ ارمیا هستند، وجود ندارد.
p مطابق متن خوانده شده. متن مکتوب: «کلام من».
q مجازاتی که گریبان خطاکاران را می گیرد، نه بارقهٔ مهارنشدهٔ خشم الهی است، نه نتیجهٔ عدالتی تغییر ناپذیر، بلکه تحقق طرحی است که به دقت تهیه شده و درک کامل آن فقط بعداً میسر خواهد شد (یونانی: «در انتهای ایام»، آیه ۲۰: توضیحات هو

۴:۱۱:۲۲:۲۲: اش۲۹:۶: نا۱:۳ و طوفان با شدت آغاز می‌شود،
و بر سر بدکاران فرو می‌ریزد
۲۰خشم یهوه باز نخواهد گشت
مگر آنکه طرح‌های دلش را به اجرا
درآورده باشد
و به آنها تحقق بخشیده باشد؛
در دنبالهٔ روزها، این را به روشنی درک
خواهید کرد.

می‌دوند بی‌آنکه فرستاده شده باشند

۲۱این انبیا را من نفرستاده‌ام،
اما می‌دوند!
۲۳:۳۲: ۲۷:۱۵ با ایشان سخن نگفته‌ام،
اما نبوت می‌کنند.
۲۲لیکن ایشان اگر در شورای من حضور
داشته‌اند،
۲۳:۱۸ بادا که سخنان مرا به گوش قومم
برسانند[r]
و ایشان را از راه بدشان
و از شرارت اعمالشان باز گردانند.

۲۵:۵

یهوه عالم هستی را پر می‌سازد

۲۳آیا من خدایی نزدیک هستم - وحی
حک۱:۷ یهوه -
و نه خدایی دور[s]؟
۲۴آیا کسی می‌تواند خود را در
نهانگاه‌های خویش پنهان سازد
بی‌آنکه من او را ببینم؟ وحی یهوه.
آیا من آسمان و زمین را پر نمی‌سازم؟ مز۱۳۹:۷ ۱۲
- وحی یهوه.

اع۷:۴۹

«کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟»

۲۵شنیدم آنچه را که انبیا می‌گویند و به
نام من دروغ را نبوت می‌کنند و می‌گویند:
۲۶«خوابی دیدم! خوابی دیدم!» تا به کی
این چنین خواهد بود در دل انبیایی که دروغ
را نبوت می‌کنند و فریب دل خود را نبوت
می‌کنند، ۲۷که می‌پندارند با خواب‌هایی
که برای یکدیگر بازگو می‌کنند، نام مرا از ۱۴:۱۴
یاد قومم خواهند برد، همان گونه که
پدرانشان نام مرا برای بعل[t] از یاد بردند؟
۲۸آن نبی که خوابی دارد، خواب را بازگو
کند، و آن که کلام مرا دارد، باشد که کلام
مرا با وفاداری بگوید.
کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟ -
وحی یهوه.
۲۹آیا کلام من همچون آتش[u] نیست -

۳:۵: ر.ک. یو ۱۳:۷، ۳۶)، آن هنگام که به هدفش رسیده باشد، یعنی به آرامش واقعی (توضیحات ۱۶:۵؛ روم ۵:۱ و توضیحات؛ ۱-قرن ۱۴:۳۳). -حضور آیات ۱۹ ۲۰ (که در ۳۰:۲۳ ۲۴ تکرار شده) در میان وحی‌های بر علیه انبیای دروغین، حاکی از این واقعیت است که ایشان از طرح الهی ناآگاه‌اند، زیرا اعلام می‌کنند که آرامش بلافاصله محقق خواهد شد.

r برداشت ترجمهٔ یونانی: «و اگر سخنان مرا می‌شنیدند، آنگاه ایشان را از راه‌های بدشان باز می‌گرداندند...»

s ر.ک. ۲-پاد ۵:۲۶ و توض. معنای آزاد این عبارت: «آیا من خدای خانگی می‌باشم و نه خدای عالم هستی؟» یهوه خدایی نیست که بتوان او را در مکان و زمان محدود، محبوس کرد؛ او خدای همهٔ مکان‌ها و همهٔ زمان‌ها است. اگر مانند ترجمهٔ آرامی و قیمهی، تأکید را بر جنبهٔ دنیایی بگذاریم، می‌توانیم چنین ترجمه کنیم: «آیا من فقط خدای لحظهٔ حال می‌باشم و خدای همهٔ اوقات نمی‌باشم؟» ر.ک. تث ۳۲:۱۷.

t تحت‌اللفظی: «با بعل».

وحی یهوه ـ همچون چکشی که صخره را
خرد می سازد؟
۳۰به همین سبب، اینک من بر علیه
انبیایی هستم ـ وحی یهوه ـ که سخنان مرا از
یکدیگر می دزدند. ۳۱اینک من بر علیه
انبیایی هستم ـ وحی یهوه ـ که زبان خود را
برای ادای وحی ها به کار می گیرند.
۳۲اینکه بر علیه انبیایی هستم که خواب های
دروغین نبوت می کنند ـ وحی یهوه ـ و آنها
را بازگو می کنند، و قوم مرا با دروغ ها و
لاف زنی هایشان گمراه می سازند، حال
آنکه من نه ایشان را فرستادم و نه اوامرم را
بر عهدهٔ ایشان گذاردم، و ایشان به هیچ کار
۲۱:۲۳؛ ۱۴:۱۴ ۱۵ این قوم نمی آیند ـ وحی یهوه.
۷:۸؛ ۲۹:۳۲

«بار» واقعی یهوه[v]

۳۳و چون شخصی از این قوم، یا نبی ای،
یا کاهنی از تو سؤال کند و بگوید: «بار
یهوه چیست[w]» به ایشان بگو: «بار، شما
هستید، و من شما را رد خواهم کرد ـ وحی
یهوه». ۳۴و آن نبی، و آن کاهن، یا آن
شخص ازاین قوم که بگوید: «بار یهوه»،
من این شخص و خانه اش را مجازات
خواهم کرد.

۳۵این است آن گونه که باید با
یکدیگر، در میان خود، سخن گویید:
«یهوه چه پاسخ داده است؟» و «یهوه چه
گفته است؟» ۳۶اما از «بار یهوه» دیگر
ذکری به میان میاورید؛ زیرا بار برای هر
کس، سخن خودش خواهد بود، چرا که
معنی سخنان خدای زنده، یهوهٔ لشکرها،
خدای ما را منحرف می سازد. ۳۷با نبی
ست۱۵:۶ چنین سخن خواهی گفت: «یهوه به تو چه
۱۰:۱۰ پاسخ داده است؟» و «یهوه چه گفته
است؟»
۳۸اما اگر بگویید: «بار یهوه». بسیار
خوب! یهوه چنین سخن می گوید: از آنجا
که می گویید: «بار یهوه»، حال آنکه من
شما را فرستاده ام که بگویید: مگویید «بار
یهوه»، ۳۹بسیار خوب! اینک من شما را
بلند خواهم کرد[x] و از «روی» خود به دور
خواهم افکند، شما را و شهری را که به شما
داده ام، به شما و به پدران شما. ۴۰بر شما
ننگی ابدی وارد خواهم ساخت، شرمساری
ابدی، فراموش نشدنی!
۱۱:۲۰

u ر. ک. ۵:۱۴؛ توضیحات ۱۵:۱۴؛ ۲۰:۹.
v این بخش (آیات ۳۳ ۴۰) حول بازی ای با کلمات می چرخد. واژهٔ عبری که «بار» ترجمه شده، هم به معنی «وحی» است (که اعلام کنندهٔ ویرانی دشمنان و نجات اسرائیل می باشد، ر. ک. توضیحات اش ۱:۱۳) و هم به معنی «بار». خداوند کاربرد این اصطلاح را که مورد استفادهٔ فراوان مخالفان ارمیا است، منع می کند. هر که در این امر لجاجت کند، تبدیل به «بار» یهوه خواهد شد.
w ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و وولگات. قرائت متن عبری: «بار چیست».
x سایر نسخ خطی عبری چنین قرائت می کنند. «شما را فراموش خواهم کرد» یا «شما را قرض خواهم داد».

قوم آینده در تبعید آماده می‌شود[y]

عا ۸:۱ **۲۴** ۱یهوه دو سبد انجیر به من نشان
داد که در مقابل معبد یهوه گذاشته
شده بود. این بعد از آن بود که نبوکدنصر،
پادشاه بابل، یکنیاهو، پسر یهویاقیم،
۲۸:۲۲; پادشاه یهودا، و نیز بزرگان یهودا، و
۲پا ۱۵:۲۴ آهنگران، و قفل‌سازان را از اورشلیم تبعید
کرده و به بابل برده بود. ۲یک سبد
[حاوی] انجیرهای بسیار خوب بود، مانند
انجیرهای نوبر، و سبد دیگر، انجیرهای
۱۷:۲۹ بسیار بد که نمی‌شد خورد، آنقدر که بد
بودند. ۳یهوه مرا گفت: «ارمیا، چه
۱۱:۱ می‌بینی؟» گفتم: «انجیر؛ انجیرهای خوب،
بسیار خوب است و انجیرهای بد، بسیار
بد، و نمی‌توان آنها را خورد آنقدر که بد
است».

۴کلام یهوه به این مضمون به من فرا
رسید: ۵یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن
می‌گوید: به سان این انجیرهای خوب، به
۱۱:۲۹ همان سان به تبعیدی‌های یهودا خواهم
نگریست، برای خیریتشان[z]، هم آنان را که
از این مکان به سرزمین کلدانیان
فرستاده‌ام. ۶چشمانم را برای خیریتشان به

سوی ایشان خواهم افکند و ایشان را به این
سرزمین باز خواهم گرداند؛ آنان را بنا ۲۲:۲۷; ۳:۳۰
خواهم نمود و ویرانشان نخواهم ساخت؛
ایشان را خواهم کاشت و بر نخواهم کند[a].
۷به ایشان دلی خواهم بخشید تا بشناسند که ۳۹:۳۲:۲۳:۹
من یهوه هستم. ایشان قوم من خواهند بود،
و من خدای ایشان خواهم بود؛ زیرا با تمام ۲۲:۳۰;
دلشان به سوی من بازگشت خواهند کرد. خرو۶:۷; تث۱۸:۲۶
۸اما مانند انجیرهای بد که نمی‌توان خورد،
آنقدر که بد هستند آری، یهوه چنین سخن
می‌گوید من به همین شکل رفتار خواهم
کرد با صدقیا، پادشاه یهودا، با بزرگانش و
بقیه اورشلیم، با آنان که در این سرزمین
مانده‌اند و آنان که در سرزمین مصر
سکونت دارند[b]. ۹من از ایشان برای تمامی
ممالک زمین وحشتی[c] خواهم ساخت، ۱۸:۲۹
رسوایی و افسانه، استهزاء و لعنت در تمام
مکان‌هایی که ایشان را به آنجا برانم[d]. ۱۳:۴۹:۸:۴۴
۱۰نزد ایشان شمشیر را خواهم فرستاد،
قحطی و طاعون را، تا بالکل از روی زمینی ۱۷:۲۹
که به ایشان و نیز به پدرانشان داده‌ام، ۵:۲۵
نابود شوند.

y پس از ۵۹۷ ق.م. آنانی که در اورشلیم باقی مانده بودند، می‌پنداشتند که فقط تبعیدی‌ها خطاکار هستند و خودشان بی‌گناهند. رؤیای ارمیا مسائل را در جای درست خود قرار می‌دهد: خداوند بر آنانی که ظاهراً مطرودند، با نظر لطف می‌نگرد (ر.ک. اش ۵۳؛ مز ۱۱۸:۲۲)، همانطور که بارها نظر لطف خود را نسبت به فرزندان کوچک‌تر خانواده نشان داده بود (یعقوب، یوسف، داود...) و انتظار زنان نازا را برآورده ساخته بود (۱-سمو ۲:۵؛ مز ۱۱۳:۹). با این حال، تمامیت قوم کماکان متعلق به خداوند باقی می‌ماند (سبدها هر دو در مقابل معبد قرار دارند) و برای آنانی که باقی مانده‌اند نیز امیدی وجود خواهد داشت (ر.ک. ۳۲:۱۵؛ ۳۳:۱ ۱۸).

z تحت‌اللفظی: «برای خیریت»، برای خیریت خود او و برای خیریت ایشان. همین امر در آیه بعد نیز مصداق دارد.

a ر.ک. توضیحات ۱:۱۰.

b شاید منظور آن دسته از اهالی یهودا باشد که به هنگام نزدیک شدن نبوکدنصر، به مصر پناه برده بودند.

c ر ک ۱۵:۴:۲۹:۱۸:۳۴:۱۷:۲توا۲۹:۸.

d ر.ک. ۲۵:۱۸؛ توضیحات ۲۶:۶؛ ۲۹:۱۸، ۲۲.

خلاصهٔ موعظهٔ ارمیا پیش از تبعید[e]

۲۵ ۱کلامی که در سال چهارم یهویاقیم،
پسر یوشیا، پادشاه یهودا، دربارهٔ
تمام قوم یهودا به ارمیا فرا رسید ـ این در
سال اول نبوکدنصر، پادشاه بابل بود[f] ـ
۲آنچه ارمیای نبی دربارهٔ تمامی قوم یهودا و
به تمامی ساکنان اورشلیم، به این مضمون
گفت:
۳از سال سیزدهم یوشیا، پسر آمون،
پادشاه یهودا، تا به امروز[g]، اینک بیست و
سه سال است که کلام یهوه به من فرا
رسیده و من بدون خستگی با شما سخن
گفته‌ام، و شما گوش فرا نداده‌اید! ۴یهوه
تمام خدمتگزاران خود، انبیا را، بدون ۵:۲۶
خستگی، به سوی شما گسیل داشته، و شما
گوش نگرفتید و گوش خود را فرا نداشتید
تا بشنوید. ۵او به شما می‌گفت: هر یک از
شما از راه بد خویش و از شرارت اعمال ۱۵:۳۵
خود بازگشت کنید، و بر زمینی که یهوه به
شما و به پدران شما، از دیرباز و برای
۱۸،۶:۷ همیشه داده است ساکن خواهید بود. ۶و در
پی خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت
کنید و در برابرشان به سجده درآیید، و
مرا با عمل دست‌های خود به خشم
میاورید[h]؛ آنگاه به شما بدی نخواهم نمود.
۷اما شما به من گوش فرا ندادید ـ وحی
:۲۹:۳۲ یهوه ـ تا با عمل دست‌های خود، برای
تث۳۱:۲۹ تیره‌روزی خویش، مرا به خشم آورید.
۸به همین سبب، چنین سخن می‌گوید
یهوهٔ لشکرها: از آنجا که به سخنان من
گوش فرا ندادید، ۹اینک می‌فرستم تا
۱۵:۱ تمامی قبیله‌های شمال را وحی یهوه
۶:۲۷ برای نبوکدنصر، پادشاه بابل، خدمتگزارم،
بگیرم، و ایشان را بر علیه این سرزمین
خواهم آورد، بر علیه ساکنانش و بر علیه
تمام این ملت‌های اطراف؛ آنان را برای
لعنت نذر خواهم نمود[i] و به ویرانی و
استهزاء و به خرابه‌های ابدی تبدیل خواهم
نمود[j]. ۱۰از میان ایشان فریاد شعف و

e قسمت اول این بخش (آیات ۱ ۱۱)، شامل تمام عناصر مهم موعظهٔ ارمیا پیش از تبعید است، و یک عنصر جدید نیز در آن ظاهر می شود: طول مدت مجازات محدود به ۷۰ سال است (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱). قسمت دوم اعلام می دارد که پس از این مدت، ابزار اجرای غضب الهی خودش نیز مورد مجازات قرار خواهد گرفت (ر.ک. توضیحات ۳:۲). در ترجمهٔ یونانی، هویت این ابزار (آیات ۹ و ۱۲) مورد تصریح قرار نگرفته است. چنین به نظر می رسد که موضوع این قسمت دوم حدود ده سال بعد از تاریخ تعیین شده در آیه ۱، در موعظهٔ نبی ظاهر می شود.

f در اینجا منظور سال جلوس او می باشد (۶۰۵ ق.م.) که در تخمین تقویمی ۲۸:۵۲ ۲۹ همچون سال اول سلطنتش به حساب نیامده، اما در تخمین ۱۲:۵۲ به حساب آمده است. نبوکدنصر عملاً در ۶ سپتامبر ۶۰۵ ق.م. به قدرت رسید، یعنی پس از نبرد کرکمیش (ر.ک. توضیحات ۲:۴۶)؛ او در این نبرد، در مقام ولیعهد، سپاهیان پدرش، نبوپَلَصر، را فرماندهی می کرد. مرگ پدرش در ماه اوت آن سال، او را واداشت تا با شتاب به بابل باز گردد و تاجگذاری کند. اما بدون درنگ، پیشروی خود را به سوی فلسطین از سر گرفت (ر.ک. توضیحات ۴:۲۰).

g ر.ک. ۲:۱ و توضیحات، و ۲:۳۶.

h منظور احتمالاً اعمال بت‌پرستانه است. ر.ک. آیه ۷ و ۱۴؛ ۳۲: ۳۰؛ ۸:۴۴؛ در مورد «عمل دست‌های خود» ر.ک. ۱۶:۱.

i اشاره به آیینی است بسیار قدیمی که طی آن، مردم آنچه را که به کمک خدا به تصرف درآورده بودند (ر.ک. توضیحات ۲۱:۵۰؛ توضیحات ۱-سمو ۱۵:۱۵؛ توضیحات اش ۲:۳۴)، به خداوند، «مالک تمامی زمین» (میک ۱۳:۴) «وقف می کردند»، یا به او «تقدیم می نمودند» (۲۱:۵۰، ۲۶؛ ۳:۵۱).

j ر.ک. آیه ۱۸؛ توضیحات ۱۶:۱۸؛ ۱۳:۴۹. ترجمهٔ یونانی به جای آخرین تهدید این آیه، عبارت تهدیدآمیز مذکور در ۲۳: ۴۰ را قرائت کرده، چنین آورده: «ایشان را برای همیشه با حقارت خواهم پوشاند».

۱۱:۳۳:۹:۱۶ فریاد شادی را نابود خواهم ساخت، سرود
داماد و سرود عروس را، صدا آسیاب و
روشنایی چراغ را.
۱۱ تمام این سرزمین تبدیل به خرابه و
ویرانه خواهد شد[k]، و ایشان در میان
ملت‌ها به مدت هفتاد سال[l] در بندگی به
سر خواهند برد.

۱۲ اما آن هنگام که این هفتاد سال به
انجام رسد، پادشاه بابل و این ملت را - ۲۹:۱۰؛
وحی یهوه - خطایشان را تنبیه خواهم نمود، ۲تو ۳۶:۲۱
و نیز سرزمین کلدانیان را؛ آن را ویرانه‌ای
ابدی خواهم ساخت. ۱۳الف تمامی سخنانی ۸:۱۱
را که بر علیه این سرزمین گفته‌ام و تمام
آنچه را که در این کتاب نوشته شده، بر آن

وحی‌ها بر علیه ملت‌ها

وارد خواهم ساخت.
۱۳ب آنچه که ارمیا بر علیه تمامی ملت‌ها
نبوت کرد[m]. ۱۴ زیرا که ملت‌های
نیرومند و پادشاهان بزرگ، ایشان را نیز
بندگی خواهند کرد؛ و به آنان مطابق
رفتارشان و مطابق عمل دست‌هایشان ۱۷:۱۰؛
عوض خواهم داد[n]. مز ۲۸:۴؛ ۶۲:۱۳
۱۵ زیرا یهوه، خدای اسرائیل، با من

چنین سخن گفته است: «این جام بادهٔ
غضب[o] را از دست من بگیر و به تمامی
ملت‌هایی که تو را به سوی ایشان می‌فرستم
بنوشان؛ ۱۶ ایشان خواهند نوشید و تلوتلو
خواهند خورد و دیوانه خواهند شد، به ۲۷:۲۵؛
سبب شمشیری که به میان ایشان می‌فرستم. ۳۵:۵۰ ۳۷
۱۷ من جام را از دست یهوه گرفتم و به
تمامی ملت‌هایی[p] که یهوه مرا نزد آنها

k ر. ک. آیه ۱۸؛ ۶:۴۴، ۲۲.

l به گونه‌ای ناگهانی (و شاید چند سال بعد، ر. ک. توضیحات آیه ۱)، درخششی از امید در شبانگاه «ابدی» (آیه ۹) به چشم می‌خورد: به این ترتیب که مدت مجازات از طول عمر انسان فراتر نخواهد رفت (مز ۹۰:۱۰؛ ر. ک. توضیحات زک ۱:۱۲)، زیرا مالک تاریخ تفوق بابل را به همین مدت محدود ساخته است (ر. ک. توضیحات ۱:۱۰). در خصوص تفسیر این هفتاد سال توسط نویسندهٔ تواریخ (۲. تو ۳۶:۲۱)؛ ر. ک. توضیحات لاو ۲۶:۳۵ (ر. ک. ار ۴:۱۷ و توضیحات). دانیال نیز سرانجام به این رقم توجه نشان خواهد داد (ر. ک. دان ۹ و توضیحات).

m در ترجمهٔ یونانی، مجموعهٔ وحی‌های بر علیه ملت‌ها (یعنی فصل‌ها ۴۶ ۵۱) در دنبالهٔ این آیه قرار داده شده و آیات ۱۵ ۳۸ در انتهای این مجموعه قرار می‌گیرد. این ترتیب منطقی‌تر از ترتیب و توالی ابتدایی متن عبری به نظر می‌رسد. فصل‌های ۲۶ ۴۵ و ۵۲ متن عبری نیز طبعاً بخش آخر ترجمهٔ یونانی را تشکیل می‌دهد.

n ر. ک. توضیحات آیه ۶. این آیه که در ترجمهٔ یونانی نیست، مطلبی تازه‌ای در مورد مجازات کلدانیان بیان نمی‌دارد: در خصوص بخش اول آیه، ر. ک. ۷:۲۷ و برای بخش دوم، ر. ک. ۵۰:۲۹؛ ۵۱:۶، ۲۴، ۵۶.

o قرائت ترجمهٔ یونانی: «این جام باده، بادهٔ لذت بخش را ...»؛ قرائت متن عبری: «این جام باده، (یعنی) غضب (یا زهر) را...» ترجمهٔ ما مبتنی است بر وولگات و سریانی. البته کلمهٔ «غضب» را می‌توان همچون توضیح متن تلقی کرد. اما به هر حال، جام شراب نماد مجازاتی است که خدا برای آنانی نگاه داشته که از اطاعت او سرپیچی می‌کنند.

p برشماری ملت‌ها که در پی می‌آید، ظاهراً اثر خود ارمیا نیست. احتمالاً این امر کار ویرایشی کاتبی متأخر است که می‌خواسته نوعی فهرست مطالب برای مجموعهٔ وحی‌های مربوط به ملت‌ها، پیش از آغاز آنها، تهیه کند. سبک این برشماری از هیچ ادعای ادبی برخوردار نیست، اما نوعی هدف الهیاتی در آن مشاهده می‌شود، به این ترتیب که نویسنده می‌خواهد گسترهٔ جهانی

حز۲۳:۳۲ فرستاده بود، نوشانده‌م: [۱۸]اورشلیم و
شهرهای یهودا، پادشاهانش و بزرگانش، تا
از آن خرابه و ویرانه و استهزاء و لعنتی
بسازم[q]، به سان [آنچه که] امروز [شده
است][r]؛ [۱۹]فرعون، پادشاه مصر،
خدمتگزارانش، بزرگانش و تمام قومش؛
[۲۰]تمام [قوم] مختلط؛ تمام پادشاهان
سرزمین عوص؛ تمام پادشاهان سرزمین
فلسطینیان؛ (یعنی) اشقلون، غزه، عقرون،
۱۲:۴۹ و بقیهٔ اشدود؛ [۲۱]ادوم، موآب، بنی عمون؛
[۲۲]تمام پادشاهان صور، تمام پادشاهان
صیدون، پادشاهان جزیره هایی که در آن
سوی دریا هستند؛ [۲۳]ددان، تیما، بوز[s]،
تمام «شقیقه ـ تراشیده ها[t]»؛ [۲۴]تمام
پادشاهان عربستان که در صحرا ساکنند؛
[۲۵]تمام پادشاهان زمری[u]، تمام پادشاهان
عیلام تمام پادشاهان ماد؛ [۲۶]تمام پادشاهان
نا۳:۱۱ شمال، آنان که نزدیکند و آنان که دورند،
یکی پس از دیگری و تمام ممالک زمین که
بر سطح زمینند. و پادشاه شیشک[v] پس از
ایشان خواهد نوشید.
[۲۷]به ایشان بگو: چنین سخن می گوید
یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: بنوشید،
۶۴:۵۱ مست شوید، قی کنید و بیفتید که دیگر
برنخیزید، به سبب شمشیری که به میان

شما می فرستم. [۲۸]و اگر از گرفتن جام از
دست تو و نوشیدن آن سر باز زنند، به
ایشان بگو، یهوهٔ لشکرها چنین سخن
می گوید: باید که بنوشید؛ [۲۹]زیرا اینک در
شهری که به نام من نامیده شد[w]، شروع ۱۲:۴۹
می کنم به وارد ساختن مصیبت، و شما آیا
بدون مجازات خواهید ماند؟ بی مجازات ۳۸:۲۵
نخواهید ماند؛ زیرا من شمشیر را بر علیه ۶:۴۷ ۷
تمام ساکنان زمین فرا می خوانم ـ وحی یهوهٔ
لشکرها.
[۳۰]و تو تمامی این سخنان را برای ایشان
نبوت کن؛ به ایشان بگو:
یهوه از بالا می غرد، یول۴:۱۶؛
از جایگاه مقدسش صدا می دهد[x]، عا۱:۲
می غرد، می غرد بر علیه قلمرو خویش، ۲۵:۱۰
فریاد می کشد، فریاد آنانی را که انگور ۱۴:۵۱
را لگدمال می کنند،
بر علیه تمامی ساکنان زمین.
[۳۱]هیاهویی تا به انتهای زمین می رسد؛
زیرا یهوه با ملت ها محاکمه ای دارد، هو۴:۱؛
او با تمامی بشر وارد داوری می شود، مز۵۰:۶
بدکاران را به شمشیر می سپارد
ـ وحی یهوه.
[۳۲]چنین سخن میگوید یهوهٔ لشکرها:
اینک مصیبتی خواهد گذشت

عمل خداوند را آشکار سازد. از این رو، او سرزمین های واقع در چهار گوشهٔ جهان را برمی شمارد.
q ر. ک. ۴۴:۲۲ و توضیحات: توضیحات ۱۸:۱۶.
r این عبارت احتمالاً توضیحی است که بعد از رویدادها، به دست یکی از شاگردان ارمیا نوشته شده است؛ ر. ک. ۴۴:۶، ۲۲.
s در عربستان شمالی، در نزدیکی تیما.
t ر. ک. ۹:۲۵ و توضیحات.
u مکانی ناشناس. بعضی از دانشمندان آن را به صورت «گیمری» اصلاح می کنند، در این صورت، این اشاره ای خواهد بود به «سیمریان» که در متون خط میخی و نیز در پید ۱۰:۲ ۳ مذکور است («جومر»)، قومی متعلق به کوهستان های ارمنستان. بعضی دیگر نیز به صورت «زیمکی» اصلاح می کنند و می گویند که نامی است رمزی برای عیلام.
v طبق ترجمهٔ آرامی، نامی است رمزی برای بابل.
w یعنی «شهری که از آن من است»، ر. ک. توضیحات ۷:۱۰.
x احتمالاً منظور آسمان و معبد آسمانی است، و نه فقط اورشلیم.

از ملتی به ملتی،
۱۹:۲۳ و طوفانی عظیم پدید خواهد آمد
از انتهای اعماق زمین.
اش۶۶:۱۶ [۳۳]در آن روز، قربانیان یهوه وجود خواهد
داشت، از یک گوشهٔ زمین تا گوشه ای
دیگر؛ نه بر آنان خواهند گریست، نه
جمع آوری خواهند شد، و نه دفن خواهند
۴:۱۶ گردید: بر سطح زمین تبدیل به تپاله
خواهند شد.
[۳۴]زوزه بکشید، ای چوپانان، فریاد
۳:۶ برآورید،
[بر زمین] بغلطید، ای بزرگان گله؛
زیرا روزهایتان برای ذبح به کمال رسیده
است،
به سان قوچ های مرغوب خواهید افتاد.
[۳۵]دیگر برای چوپانان پناهگاهی نخواهد ۱۴:۲۶
بود،
دیگر برای بزرگان گله نجاتی نخواهد بود!
[۳۶]گوش فرا دهید به فریاد چوپانان،
به زوزهٔ بزرگان گله؛
زیرا یهوه چراگاه آنان را ویران می سازد،
[۳۷]مرتع های آرام از میان رفته اند مز۹۴:۱۷
به سبب شدت خشم یهوه.
[۳۸]شیربچه ای بیشهٔ خود را ترک گفته ۱۹:۴۹
است[y]؛
آری، سرزمین ایشان تبدیل به ویرانه شده، ۲۵:۱۶، ۲۹: ۱۶:۴۶
به سبب شمشیر ویرانگر، و به سبب خشم ۴۵:۵۱:۲۶:۴
او

وحی های مربوط به نجات اسرائیل - یهودا

مخالفت مقامات معبد با پیشگویی های ارمیا[z]

۲۶ [۱]در ابتدای سلطنت یهویاقیم، پسر
یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از
سوی یهوه به این مضمون [به ارمیا] فرا
رسید: [۲]یهوه چنین سخن می گوید: در
تث۲۸:۱۵ صحن خانهٔ یهوه بایست، و همهٔ سخنانی را
که به تو امر کرده ام که به آنان بگویی، بر
علیه تمام [مردمان] شهرهای[a] یهودا که مکا۲۲:۱۹
برای پرستش به خانهٔ یهوه می آیند، بگو؛ ۵:۲۵
کلمه ای از آن کم مکن. [۳]شاید گوش فرا
دهند و هر یک از راه های بد خویش ۱۳:۲۶؛ ۸:۱۸
بازگشت کنند؛ آنگاه از مصیبتی که در ذهن
دارم که به سبب شرارت اعمالشان بر ایشان
برسانم، پشیمان خواهم شد. [۴]به ایشان ۱۵:۲۶

y ترجمهٔ این جمله دشوار است. دو ترجمهٔ مختلف از این قرار است: «مردم می روند به سان شیری که بیشه اش را ترک میگوید»؛ یا «بیشهٔ خود را به سان شیری ترک می گوید» (بدون آنکه مشخص کنند چه کسی ترک می کند: خداوند؟ یا پادشاه ویرانگر؟) ترجمهٔ ما با حذف یک حرف صدادار صورت گرفته، و در آن، باز هویت «شیربچه» نامعین است.

z این فصل، چارچوب تاریخی را برای اتهاماتی که ارمیا بر مذهب دروغین وارد می آورد، به دست می دهد (ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳)، اتهاماتی که در آغاز سلطنت یهویاقیم (۶۰۹ ۶۰۸ ق.م.، ر.ک. توضیحات ۳:۱) اعلام شد. ارمیا که از اطمینان مطلق به رسالت الهی خود نیرو گرفته (آیه ۱۵)، با مقامات مذهبی به مقابله می پردازد (ر.ک. ۱:۱۸؛ ۱۵:۲۰). در اینجا است که مردم و مقامات مملکتی (آیه ۱۶) و مشایخ (آیات ۱۷ ۱۹) واقع بینی بیشتری از خود نشان می دهند تا کاهنان و انبیا (آیات ۸ ۹ و ۱۱) ر.ک. توضیحات ۱:۷.

a تحت اللفظی: «علیه تمام شهرها»؛ قرائت ترجمه یونانی: «تمامی اهالی یهودا».

بگو: یهوه چنین سخن می‌گوید: اگر به من
گوش نسپارید و مطابق شریعتی که در
برابرتان گذارده‌ام سلوک ننمایید، ۵و به ۲۵:۷
سخنان خدمتگزارانم، انبیا، گوش دهید،
که بدون خستگی برای شما می‌فرستم و
شما به ایشان گوش فرا نداده‌اید، ۶این ۲۲،۱۲،۸:۴۴
«خانه» را همانند شیلوه خواهم کرد[b] و از
این شهر نفرینی[c] برای تمامی ملت‌های
زمین خواهم ساخت.
۷کاهنان و انبیا و تمام قوم شنیدند که
ارمیا این سخنان را در خانهٔ یهوه گفت.
۸پس چون ارمیا از گفتن هر آنچه که یهوه
به او امر کرده بود که به تمام قوم بگوید،
فارغ شد، کاهنان و انبیا[d] او را گرفتند و
گفتند: «یقیناً خواهی مرد. ۹چرا به نام یهوه
نبوت کردی و گفتی: این «خانه» مانند
شیلوه خواهد شد، و این شهر به ویرانه
تبدیل شده، خالی از سکنه خواهد
گردید؟» تمام قوم نزد ارمیا در خانهٔ یهوه
گرد آمدند.
۱۰بزرگان یهودا با شنیدن این سخنان،
از خانهٔ پادشاه به خانهٔ یهوه برآمدند[e]، و در
مدخل دروازهٔ «نو» در خانهٔ خداوند
نشستند. ۱۱کاهنان و انبیا به بزرگان و به
تمامی قوم گفتند: «این مرد سزاوار مرگ
است؛ زیرا بر علیه این شهر نبوت کرده
است، چنان که با گوش های خود
شنیدید!» ۱۲اما ارمیا به بزرگان و به تمام
قوم گفت: «مرا یهوه فرستاده تا خطاب به
این «خانه» و خطاب به این شهر، تمام
سخنانی را که شنیدید نبوت کنم. ۱۳اینک
۵،۳:۷ رفتار و اعمال خود را اصلاح کنید، و به
صدای یهوه، خدای خویش، گوش فرا
۱۹:۲۶؛ ۱۰:۴۲ دهید، و یهوه از مصیبتی که بر علیه شما
گفته است، پشیمان خواهد شد. ۱۴و اما
یوشع۹:۲۵ من، اینک من در دست‌های شما هستم؛ آن
سان که در نظرتان نیک و منصفانه است،
با من عمل کنید. ۱۵با این حال، این را
خوب بدانید، اگر مرا به مرگ بسپارید،
خونی بی‌گناه را بر خود، و بر این شهر، و
۴:۱۹:۶:۷ بر ساکنانش خواهید نهاد. زیرا به راستی
که مرا یهوه نزد شما فرستاده، تا تمامی این
سخنان را به گوش های شما برساند».
۱۶بزرگان و تمامی قوم به کاهنان و انبیا
گفتند: «این مرد سزاوار مرگ نیست، زیرا
با ما به نام یهوه، خدای ما، سخن گفته
است» ۱۷آنگاه چند تن از میان مشایخ قوم
برخاسته و به تمامی مجمع قوم گفتند:
۱۸«میکاه اهل مورَشت در روزگار حزقیا،
پادشاه یهودا، نبوت می کرد و به تمامی قوم
یهودا گفت:
چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها:
صهیون مزرعه‌ای خواهد بود که شخم
می‌زنند،
۵:۲۲:۱۰:۹ اورشلیم توده‌ای از ویرانه‌ها خواهد بود،
و کوه «خانه» تبدیل به بلندی‌ای پر از

b ر.ک. توضیحات ۷:۱۲؛ توضیحات لو ۲۱:۶؛ توضیحات ۲۱:۲۲.
c فرمولی مشابه با اعد ۵:۲۱؛ مفهوم آن به روشنی از ۲۲:۲۹ مشخص می شود (ر.ک. توضیحات)؛ ر.ک. ۲۴:۹.
d در متن اصلی، بعد از «انبیا»، عبارت «و تمام قوم» وجود دارد. این عبارت احتمالاً در حکم یک توضیح است. مردم در واقع نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند، ر.ک. توضیحات آیه ۱.
e ر.ک. توضیحات ۱:۲۲.

درخت خواهد شد[f].
۱۹آیا حزقیا، پادشاه یهودا، و تمامی
یهودا او را به مرگ سپردند؟ آیا او از یهوه ۳:۲۶
نترسید و روی یهوه را آرام نساخت، آن
سان که یهوه از مصیبتی که بر علیه آنان
گفته بود، پشیمان شد؟ و ما، آیا باید به اع ۵: ۳۹
خودمان چنین بدی بزرگی بنماییم؟»

رقیب ارمیا همچون او مورد محافظت قرار نگرفت

۲۰شخص دیگری نیز بود که به نام یهوه
نبوت می کرد، (یعنی) اوریاهو، پسر
شَمَعیاهو، از قریت یعاریم[g]. او به همان
مضمون ارمیا بر علیه این شهر و بر علیه این
سرزمین نبوت کرد. ۲۱یهویاقیم پادشاه و
همهٔ شجاعانش و همه بزرگانش سخنان او
را شنیدند، و پادشاه قصد آن کرد تا او را
بکشد. اوریاهو چون از این آگاهی یافت،
بترسید؛ او گریخت و به مصر رسید. ۲۲اما
یهویاقیم پادشاه، الناتان، پسر عکبور[h]، و
چند تن را با او به مصر فرستاد. ۲۳ایشان
اوریاهو را از مصر خارج ساختند و نزد
یهویاقیم پادشاه آوردند؛ او وی را به
شمشیر زد و جسدش را به گودال عمومی ۱۷:۲۲
افکند.
۲۴با این حال، اخیقام، پسر شافان[i]،
دست (کمک) به ارمیا داد و مانع شد که
او به دستان قوم سپرده شود و به قتل
برسد[j].

فرمانبرداری یا مصیبت

۲۷ ۱در ابتدای سلطنت صدقیا[k]، پسر
یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از
سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید:
۲یهوه این چنین با من سخن گفته است:
برای خود بندها و تیرک‌های یوغ بساز و
آنها را بر گردن خود قرار بده[l]. ۳سپس
[پیامی] برای پادشاه ادوم و پادشاه موآب و
پادشاه بنی عمّون و پادشاه صور و پادشاه
صیدون، به واسطهٔ پیام‌آوران ایشان[m] که به

f ر. ک. میک ۳:۱۲ و توضیحات. حتی یک قرن پس از روزگار میکاه، هنوز سخنان او در یادها بود.
g یا «قریت بعل»، ر. ک. یوشع ۱۵: ۶۰؛ ۱۸:۱۴.
h چهار سال بعد، الناتان خواهد کوشید تا نسخهٔ خطی باروخ را از خطر نابودی رهایی دهد (۳۶:۱۲ ۲۵) در مورد عکبور، ر. ک. ۲ـ پاد ۲۲:۱۲، ۱۴.
i به نظر می‌رسد که ارمیا روابط بسیار نزدیکی با خانوادهٔ شافان داشته است: شافان «کاتب» (یعنی منشی) یوشیا بود که «کتاب شریعت» را در سال ۶۲۲ ق.م. در معبد کشف شده بود، بلافاصله برای پادشاه قرائت کرد و یوشیا نیز او را همراه با پسر او، اخیقام، فرستاد تا از خُلده نبیه مشورت بطلبد (۲ـ پاد ۲۲:۸ ۱۴). ارمیا پس از آنکه به دست کلدانیان در ماه ژوئیه ۵۸۷ ق.م. از حبس آزاد شد، به جَدَلیا، پسر اخیقام پیوست (۴۰:۶؛ ر. ک. ۳۹:۱۴). پسر دیگر شافان، یعنی العاسه، بود که در حدود سال ۵۹۴ ق.م. نامه ارمیا را برای تبعیدی‌های ۵۹۷ ق.م. برد (۲۹:۳)؛ یکی از نوه‌های شافان نیز، به نام میکایاهو، در سال ۶۰۵ ق.م. آنچه را که از قرائت وحی‌های ارمیا توسط باروخ به یاد سپرده بود، به وزرایی که تشکیل جلسه داده بودند گزارش داد (۳۶:۱۱ ۱۳).
j به نظر می‌رسد که مردم، در این ماجرا، نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند (آیه ۱۶ و توضیحات آیه ۱).
k نام صدقیا بر اساس چند نسخه خطی عبری و سریانی و ترجمه عربی آورده شده، ر. ک. آیات ۳ و ۱۲؛ ۲۸:۱. در بقیهٔ سنت نسخ خطی، «یهویاقیم» آمده است. در مورد مسئله تاریخ، ر. ک. توضیحات ۲۸:۱.
l عملی است نمادین، ر. ک. توضیحات ۱۳:۱، توضیحات اش ۲۰:۳.
m «ایشان» طبق قرائت یونانی است. قرائت عبری فقط «پیام‌آوران» دارد. حضور این «پیام‌آوران» (در واقع سفیران) یا به علت جلوس پادشاهی جدید بر تخت در اورشلیم بوده، یا صرفاً به علت طرح‌هایی در زمینهٔ ایجاد اتحادی علیه بابل.

اورشلیم، نزد صدقیا، پادشاه یهودا آمده‌اند
بفرست. [4]به ایشان امر کن که این را به
سرورانشان بگویند: «چنین سخن می‌گوید
یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: به سرورانتان
۱۲:۱۰ چنین بگویید: [5]زمین و انسان و حیواناتی را
که بر سطح زمین‌اند، من با قوت عظیم خود
۱۷:۳۲ و بازوی دراز شده‌ام آفریده‌ام، و آن را به
دا۱۴:۴ هر کس که به نظرم پسند آید، می‌دهم. [6]و
اینک من تمام این سرزمین‌ها را به
۱۰:۴۳ دست‌های نبوکدنصر، پادشاه بابل،
۱۴:۲۸ خدمتگزارم، تحویل داده‌ام؛ حتی حیوانات
صحرا را نیز به او داده‌ام تا او را خدمت
حب۲:۵ کنند. [7]تمامی ملت‌ها او را، و پسرش را، و
پسر پسرش[n] را خدمت خواهند کرد، تا
۲۶:۲۵ آنکه زمان سرزمین او نیز فرا برسد و
ملت‌های بی‌شمار و پادشاهان بزرگ او را
به بردگی درآورند. [8]لذا آن ملت یا مملکتی
با۲۲:۲۱ که او را خدمت نکند، (یعنی) نبوکدنصر،
پادشاه بابل را، و به یوغ پادشاه بابل گردن
نگذارد، من آن ملت را با شمشیر و قحط و
وبا مجازات خواهم کرد - وحی یهوه - تا آن
زمان که آن را به طور کامل به دست او
۱۰:۲۴ نابود سازم. [9]پس شما به انبیا و غیبگویان
و بینندگان خواب[o] و طالع بینان و
جادوگرانتان گوش فرا ندهید که به شما
می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت نخواهید
کرد. [10]زیرا برای شما دروغ را نبوت
می‌کنند[p] تا شما را از زمینتان دور سازند،
تا من شما را برانم و هلاک شوید. [11]اما
ملتی که به یوغ پادشاه بابل گردن نهند و او
را خدمت کنند، من ایشان را در زمینشان ۱۲:۴۲
مستقر خواهم ساخت - وحی یهوه - آن را
کشت خواهند کرد و در آن ساکن خواهند
شد.»
[12]و به صدقیا، پادشاه یهودا، به همان
مضمون سخن گفتم: «به یوغ پادشاه بابل
گردن نهید و او را خدمت کنید، هم او را و
هم قومش را، و زنده خواهید ماند. [13]به
چه سبب تو و قومت، با شمشیر و قحط و ۸:۲۷
وبا بمیرید، مطابق آنچه یهوه خطاب به
ملتی که پادشاه بابل را خدمت نکند، گفته
است؟ [14]گوش مگیرید و سخنان انبیایی
که به شما می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت
نخواهید کرد. زیرا ایشان دروغ را برای
شما نبوت می‌کنند[q]. [15]چرا که من ایشان ۳۲،۲۱:۲۳
را نفرستاده‌ام - وحی یهوه - و ایشان به دروغ
به نام من نبوت می‌کنند تا من شما را برانم
و هلاک شوید، شما و انبیایی که برای شما
نبوت می‌کنند».
[16]و با کاهنان و تمامی قوم به این
مضمون سخن گفتم: «یهوه چنین سخن
می‌گوید: گوش مگیرید به سخنان انبیایتان
که برای شما نبوت کرده، می‌گویند: اینک
اشیا خانهٔ یهوه از بابل باز گردانده خواهد
شد، و زود! زیرا که دروغ را برای شما
نبوت می‌کنند. [17]به ایشان گوش مگیرید؛
پادشاه بابل را خدمت کنید و زنده خواهید ۱۸:۲۶
ماند. چرا باید این شهر ویرانه شود؟ [18]اما

n یعنی معادل حدود ۷۰ سال (ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۱؛ ۲۹:۱۰). چشم‌انداز نجات در آیه ۲۲ تصریح شده است.
o متن ما مطابق ترجمه‌ها است. قرائت عبری: «خواب‌های شما».
p ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳. توضیحات حزق ۱:۱۳.
q ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.

ایشان اگر نبی هستند و اگر کلام یهوه با
ایشان است، بادا که نزد یهوهٔ لشکرها
وساطت کنند[r] آن سان که اشیایی که در
خانهٔ یهوه و در خانهٔ پادشاه یهودا[s] و در
اورشلیم باقی مانده، به بابل نرسند.
۱۹ زیرا چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها
دربارهٔ ستون ها و دریا و پایه ها[t] و سایر
اشیایی که در این شهر باقی مانده است.
۲۰ و آنچه که نبوکدنصر، پادشاه بابل،
نگرفته است آن گاه که یکنیا، پسر
یهویاقیم، پادشاه یهودا، و تمام شریفان یهود
و اورشلیم ر از اورشلیم به بابل تبعید کرد؛
۲۱ آری، این چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل، دربارهٔ اشیایی که در خانهٔ یهوه
و در خانهٔ پادشاه یهودا و در اورشلیم باقی مانده
است: ۲۲ به بابل برده خواهند شد[u]، و در آنجا
خواهند ماند تا روزی که به آنها رسیدگی کنم ـ
وحی یهوه. آنگاه آنها را برخواهم آورد و به این ۳:۳۰؛
مکان باز خواهم گرداند». عز ۱:۷ ۱۱

«آنچه که باید بگویید، در همان ساعت به شما داده خواهد شد»[v]

۲۸ ۱ باری، در همان سال، در آغاز
سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا، در
سال چهارم[w]، ماه پنجم، حنانیا، پسر عَزّور،
نبی‌ای که از جَبَعون بود، با من در خانهٔ
یهوه، در حضور کاهنان و تمامی قوم، چنین
سخن گفت: ۲ «چنین سخن می گوید یهوهٔ
لشکرها، خدای اسرائیل: من یوغ پادشاه
بابل را خرد کرده ام! ۳ پس از دو سال، تمام
اشیاء خانهٔ یهوه را که نبوکدنصر، پادشاه
بابل، از این مکان گرفته و به بابل برده
است، به این مکان باز خواهم آورد.
۴ یکنیا[x] پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا را نیز
و تمام تبعیدی های یهودا را که به بابل
رفته اند، ایشان را به این مکان باز خواهم
آورد ـ وحی یهوه ـ زیرا یوغ پادشاه بابل را
خرد خواهم ساخت!»

r نبی واقعی، شفاعت کننده نیز هست؛ ر. ک. توضیحات ۱:۱۵.
s ر. ک. توضیحات ۲۶:۱۰. این عبارت در آیه ۲۱ نیز تکرار شده است.
t ر. ک. ۱ـ پاد ۷:۲۱، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.
u ر. ک. ۲ـ پاد ۲۵:۱۳ ۱۵.
v متی ۱۰:۱۹. ارمیا هیچگاه از وقت پیشی نمی گیرد: او که تماماً تسلیم خداوند است، منتظر می ماند تا پاسخی در منزلت نبی بدهد، یعنی پاسخی به نام خداوند (ر. ک. توضیحات ۱۵:۱۷)، و صبر می کند تا کلام خداوند بار دیگر بر او نازل شود (آیه ۱۲، ر. ک. ۴۲:۷). او نخست فقط به آنچه که رفیقش تحت عنوان کلام الهام شده اعلام می دارد گوش فرا می دهد. آیا ممکن است خداوند از مصائبی که او را مأمور اعلامش داشته بود، چشم پوشی کند (فصل ۲۷)؟ ارمیا آرزو می کند که چنین شود (آیه ۶، ر. ک. توضیحات ۱۷:۱۲)، گرچه با نهایت ادب، اعتراضی مطابق با عقل سلیم مطرح می سازد (آیات ۷ ۹): از آنجا که انبیا تا کنون مصیبت را اعلام داشته اند ـ گاه نیز نجات را، اما فقط پس از عبور از بوتهٔ آزمایش (ر. ک. توضیحات ۲۳:۱۹؛ توضیحات ۲۴:۱) ـ، مردم ناخودآگاه در مقابل کسی که نجاتی فوری را اعلام می دارد، جنبهٔ احتیاط را رعایت می کنند (آیه ۹). اما ارمیا که وسیله ای مطیع در دستان خداوند است، به محض اینکه کلام را دریافت می دارد (آیات ۱۲ ۱۴، ر. ک. متی ۱۰:۱۹)، شروع به حمله می کند، اما نه بر اثر انگیزش های شخصی، بلکه بر اثر انگیزش کسی دیگر (آیات ۱۵ ۱۶، ر. ک. توضیحات ۱۱:۱۸؛ توضیحات ۲۰:۷؛ متی ۱۰:۲۰).
w در این آیه، دو تاریخ متناقض ذکر شده است: یکی «در آغاز سلطنت» یعنی سال ۵۹۷ ق.م. است، و دومی «سال چهارم» یعنی ۵۹۴ ق.م. است؛ ترجمهٔ یونانی فقط شامل تاریخ دوم است که به نظر ارجح می آید. با توجه به اینکه فصل ۲۸ دنبالهٔ فصل ۲۷ است، شاید لازم باشد تاریخ مذکور در ۲۷:۱ را اصلاح کرد.
x این نبوت حنانیا، نبوت ارمیا در ۲۷:۲۲ را نقض می کند.

۵ ارمیای نبی به حنانیای نبی، در حضور
کاهنان و در حضور تمام قوم که در خانهٔ
۱ پا۱۱:۳۶ یهوه حاضر بودند، گفت؛ ۶ ارمیای نبی
گفت: «آمین! بادا که یهوه چنین کند! بادا
که یهوه سخنانی را که نبوت کردی جامهٔ
عمل بپوشاند و اشیاء خانهٔ یهوه و تمام
تبعیدی ها را از بابل به این مکان باز
آورد. ۷ با این حال، این سخن را که به
گوش های تو و به گوش های تمام قوم
می گویم، بشنو: ۸ انبیایی که پیش از ما
۱۸:۲۶ بوده اند، پیش از من و تو، از دیرباز
خطاب به سرزمین های بی شمار و بر علیه
ممالک عظیم، دربارهٔ جنگ و قحطی[y] و
تث۲۲:۱۸ طاعون نبوت کرده اند. ۹ آن نبی که دربارهٔ
آرامش نبوت می کند، زمانی همچون
نبی ای که به راستی از سوی یهوه فرستاده
شده مورد تصدیق قرار می گیرد که سخن
آن نبی روی دهد.»
۱۰ حنانیای نبی تیرک ر از روی گردن
ارمیای نبی برگرفت و آن را خرد کرد[z].
۱۱[a] حنانیا در حضور تمام قوم گفت: «یهوه
چنین سخن می گوید: این چنین است که
پس از دو سال، یوغ نبوکدنصر، پادشاه
بابل را از روی گردن تمام ملت ها خرد
خواهم ساخت» ارمیای نبی به راه خود
رفت.
۱۲ پس از آنکه حنانیای نبی تیرک را از
روی گردن ارمیای نبی خرد کرد، کلام یهوه
به این مضمون به ارمیا فرا رسید: ۱۳ «برو
و به حنانیا بگو: یهوه چنین سخن می گوید: ۲:۳۴
تو تیرک های چوبی را شکستی؛ بسیار
خوب! من به جای آنها تیرکهای آهنین
خواهم ساخت[b]. ۱۴ زیرا چنین سخن
می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: من تث۴۸:۲۸
بر گردن تمام این ملت ها یوغی آهنین
گذارده ام تا نبوکدنصر، پادشاه بابل را
خدمت کنند، و او را خدمت خواهند کرد؛
و حتی حیوانات صحرا را به او داده ام». :۶:۲۷ یهودیه۷:۱۱
۱۵ ارمیای نبی به حنانیای نبی
گفت: «حنانیا، خوب گوش کن: یهوه تو را ۱۵:۲۷
نفرستاده است، و تو این قوم را به واسطهٔ
دروغ مطمئن ساخته ای[c]. ۱۶ به همین سبب،
یهوه چنین سخن می گوید: اینک من تو را
به دور از سطح زمین می فرستم: امسال
خواهی مرد، چرا که در مورد یهوه پیمان
شکنی را موعظه کرده ای[d].»
۱۷ حنانیای نبی در همان سال، در ماه
هفتم، مرد[e].

y قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «جنگ و مصیبت و طاعون». دو اصطلاح آخر در ترجمهٔ یونانی نیست. و وولگات چنین قرائت می کند: «مصیبت و قحطی».
z حنانیا نیز عملی نمادین انجام می دهد و اگر به امر خداوند گفته شده بود، می بایست آینده را تعیین کند (ر.ک. توضیحات ۲:۲۷).
a یادداشتی در متن ماسورتی چنین آورده: «وسط کتاب بر اساس شمارش آیات».
b قرائت عبری: «تو به جای آن، تیرک های آهنین خواهی ساخت». ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمهٔ یونانی.
c ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.
d این موضوعی است که در تثنیه ۶:۱۳ به همین شکل مورد اشاره قرار گرفته و در ترجمهٔ یونانی وجود ندارد؛ ر.ک. ۳۲:۲۹.
e یعنی دو ماه بعد از نبوت ارمیا؛ ر.ک. آیه ۱.

نامه به نخستین تبعیدی‌ها[f]

نامه ار **۲۹** [۱]و این است مضمون نامه ای که
ارمیای نبی از اورشلیم برای آنچه
که از مشایخ تبعید باقی مانده بود، و برای
کاهنان و انبیا و تمام قومی که نبوکدنصر از
اورشلیم به بابل تبعید کرده بود، فرستاد.
۲پا۲۴:۱۵ [۲]پس از آنکه یکنیای پادشاه، و بانوی
بزرگ، و خواجه سرایان، و بزرگان یهودا و
اورشلیم، و آهنگران، و قفل سازان از
اورشلیم خارج شدند. [۳][آن] به دست
العاسه، پسر شافان[g]، و جَمَریا، پسر حلقیا[h]
[برده شد] که صدقیا، پادشاه یهودا، ایشان
را به بابل، نزد نبوکدنصر، پادشاه بابل
گسیل داشته بود. [نامه] می گفت:

در این فاصله، مستقر شوید!

[۴]چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل، با تمام تبعیدی هایی که از
اورشلیم به بابل تبعید کرده ام: [۵]خانه ها
بسازید و در آنها ساکن شوید؛ باغ ها
بکارید و از میوه هایش بخورید؛ [۶]زن
بگیرید و پسران و دختران تولید کنید؛
برای پسرانتان زن بگیرید و دخترانتان را
شوهر دهید؛ باشد که پسران و دختران
تولید کنند؛ در آنجا کثیر شوید و کاهش
میابید[i]! [۷]و طالب کامیابی سرزمینی[j] باشید ۱۹:۳۰؛
که شما را به آن تبعید کرده ام و نزد یهوه پید۱:۲۸؛ ۷،۱:۹
برای آن دعای خیر کنید، چرا که کامیابی مز۶:۱۰؛
شما وابسته به کامیابی آن است[k]. با۱۱:۱
[۸]زیرا یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل،
چنین سخن می گوید: مگذارید انبیایتان که مت۷:۱۵
در میان شما هستند فریبتان دهند، و نه
غیبگویانتان؛ و به خواب هایی که می بینند
گوش فرا مدهید. [۹]زیرا ایشان به نام من به
دروغ نبوت می کنند؛ من ایشان را
نفرستاده ام[l] وحی یهوه. ۱۵:۲۷:۳۱:۲۹
[۱۰]زیرا یهوه چنین سخن می گوید: به
محض اینکه هفتاد سال برای بابل تکمیل
شود[m] شما را ملاقات خواهم کرد[n] و با باز ۱۴:۳۳
گرداندن شما به این مکان، سخن نیکوی

f این نامه احتمالاً اندکی بعد از تبعید سال ۵۹۷ ق.م. ارسال شد. تبعیدی ها میان ناامیدی و امید به بازگشتی آتی سرگردان بودند. این امید را انبیایی بر می انگیختند و تداوم می بخشیدند که در میان ایشان می زیستند. ارمیا به ایشان می گوید که تبعید طولانی خواهد بود و اینکه باید شرایط جدید زندگی را بپذیرند و در مورد آینده، برداشتی سیاسی و ملی گرایانهٔ افراطی نداشته باشند. او ضمن اینکه چشم انداز بازگشتی آتی را حفظ می کند (آیات ۱۰ ۱۴، ۳۲)، ایشان را فرا می خواند تا فکر نکنند که هموطنانشان که در سرزمین باقی مانده اند، افرادی ممتازند (آیات ۱۶ ۲۰)، بلکه بدون افکاری پنهانی در وطن جدیدشان مستقر شوند (آیات ۴ ۷) و از این امر خوب آگاه باشند که کلام خداوند برای ایشان است (آیه ۲۰). این نامه به منزلهٔ آغاز مرحلهٔ مهمی است که همانا منشور یهودیان پراکنده است. این فصل بیانگر این است که میان اورشلیم و تبعیدی ها ارتباط بسیار وجود داشت.

g ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

h حلقیا احتمالاً آن کاهنی است که در سال ۶۲۲ ق.م. «کتاب شریعت» را در معبد یافت (ر.ک. ۲ـپاد ۲۲).

i تمام اینها بر این نکته تأکید می گذارد که استقرار قوم در سرزمین تبعید چقدر باید مهم و پایدار بوده باشد؛ ارمیا دست کم دو نسل را پیش بینی می کند؛ ر.ک. ۲۷:۷.

j قرائت عبری: «شهر». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

k ارمیا تا آنجا پیش می رود که طالب شفاعت برای حکومتی مشرک می شود؛ ر.ک. ۱ـ تیمو ۲:۱ ۲.

l ر.ک. ۲۸:۱۵؛ توضیحات ۱۳:۲۵؛ توضیحات حزق ۱۳:۱.

m ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۱.

n مانند ۲۷:۲۲.

خود برای شما تحقق خواهم بخشید. [۱۱]زیرا ۵:۲۴
من طرح‌هایی را که برای شما می‌ریزم
می‌دانم - وحی یهوه - طرح‌های کامیابی و نه
تیره‌روزی، تا به شما آینده و امیدی بدهم.
[۱۲]آن زمان، هرگاه مرا بخوانید و بیایید[o] ۱۷:۳۱
و به من دعا کنید، به شما گوش خواهم داد؛ ۳:۳۳
[۱۳]هرگاه مرا جستجو کنید، مرا خواهید
یافت، زیرا مرا با تمامی دل خود جستجو تث۴:۲۹؛
خواهید کرد؛ [۱۴]خواهم گذارد تا مرا بیابید - اش۵۵:۶؛ ۲ توا۱۵:۴؛ حگ۶:۱۳
وحی یهوه - بخت شما را تغییر خواهم داد و
شما را از تمامی ملت‌ها و همهٔ مکان‌هایی
که شما را به آنجا رانده‌ام گرد خواهم آورد
- وحی یهوه[p]. شما را به مکانی که شما را ۳:۳۰
از آن تبعید کرده‌ام باز خواهم آورد. [۱۵]از
آنجا که می‌گویید: «یهوه برای ما در بابل
انبیایی برانگیخته است[q].»

اهالی یهودا که در سرزمین مانده‌اند، به نوبهٔ خود مجازات خواهند شد[r]

[۱۶]زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه خطاب
به پادشاهی که بر تخت سلطنت داود
نشسته، و خطاب به تمام قومی که در این
شهر ساکن‌اند، (یعنی) برادرانتان که با
شما به تبعید نرفته‌اند؛ [۱۷]یهوهٔ لشکرها
چنین سخن می‌گوید: اینک من شمشیر و ۱۰:۲۴
قحطی و طاعون را نزد ایشان خواهم
فرستاد[s]؛ [۱۸]ایشان را با شمشیر و با قحطی
و با طاعون دنبال خواهم کرد، و ایشان را
مایهٔ وحشت برای تمامی ممالک زمین ۱۷:۳۴
خواهم ساخت، و نفرین[t] و ویرانی و
استهزاء[u] و رسوایی[v] در همهٔ ملت‌هایی که
ایشان را به آنجا برانم، [۱۹]از آنجا که به
سخنان من گوش نگرفتند - وحی یهوه - حال
آنکه خدمتگزارانم، انبیا را بدون خستگی
نزد ایشان فرستادم؛ و شما گوش ۵:۲۶
نگرفتید[w]! - وحی یهوه.

o تحت‌اللفظی: «راه خواهید رفت». با توجه به شور و شوق مذهبی این مضمون، می‌توان حدس زد که منظور، اشاره به مراسم زیارتی است. نظر مفسران یهودی نیز می‌تواند درست باشد که این عبارت را این گونه برداشت می‌کنند: «طریق مرا دنبال خواهید کرد».

p «بخت شما را تغییر خواهم داد». این ساختاری است سامی که از واژگان سیاسی عاریت گرفته شده و معنی آن، استقرار مجدد سلسله سلطنتی یا بازسازی شهر است. این فرمول نزد ارمیا مکرراً به کار رفته (۳:۳۰، ۱۸؛ ۲۳:۳۱؛ ۴۴:۳۲؛ ۷:۳۳، ۱۱، ۲۶؛ ۴۷:۴۸؛ ۶:۴۹، ۳۹؛ ر.ک. یول ۱:۴). در جاهای دیگر، منظور همان «تغییر بخت و سرنوشت» است (تث ۳:۳۰؛ حزق ۵۳:۱۶؛ ۱۴:۲۹؛ ۲۵:۳۹؛ هو ۱۱:۶؛ عا ۱۴:۹)؛ و نیز در معنای «نظم بخشیدن به امور» (ایوب ۱۰:۴۲)، یا «باز گرداندن اسیران» (مز ۷:۱۴؛ ۷:۵۳؛ ۲:۸۵؛ ر.ک. توضیحات یول ۱:۴)، یا «باز گرداندن محبوسان» (مرا ۱۴:۲) به کار رفته است. اگر روی معنای کلمات آن بازی کنیم، می‌توانیم گاه این گونه نیز ترجمه کنیم: «بازگشتن با اسیران» مز ۴:۱۲۶ (ر.ک. آیه ۱) و توضیحات نا ۳:۲.

q این آیه مقدمه‌ای است بر وحی‌ای که در آیات ۲۱ ۲۳ آمده. آیات ۱۶ ۱۹ تداوم موضوع را قطع می‌کند و در ترجمه یونانی نیز نیامده، با این حال در استدلال نامه نقش خاص خود را ایفا می‌کند (ر.ک. توضیحات آیه ۱).

r این وحی به همان موضوعی می‌پردازد که در رؤیای دو سبد ذکر شده (فصل ۲۴)؛ احتمالاً مربوط به همان دوره نیز می‌شود.

s تکرار تصویر مذکور در ۸:۲۴.

t ر.ک. توضیحات ۶:۲۶؛ ۱۸:۴۲؛ ۱۲:۴۴.

u ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

v تحت‌اللفظی: «و ناسزا»؛ ر.ک. ۹:۲۴.

w ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت عبری. ترجمه سریانی و نسخ خطی یونانی چنین قرائت می‌کنند: «اما ایشان گوش نمی‌گیرند».

از انبیای دروغین برحذر باشید[x]!

۱۰:۳۱ ۲۰ و امـا شـمـا، به کلام یـهـوه گـوش
بسپارید، ای تمامی تبعیدی‌هایی که از
اورشلیم به بابل فرستاده‌ام. ۲۱ چنین سخن
می‌گوید یهوهٔ لشکرها دربارهٔ اخاب، پسر
قولیا، و صدقیاهو، پسر مَعَسیا که به نام من
برای شما دروغ را نبوت می‌کنند: اینک
ایشان را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل
تسلیم می‌کنم و او ایشان را در برابر چشمان
شما خواهد زد. ۲۲ و از ایشان لعنتی برای
تمام تبعیدی‌های یهودا که در بابل هستند
خواهند ساخت؛ خواهند گفت: «بادا که
یهوه تو را مانند صدقیاهو و مانند اخاب
بسازد که پادشاه بابل ایشان را در آتش
کباب کرد[y]!» ۲۳ زیرا که ایشان حماقتی در
اسرائیل[z] مرتکب شده‌اند چرا که با زنان
یاران خود مرتکب زنا شده‌اند[a] و به نام
من سخنانی بیان کرده‌اند بی‌آنکه من آن را
۱۵:۱۵ به ایشان امر کرده باشم. من این را می‌دانم
و شاهد آن می‌باشم! وحی یهوه.

اعـتـراض کـنـنـده به این نـامه، مـورد لعنت قرار می‌گیرد

۲۴ و به شَـمَـعـیـاهـوی نَـحَلامی بـگـو:
۲۵ «چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها،
خـدای اسـرائـیل: از آنجـا که تـو به نـام
خویش، نامه‌هایی به تمام قومی که در
اورشلیم هستند، و به صَفَنیای کاهن، پسر
مَعَسیا[b]، و به تمام کاهنان فرستاده‌ای تا
بگویی: ۲۶ یهوه تو را به جای یهویاداع
کاهن، به مقام کاهنی قرار داده تا در خانهٔ
یهوه بر هر دیوانه‌ای که نبوت کند نظارت
کنی، و او را در کُنده و زنجیر[c] بگذاری؛
۲۷ پس چرا ارمیای عناتوتی را توبیخ
نکرده‌ای که برای شما نبوت می‌کند؟
۲۸ زیرا اینک او به ما در بابل کتباً خبر داده ۳۲:۷
که: طولانی خواهد بود! خانه‌های بسازید و
در آنها ساکن شوید؛ باغ‌ها بکارید و از
میوه‌هایش بخورید...»
۲۹ صفنیای کاهن این نامه را به سمع
ارمیای نبی خواند. ۳۰ کلام یهوه به این
مضمون بر ارمیا فرا رسید: ۳۱ این پیام را
برای تمامی تبعیدی‌ها بفرست: «یهوه
دربارهٔ شمعیاهوی نحلامی، چنین سخن
می‌گوید: از آنجا که شمعیاهو برای شما
نبوت کرده، حال آنکه من او را نفرستاده
بودم، و به واسطهٔ دروغ به شما اطمینان ۲۹:۹
داده است[d]، ۳۲ بسیار خوب، یهوه چنین
سخن می‌گوید: اینک شمعیاهوی نحلامی و
نسلش را تنبیه خواهم نمود: هیچ یک از

x متی ۷:۱۵. مذمت‌هایی که به انبیایی دروغین خطاب شده، همان مذمت‌های ۲۳:۹–۴۰ می‌باشد (ر.ک. توضیحات ۲۳:۱۹).

y این آیه معنای فرمول «نفرین و لعنت و رسوایی» (ر.ک. آیه ۱۸ و توضیحات) را به خوبی روشن می‌سازد. نیز ر.ک اش ۶۵:۱۵؛ برای برکت، ر.ک. پید ۴۸:۲۰.

z این اصطلاح در پید ۳۴:۷؛ تث ۲۲:۲۱؛ یوشع ۷:۱۵؛ داور ۲۰:۶؛ ۲ـ سمو ۱۳:۱۲ یافت می‌شود.

a در خصوص فساد اخلاقی انبیا، ر.ک. توضیحات ۲۳:۱۰.

b ر.ک. توضیحات ۲۰:۶ و توضیحات ۲۱:۱. بر اساس آیات ۲۶ و ۲۹، این پیام خطاب به شخص او بوده است. لذا به نظر می‌رسد که اشاره به سایر گیرندگان، در محل درست خود قرار نداشته باشد: این اشاره در ترجمه یونانی نیز نیامده است.

c ر.ک. توضیحات ۲۰:۲.

d ر.ک. توضیحات ۱۳:۲۵.

خویشانش در میان این قوم ساکن نخواهد
۶:۱۷ شد و نیکویی را که به قوم خود خواهم نمود
نخواهد دید ـ وحی یهوه ـ چرا که در مورد
یهوه پیمان شکنی را موعظه کرده است[e].»

احیای قوم اسرائیل[f]

مقدمه

۱:۲۱ **۳۰** [۱]کلامی که از سوی یهوه به این
مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]چنین
سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل:
تمامی سخنانی را که به تو گفته ام، در
کتابی بنویس[g]؛ [۳]زیرا روزهایی می آید ـ
وحی یهوه ـ که در آن بخت قوم خود،
۱۴:۲۹؛ اسرائیل و یهودا را تغییر خواهم داد[h] ـ یهوه
۳۷:۳۲؛ زک ۱۰:۱۰ می گوید[i] ـ و در آن ایشان را به سرزمینی که
به پدرانشان داده ام باز خواهم گرداند و
ایشان مالک آن خواهند شد.

[۴]پس این است سخنانی که یهوه خطاب
به اسرائیل و خطاب به یهودا گفته است:

یادآوری مجازات[j]

[۵]«یهوه چنین سخن می گوید:
فریاد وحشت شنیده ایم؛
ترس است، نه آرامش! ۱۵:۸
[۶]پس بپرسید و بنگرید: ۱۳:۱۸
آیا ذکور می زاید؟
چرا می بینم جمله مردان را
دست ها بر کمر، بسان زنی که می زاید؟
چرا جمله رخسارها
به کبودی گراییده است؟
[۷]وای که بزرگ است آن روز[k]،
مانند آن نیست! دان ۱۲:۱؛
برای یعقوب زمان پریشانی است مکا۱۶ ۱۸:۱؛ ۸:۱۴
اما از آن رهایی خواهد یافت.

e ر.ک. توضیحات ۱۶:۲۸.

f فصل های ۳۰ ۳۱ شامل تعدادی وحی است که همگی به توصیف آیندهٔ عالی قوم خدا می پردازد: ایشان گرچه در حال حاضر پراکنده و در سختی هستند، اما به فلسطین باز خواهند گشت و در شرایطی کاملاً جدید، پیرامون صهیون گرد خواهند آمد (۶:۳۱، ۱۲) به نظر می رسد که قدیمی ترین این وحی ها خطاب به اسرائیل شمالی یا افرایم بوده باشد (ر.ک. ۵:۳۱ ۶، ۱۸، ۲۰)، که «نخست زادهٔ» خدا (۹:۳۱، ۲۰) و نسل راحیل است (۱۵:۳۱) و در آرزوی بازگشت به سامره می باشد (۵:۳۱)؛ لذا این وحی ها متوازی است با ۱۱:۳ ۱۸ و احتمالاً مربوط به همان دوره می گردد (ابتدای خدمت ارمیا). محتمل است که این وحی ها، پس از ویرانی اورشلیم، بر اساس شرایط جدید مورد تفسیر مجدد قرار گرفته باشد، یعنی اینکه به یهودا نیز نسبت داده شده باشد (ر.ک. ۳:۳۰ ۴؛ توضیحات ۱۷:۳۰؛ ۲۳:۳۱ ۲۷، ۳۱) و با اضافه شدن عناصری جدید، غنای بیشتری یافته باشد (ر.ک. ۳۸:۳۱ ۴۰)، که بعضی از آنها یادآور سبک و اندیشهٔ اشعیا ۴۰ ۵۵ است (ر.ک. ۱۰:۳۰؛ ۱۰:۳۱). این فصل ها بر خصوصیت اجتناب ناپذیر رنج تأکید می گذارد. این رنج برای تربیت قومی نافرمان (۱۴:۳۰ ۱۵؛ ۱۹:۳۱، ۳۲، ۳۷) ضروری است (۱۱:۳۰، ۱۴؛ ۱۸:۳۱). اما علاوه بر این، در این فصل ها بر عمق محبت الهی (۳:۳۱، ۲۰، ۳۲) و فیضی که ارادهٔ خدا را در اعماق وجود انسان ثبت می کند (۳۱:۳۱ ۳۴) نیز تأکید می شود.

g نظیر ۲:۳۶، ارمیا دستور می یابد تا سخنان خدا را به نوشته درآورد: آیات ۱ ۳ احتمالاً مقدمه ای است از سوی ویراستاران بر «کتاب تسلیات» (فصل های ۳۰ ۳۱)، اما مقدمهٔ اولیه در ۴:۳۰ یافت می شود.

h ر.ک. توضیحات ۱۴:۲۹.

i ر.ک. ۱۵:۶.

j آیات ۵ ۷ حاوی یادآوری کلی است در مورد «آن روز بزرگ» تأدیب (ر.ک. توضیحات آیه ۷): نبی شرایط اسف بار اسرائیل شمالی پس از پراکنده شدنشان در سال ۷۲۲ را به این شکل تفسیر می کند. «دردهای زایمان» پیش درآمدی است ضروری بر استقرار مجدد: ر.ک. آیات ۱۲ ۱۷؛ توضیحات ۱۹:۲۳؛ یو ۲۱:۱۶.

k اشاره ای است به «روز خداوند»، یعنی روز ظهور پرجلال خداوند که نیروهای آسمانی گردش را گرفته اند، روز تجلی (تئوفانی) که نابودی هر آنچه را که با قدوسیت خداوند ناسازگار است در پی دارد: ر.ک. یول ۱:۱۵؛ ۱:۲؛ توضیحات عا ۱۸:۵؛ صف ۱:۱۴ ۱۸.

رهایی یافته برای خدمت کردن[l]

^۸پس در آن روز ـ وحی یهوهٔ لشکرها ـ
یوغ را از روی گردنشان خواهم شکست و لاو۲۶:۱۳؛
بندهاشان را خواهم گسست[m]. دیگر اش۱۴:۲۵؛ حز۳۴:۲۷؛
بیگانگان را بردگی نخواهند کرد، ^۹بلکه نا۱:۱۳؛ مز۱۰۷:۱۴
یهوه، خدایشان و داود پادشاهشان را که
برایشان بر خواهم انگیخت، خدمت
خواهند کرد[n].

زخم و شفا ۴۶:۲۷ ۲۸

^۱۰و تو، ای خدمتگزارم یعقوب، مترس اش۴۴:۲
ـ وحی یهوه ـ و ای اسرائیل، مهراس! ۱:۱۷
زیرا اینک تو را از دوردست‌ها رهایی ۴۲:۱۱
خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمینی که در آن
اسیرند.
یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد
زیست،
آسوده، بی‌آنکه کسی او را مضطرب میک۴:۴؛
سازد. صف۳:۱۳
^۱۱زیرا من با تو هستم ـ وحی یهوه ـ تا تو ۱:۸
را برهانم،
زیرا در میان تمامی ملت‌ها که تو را در نا۱:۹
آنها پراکنده ساخته‌ام.
قلع و قمع خواهم کرد؛ ۹:۱۵
فقط تو را قلع و قمع نخواهم کرد، ۵:۱۰، ۱۸
بلکه تو را بر طبق عدالت اصلاح خواهم
نمود[o]،
و تو را بی‌مجازات نخواهم گذارد. خرو۳۴:۷؛ اعد۱۴:۱۸
^۱۲زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
شکستگی‌ات درمان ناپذیر است[p]، ۱۰:۱۹؛
و زخمت، لاعلاج! نا۳:۱۹
^۱۳هیچ کس از دعوای تو دفاع نمی‌کند،
و برای جراحتت مرهمی نیست، ۴۶:۱۱
زخمت التیام نمی‌یابد[q].
^۱۴جمله عاشقانت[r] تو را از یاد برده‌اند، ۴:۳۰
دیگر به فکرت نیستند. مرا۱:۲، ۱۹
چرا که تو را زده‌ام، آن سان که دشمن ایو۱۹:۱۱
می‌زند،
با مکافاتی بی‌رحمانه، ۷:۱۲
به سبب بزرگی خطایت،
چرا که گناهانت سنگین بود. ۵:۶
^۱۵از چه روی به سبب شکستگی‌ات
فریاد برمی‌آوری،
به سبب درد درمان ناپذیرت؟ ۳۰:۱۲
این را به تو کردم ۲۲:۲۲
به سبب بزرگی خطایت،
از آنجا که گناهانت سنگین بود!
^۱۶اما آنان که تو را می‌درند، دریده ۱۰:۲۵
خواهند شد،

l ر.ک. توضیحات خروج ۳:۱۲؛ لو ۱:۷۴.
m قرائت عبری: «از گردنت: بندهایت». این اصطلاحات از ۲:۲۰ و ۲۸:۱۱ اخذ شده، اما با مفهومی جدید، به این ترتیب که خداوند خودش، در زمان مناسب، آزادی واقعی را خواهد آورد؛ ر.ک. اش ۱۰:۲۷؛ نا ۱:۱۳.
n ر.ک. ۲۳:۵ ۶؛ حزق ۳۷:۲۴؛ هو ۳:۵. ـ آیات ۸ ۹ احتمالاً ملحقات ویراستاران است، زیرا به نظر می‌رسد که از خاطراتی به سبک ارمیا و انبیا به طور کلی تشکیل یافته باشد.
o ترجمه‌های احتمالی دیگر، «تو را خواهم آموخت تا نظم را محترم بداری»؛ یا «تو را به اندازه اصلاح خواهم نمود» (ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۴؛ مز ۲:۶؛ ۹۹:۸؛ ۱۱۸:۱۸؛ ایوب ۵:۱۷؛ ۳۳:۱۹ ۳۰.
p ر ک ۳۰:۱۵؛ ۱۵:۱۸؛ میک۱:۹ و ۱۰؛ اش۱۷:۱۱. لاعلاج: ر ک ۱۰:۱۹؛ ۱۴:۱۷؛ نا۳:۱۹.
q این ترجمه‌ای است احتمالی.
r اشاره‌ای است به متحدانش؛ ر.ک. توضیحات ۲۲:۲۰.

و همهٔ مخالفانت، جملگی به اسارت اش ۴:۲۰: ناح ۱۰:۳
خواهند رفت؛
آنان که تو را تاراج می‌کنند، تاراج
خواهند شد،
و تمام آنان که تو را غارت می‌کنند، ناح ۱۱:۲
ایشان را به غارت خواهم سپرد.
[17] زیرا که زخمت را التیام خواهم بخشید ۶:۳۳
و تو را از جراحت‌هایت شفا خواهم داد -
وحی یهوه -
تو را که «رانده شده» می‌خوانند، ۱۹:۱۴
و «صهیونی[s] که کسی را دربارهٔ آن
دغدغه خاطر نیست!»

احیای قوم خداوند...

[18] یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک بخت خیمه‌های یعقوب را تغییر عا ۱۱:۹
خواهم داد
و بر اقامت‌گاه‌هایش ترحم خواهم فرمود؛
شهر بر تپه خود بازسازی خواهد شد[t]
و قصر مکان خود را باز خواهد یافت.
[19] از آنجا سرودهای ستایش بیرون
خواهد آمد
و خنده‌های بلند. ۳:۱۶:۲۹:۶:
آنان را کثیر خواهد ساخت و کاهش لاو ۹:۲۶: حز ۱۱:۳۶، ۳۷: ۲۶:۳۷
نخواهند یافت،
ایشان را جلال خواهم داد و خوار
نخواهند شد.
[20] پسرانش همچون روزگاران کهن
خواهند بود،
و اجتماعش در حضور من استوار خواهد اش ۲۶:۱
بود،
و جمله ستمگرانش را مجازات خواهم ۱۲:۲۵
نمود.
[21] «رئیسش» از او صادر خواهد شد تث ۱۵:۱۷
و «حاکمش» از بطن او بیرون خواهد زک ۴:۱۰
آمد،
و من او را نزدیک خواهم ساخت، و او به
سوی من پیش خواهد آمد؛
زیرا کدام است آن کس که زندگی
خویش را به خطر اندازد
تا به سوی من پیش آید[u] - وحی یهوه.
[22] شما قوم من خواهید بود، و من خدای ۱:۳۱: لاو ۱۲:۲۶: تث ۱۲:۲۹: ۲ پا ۷:۱۱
شما خواهم بود.

s قرائت یونانی: «طعمهٔ ما». شاید این کلمه. اصطلاح اولیه‌ای باشد که در اثر غم هجران تبعیدیون یهودا دستخوش تغییر شده، ر. ک. مز ۱۳۷: در این صورت، این تغییر علامتی است از بازخوانی متن اصلی از سوی اهالی یهودا: ر. ک. توضیحات ۱:۳۰. در زبان عبری، شکل کلمات «طعمهٔ ما» و «صهیون» بسیار مشابه است. باید اذعان داشت که اشاره به صهیون در چنین مجموعه‌ای، باعث تعجب است.

t ر. ک. توضیحات ۲:۴۹.

u تحت‌اللفظی: «چه کسی دل خود را در گرو خواهد گذارد تا به من نزدیک شود». - افعال «پیش آمدن» و «نزدیک شدن» جزو واژگان عبادت است (ر. ک. لاو ۹:۵ ۹؛ اعد ۱۹:۸)، اما برای شرفیابی به حضور پادشاه نیز به کار می‌رود (۲- سمو ۱۵:۵؛ ر. ک. پید ۱۹:۴۳؛ ۱۸:۴۴؛ اش ۱۶:۴۸): برای نزدیک شدن و تقرب جستن به شخصیتی والامقام، رعایت تشریفات لازم ضروری است (ر. ک. استر ۱۱:۴). هر آن کس که جرأت کند به خدا نزدیک شود، «زندگی خود را در گروه می‌گذارد»، زیرا هر کس که خدا را ببیند، در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد (ر. ک. خروج ۲۰:۳۳؛ داور ۲۲:۶ ۲۳؛ ۲۲:۱۳؛ اش ۵:۶)، مگر آنکه خود خدا او را «نزدیک سازد» تا بتواند در مشورت‌های دربار آسمانی شرکت جوید، ر. ک. زک ۷:۴.

... پس از طوفان[v]

۳۲:۵ [۲۳]اینک تند باد یهوه؛ وحشت بیرون
آمده، طوفان بیداد می‌کند،
بر سر بدکاران قهر خود را تخلیه
می‌کند.
[۲۴]شدت خشم یهوه بر نخواهد گشت
تا به انجام نرسانده باشد و تحقق
نبخشیده باشد
طرح‌های دلش را؛
یو۳:۱۷ در ادامهٔ ایام این را درک خواهید کرد.

استقرار جدید در زمینی کشت شده

۳۱ [۱]در آن زمان ـ وحی یهوه ـ من ۳۱:۳۳؛ ۳۲:۳۸؛ حز۱۱:۲۰
خدای تمامی خانواده‌های اسرائیل
خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.
[۲]یهوه چنین سخن می‌گوید:
هو۲:۱۶ قومی که از شمشیر رهیده،
در بیابان فیض یافته است؛
اسرائیل به سوی آسودگی خود راه می‌رود.
[۳]یهوه از دور بر او ظاهر شده است[w].
تث۷:۸؛ ۱۰:۱۵؛ اش۴۳:۴؛ هو۱۱:۴؛ ملا۱:۲ با محبتی ابدی تو را محبت نموده‌ام؛
از این رو تو را با وفاداری جذب
کرده‌ام[x].
[۴]بار دیگر تو را بنا خواهم کرد و بنا
خواهی شد،
ای باکرهٔ اسرائیل[y]؛ ۲۱:۳۱
بار دیگر، خود را با دف‌هایت خواهی
آراست
و با رقص‌هایی شادمانه بیرون خواهی
آمد،
[۵]بار دیگر تاکستان‌ها خواهی کاشت
بر کوه‌های سامره؛
آنان که [آنها] را می‌کارند، از نوبرش
برخوردار خواهند شد.
[۶]زیرا روزی می‌آید که
نگهبانان بر کوه افراییم فریاد خواهند
زد:
«برخیزید! به صهیون برآییم ۳۳:۱۱؛ ۵۰:۴؛ ۵؛ طو۱:۶
به سوی یهوه، خدای ما!»

آمدن خداوند به صهیون با قومش

[۷]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
برای یعقوب فریاد شادمانی سر دهید،
نخستین ملت‌ها را با هلهله بستایید! عا۶:۱
بگذارید صدایتان را بشنوند، و بستایید
و بگویید:
«یهوه قوم خود را نجات داده است[z]،
بقیهٔ اسرائیل را!»
[۸]اینک من ایشان را از سرزمین شمال ۳:۱۸
خواهم آورد

v تکراری تقریباً لغوی از ۲۳:۱۹ ۲۰ (ر.ک. توضیحات). ویراستاری که این بخش را در اینجا قرار داده، احتمالاً می‌خواسته یادآوری کند که نجاتی که خدا عنایت می‌فرماید، به معنی رفع داوری نیست.

w ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت یونانی. این جمله از زبان مردمان بیان می‌شود، گویی نوعی مکاشفهٔ گروهی دریافت می‌دارند. اما در قرائت عبری، این جمله از زبان نبی بیان می‌شود: «یهوه از دور بر من ظاهر شده است». چنین قرائتی می‌تواند به این معنی باشد که نبی، وحی خود را در مورد نجات مشروعیت می‌بخشد.

x ر.ک. به ساختاری مشابه در مز ۳۶:۱۱ و ۱۰۹:۱۲.

y «بنا کردن» در اینجا معنایی دوگانه دارد: همان گونه که خدا در گذشته زن را از دندهٔ مرد بنا کرد (پید ۲:۲۲)، همان گونه نیز باکرهٔ اسرائیل را بنا خواهد کرد تا از او شخصی کامل بسازد؛ در ضمن، او این کار را با «بازسازی» سرزمین انجام خواهد داد.

z ترجمه بر اساس قرائت یونانی. ـ قرائت عبری: «ای یهوه، قوم خود را نجات ده!» (ر.ک. توضیحات متی ۲۱:۹).

از انتهای اقصای زمین ایشان را گرد
خواهم آورد، با کوران و لنگان،
زن باردار و زائو را، همگی را با هم: ۶:۳۰
جماعتی بزرگی که به اینجا خواهد آمد!
[۹] با گریه رفته بودند، ۱۸:۳۱؛ ۴:۵۰
و با تسلیات ایشان را باز خواهم آورد؛
ایشان را به سوی آب‌های روان هدایت اش۴۹: ۱۰
خواهم کرد
از راهی متحد
که در آن نخواهند لغزید.
چرا که من برای اسرائیل پدر هستم[a]، ۲۰:۳۱؛
و افراییم نخست‌زادهٔ من است. خرو۴: ۲۲؛ بنسی۳۶: ۱۷

ابلاغیهٔ رسمی: اسرائیل بازسازی شده است

[۱۰] بشنوید، ای ملت‌ها، کلام یهوه را، ۱۵:۴۲
آن را در جـزیـره هـای دوردست اعلام
دارید؛ بگویید:
«او که اسرائیل را پراکنده ساخته، ۷:۱۵
ایشان را گرد خواهد آورد،
و آنان را حفظ خواهد کرد، همچون بنسی۱۸: ۱۳
چوپانی گله اش را».
[۱۱] زیرا یهوه یعقوب را رهایی داده،
آنان را از دست کسی نیرومندتر از خرو۶: ۶؛
ایشان بازخرید کرده است. اش۴۹: ۲۵
[۱۲] با غریو شادی، به بلندی های صهیون
می‌رسند، ۳۲:۲۹
و به سوی احسان های یهوه سرازیر
خواهند شد،
به سوی گندم و به سوی شراب نو، و به
سوی روغن تازه،
به سوی گوسفندها و گاوها؛
جانشان همچون باغی آبیاری شده خواهد اش۵۸: ۱۱
بود
و دیگر درماندگی را نخواهند شناخت.
[۱۳] آنگاه دختر جوان به رقصیدن شادمان مز۱۴۸: ۱۲
خواهد شد،
جوان و پیر شادی خواهند کرد؛
سوگ ایشان را به وجد بدل خواهم اش۳۵: ۱۰؛
ساخت، مز۳۰: ۱۲
و ایشان را تسلی خواهم بخشید و پس از
مصیبتشان، ایشان را شاد خواهم ساخت.
[۱۴] گلوی کاهنان را از چربی سیراب
خواهم ساخت[b]
و قومم از احسان های من سیر خواهند
شد
- وحی یهوه.

گریه و تسلی

[۱۵] یهوه چنین سخن می گوید:
گوش کنید! در رامه ناله ها به سمع مت۲: ۱۸
می‌رسد،
گریه هایی تلخ:
راحیل است که برای پسرانش می گرید؛
از تسلی یافتن سر باز می‌زند،
زیرا که ایشان دیگر نیستند.
[۱۶] یهوه چنین سخن می گوید:
صدای خود را از گریستن باز دار

a ر ک ۳: ۱۹؛ تث۳۲: ۶؛ اش۱: ۲؛ ۶۴: ۷؛ ۶۳: ۱۶؛ ملا۱: ۶؛ ۲: ۱۰؛ هو۱۱: ۱. (نخست زاده) ر ک خرو۴: ۲۲.
b کاهنان تمام چربی‌های قربانی را بر قربانگاه می سوزاندند و بخشی از گوشت قربانی نیز به ایشان می‌رسید.

مکا۲۱:۴ و چشمانت را از ریختن اشک؛
۲تو۱۵:۷؛ زیرا که عملت اجرتش را خواهد داشت ـ
مکا۱۴:۱۳ وحی یهوه
ایشان را سرزمین دشمن باز خواهند آمد.
۱۱:۲۹ ۱۷ آری، برای آینده ات امید هست
وحی یهوه
پسران به زمینشان باز خواهند آمد!
۱۸ می شنوم، می شنوم افرایم را که
۹:۳۱؛ ۲۱:۳ اندوهگین است:
«مرا اصلاح کردی، و اصلاح پذیرفتم
۱۹:۱۵؛ ۱۴:۱۷؛ مز۸۰:۴؛ مرا۵:۲۱ به سان گاو نر جوان تربیت نشده.
مرا باز آور و باز خواهم گشت،
چرا که تو یهوه، خدای من هستی!
۱۹ آری، پس از آنکه منحرف شدم، توبه
کردم،
و چون تعلیم یافتم، بر ران خود زدم[c].
شرمسار بودم و حتی سرخ شدم
چرا که ننگ جوانی ام را حمل
می کردم».
۲۰ پس آیا افرایم برایم پسری گرانقدر
۳:۳۱؛ اش۴۹:۱۵؛ ۹:۶۳؛ مرا۳:۳۲ است و فرزندی عزیز،
که هر بار که بر علیه او سخن می گویم،
باز باید او را به یاد آورم[d]؟
به همین سبب است که احشایم برای او
می لرزد؛
ترحم خواهم نمود، بر او ترحم خواهم
نمود[e] ـ وحی یهوه.

دعوت از اسرائیل باکره

۲۱ برای خود نشانه ها بر پا کن،
برای خویش علامت ها قرار بده،
مراقب جاده باش،
به راهی که دنبال کرده ای.
باز آ، ای باکرهٔ اسرائیل، ۱۳:۱۸
باز آ به سوی این شهرهایی که از آن تو
است.
۲۲ تا به کی خود را پنهان می سازی[f]،
ای دختر مرتد؟ ۲۲:۴
زیرا یهوه امر تازه ای در سرزمین اش۴۱:۲۰؛ ۷:۴۸
می آفریند:
زن مرد را احاطه می کند[g]!

احیای یهودا

۲۳ چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: آن زمان که بخت ایشان را
تغییر دهم، بار دیگر این سخن را در سرزمین
یهودا و در شهرهایش خواهند گفت:
بادا که یهوه تو را برکت دهد،
ای مسکن عدالت، ۷:۵۰
ای کوه تقدس!

c ر. ک. حزق ۲۱:۱۷.
d ر. ک. ۱۵:۱۵.
e می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او را محبت می نمایم، آری، محبت می نمایم». محبت خدا نسبت به اسرائیل، محبت پدری است که نسبت به پسر مسرف و گمشده اش، ترحمی عمیق دارد.
f معنای فعل عبری مبهم است. ریشهٔ آن به معنی «نفهم بودن» است، اما مفسران یهودی آن را در معنای «گشتن دور خود» استنباط کرده اند.
g منظور از «احاطه کردن» اظهار عشق کردن می باشد. این اصطلاح که کاربردش باعث حیرت است، احتمالاً به این معنی است که از این پس این زن است (یعنی قوم اسرائیل) که به دنبال جلب نظر مرد (یعنی خدا) خواهد بود، حال آنکه تا کنون این خداوند بوده که به دنبال جلب نظر قومش بوده است.

۲۴ در آنجا یهودا و تمامی شهرهایش
جملگی استقرار خواهند یافت[h]، کشتکاران
و آنان که با گله ها حرکت می کنند[i].
اش ۲۸:۱۲؛ مز ۳۶:۹؛ مت ۱۱:۲۸ ۲۵ زیرا جان تشنگان را سیراب خواهم
ساخت، و هر جان درمانده را سرشار خواهم
نمود.
۲۶ در اینجا، بیدار شدم و چشمانم را
گشودم؛ و خوابم برایم دلپذیر بود[j].

نظام نوین، عدالت نوین

۲۷ اینک روزهایی می آید - وحی یهوه -
۳۰:۱۹ که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا[k] را با
بذر انسان ها و با بذر حیوانات بذرپاشی
خواهم کرد. ۲۸ آنگاه، به همان گونه که بر
۱:۱۰ آنان برای بر کندن و کوفتن و ویران کردن
و برای هلاک نمودن و مصیبت رساندن
نظارت کردم، به همان گونه نیز بر آنان
برای بنا کردن و کاشتن نظارت خواهم نمود
- وحی یهوه.

۲۹ در آن روزها دیگر نخواهند گفت:
پدران انگور ترش خوردند
و دندان پسران کند شد[l].
تث ۲۴:۱۶؛ ۲ پا ۱۴:۶ ۳۰ بلکه هر کس به سبب خطای خود
خواهد مرد:
هر کس که انگور ترش بخورد،
دندان خودش کند خواهد شد.

عهد جدید[m]

۳۱ اینک روزهایی می آید - وحی یهوه -
۲ قر ۳:۶؛ عبر ۹:۱۵ که با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا
عهدی جدید خواهم بست، ۳۲ نه همچون
عهدی که با پدرانشان بستم، در آن روز که
۱۱:۱۰ دستشان را گرفتم تا از سرزمین مصر خارج
سازم، عهدی که ایشان گسستند، با اینکه
من ارباب ایشان بودم - وحی یهوه. ۳۳ بلکه
این است آن عهدی که بعد از این روزها با
خاندان اسرائیل خواهم بست - وحی یهوه -
شریعت خود را در درون ایشان خواهم نهاد

h منظور احتمالاً این است که ساکنان تمام شهرهای یهودا (یعنی کشاورزان) و آنان که در صحراها زندگی می کنند (کوچ نشینان)، هر دو در کنار هم در آرامش زندگی خواهند کرد. ترجمهٔ دیگر که احتمالش کمتر است، می توان چنین باشد: «در آنجا در کنار هم ساکن خواهند شد - (در) یهودا و تمام شهرهایش - کشاورزان و کوچ نشینان».

i احتمالاً منظور گروه های کوچ نشین می باشد.

j خواب برای نبی دلپذیر بود زیرا مکاشفهٔ مربوط به آیندهٔ پرشکوه یهودا، در خواب به او اعطا شده بود.

k قرائت ترجمه یونانی: «اسرائیل و یهودا».

l اهالی یهودا، خصوصاً تبعیدی ها، این برداشت را داشتند که مجبورند جور گناهان پدرانشان را بکشند (آیه ۲۹: ر.ک. حزق ۱۸:۲). ارمیا تصدیق می کند که می توانست چنین بوده باشد (ر.ک. خروج ۲۰:۵؛ ۳۴:۷)، اما اعلام می دارد که برای آینده، هر گونه مجازات گروهی یا متأخر منسوخ است. حزقیال از این نیز فراتر رفته، می گوید که جزا و پاداش اساساً امری فردی است (حزق ۱۸).

m عهد جدیدی که خدا پس از آنکه حاکمانه (آیه b۳۲) شکستن عهد قدیم از سوی قوم را ببخشد (آیه ۳۴)، مبتنی است نه بر تغییر رهنمودهای اعطا شده در سینا و تعهداتی که قوم در آنجا بر عهده گرفتند، نه بر آیینی جدید و کاملاً روحانی؛ بلکه مبتنی است بر اینکه رهنمودها و تعهدات گذشته اینک در عمق وجود ایشان ثبت خواهد شد (ر.ک. اش ۱۷:۴۸؛ ۷:۵۱؛ ۱۳:۵۴ - ۳:۵۵؛ امث ۹:۱ - ۶؛ غزل ۸:۲؛ روم ۸:۲؛ ۱-قرن ۹:۲۱ و توضیحات). ساختار شخصیت فرد چنان احیا و نو خواهد شد که بدون اینکه نیاز به تعلیم شخصی دیگر داشته باشد، ارادهٔ خداوند را خواهد شناخت و آن را به جا خواهد آورد (ر.ک. زک ۹:۱۳ و توضیحات؛ ۱-یو ۲:۲۰، ۲۷ و توضیحات؛ ۳:۹ و توضیحات). عیسی به هنگام بنیان نهادن قربان مقدس که نشانهٔ تحقق عهد جدید می باشد، به همین نبوت اشاره می فرماید (لو ۲۲:۲۰؛ ۱-قرن ۱۱:۲۵). آیات ۳۱ - ۳۴ به طور کامل در عبر ۸:۸ - ۱۲ در بخشی که مربوط به توصیف عهد جدید می باشد، نقل قول شده است.

و آن را بر دلشان خواهم نوشت؛ من خدای ۷:۲۳؛
ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند ۳۲:۳۸؛ حز ۳۶:۲۸؛
بود. ۳۴ و دیگر نه کسی همسایه خود را زک ۸:۸
تعلیم خواهد داد و نه کسی برادر خود را و
نخواهد گفت: «یهوه را بشناسید»؛ زیرا
ایشان همگی مرا خواهند شناخت، از ۲۴:۷؛
کوچکترین تا بزرگتریشان - وحی یهوه. چرا اش ۱۱:۹؛ یو ۶:۴۵؛
که خطایشان را خواهم بخشید، و دیگر ۵۰:۲۰
گناهشان را به یاد نخواهم آورد.

دلبستگی تزلزل‌ناپذیر خداوند به اسرائیل[n]

۳۵ یهوه چنین سخن می‌گوید،
او که خورشید را قرار داد تا روز را پید ۱:۱۶
روشن سازد،
و ماه و ستارگان را تا شب را روشن
سازند،
او که دریا را می‌شکافد[o]، و موج‌هایش
به غرش می‌آیند؛
یهوهٔ لشکرها نام او است: ۳۲:۱۸؛ عا ۵:۸، ۲۷
۳۶ اگر این قوانین روزی از حضور من
منسوخ می‌شد - وحی یهوه -
آنگاه نسل اسرائیل نیز برای همیشه باز
می‌ایستاد
از اینکه در حضور من ملت باشد.
۳۷ یهوه چنین سخن می‌گوید:
اگر کسی بتواند آسمان‌ها را در آن بالا
اندازه بگیرد
و در این پایین بنیادهای زمین را کاوش
کند،
آنگاه من نسل اسرائیل را رد خواهم
نمود[p]
به سبب تمام آنچه که کرده‌اند[q] - وحی
یهوه.

شهر محفوظ و مقدس آینده

۳۸ اینک روزهایی می‌آید - وحی یهوه -
که شهر برای یهوه بازسازی خواهد شد، از
برج حَنَنئیل[r] تا دروازهٔ زاویه[s]. ۳۹ ریسمان
اندازه گیری باز صاف نگاه داشته خواهد
شد تا تپهٔ جارَب، و به سوی جوعَت دور
خواهند زد. ۴۰ و تمامی درهٔ اجساد و
خاکستر چرب[t]، و تمام مزارع تا آبکند
یول ۴:۱۷ قدرون، تا زاویهٔ دروازهٔ اسبان، در مشرق[u]،
برای یهوه وقف خواهند شد: دیگر بر
نخواهند کند، دیگر هیچ گاه ویران
نخواهند ساخت[v]!

n دلبستگی تزلزل ناپذیر خداوند به قومش، از یک سو مرتبط شده به قدرت خالق که با اصطلاحات عبادی و آیینی تبیین شده (آیه ۳۵)، و از سوی دیگر با گسترهٔ عالم هستی مقایسه شده که برای روح انسان غیرقابل دسترس است (آیه ۳۷؛ ر. ک. اش ۴۰: ۱۲-۱۶؛ امث ۳۰:۴).

o سنت یهود در اصطلاح «دریا را می‌شکافد» اشاره‌ای مشاهده می‌کند به گذر از دریای قلزم (ر. ک. ایوب ۲۶:۱۲).

p ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت یونانی. - قرائت عبری: «تمام نسل اسرائیل را...»

q یعنی «تمام آنچه که پدران کرده‌اند».

r ر. ک. توضیحات نح ۳:۱.

s ر. ک. توضیحات ۲-پاد ۱۴:۱۳.

t ر. ک. لاو ۱:۱۶ و توضیحات؛ منظور بقایای قربانی‌ها است. در مورد این دره، ر. ک. توضیحات ۲:۲۳.

u ر. ک. توضیحات ۲-پاد ۱۱:۱۶.

v این اصطلاح که الهام یافته از ۱:۱۰ می‌باشد (ر. ک. ۱۲:۱۴-۱۷؛ ۱۸:۷، ۱۴؛ عا ۹:۱۵؛ دان ۱۱:۴) به این معنی است که شهری که بازسازی شده و وقف خداوند گردیده، برای همیشه محفوظ و مصون از تعرض خواهد بود.

عملی نمادین در بیان احیای یهودا[w]

۱:۳۰ **۳۲** ۱کلامی که از سوی یهوه در سال
دهم صدقیا، پادشاه یهودا، بر ارمیا
۲۹:۵۲ فرا رسید؛ این در سال هجدهم نبوکدنصر
بود. ۲در آن زمان، لشکر پادشاه بابل
اورشلیم را در محاصره داشت، و ارمیای
نبی در صحن نگهبانان که در خانهٔ پادشاه
یهودا بود در حبس به سر می برد، ۳ یعنی
آنجا که صدقیا، پادشاه یهودا او را محبوس
نموده بود و گفته بود: «چرا نبوت می کنی و
می گویی: یهوه چنین سخن می گوید: اینک
این شهر را به دست پادشاه بابل خواهم
سپرد و او آن را خواهد گرفت؛ ۴و صدقیا،
پادشاه یهودا، از دست کلدانیان رهایی
نخواهد یافت، بلکه یقیناً به دست پادشاه
بابل سپرده خواهد شد. او با وی دهان با
دهان سخن خواهد گفت و چشمانش
چشمان وی را خواهد دید[x]. ۵و صدقیا را
به بابل خواهند برد و در آنجا خواهد ماند[z]
تا آنکه به کار او رسیدگی کنم[y] - وحی
یهوه. اگر بر ضد کلدانیان بجنگید،
کامیاب نخواهید شد[a]!»
۶ارمیا گفت[b]: «کلام یهوه به این
مضمون به من فرا رسید: ۷اینک حَنَمئیل،
پسر شَلّوم، عمویت، نزد تو خواهد آمد تا
بگوید: مزرعهٔ مراکه در عناتوت است بخر، ۲۱:۱۱
زیرا تو برای خریدن، حق باز خرید داری».
۸حَنَمئیل، پسر عمویم، مطابق کلام یهوه نزد
من در صحن محافظان آمد و مرا گفت:
«مزرعهٔ مرا که در عناتوت، در سرزمین
بنیامین است بخر، زیرا که تو حق اکتساب
و حق بازخرید داری؛ آن را بخر». من پی
بردم که این کلام یهوه است؛ ۹من از
حَنَمئیل، پسر عمویم مزرعه ای را که در
عناتوت است خریدم و نقره را برایش وزن
کردم، (یعنی) هفده مثقال نقره. ۱۰قباله را
نوشتم و آن را مهر و موم کردم؛ شاهدانی
گرفتم و نقره را در ترازو وزن کردم.
۱۱سپس قبالهٔ خرید را گرفتم، آن را که مهر ۴۴:۳۲
و موم شده بود و حاوی شروط و مفاد بود[c]،
و آن دیگری را که باز بود. ۱۲قبالهٔ خرید را
در حضور حَنَمئیل، پسر عمویم، و در حضور ۵۹:۵۱

w در بحبوحهٔ محاصره اورشلیم (۵۸۸ ۵۸۷ ق.م.) ارمیا دعوت می شود تا دست به معامله ای ظاهراً غیرمعقول بزند؛ یکی از خویشان نزدیکش مجبور بود به دلایلی که بر ما پوشیده است، قطعه‌ای زمین بفروشد. لذا ارمیا از حق (یا وظیفهٔ) فدیهٔ خود استفاده می کند و زمین را مالک می شود. این معامله که هیچ نفع شخصی در بر ندارد، عنصری است از پیشگویی نبوتی او، و عملی است نمادین که روشنگر وحی‌ای در مورد نجات می باشد؛ طبق این وحی، علی‌رغم زمان های دشواری که یهودا پشت سر می گذارد، زندگی به زودی در آنجا به حالت عادی باز خواهد گشت.

x ر. ک. توضیحات ۳:۳۴.

y تحت الفظی: (بازدید کردن) واین بازدید میتواند دومعنا داشته باشد ،یابازدید رضایت بخش جهت ازاد کردن یا دخالت تنبیهی که آخرش مرگ میباشد. طبق اعداد ۱۶:۲۹که ظاهرا در این متن معنی دوم دارا میباشد.

z عبارت پایانی این آیه در ترجمهٔ یونانی نیست؛ بازتاب ۵:۳۴ را در این عبارت می بینیم (ر. ک. توضیحات) ر. ک ۲۲:۲۷؛ ۱۰:۲۹.

a این توضیح که طبق آن، ظاهراً صدقیا ارمیا را به علت پیامش در مورد اورشلیم محبوس کرد، با سایر مندرجات کتاب سازگار نیست. طبق این مندرجات، ارمیا را به این علت بازداشت کردند که او را خائن می پنداشتند، و صدقیا در کل نظر مساعدی نسبت به نبی داشت. به نظر می رسد که آیات ۲ ۵ اثر ویراستار باشد.

b بعد از مقدمه (آیات ۱ ۵)، به روایت خود ارمیا می رسیم.

c این عبارت فرعی که در ترجمهٔ یونانی نیست و ممکن است توضیح قاری باشد، ظاهراً می خواهد بگوید: «امان از این تشریفات اداری!» مگر آنکه خواسته باشد صرفاً بر جدی بودن سند خرید که با دقیق ترین روش قانونی انجام شده، تأکید بگذارد.

شـاهـدانی که قـبـاله خـریـد را امـضـا کـرده
بودنـد، و در حضور تـمام اهالی یهودا که در
صحن نگـهـبـانان نشسته بودند، به باروک
پسر نیریا، پسر معسیا سپردم.
[۱۳]سپس در حضور ایشان، این حکم را به
بـاروک دادم: [۱۴]«چـنـین سـخـن می گـویـد
یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: این قباله ها
را بر گیر، این قبالهٔ خرید را که مهر و موم
شده و این قبـاله را که باز است، و آنها را
در ظرفی از خاک رس قرار بده تا روزهایی
طولانی دوام بیـاورند. [۱۵]زیرا چنین سخن
می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: بار
دیگر در این سرزمین خانه ها و مزرعه ها و ۴۳:۳۲
تاکستان ها خواهند خرید».
[۱۶]پس از آنکه قبالهٔ خرید را به باروک،
پسر نیریا سپردم، این دعـا را به حضور یهوه
کردم: [۱۷]«آه، ای خداوند یهوه، اینک تو
آسـمـان و زمـین را بـا قـدرت عظـیـمت و بـا
بـازوی دراز شـده اتd سـاخـته ای؛ چـیـزی ؛۲۷:۳۲
برای تو غیرممکن نیست. [۱۸]تو به هزاران مت۱۹:۲۶
وفاداری نشان می دهی و خطای پدران را در
بـطن پـسـران ایـشـان پس از ایـشـان تـسـویه
می کنی، تو، خدا، عظیم، قهرمان، که نامت ۱۱:۲۰
یهوهٔ لشکرها است، [۱۹]که عظیم در مشورت ؛۲:۳۳
و غـنی در کـارهـای بـزرگ می بـاشی، که اش۵۴:۵ ؛۱۷:۱۶
چشمانت به روی هر رفتار بنی آدم گشوده مز۵:۲۱
است، تـا به هـر یـک مـطـابق رفـتـارش و ؛۱۰:۱۷
مـطـابق ثـمـرهٔ اعـمـالش بـدهی. [۲۰]تـو در ایو۳۴:۱۱
سرزمین مصر و تا به امروز در اسرائیل و در
میـان مـردمـان، نـشـانه هاe و عـجایب قـرار اع۷:۳۶
داده ای، و برای خود نامی ساخته ای همان
گونه که امروز [می باشد]. [۲۱]تو قوم خود،
اسرائیل را از سرزمین مصر با نشانه ها و
عجایب، و با دست نیرومند و بازوی دراز
شـده، و بـا وحشت عظـیم بیـرون آوردیf.
[۲۲]تو این سـرزمین را به ایـشان داده ای که
بـرای پـدرانـشـان قـسم خورده بـودی که به
ایـشـان بـدهی، سـرزمـیـنی که در آن شـیـر و
عـسـل جـاری استg. [۲۳]ایـشـان وارد آن
شـدنـد و آن را به مـالـکیت درآوردنـد، اما
ایشان به صدای تو گوش نگرفته اند، و
مطابق شریعت تو سلوک نکرده اند؛ از
آنچه ایشان را امر فرموده بودی که انجام
دهند، هیچ انجام نداده اند. و تو بر ایشان
تمام این مصیبت را واری آوردی. نح۹:۳۰
[۲۴]«اینک خاکریزها به شهر می رسند تا ۶:۶
آن را بـگـیـرنـد، و بـا شـمـشـیـر و قـحط و
طاعون، شهر می رود که به دست کلدانیان
که با آن می جنگند، سپرده شود. آنچه تو
گـفـتی به انجـام می رسـد، و تـو آن را
می بـیـنی. [۲۵]و ای خـداونـد یـهوه، این تـو
هستی که مرا گفتی: مزرعه را به بهای نقره
بـخر و شاهدان بگیر، حال آنکه شهر به
دست کلدانیان سپرده می شود!»
[۲۶]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسیدh: [۲۷]اینک من، یهوه، خدای تمامی اع۱۶:۲۲ ؛۱۷:۳۲ ید۱۸:۱۴؛ زک۸:۶

d مانند ۲۷:۵؛ ر.ک. آیه ۲۱: ۱۷:۵؛ توضیحات ۲۱:۵.
e ر.ک.خرو۱۰:۲؛مز۷۸:۴۳ با توجه به تفاوتهای اصطلاحات میتوان گفت نشانه کردن (ر.ک.خرو۴:۱۷و۳۰)یا نشانه ها را **ارائه دادن**(اش۷:۱۴؛تث۱۳:۲)ویا نشانه ها در میان ظاهر ساختن خرو۱۰:۱.
f ر.ک. توضیحات آیه ۱۷.
g مانند ۱۱:۵؛ ر.ک. خروج ۳:۸ و توضیحات.
h قرائت ترجمهٔ یونانی: «به من **فرا** رسید».

بشر هستم؛ آیا امری نزد من غیرممکن
می باشد؟ [۲۸]به این سبب، یهوه چنین سخن
می گوید: اینک این شهر را به دست
کلدانیان و به دست نبوکدنصر، پادشاه
بابل خواهم سپرد، و او آن را خواهد
گرفت. [۲۹]کلدانیان که بر علیه این شهر
می جنگند وارد خواهند شد، و آن را به
آتش خواهند کشید و آن را به آتش خواهند
سوزاند، و نیز تمامی خانه هایی را که بر ۱۳:۱۹
بامشان برای بعل بخور سوزانده اند و برای
خدایان دیگر هدایای ریختنی ریخته اند، تا
مرا به خشم آورند. [۳۰]زیرا که پسران ۲۵:۳
اسرائیل و پسران یهودا از جوانی خود،
کاری جز شرارت در نظر من نکرده اند.
زیرا که پسران اسرائیل با اعمال دست خود
کاری جز به خشم آوردن من نکرده اند[i] -
وحی یهوه. [۳۱]آری، برای من این شهر
موجب خشم و غضب بوده، از آن روزی که ۲۰:۷
آن را بنا کردند تا به امروز[j]، تا آن حد که ۲پا۱۷:۱۸، ۲۳:
آن را از مقابل روی خود دور خواهم ۲۷:۲۳
ساخت، [۳۲]به سبب تمام شرارتی که پسران
اسرائیل و پسران یهودا برای خشمگین
ساختن من کرده اند، ایشان و پادشاهان و ۳:۴۴
بزرگانشان و کاهنانشان و انبیایشان، و
مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم. [۳۳]ایشان ۴:۴
پشت خود را به من کرده اند و نه روی خود ۲:۲۷:۱۵:۶
را؛ کوشیدم تا ایشان را بدون خستگی تعلیم
دهم، (اما) ایشان گوش نگرفتند تا درس را
بگیرند. [۳۴]آنان «آشغال های» خود را در ۳:۵
خانه ای که به نام من خوانده شده، قرار ۳۰:۷ ۳۱
داده اند[k]، تا آن را نجس سازند. [۳۵]ایشان ۱۵:۳۴؛
مکان های بلند را برای بعل ساخته اند که تث۱۲:۵،۱۱؛ پا۲۱:۲۶
در وادی ابن ـ حنّوم می باشد، تا پسران و
دخترانشان را برای مولَک[l] بگذرانند، امری لاو۱۸:۲۱
که به ایشان امر نفرموده بودم و به فکرم
خطور نکرده بود، (یعنی) ارتکاب این
(کار) نفرت انگیز تا یهودا را به گناه
وادارند!
[۳۶]و اینک چنین سخن می گوید یهوه،
خدای اسرائیل، خطاب به این شهر که
درباره اش می گویید[m]: «با شمشیر و قحط
و طاعون به دست پادشاه بابل سپرده شده
است». [۳۷]اینک ایشان را از تمام
سرزمین هایی که در خشم و در غضب و در
غیظ عظیم خود، ایشان را به آنها ۵:۲۱
رانده ام، گرد خواهم آورد؛ ایشان را به این ۱۵:۱۶
مکان باز خواهم آورد و ایشان را در امنیت ۶:۲۳
ساکن خواهم ساخت. [۳۸]ایشان قوم من ۴:۱۱؛
خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود. حز۳۷:۲۳، ۲۷
[۳۹]به آنان یک دل خواهم داد و در یک راه[n] ۷:۲۴
سالک خواهم ساخت، تا در تمامی روزها از
من بترسند، برای سعادتشان و سعادت
پسرانشان پس از ایشان. [۴۰]با آنان عهدی
دائمی خواهم بست[o] و به واسطهٔ آن از ۵:۵۰

i مانند ۶:۲۵ (ر.ک. توضیحات). *این عبارت پایانی در ترجمهٔ یونانی نیست.*
j ر.ک. ۲:۲۰؛ حزق ۳:۱۶ ۵، ۴۵: ۲۳.
k ر.ک. *توضیحات* ۷: ۱۰ ـ *در اینجا نیز منظور از* «کثافات»، *بتها می باشد؛* ر.ک. *توضیحات* ۱۸:۱۶.
l ر.ک. *توضیحات* ۲ـپاد ۱۰:۲۳
m *قرائت ترجمهٔ یونانی:* «می گویی». ر.ک. آیه ۲۴.
n ر.ک. *توضیحات* ۹:۱۷. *قرائت ترجمهٔ یونانی:* «راهی دیگر و دلی دیگر». ر.ک. ۳۱:۳۳؛ حزق ۱۱:۱۹؛ ۲۶:۳۶.
o ر.ک. *توضیحات* اش ۵:۲۴.

۳۲،۱۱:۲۹ دنبال کردن ایشان برای خیریت رساندن به
ایشان باز نخواهم ایستاد؛ و ترس خود را در
دل ایشان قرار خواهم داد[p]، تا از من دور
صف۱۷:۳ نشوند. ۴۱شادی خود را در این خواهم نهاد
که به ایشان نیکویی کنم، و آنان را استوار
۲۱:۲ در این سرزمین خواهم کاشت[q]، با تمام دلم
و با تمام جانم. ۴۲زیرا که یهوه چنین سخن
۲۸:۳۱ می گوید: همان گونه که بر این قوم تمام
این مصیبت عظیم را وارد ساختم، به همان
گونه تمام خیریتی را که درباره اش با ایشان
۱۵:۳۲ سخن می گویم، خواهم آورد. ۴۳در این
۱۰:۳۳ سرزمینی که درباره اش می گویید[r]:
سرزمینی است ویران، بدون انسان و حیوان
که به دست کلدانیان سپرده شده، مزرعه ها
خواهند خرید. ۴۴به بهای نقره مزرعه ها
۱۰:۳۲ خواهند خرید، قباله ها خواهند نوشت، آنها
را مهر و موم خواهند کرد، شاهدان خواهند
گرفت در سرزمین بنیامین، در حوالی
اورشلیم، در شهرهای یهودا، در شهرهای
کوهستان، در شهرهای دشت، و در شهرهای
۱۴:۲۹ نگِب. زیرا بخت ایشان را تغییر خواهم داد
- وحی یهوه.

احیای پرجلال در آینده[s]

۳۳ ۱کلام یهوه برای بار دوم به ارمیا
فرا رسید، آن هنگام که او هنوز در
صحن محافظان در بازداشت بود، تا [به ۱۲،۸،۲:۳۲؛
او] بگوید: ۲چنین سخن می گوید یهوه که ۲۱:۳۷
زمین[t] را ساخته و آن را شکل بخشیده تا آن ۱۸:۴۶؛
را برقرار سازد؛ یهوه نام او است! ۳مرا عا۶:۹
بخوان و تو را پاسخ خواهم داد، و به تو امور ۱۲:۲۹؛
بزرگ و کاوش ناپذیر را اعلام خواهم مز۱۵:۵۰
داشت، (اموری) که نمی دانی. ۴زیرا چنین اش۶:۴۸
سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل دربارهٔ
خانه های این شهر و خانه های پادشاهان
یهودا که فرو کوفته شده تا خاکریزها و ۲۴:۳۲
سنگرها برپا شود، ۵تا با کلدانیان بجنگند
و شهر[u] را از اجساد مردمانی که من در خشم
و غضب خود زده ام پر کنند، زیرا روی خود ۳۱:۳۲؛
را از این شهر با سبب تمام شرارتش پنهان تث۱۷:۳۱
ساخته ام: ۶اینک زخم ایشان را التیام خواهم ۲۲:۳؛
بخشید و شفا خواهم داد؛ آنان را شفا خواهم ۲۲:۸؛ ۱۷:۳۰
داد و برایشان گنج های آرامش و امنیت را
مکشوف خواهم ساخت. ۷من بخت یهودا و ۲۶،۱۱:۳۳
بخت اسرائیل را تغییر خواهم داد، و ایشان

p ر.ک. ۵:۲۲، ۲۴: توضیحات ۲:۱۹: توضیحات اع ۱۰:۲.
q ر.ک. توضیحات ۱:۱۰: ۲۴:۶: عا ۹:۱۵.
r قرائت ترجمهٔ یونانی: «می گویی»، مانند آیه ۳۶ (ر.ک. توضیحات).
s این فصل شامل مجموعه ای از وحی های مربوط به نجات است و توصیف کنندهٔ سعادتی است که برای اسرائیل نگاه داری شده، یعنی: کامیابی شهرهایش (آیات ۱ ۱۳)، استقرار مجدد و قطعی سلطنتی که به دست داود آغاز شده و نیز استقرار مجدد کهانت لاویان (آیات ۱۴ ۲۲)، برگزیدگی تغییرناپذیر قوم و سلسلهٔ داود (آیات ۲۳ ۲۶). بخشی از این متون ممکن است اثر ویراستاران باشد.
t تحت اللفظی: «که آن را می سازد». ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمه یونانی. در نظر قیمهی و سایر مفسران یهود، آنچه یهوه می سازد، اورشلیم است، ر.ک. آیات ۱۰ ۱۱.
u تحت اللفظی: «تا آنها را ... پر کنند». متن دشوار است و تاحدی غیرقابل بازسازی؛ ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. تصور می رود که محصره شدگان برای دفاع از شهر، بخشی از خانه های شهر را ویران کردند (ر.ک. اش ۲۲:۱۰) این کار نتیجه ای جز افزایش ندارد.

را همچون ابتدا بنا خواهم نمود. ۸ آنان را
حز۳۶:۲۵ از هر خطایی که به واسطهٔ آنها نسبت به من
مجرم شده‌اند طاهر خواهم ساخت، و تمام
۳۱:۳۴ خطاهایی را که به واسطهٔ آنها نسبت به من
مجرم شده‌اند و به من بی‌وفا گردیده‌اند،
۱۳:۱۱؛ صف۳:۲۰ خواهم بخشید. ۹ [اورشلیم] برایم نامی
شادمانه و افتخار و جلال خواهد گشت نزد
تمام ملت‌های زمین که از تمام سعادتی که
به ایشان[v] می‌دهم آگاهی یابند؛ ایشان در
برابر تمام سعادت و تمام آرامشی که به
آنان می‌دهم، خواهند ترسید و خواهند
لرزید.
۱۰ یهوه چنین سخن می‌گوید: در این
۳۳:۱۲؛ ۳۲:۴۳ مکان که درباره‌اش می‌گویید: «بیابانی
است بدون انسان و بدون حیوان»، بار
دیگر شنیده خواهد شد، و در شهرهای
یهودا و در کوچه‌های اورشلیم که ویران
شده‌اند، بدون انسان و بدون سکنه و
بدون حیوان[w]، [شنیده خواهد شد]
۷:۳۴ ۱۱ فریاد شادمانی و فریاد وجد، و ترانهٔ
داماد و ترانهٔ عروس، و ترانهٔ آنان که
۲توا۵:۱۳؛ ۲۹:۳۱؛ ۱مکا۴:۲۴ می‌گویند:
«یهوهٔ لشکرها را بستایید،
زیرا که نیکو است، یهوه،
و وفاداری‌اش ابدی!»
و (فریاد) آنانی که قربانی ستایش به
خانهٔ یهوه می‌آورند. زیرا بخت این
سرزمین را تغییر خواهم داد، و مانند ابتدا
[خواهد بود] یهوه می‌فرماید.

۱۲ چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها: در
این مکان که بیابانی است بدون انسان و ۳۳:۱۰
حیوان، و در تمام شهرها، بار دیگر
چراگاه‌هایی خواهد بود که در آنها چوپانان
گله‌های خود را خواهند خواباند. ۱۳ در
شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، در
شهرهای نِگِب، در سرزمین بنیامین، در ۳۲:۴۴
حوالی اورشَلیم و در شهرهای یهودا،
گوسفندان بار دیگر از زیر دست آن کس
که آنها را می‌شمارد، عبور خواهند کرد،
یهوه می‌فرماید.
۱۴ اینک[x] روزهایی می‌آید - وحی یهوه - ۲۹:۱۰
که آن سخن نیکویی را که خطاب به
خاندان اسرائیل و دربارهٔ یهودا گفته‌ام به
انجام خواهم رساند:
۱۵ در آن روزها و در آن زمان،
برای داود جوانهٔ عدالت خواهم رویاند،
و او انصاف و عدالت را در سرزمین به
اجرا درخواهد آورد.
۱۶ در آن روزها، یهودا نجات خواهد
یافت
و اورشلیم در امنیت ساکن خواهد شد؛
و آن را این چنین خواهند نامید: اش۱:۲۶؛ هو۲:۱؛ بار۵:۴؛ مت۵:۴۸
«یهوه - عدالت - ما[y].»
۱۷ زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: داود بنسی۵۱:۱۲
هرگز از کسی که بر تخت سلطنت خاندان
اسرائیل بنشیند، بی‌بهره نخواهد ماند.
۱۸ و کاهنان لاوی هرگز در برابر من، از
کسی که من قربانی سوختنی تقدیم کند و

v بر اساس آیه ۷، منظور اسرائیل و یهودا است.
w ر. ک. ۵۱: ۶۲.
x آیات ۱۴ ۲۶ در ترجمهٔ یونانی نیست.
y در خصوص این دو آیه، ر. ک. ۲۳: ۵ ۶ و توضیحات.

هدیهٔ آردی بسوزاند و هر روزه قربانی کند، ۱۶:۱
بی بهره نخواهد ماند.
[۱۹]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: [۲۰]یهوه چنین سخن می گوید: اگر
بتوانید عهد مرا با روز و میثاق مرا به شب ۳۶:۳۱
فسخ کنید، آن گونه که روز و شب دیگر در
زمان خود نباشد، [۲۱]آنگاه عهد من نیز با مز۸۹:۳۵؛
خدمتگزارم داود فسخ خواهد شد، آن گونه بنسی۴۵:۲۴-۲۵
که دیگر پسری نداشته باشد که بر تخت او
سلطنت کند، (و نیز عهدم) با خدمت
کنندگانم لاویان کاهن. [۲۲]همان سان که
نمی توان لشکر آسمان و ریگ دریا را ۸:۱۵
شمرد، به همان سان اعقاب خدمتگزارم
داود را کثیر خواهم ساخت و (نیز) لاویان ۱۹:۳۰
را که خدمت کنندگان من می باشند.
[۲۳]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: [۲۴]آیا نمی بینی که این مردم چه
می گویند: «آن دو خاندانی که یهوه
برگزیده بود، آنها را رد کرده است!» ۴:۵۰
بدینسان قوم مرا تحقیر می کنند، به گونه ای
که در برابر ایشان دیگر قومی نیست.
[۲۵]یهوه چنین سخن می گوید: اگر عهد مرا
با روز و شب، و اگر قوانین آسمان و زمین ۲۰:۳۳
را من برقرار نکرده باشم، [۲۶]آنگاه اعقاب
یعقوب و خدمتگزارم داود را نیز خواهم
کرد، به گونه ای که از این اعقاب، برزگانی
برای اعقاب ابراهیم و اسحاق و یعقوب ۷:۳۳، ۱۱؛ ۱۴:۲۹؛ ۲۰:۳۱
نخواهم گرفت! زیرا که بخت ایشان را
تغییر خواهم داد و بر ایشان رحم خواهم
فرمود.

آنچه که در انتظار صدقیا است[z]

۳۴ [۱]کلامی که از سوی یهوه به ارمیا ۱:۳۲
فرا رسید، آن گاه که نبوکدنصر،
پادشاه بابل، و تمام لشکر او، و نیز تمام
ممالک زمین که تحت سلطهٔ او بودند، و
۱۳:۴۹ تمام قوم ها، بر علیه اورشلیم و تمام
شهرهای تابع آن می جنگیدند: [۲]چنین
۱۳:۳۵ سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: برو و
به صدقیا، پادشاه یهودا بگو؛ به او بگو:
یهوه چنین سخن می گوید: اینک این شهر
را به دست پادشاه بابل خواهم سپرد و او آن
را به آتش خواهد سوزاند. [۳]تو خودت از
دست او رهایی نخواهی یافت، زیرا یقیناً
گرفته شده و به دست او سپرده خواهی شد.
چشمانت چشمان پادشاه بابل را خواهد
دید، و او را با تو دهان به دهان سخن
خواهد گفت[a]. و به بابل خواهی رفت. [۴]با
۲:۲۲ این حال، ای صدقیا، پادشاه یهودا، به کلام
یهوه گوش فرا ده! یهوه دربارهٔ تو چنین
سخن می گوید: تو با شمشیر نخواهی مرد؛
[۵]در آرامش خواهی مرد. و همان گونه که
برای پدرانت [عطریات] سوزاندند، (یعنی
برای) پادشاهان قدیمی که پیش از تو

z این بخش (۳۴:۱ ۷) شامل وحی‌ای است خطاب به شخص صدقیای پادشاه در طول محاصرهٔ اورشلیم در سال‌های ۵۸۸ ۵۸۷ ق.م. موقعیت نظامی به بن بست رسیده؛ اکثر شهرهای یهودا پیش از این به تصرف نیروهای مهاجر در آمده، و فقط دژهای حصاردار لاکیش و عزیقه هنوز مقاومت می کنند. صدقیا دیگر هیچ امیدی به حفظ تاج و تخت خود و دفع حملات بابلی‌ها ندارد، اما لااقل زندگی‌اش در امان خواهد بود. این وحی مشابه است با وحی‌هایی که ارمیا خطاب به عَبدمَلِک (۳۹:۱۵ ۱۸) و با باروک (ر.ک. ۴۵) بیان خواهد داشت.

a مقدمه فصل ۳۲ که احتمالاً متأخر است، از همین اصطلاحات استفاده می کند.

بوده اند[b]، همان گونه برای تو نیز خواهند
سوزانند و برای تو مرثیه خواهند خواند
۱۸:۲۲ (که): «افسوس! ای سَروَر!» چنین است
کلامی که من گفته ام ـ وحی یهوه.
۶ارمیای نبی تمامی این سخنان را در
اورشلیم به صدقیا، پادشاه یهودا گفت.
۷در آن زمان، لشکر پادشاه بابل بر علیه
اورشلیم و تمامی شهرهای[c] یهودا که هنوز
مقاومت می کردند، بر علیه لاکیش و بر
علیه عَزیقَه، می جنگید؛ زیرا اینها تنها
شهرهای حصارداری بودند که از میان
۵:۴ شهرهای یهودا باقی مانده بودند.

در مورد بردگان عبرانی که آزاده شده و بار دیگر گرفته شده بودند

۱:۳۴ ۸کلامی که از سوی یهوه به ارمیا فرا
رسید، پس از آنکه صدقیای پادشاه عهدی
با تمام مردم اورشلیم بست تا آزادی ایشان
را اعلام دارد: ۹هر کس می بایست بردهٔ
عبرانی خود را ـ چه مرد و چه زن ـ آزاد
سازد، به گونه ای که هیچ کس برادر
نح۵:۸ خویش، (یعنی) فردی از اهالی یهودا را در
بندگی نگاه ندارد. ۱۰تمام بزرگان و تمام
قوم که داخل این عهد شده بودند،
پذیرفتند که هر کس بردهٔ خود را ـ چه مرد و
چه زن ـ آزاد کند، به گونه ای که دیگر
ایشان را در بندگی نگاه ندارد؛ ایشان
پذیرفتند و آنان را آزاد کردند. ۱۱پس از
آن، تغییر عقیده دادند، و برده ها را که آزاد
کرده بودند ـ چه مرد و چه زن ـ باز پس
آوردند، و ایشان را برده ساختند ـ چه مرد و
چه زن.
۱۲کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: ۱۳چنین سخن می گوید یهوه، خدای
اسرائیل: من در روزی که پدران شما را از
سرزمین مصر و از خانهٔ بردگان بیرون
آوردم، با پدران شما عهدی بستم و گفتم:
۱۴«در پایان هفت سال، هر یک از شما تث۱۵:۱۲؛
برادر عبرانی خویش را که خود را به او ۲پا۴:۱
فروخته، رها سازد؛ او شش سال تو را
خدمت کند، سپس تو او را از نزد خود آزاد
خواهی کرد». اما پدران شما به من گوش
نگرفتند و گوش نسپاردند. ۱۵شما امروز ۱۵:۳۵
باز گشتید و کاری را کردید که در نظر من
درست است و هر یک آزادی همسایه خود
را اعلام داشت؛ شما در برابر من، در
خانه ای که به نام من خوانده شده، عهدی ۷:۱۰،۱۲؛
بستید. ۱۶سپس با تغییر عقیده دادن و با ۱پا۸:۴۳
اهانت به نام من، هر یک بردهٔ خود را که از لاو۱۹:۱۲
شخصشان آزاد کرده بودید، باز آورید ـ چه
مرد و چه زن ـ و ایشان را واداشتید تا
بردگان شما شوند ـ چه مرد و چه زن.
۱۷به این سبب، یهوه چنین سخن
می گوید: شما به من گوش نگرفتید تا هر
یک از شما آزادی برادر خود و هر یک از
شما آزادی همسایه اش را اعلام کند؛ اینک
من برای شما آزادی را اعلام می دارم ـ وحی
یهوه ـ به نفع شمشیر و طاعون و قحط، و از

b ر.ک. ۲ـتوا ۱۴:۱۶؛ ۱۹:۲۱. این وعده ها شاید حالت شرطی داشتند (ر.ک. ۹:۲۱؛ ۱۷:۳۸)؛ ۵:۳۲ که بازتابی است از این امر، دعوتی نیز هست به عدم مقاومت، و در ابتدای آیه پیشین، حالتی از پند و اندرز احساس می شود.
c ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی که با مضمون متن سازگارتر است (ر.ک. توضیحات ۱:۳۴)؛ قرائت عبری: «تمامی شهرها».

۴:۱۵ شما وحشتی برای تمامی ممالک زمین
خواهم ساخت. ۱۸ و مردمانی که از عهد من
تخطی ورزیده اند و مفاد عهدی را که در
برابر من بسته اند به اجرا در نیاورده اند،
ایشان را مانند آن گاو نر جوانی خواهم
ساخت که دو نیم کردند و از میان قطعات
آن عبور نمودند[d]؛ ۱۹ بزرگان یهودا و
بزرگان اورشلیم، خواجه سرایان و کاهنان،
و تمام مردم سرزمین[e] که از میان قطعات
گاو نر جوان عبور کردند، ۲۰ ایشان را به
دست دشمنانشان و به دست آنانی که در
۳۳:۷؛ تث۲۸:۲۶ قصد جانشان می باشند خواهم سپرد، و
اجسادشان خوراک پرندگان آسمان و
حیوانات زمین خواهد شد. ۲۱ در خصوص
صدقیا، پادشاه یهودا، و بزرگانش، ایشان
را به دست دشمنانشان و به دست آنانی که
در قصد جانشان می باشند، و به دست
لشکر پادشاه بابل که اخیراً از شما دور
شده، خواهم سپرد. ۲۲ اینک امر خواهم کرد
۳۲:۲،۲۴؛ ۸:۳۷ وحی یهوه و ایشان را به سوی این شهر
باز خواهم آورد؛ بر علیه آن خواهند جنگید
و آن را خواهند گرفت و به آتش خواهند
سوزاند. و از شهرهای یهودا سرزمینی
ویران و خالی از سکنه خواهم ساخت.

درسی از رکابیان[f]

۳۵ ۱ کلامی که در روزگار یهویاقیم، ۸:۳۴
پسر یوشیا، پادشاه یهودا، از سوی
یهوه به این مضمون بر ارمیا فرا رسید:
۲ «نزد خاندان رکابی ها برو؛ با آنان سخن
بگو و ایشان را به خانهٔ یهوه، به یکی از
اتاق ها بیاور و به ایشان شراب بنوشان».
۳ من یازَنیا، پسر یرمیاهو، پسر حَبَصّنیا، و
نیز برادرانش و تمام پسرانش و تمام
خاندان رکابی ها را گرفتم، ۴ و ایشان را به
خانهٔ یهوه، به اتاق پسران حانان، پسر
یجدَلیاهو، مرد خدا[g]، آوردم، آن اتاق که
مجاور اتاق بزرگان است و بر بالای اتاق
مَعَسیاهو، پسر شَلّوم، محافظ آستانه
می باشد[h]. ۵ در مقابل ایشان لگن های پر از
شراب و جام ها گذاردم، و ایشان را گفتم:
«شراب بنوشید».
۶ گفتند: «شراب نخواهیم نوشید، زیرا
یوناداب، پسر رکاب، پدر ما، به ما این
حکم را داده: هرگز شراب منوشید، نه شما
و نه پسرانتان؛ ۷ خانه مسازید، کشت
مکنید، تاکستان مکارید، و آن را نداشته
باشید؛ بلکه در طول زندگی تان زیر خیمه
ساکن باشید، تا بر روی زمینی که در آن

d ر.ک. پید ۱۵: ۱۰، ۱۷. شخصی که عهدی با خدا می بست، «با عبور از میان قطعات حیوان قربانی شده»، در واقع می گفت که در صورت شکستن عهد، قبول می کند که دچار سرنوشت آن حیوان شود.

e ر.ک. توضیحات ۱:۱۸.

f فصل ۳۵ به شرح گفت و گویی میان ارمیا و رکابیان می پردازد، گفت و گویی که دارای ارزش و نقش عملی نمادین می باشد: رکابیان به اصول نیاکان خود وفادار می مانند و قاطعانه از تخطی از آنها سر باز می زنند (آیات ۸ ۱۱)، در حالی که اسرائیلیان با بی شرمی، خداوند و اوامرش را نادیده می گیرند. ـ رکابیان با دقت بسیار آرمان های مذهب اسرائیل را آن گونه که مورد اجرای پدران کوچ نشین و قبایل صحرانشین بود، جامهٔ عمل می پوشاندند و از آنها دفاع می کردند، یعنی تمدن کنعانی و شهرهایش و کشتهایشان را در می کردند، خصوصاً تاکستان و ثمرهٔ آن را. ایشان برای خداوند غیرتی سازش ناپذیر داشتند (ر.ک. ۲ـ پاد ۱۰:۱۵ ۱۶).

g ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱:۹.

h ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱۲:۱۰.

ساکنید، روزهای طولانی زندگی کنید. [۸]ما
از تعالیم یوناداب، پسر رکاب، پدرمان، در
هـر آنـچه که به مـا حـکم کـرد، اطـاعت
کـرده‌ایم: در طـول زنـدگی مـان شـراب
نمی نـوشـیم، نه مـا، نه زنـانـمـان، نه
پسرانمان، و نه دخترانمان. [۹]خانه‌ها برای
سکونت نمی‌سازیم، نه تاکستان داریم، نه ۱ توا۲۹:۱۵؛
مـزرعه‌ای بـرای کـشت، [۱۰]و زیـر خـیـمه عبر۱۱:۱۳؛ ۱ پطر۲:۱۱
ساکنیم. ما اطاعت کرده، در هر چیز مطابق
آنچه که یوناداب، پدر ما، ما را حکم کرده،
عمل می‌کنیم. [۱۱]اما زمانی که نبوکدنصر،
پادشاه بابل، بر علیه سرزمین برآمد، گفتیم:
بیایید، به اورشلیم داخل شویم تا از لشکر
کلدانیان و لشکر ارام[i] رهایی یابیم. و
ساکن اورشلیم شدیم».
[۱۲]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسـیـد: [۱۳]چـنـین سـخن می‌گـویـد یـهوهٔ
لشکرها، خدای اسرائیل: برو و به مردمان
یهودا و به ساکنان اورشلیم بگو: آیا عبرت ۱۶:۳۹
نمی‌گـیـریـد تـا به سـخـنـان من گـوش فـرا
دهید؟ ـ وحی یهوه. [۱۴]سخنان یوناداب، ۲۸:۷
پسر رکاب را اجرا می‌کنند: او به پسرانش
حکم کرد که شراب ننوشند، و ایشان تا به
امروز شراب ننوشیده‌اند، و حکم نیای خود
را اطاعت کرده‌اند؛ و من بدون خستگی با
شـمـا سـخن گـفـته‌ام. و شـمـا گـوش فـرا
نداده‌اید! [۱۵]من تمام خدمتگزارانم، انبیا
را بدون خستگی برای شما گسیل داشتم تا
۱۸:۱۱؛ ۳۶:۳؛ ۲ پا۱۷:۱۳، ۲۲ بگـویم: هر یک از شـمـا از راه بد خود باز
گردید، و اعمال خود را اصلاح کنید[j]، و به
۲۵:۶؛ تث۶:۱۴ دنبال خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت
کنید، و بر زمینی که به شمـا و به پدران
۷:۲۶؛ ۳۴:۱۴ شما داده‌ام، ساکن خواهید بود. اما شما
گوش نسپارید و نشنیدید! [۱۶]این چنین،
پسران یوناداب، پسر رکاب، حکمی را که
پدرشان داده بود اجرا کرده‌اند، و این قوم
به من گوش فرا نداده‌اند! [۱۷]به این سبب،
چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای لشکرها،
خدای اسرائیل: اینک بر یهودا و بر تمام
ساکنان اورشلیم، تمام مصیبتی را که بر
۷:۱۳ علیه آنان گفته‌ام خواهم آورد، زیرا که با
ایشان سخن گفتم و ایشان گوش فرا
ندادند؛ ایشا را خواندم و ایشان پاسخ
ندادند!
[۱۸]و ارمیا به خاندان رکابی‌ها گفت:
«چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای
اسرائیل: از آنجا که از حکم یوناداب،
پدرتان، اطاعت کردید و تمامی احکامش
را به‌جا آوردید، و مطابق آنچه که به شما
حکم کرده بود عمل نمودید، [۱۹]بسیار
خوب! چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: یوناداب، پسر رکاب، هرگز
۷:۱۰؛ ۱۵:۱۹ از کسی که در تمامی روزها در حضور من
بایستد، بی‌بهره نخواهد ماند».

i لشکریان *ارامی* احتمالاً در خدمت ارتش بابلی‌ها (کلدانی‌ها) درآمده بودند.
j اصطلاحات مشابه با ۱۸:۱۱؛ نیز ر. ک. ۳:۷، ۵؛ ۲۵:۵؛ ۳۶:۳، ۷؛ زک ۱:۴. در مورد توبه، ر. ک. توضیحات اع ۳:۱۹؛ توضیحات روم ۲:۴.
k ر. ک. توضیحات حزق ۲:۹.

در پیرامون دو نسخهٔ اول وحی‌های ارمیا (۶۰۵-۶۰۴ ق.م)

۳۶ ۱ باری، در سال چهارم یهویاقیم،
پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام
از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: ۲ برای خود طومار کتابی[k] تهیه کن، ۳۰:۲؛
و در آن تمامی سخنانی را که بر علیه ۵۱:۶۰
اورشلیم[l]، و بر علیه یهودا، و بر علیه تمام
ملت‌ها گفته‌ام بنویس، از آن روزی که با تو
سخن گفتم، از روزگار یوشیا تا به امروز.
۳ شاید خاندان یهودا تمام مصیبتی را که در
فکر دارم به ایشان برسانم بشنوند، تا هر ۳۶:۷؛۳۵:۱۵؛
یک از راه بدش بازگشت کنند و من صف۲:۳
خطایشان و گناهشان را بیامرزم.
۴ ارمیا باروک، پسر نیریا را فرا خواند،
و باروک تحت فراخوانی ارمیا، تمام
سخنانی را که یهوه به او گفته بود، در
طومار کتاب نوشت.
۵ ارمیا این حکم را به باروک داد: «من
منع شده‌ام[m]، و نمی‌توانم به خانهٔ یهوه
بروم. ۶ تو برو، و از طوماری که تحت
فروخوانی من نوشته‌ای، تمام سخنان یهوه
را، در روز روزه، به سمع مردم، در
خانهٔ یهوه بخوان؛ آنها را به سمع تمام اهالی
یهودا که از شهرهایشان می‌آیند بخوان.
۷ شاید استغاثهٔ ایشان به حضور یهوه برسد
و هر یک از راه بدش بازگشت کنند؛ زیرا
عظیم است خشم و عظیم است غضبی که ۳:۳۶
۴۲:۱۸
یهوه خطاب به این قوم گفته است».
۸ باروک، پسر نیریا، در همه امور، مطابق
آنچه که ارمیای نبی امر کرده بود، عمل
نمود و از کتاب، سخنان یهوه را در خانهٔ
یهوه خواند.
۹ باری، در سال پنجم یهویاقیم، پسر
یوشیا، پادشاه یهودا، در ماه نهم، روزه‌ای
در حضور یهوه برای تمام جمعیت اورشلیم و
تمام جمعیتی که از شهرهای یهودا به
اورشلیم می‌آمدند، اعلام کردند.
۱۰ باروک از کتاب، سخنان ارمیا را در
خانهٔ یهوه، در اتاق جَمَریاهوی کتاب، پسر
شافان، در صحن فوقانی، در مدخل دروازهٔ ۲ پا۲۱:۵؛
«نو» در خانهٔ یهوه خواند؛ او در سمع تمام ۲ توا۲۰:۵
قوم [خواند].
۱۱ میکایاهو، پسر جَمَریاهو، پسر
شافان[n]، با شنیدن تمام این سخنان یهوه که
در کتاب نوشته شده بود، ۱۲ به خانهٔ
پادشاه، به اتاق کاتب، فرود آمد، و اینک
در آنجا همهٔ بزرگان نشسته بودند، (یعنی)
الیشاماع کاتب، دلایاهو، پسر شَمَعیاهو، و
الناتان، پسر عکبور، و جمریاهو، پسر
شافان و صدقیاهو، پسر حَنَنیاهو، و تمام
بزرگان. ۱۳ میکایاهو همهٔ سخنانی را که
شنیده بود به ایشان گزارش داد، آن هنگام
که باروک از کتاب به سمع قوم می‌خواند.
۱۴ همهٔ بزرگان، یهودی[o]، پسر نَتَنیاهو،
پسر شَلَمیاهو، پسر کوشی را نزد باروک

l در متن عبری، به جای «اورشلیم»، «اسرائیل» قرائت شده: ر.ک. ۳:۶ ۱۳: ۳۰:۱ تا ۳۱:۲۲. ترجمهٔ ما مبتنی است بر دو نسخهٔ خطی مهم از ترجمهٔ یونانی (ر.ک. ۲۵:۲).

m ر.ک. توضیحات نح ۶:۱۰؛ یا شاید در اینجا اشاره به ممنوعیتی است که بر ورود ارمیا به معبد وضع شده بود، ر.ک. ۲۰:۱ ۶.

n پدر او از جملهٔ مدافعین ارمیا بود (آیه ۲۵، ر.ک. آیات ۱۰ و ۱۹)؛ ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

o به احتمال قوی این شخص (پسر کوشی) یعنی حبشی که در نسل سوم یهودی شد.

فرستادند تا [به او] بگویند: «آن طوماری
را که از آن به سمع قوم خواندی، با خود بر
دار و بیا.» باروک، پسر نیریاهو، طومار را
با خود برداشت و نزد ایشان رفت.
۱۵ ایشان به او گفتند: «بنشین و آن را به
سمع ما بخوان». باروک به سمع ایشان
خواند. ۱۶ پس چون تمامی این سخنان را
شنیدند، لرزیدند و به یکدیگر نگاه کردند
و گفتند: «قطعاً ما را لازم است تا تمامی
این سخنان را به پادشاه گزارش دهیم». ۲۴:۳۶
۱۷ و از باروک پرسیده، گفتند: «برای ما
مشخص نما که چگونه تمامی این سخنان را
نوشتی». ۱۸ باروک ایشان را گفت: «او با
صدای بلند این سخنان را بر من فرو
می‌خواند، و من با مرکب در کتاب
می نوشتم». ۱۹ بزرگان به باروک گفتند:
«برو و خود را مخفی ساز، همچنین ارمیا را
و هیچ کس نداند شما کجا هستید». ۲۰ و
بعد، پس از آنکه طومار را در اتاق الیشاماع
کاتب قرار دادند، نزد پادشاه به دربار
رفتند، و تمام ماجرا را به سمع پادشاه
گزارش دادند.
۲۱ پادشاه یهودی را فرستاد تا طومار
رابردارد، و وی آن را از اتاق الیشاماع
کتاب برداشت. یهودی آن را به سمع پادشاه
و به سمع همهٔ بزرگانی که نزد پادشاه
ایستاده بودند، خواند. ۲۲ پادشاه در خانهٔ
زمستانی نشسته بود ـ ماه نهم بود ـ و در

مقابل او، منقلی افروخته[p] قرار داشت.
۲۳ پس به محض اینکه یهودی سه یا چهار
ستون خوانده بود، [پادشاه] آنها را با
قلمتراش کتاب می‌برید و آنها را در آتش
منقل می‌انداخت، تا اینکه تمام طومار
کاملاً در آتش منقل ناپدید شد. ۲۴ پادشاه
۳۶:۱۶؛ ۲:۱۹؛ ۲۲:۵ و تمام خدمتگزارانش که همهٔ این سخنان
را شنیدند، نلرزیدند و جامه‌های خود را
پاره نکردند. ۲۵ با وجود این، الناتان و
دلایاهو و جَمَریاهو نزد پادشاه وساطت
کردند تا طومار را نسوزانند؛ اما او به
ایشان گوش نگرفت. ۲۶ آنگاه پادشاه به
یرَحمئیل، پسر پادشاه[q]، و به سرایاهو، پسر
عَزرَئیل، و به شَلَمیاهو، پسر عَبدئیل دستور
داد تا باروک کاتب و ارمیای نبی را
بگیرند. اما یهوه ایشان را پنهان ساخت.
۲۷ پس از آنکه پادشاه طومار حاوی
سخنانی را که ارمیا تحت فروخوانی باروک
نوشته بود سوزاند، کلام یهوه به ارمیا فرا
رسید: ۲۸ طومار دیگری برای خود تهیه کن
و بر روی آن تمامی سخنانی را که روی
طومار اول بود و به دست یهویاقیم، پادشاه
یهودا سوزانده شد، بنویس. ۲۹ و بر علیه
یهویاقیم، پادشاه یهودا بگو: یهوه چنین
سخن می‌گوید: تو این طومار را سوزاندی
و گفتی: چرا در آن نوشتی: پادشاه بابل
یقیناً خواهد آمد؛ او این سرزمین را ویران
۹:۹؛ ۲۳:۱۱ خواهد کرد و از آن انسان و حیوان را نابود

p قرائت ترجمه یونانی و آرامی و سریانی: «آتشی در منقلی افروخته». در عبری، یک حرف بی‌صدا ظاهراً به طرز بدی انتقال یافته است.

q «پسر پادشاه» قرائتی است تحت اللفظی، اما الزاماً این شخص پسر پادشاه وقت نبوده، زیرا طبق ۲ـ پاد ۲۳:۳۶، این پادشاه هنوز از مرز سی سالگی نگذشته بود.

خـواهـد سـاخت؟ ۳۰ به این سـبب، چـنـین
سـخن می گویـد یـهـوه بـر علیه یـهـویـاقـیم،
پادشاه یهودا: برای او هیچ کس نخواهد بود
که بـر تـخت سـلـطـنت داود بـنـشـیـنـد، و
جسـدش به گـرمـای روز و به سـرمـای شب
۸:۲؛ پا ۲۵:۲ افکنده خواهد شد[r]. ۳۱ او، و اعقابش، و
خدمتگزارانش را به مجازات خطایشان
خواهم رساند، و بر ایشان، و بر ساکنان
اورشلیم، و بر مردمان یهودا، تمام مصیبتی
را که دربـاره اش بـا ایشان سخن گفته ام،
بدون آنکه ایشان گوش سپرده باشند، وارد
۱۷:۳۵ خواهم آورد.
۳۲ ارمیا طومار دیگری بر گرفت و آن را
به باروک کاتب، پسر نیریاهو، سپرد؛ و
وی، تحت فروخوانی ارمیا، تمام سخنان
طوماری را که یهویاقیم، پادشاه یهودا، به
آتش سوزانده بود، در آن نوشت. و بسیاری
سخنان مانند آنها باز به آنها افزوده شد.

صدقیا به ارمیا گوش نمی سپارد، اما ارتباطش را با او قطع نمی کند[s]

۳۷ ۱ صدقیا پادشاه، پسر یوشیا، بر
جای کُنیاهو[t]، پسر یـهـویـاقـیم،
سـلـطـنت کـرد؛ او را نـبـوکـدنـصـر، پـادشاه
بابل، در سرزمین یهودا پادشاه ساخته بود.
۲ اما نه او، و نه خدمتگزارانش، و نه مردم
سرزمین[u]، به سخنانی که یهوه به واسطهٔ
خدمت ارمیـای نـبی فـرمـوده بـود، گوش
نسپردند. ۳ صدقیا پادشاه یهوکَل، پسر
۷:۱۶؛ ۴۲:۲؛ ۱ پا ۱۳:۶؛ ۲ پا ۱۹:۴ شَلَمیا، و صَفَنیاهوی کاهن، پسر معسیا[v]، را
نزد ارمیا فرستاد تا [به او] بگوید: «برای
ما نزد یهوه، خدای ما، دعا کن[w].» ۴ در آن
هـنـگـام، ارمـیـا در مـیـان قـوم آمـد و شـد
می کرد؛ او را [هنوز] به زندان نینداخته
بودند.

توقف محاصره ... این توقف کوتاه مدت خواهد بود

۵ با این حال (یا: در این میان؟)، سپاه
فرعون از مصر بیرون آمده بود، و کلدانیان
که اورشلیم را در محـاصـره داشـتـنـد، بـا
شنیدن این خبر، از اورشلیم دور شدند.
۶ کلام یهوه به این مضمون به ارمیای نبی
فرا رسید: ۷ یهوه، خدای اسرائیل، چنین
سخن می گوید: به پادشاه یهودا که شما را
نزد من فرستاده تا از من مشورت بگیرد،
چنین بگویید: اینک سپاه فرعون که برای
۲:۲۱ یاری شما حرکت می کرد، به سرزمین خود،
۲۴،۲:۳۲ مصر، باز خواهد گشت. ۸ کلدانیان مراجعه
کرده، بر علیه این شهر خواهند جنگید و آن
را گرفته، به آتش خواهند سوزاند. ۹ یهوه
چنین سخن می گوید: خود را فریب مدهید
و مگویید: کلدانیان به یقین از ما دور
خواهند شد؛ زیرا نخواهند رفت. ۱۰ حتی

r ر. ک. توضیحات ۲۲: ۱۹. *البته پسر او بر جایش نشست، اما فقط سه ماه سلطنت کرد* (ر. ک. توضیحات ۳:۱).
s ر. ک. توضیحات ۳:۱.
t ر. ک. توضیحات ۳:۱.
u ر. ک. توضیحات ۱۸:۱.
v ر. ک. توضیحات ۱:۲۱.
w در زمینهٔ روابط میان ارمیا و صدقیا، ظاهراً پیش از وقفه در محاصره، ر. ک. ۳۴ و ۱:۲۱ - ۱۰.

اگر تمام لشکر کلدانیان را که بر علیه شما
می‌جنگند شکست بدهید و از ایشان جز
مجروحانی رو به مرگ باقی نماند، هر یک
در خیمهٔ خود بر نخواهند خاست و این شهر
را به آتش خواهند سوزاند.

ارمیا را به جرم خیانت بازداشت کرده، در سیاهچال حبس می‌کنند

[۱۱]پس چون لشکر کلدانیان، با نزدیک
شدن سپاه فرعون، دور شد، [۱۲]ارمیا بر آن
شد تا از اورشلیم خارج شده، به سرزمین
بنیامین برود و در آنجا در میان خویشانش به
امور تقسیم (ارث) رسیدگی کند. [۱۳]چون ۸:۳۲
در دروازهٔ بنیامین بود، جایی که رئیس
نگهبانان به نام یرئیا، پسر شَلَمیا، پسر حَنَنیا
بود، وی ارمیای نبی را گرفت و گفت: «نزد
کلدانیان می‌روی!» [۱۴]ارمیا گفت: «درست
نیست! نزد کلدانیان نمی‌روم». یرئیا به او
گوش نکرد؛ او ارمیا را گرفت و نزد بزرگان
بود. [۱۵]بزرگان بر ارمیا خشم گرفتند و او را
زدند و در خانهٔ یهوناتان کاتب حبس
کردند، زیرا آنجا را تبدیل به زندان نموده
بودند. [۱۶]بدینسان، ارمیا به سیاهچالی با
سقفی گنبدی شکل وارد شد. ارمیا روزهای
بسیار در آنجا ماند.

گفتگوی پنهانی با صدقیا و انتقال به صحن نگهبانان

[۱۷]صدقیا پادشاه فرستاد و او را برگرفت
و پادشاه در خانهٔ خویش، در نهان از او
سؤال کرد و گفت: «آیا از جانب یهوه
کلامی هست؟» ارمیا گفت: «آری!» سپس
گفت: «تو به دست‌های پادشاه بابل سپرده
خواهی شد». [۱۸]ارمیا به صدقیا پادشاه
گفت: «در چه امری در حق تو و در حق
خدمتگزارانت و در حق این قوم گناه
کرده‌ام که مرا به زندان انداخته‌ای؟
[۱۹]پس کجایند انبیای شما که نبوت
کرده‌اند و گفته‌اند: پادشاه بابل بر علیه
شما و بر علیه این سرزمین نخواهد آمد؟
[۲۰]و اینک، ای سرورم پادشاه، لطف کرده،
بشنو! باشد که استدعایم به پیشگاهت
برسد: مرا به خانهٔ یهوناتان کاتب باز
مگردان، مبادا که در آنجا بمیرم!»
[۲۱]صدقیا پادشاه امر کرد که ارمیا را در
صحن نگهبانان تحت نظر نگاه دارند و هر
روز از کوچهٔ نانوایان به او گرده‌ای نان
کوچک بدهند، تا آن هنگام که تمامی نان
شهر به انتها برسد. ارمیا در صحن
نگهبانان ماند. ۲۸،۱۳،۶:۳۸

ارمیا را به آب انبار می‌افکنند، اما عبدملك او را بیرون می‌آورد

۳۸ [۱]شَفَطیا، پسر مَتّان، و جَدَلیاهو،
پسر فَشحور، یوکَل، پسر شَلَمیاهو،
و فَشحور، پسر مَلکیا[x]، سخنانی را که ارمیا
به تمام قوم می‌گفت شنیدند: [۲]یهوه چنین
سخن می‌گوید: آن کس که در این شهر ۹:۲۱
بماند، با شمشیر و با قحط و با طاعون
خواهد مرد؛ آن کس که به کلدانیان تسلیم
شود، زنده خواهد ماند؛ زندگی‌اش را به
غنیمت خواهد برد، و زنده خواهد ماند[y].

x ر.ک. توضیحات ۱:۲۱.
y ر.ک. توضیحات ۹:۲۱. *ارمیا از همان آغاز محاصره، همین پیغام را اعلام می‌کند.*

۳یهوه چنین سخن می گوید: این شهر به
یقین به لشکر پادشاه بابل سپرده خواهد شد
و او آن را خواهد گرفت».
۴بزرگان به پادشاه گفتند: «بادا که این
مرد کشته شود، چرا که مردان جنگی را که
در این شهر مانده اند، و نیز تمام قوم را، با
گفتن چنین سخنانی به ایشان، دلسرد
می کند[z]. در واقع، این مرد در پی نجات
این قوم نیست، بلکه در پی تیره بختی شان
می باشد». ۵صدقیا پادشاه گفت: «اینک
او در دست شما است، زیرا پادشاه
دان۶:۱۶؛ ۳۰:۱۴ نمی تواند کاری بر علیه شما بکند[a].»
۶ایشان ارمیا را گرفتند و او را در آب انبار
مَلکیاهو، پسر پادشاه[b]، در صحن نگهبانان
افکندند؛ ایشان ارمیا را با طناب به داخل
فرو فرستادند. در آب انبار آب نبود، اما
گل بود، و ارمیا در گل فرو رفت.
۷عَبَدملک کوشی، خواجه سرایی در خانهٔ
پادشاه، آگاهی یافت که ارمیا را در آب
انبار افکنده اند. هنگامی که پادشاه بر
دروازهٔ بنیامین نشسته بود. ۸عَبَدملک از
خانهٔ پادشاه خارج شد و به این مضمون با
پادشاه سخن گفت: ۹«ای سرورم، پادشاه،
این مردان در هر آنچه که با ارمیای نبی
انجام داده اند، بد کرده اند؛ او را در آب
انبار انداخته اند و در آنجا بی درنگ از
گرسنگی خواهد مرد، زیرا در شهر دیگر نان
نیست». ۱۰پادشاه این فرمان را به
عبدملک کوشی داد: «از اینجا سه مرد بر
گیر و ارمیای نبی را پیش از آنکه بمیرد، از
آب انبار بیرون آور». ۱۱عبدملک مردانی
با خود برداشت و به خانهٔ پادشاه، به لباس
خانه[c] درآمد؛ از آنجا پارچه های کهنه و
رخت های قدیمی برگرفت و آنها را با
طناب ها به آب انبار برای ارمیا فرستاد.
۱۲عبدملک کوشی به ارمیا گفت: «این
پارچه ها و رخت ها را از روی طناب ها زیر
بغلت بگذار». ارمیا چنین کرد. ۱۳ارمیا را
با طناب ها کشیدند و از آب انبار بر
آوردند. ارمیا در صحن نگهبانان ساکن ۲۸:۳۸
شد.

آخرین دیدار با صدقیا

۱۴صدقیا پادشاه فرستاد تا ارمیای نبی را
بیاورند، [و او را] نزد خود، به ورودی سوم
خانهٔ یهوه [آورد]. پادشاه به ارمیا گفت:
«چیزی دارم از تو بپرسم، از من هیچ چیز را
مخفی مدار». ۱۵ارمیا به صدقیا
گفت: «اگر آن را به تو بگویم، آیا مرا
نخواهی کشت؟ و اگر به تو مشورت بدهم،
به من گوش نخواهی سپرد!» ۱۶صدقیا
پادشاه در نهان این سوگند را برای ارمیا یاد
کرد: «به حیات یهوه که این زندگی را به ما ۴:۲:۶؛ ۱۶:۱۴؛ ۲۶:۴۴
داده است! تو را نخواهم کشت و تو را به
دست های این مردان که قصد جانت را
دارند نخواهم سپرد».

z تحت اللفظی: «دستها را سست می کند (یا: شل می کند)» (ر.ک. ۶:۲۴؛ ایوب ۱۲:۲۱).
a در ترجمهٔ یونانی، این عبارت اخیر توضیحی است از جانب راوی. لذا چنین قرائت می شود: «زیرا پادشاه نمی توانست کاری بر علیه ایشان انجام دهد».
b در مورد «پسر پادشاه» ر.ک. توضیحات ۳۶:۲۶. مطابق ۲ـ پاد ۲۴:۱۸، صدقیا می بایست در این زمان ۳۰ ساله بوده باشد.
c کلمه اصلاح شده طبق ۲پا ۱۰:۲۲.

۱۷ ارمیا به صدقیا گفت: «یهوه، خدای
لشکرها، خدای اسرائیل چنین سخن
می‌گوید: اگر بپذیری که به بزرگان پادشاه
بابل تسلیم شوی، زندگی‌ات در امان
خواهد بود، و این شهر به آتش نخواهد
سوخت؛ تو زنده خواهی ماند، هم تو و هم
خویشانت. ۱۸ اما اگر به بزرگان پادشاه
بابل تسلیم نشوی، این شهر به دست
کلدانیان سپرده خواهد شد و آن را به آتش
خواهند سوزاند؛ و تو از دست ایشان رهایی
نخواهی یافت». ۱۹ صدقیا پادشاه به ارمیا
گفت: «من به سبب اهالی یهودا که به
کلدانیان پیوسته‌اند نگرانم؛ شاید مرا به
دست ایشان بسپارند و مرا استهزاء کنند».
۲۰ ارمیا گفت: «[تو را] نخواهند سپرد.
پس به صدای یهوه در آنچه تو را می‌گویم
۶:۴۲ گوش فرا ده؛ برای تو خیریت خواهد شد و
زندگی‌ات در امان خواهد بود. ۲۱ اما چنان
چه از تسلیم شدن سر باز بزنی، این است
آنچه که یهوه به من نشان داده: ۲۲ تمام
زنانی که در خانهٔ پادشاه یهودا مانده‌اند،
نزد بزرگان پادشاه بابل برده خواهند شد و
خواهند گفت:

تو را فریفتند و بر تو غالب شدند،
عو۷ آن دوستان صمیمی‌ات[d]!
همین که پای‌هایت در لجن فرو رفت،
پا به فرار گذاشتند!

۲۳ جمله زنان و پسرانت را نزد کلدانیان
خواهند بر؛ خودت (نیز) از دست ایشان
نخواهی رست، بلکه به دست پادشاه بابل
گرفتار خواهی آمد؛ اما درباره این شهر، آن
به آتش خواهد سوخت».
۲۴ صدقیا به ارمیا گفت: «مبادا کسی از
این سخنان آگاهی یابد، و تو نخواهی مرد.
۲۵ اگر بزرگان بشنوند که با تو سخن
گفته‌ام و بیایند و تو را بیابند و به تو
بگویند: ما را از آنچه به پادشاه گفته‌ای و
از آنچه پادشاه به تو گفته، اطلاع بده؛ از ما
چیزی را مخفی مکن و تو را نخواهیم کشت
- ۲۶ به ایشان بگو: استدعای خود را نزد
پادشاه مطرح کردم تا مرا به خانهٔ یهوناتان
باز نگرداند تا در آنجا بمیرم».
۲۷ (پس) تمام بزرگان آمده، ارمیا را
یافتند و او را مورد پرسش قرار دادند. او
ایشان را طبق همان مضمونی که پادشاه
تصریح کرده بود اطلاع داد، و ایشان او را
راحت گذاردند، زیرا گفتگو شنیده نشده
بود. ۲۸ ارمیا در صحن نگهبانان (یا: صحن
۱۳:۳۸؛ ۱۵ ۱۴:۳۹ زندان) ماند تا روزی که اورشلیم گرفته
شد.

پس چون اورشلیم گرفته شد...

پس از تصرف اورشلیم (و پیش از آن)

۳۹ ۱ در سال نهم صدقیا، پادشاه یهودا،
در ماه دهم[e]، نبوکدنصر، پادشاه
بابل به تمامی لشکرش به مقابل اورشلیم
رسیدند و آن را به محاصره درآوردند. ۲ در

d تحت اللفظی: «مردان صلح توش (۲۰: ۱۰؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴). منظور آن محفل کوچکی است که همه امور با ایشان در میان گذاشته می شد.

e در ۴:۵۲ و ۲-پاد ۱:۲۵ چنین تصریح شده: «ده ماه» (لذا در پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.، ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۱:۲۵). در خصوص آیات ۱ و ۲ که در حکم پرانتز هستند، ر.ک. ۴:۵۲ ۷ و ۲-پاد ۱:۲۵ ۴.

سال یازدهم صدقیا، در ماه چهارم، روز نهم
ماه[f]، شکافی در دیوار شهر زده شد. ۳ آنگاه
جمله بزرگان پادشاه بابل وارد شدند و در
دروازهٔ «میانی»[g] استقرار یافتند، (یعنی)
نَرجَل شَراَصَر و سَمجَرنَبو[h]، و سرسَکیم،
خواجهٔ بزرگ[i]، و نَرجَل شَراَصَر، مجوسی
بزرگ، و سایر بزرگان پادشاه بابل.
۴ چون صدقیا، پادشاه یهودا، و تمامی
مردان جنگی این را دیدند، گریختند و
شبانه از راه باغ پادشاه، از دروازهٔ میان دو
دیوار[j] از شهر خارج شدند و راه عربه را در
پیش گرفتند. ۵ سپاه کلدانیان ایشان را
دنبال کردند و در صحرای اریحا به صدقیا
رسیدند. پس او را گرفتند و نزد پادشاه
نبوکدنصر، بابل در ربله، در سرزمین ۳۰:۴۴
حَمات آوردند، و او داوریها بر وی اعلام
نمود. ۶ پادشاه بابل در مقابل چشمان
صدقیا، پسران اورا در ربله گردن زد؛ ۹:۵۲
پادشاه بابل همچنین کلیهٔ اشراف یهودا را
گردن زد. ۷ سپس چشمان صدقیا را درآورد
و او را با زنجیر برنجین دولایه بست تا او
را به بابل ببرد.
۸ کلدانیان خانهٔ پادشاه و خانه‌های
خواص را به آتش سوزاندند و سپس

دیوارهای اورشلیم را فرو کوبیدند. ۹ بقیهٔ ۶:۵
جمعیتی را که در شهر مانده بودند، و
خائنانی را که به او پیوسته بودند، و بقیه
صنعتگران را، نبوزَرَدان، فرمانده
محافظان به بابل تبعید کرد. ۱۰ اما مردمان
حقیر را که چیزی نداشتند، نبوزَرَدان[k]،
فرمانده محافظان بخشی از ایشان را در
سرزمین یهودا باقی گذارد و در آن روز، به
ایشان تاکستان و مزرعه داد.
۱۱ نبوکدنصر، پادشاه بابل، دربارهٔ ارمیا
به نبوزردان، فرمانده محافظان چنین دستور
داد: ۱۲ «او را بگیر و به او توجه کن و هیچ
آسیبی به او مرسان، بلکه با او آن گونه ۴:۴۰
رفتار کن که به تو گوید». ۱۳ پس
نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان[l]، و نبوشَزبان،
خواجهٔ بزرگ، و نَرجَل ـ شَر ـ اَصَر، مجوس
بزرگ، و تمام افسران بزرگ پادشاه
بابل[m]، ۱۴ فرستادند و ارمیا را از صحن
محافظان برگرفتند و او را به جُدَلیا، پسر ۱:۳۳
اخیقام، پسر شافان[n] سپردند تا او را به
خانهٔ خود ببرد. پس او در میان قوم ساکن
شد.

f پایان ژوئن ۵۸۷ ق.م.
g احتمالاً منظور دروازه‌ای است در داخل شهر که معمولاً در مقابل آن، محوطه‌ای عمومی قرار داشت.
h قرائت عبری: «نرجل ـ شر ـ اصر سَمجَر».
i ر.ک. دان ۱:۳ و توضیحات. طبق آیه ۱۳، این مقام را نبوشزبان دارا بود.
j ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۴:۲۵، و برای آیات بعدی تا آیه ۱۰، سایر توضیحات ار ۷:۵۲ ۱۶ و ۲ـ پاد ۴:۲۵ ۱۲.
k این نام فقط در متن عبری تکرار شده است.
l طبق ۱۲:۵۲ (۲ـ پاد ۸:۲۵)، وی قاعدتاً باید یک ماه پس از زمان گشوده شدن شکاف، به اورشلیم رسیده باشد (آیه ۲).
m آیه ۱۳ تقریباً همان عناوین آیه ۳ را تکرار می کند. در شکل نخستین متن، آیه ۱۴ می بایست درست بعد از آیه ۳ آمده باشد، به این شکل: «و سایر بزرگان پادشاه بابل، و فرستادند و ارمیا را ...» آیات ۴ ۱۳ در ترجمه یونانی نیست.
n ر.ک. توضیحات ۲۴:۲۶.

نجات عَبَدملک[o]

[15]در طـول مـدتی که ارمـیـا در صـحن
محافظان در بازداشت بود، کلام یهوه به
این مضمون به او فرا رسید: [16]«برو به
عَبَدملک کوشی بگو: یهوهٔ لشکرها، خدای
اسرائیل چنین سخن می گوید: اینک ۱۳:۲۸
سخنانم را دربارهٔ این شهر به انجام خواهم
رساند، برای تیره بختی و نه برای سعادت؛
در آن روز، آنها در مقابل چشمانت خواهند
بود. [17]اما در آن روز تو را نجات خواهم
داد - وحی یهوه - و تو به دست مردمانی که ۱۳:۲۰
از ایشان می هراسی سپرده نخواهی شد؛
[18]چرا که به یقین تو را رهایی خواهد داد و
به شمشیر نخواهی افتاد، و زندگی ات را به
غنیمت خواهی برد[p]؛ زیرا به من اعتماد
کرده ای - وحی یهوه.

دربارهٔ جُدُلیا

۴۰ [1]کلامی[q] که از سوی یهوه به ارمیا
فرا رسید، بعد از آنکه نبوزَرَدان،
فرمانده محافظان، او را از رامه باز پس
فرستاد، و گفت که او را برگیرند، آن
هنگام که او در میان تمامی تبعیدیان
اورشلیم و یهودا که به بابل می فرستادند با
زنجیر بسته شده بود.
[2]فرماندهٔ محافظان ارمیا را برگرفت و
به او گفت: «یهوه، خدایت، دربارهٔ این
مصیبت برای این مکان سخن گفته بود، [3]و
آن را به انجام رسانده؛ یهوه مطابق آنچه
گفته بود عمل کرده است. این برای شما
روی داده به آن سبب که به یهوه گناه
کرده اید و به صدایش گوش نگرفته اید.
[4]و اینک، من امروز تو را از زنجیرهایی که
بر دستت است رهایی می دهم. اگر راضی
هستی که با من به بابل بیایی، بیا و به تو
توجه خواهم نمود؛ اما اگر راضی نیستی که
با من به بابل بیایی، خود را هیچ مرنجان. ۱۲:۳۹
ببین، تمام سرزمین در برابر تو است؛ هر جا
که تو را پسند آید و هر جا که برایت پید۱۳:۹؛ ۱۵:۲۰
مناسب است که بروی برو». [5]و چون هنوز
باز نمی گشت[r]، [گفت]: «باز گرد نزد
جُدُلیا، پسر اخیقام، پسر شافان، که پادشاه
بابل او را بر تمام شهرهای یهودا حاکم[s]
مقرر کرده و با او در میان قوم سکونت
بگزین، یا به هر جا که برایت مناسب است
که بروی، برو». فرمانده محافظان به او
توشه و هدیه ای داد و او را مرخص کرد.
[6]ارمیا نزد جَدُلیا، پسر اخیقام، به مصفه
رفت و با او ساکن شد، در میان قومی که
در سرزمین باقی مانده بودند.
[7]تمام رؤسای نظامیان که در صحرا ۲پا۲۵:۲۳
بودند، هم ایشان و هم مردانشان، آگاهی
یافتند که پادشاه بابل، جُدُلیا، پسر اخیقام
را حاکم سرزمین ساخته و به او مردان و

o ر.ک. ۷:۳۸ ۱۳

p ر.ک. ۹:۲۱.

q مشخص نشده که این کلام چه بوده است. لذا بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «کلام از جانب یهوه بر ارمیا فرا رسید، بعد از آنکه ...».

r این قرائت متن عبری نامفهوم است و درک آن مستلزم توسل به حدسیات بسیار می باشد. طبق ترجمه یونانی و آرامی و ولگات، و با جابجایی دو کلمه، بعضی دیگر این عبارت را این چنین ترجمه کرده اند: «اگر نمی خواهی با من بمانی،...»

s این شخص نماینده گروه طرفدار بابلی ها است که موقتاً برای ادارهٔ امور مناطق تصرف شده گمارده شده است.

زنان و فرزندان سپرده، و (نیز) آن مردمان
حقیر سرزمین را که به بابل تبعید نشده
بودند. ۸ایشان نزد جدلیا به مصفه[t] رفتند؛
ایشان اسماعیل پسر نَتَنیاهو، و یوحَنان،
پسر قاریح، و سرایا پسر تَنحومت، و پسران
عیفای نَطوفاتی، و یزَنیاهو پسر مَعکاتی،
بودند، هم ایشان و هم مردانشان. ۹جدلیا
پسر اخیقام، پسر شافان برای ایشان و نیز
برای مردانشان این سوگند را یاد کرد: «از
خدمت کردن به کلدانیان مترسید؛ در
سرزمین بمانید، و پادشاه بابل را خدمت
کنید، و از آن برای شما خیریت خواهد
رسید. ۱۰من نیز اینک در مصفه ساکنم تا
تحت اوامر کلدانیان باشم که نزد ما
خواهند آمد. اما شما شراب و میوه و روغن
برداشت کنید و آنها در ظرف ها
بگذارید[u]، و در شهرهایی که اشغالشان
کرده اید ساکن شوید».
۱۱تمامی اهالی یهودا که در موآب، نزد
بنی عَمّون و در ادوم بودند، و آنانی که در
همهٔ سرزمین ها بودند، ایشان نیز آگاهی
یافتند که پادشاه بابل بازمانده ای را در
یهودا باقی گذاشته است[v] و برای ایشان
جدلیا، پسر اخیقام، پسر شافان را در مقام
حاکم قرار داده است. ۱۲همهٔ اهالی یهودا[w]
از تمام مکان هایی که به آنها رانده شده
بودند، بازگشتند؛ چون به سرزمین یهودا،
نزد جدلیا به مصفه رسیدند، شراب و میوه
به مقدار زیاد برداشت کردند.

قتل جدلیا

۱۳یوحَنان پسر قاریح و تمامی رؤسای
نظامیان که در صحرا بودند، نزد جدلیا به
مصفه رفتند؛ ۱۴و به او گفتند: «آیا
می دانی که بَعلیس، پادشاه بنی عمّون،
اسماعیل پسر نَتَنیا را فرستاده تا به جان تو
سوء قصد کند؟» جدلیا پسر اخیقام ایشان
را باور نکرد. ۱۵یوحنان پسر قاریح به
جدلیا در نهان در مصفه گفت: «به من
اجازه بده تا بروم اسماعیل پسر نتنیا را
بزنم، بدون آنکه کسی بداند. چرا باید به
جان تو سوء قصد کرد؟ چرا باید تمامی
اهالی یهودا که نزد تو گرد آمده اند پراکنده
شوند، و چرا باید بازماندهٔ یهودا هلاک
گردند؟» ۱۶جدلیا پسر اخیقام به یوحنان ۲:۴۲
پسر قاریح گفت: «این کار را مکن، زیرا
در مورد اسماعیل دروغ می گویی».

۴۱ ۱باری، در ماه هفتم[x]، اسماعیل ۲ پاد ۲۵:۲۵
پسر نتنیا پسر الیشاماع، که از نسل
شاهان بود، با ده مرد نزد جُدَلیا پسر اخیقام

[t] در مورد این آیه، ر.ک. توضیحات ۲ـپاد ۲۳:۲۵.
[u] منظور تدارک دیدن ذخیره است.
[v] در اینجا منظور آن «بازمانده ای» نیست که قرار است جوانهٔ قوم وعده باشد (ر.ک. ۳:۲۳؛ ۷:۳۱؛ توضیحات اش ۲:۴). طبق فصل ۲۴، این بازمانده قوم وعده در میان تبعیدیان سال ۵۹۷ ق.م. می باشد؛ ر.ک. توضیحات حجی ۱:۱۲.
[w] تکرار این عبارت در متن عبری آمده است.
[x] ماه های سپتامبر ـ اکتبر (ر.ک. توضیحات زک ۵:۷). سال این رویداد تصریح نشده است. اگر این امر در همان سال تصرف شهر روی داده باشد (۵۸۷ ق.م) و با توجه به اینکه جدلیا در ماه پنجم از سوی نبوزردان به این مقام گمارده شد (ر.ک. توضیحات ۱۳:۳۹)، در این صورت او بیش از دو ماه در این منصب نمانده است، ر.ک. توضیحات ۲ـپاد ۲۵:۲۵.

به مصفه رفت، و در آنجا، در مصفه، با
یکدیگر ضیافت تدارک دیدند.
۲اسماعیل پسر نتنیا برخاست، همچنین آن
ده مرد که با او بودند؛ ایشان جدلیا پسر
اخیقام پسر شافان را به شمشیر زدند، و او
را به قتل رساندند، هم او را که پادشاه
بابل حاکم سرزمین مقرر کرده بود. ۳و
تمامی اهالی یهودا که با در مصفه بودند، و
همچنین تمام کلدانیانی که در آنجا بودند،
(یعنی) مردان جنگی را، اسماعیل ایشان را
زد.
۴و در فردای آن روز که جدلیا را به قتل
رسانده بودند، بدون آنکه کسی از آن
باخبر شود، ۵مردانی از شکیم و شیلوه و
سامره، که تعدادشان هشتاد نفر بود، با
ریش تراشیده و جامه های چاک زده و
[بدن های] پوشیده از جراحات، آمدند و
با خود هدیه آردی و بخور داشتند تا آنها را
به خانهٔ یهوه[y] ببرند. ۶اسماعیل پسر نتنیا
به استقبال ایشان از مصفه بیرون آمد؛
ایشان گریه کنان راه می پیمودند[z]. چون به
بنسی۱۲:۱۶ آنان رسید، او به ایشان گفت: «نزد جدلیا
پسر اخیقام بیایید». ۷پس وقتی به میان
شهر رسیدند، اسماعیل پسر نتنیا، ایشان را
گردن زد و به وسط آب انبار [انداخت]،
۱ مکا۷:۱۹ هم او و هم مردانی که با او بودند.

۸اما در میان ایشان ده مرد بودند که به
اسماعیل گفتند: «ما را به قتل مرسان، زیرا
ما را آذوقه ای پنهان در صحرا هست،
(یعنی) گندم و جو و روغن و عسل». آنگاه
او از کشتن ایشان در میان برادرانشان چشم
پوشید. ۹آب انباری که اسماعیل تمام
اجساد مردانی را که زده بود در آن
انداخت، آب انبار بزرگی[a] بود، همان که
آسا پادشاه بر علیه بعشا، پادشاه اسرائیل[b]
ساخته بود؛ همین بود که اسماعیل پسر
نَتَنیاهو از قربانیان پر کرد. ۱۰اسماعیل
تمام بازماندهٔ قوم را که در مصفه بودند، و
نیز دختران پادشاه را که بوزَرَدان، فرماندهٔ
محافظان به جدلیا پسر اخیقام سپرده بود، به
اسارت برد؛ اسماعیل پسر نتنیا ایشان را به
اسارت برد و به راه افتاد تا نزد بنی عمّون
برود.
۱۱وقتی یوحنان پسر قاریح و همهٔ رؤسای
نظامیان که با او بودند، از تمام بدی که
اسماعیل پسر نتنیا کرده بود مطلع شدند،
۱۲جمیع مردان خود را بر گرفتند و رفتند تا
با اسماعیل پسر نتنیا بجنگند. ایشان او را
در نزدیکی «آبهای» بزرگ جبعون یافتند.
۱۳پس تمام قومی که با اسماعیل بودند، با
دیدن یوحنان پسر قاریح و همهٔ رؤسای
نظامیان که با او بودند، به وجد آمدند.

y منظور شاید معبد ویران شدهٔ اورشلیم یا عبادتگاهی در مصفه باشد. این راهپیمایی نیز شاید زیارتی سنتی و با تاریخی ثابت بوده، یا به مناسبت ویرانی معبد اورشلیم انجام می گرفته است. وارد ساختن جراحت بر خویشتن یکی از آیینهای بت پرستی کنعانیان وهمسایگانشان بود که انرا به افتخار خدایا نشان به جا می آوردند(۴۷:۵:۱ پادشاهان۱۸:۲۸). این عمل در شریعت منع شده بود(لاو۱۹:۲۸:۲۱:۵:تث۱۴:۱)؛ بااینحال اسرائیلیان کماکان انرا بجا میآوردند(۴۱:۵:هو۷:۱۴).
z طبق متن عبری، این اسماعیل بود که گریان می رفت. ترجمه ما منطبق است با ترجمه یونانی.
a قرائت عبری: «به دست جدلیا» (که این متن ظاهراً مخدوش است).
b ر.ک. ۱ـ پاد ۱۵:۲۲: ۱۶:۱۸ و توضیحات.

۱۴تـمـام قـومی که اسـمـاعـیل از مصـفه به
اسارت می برد، روی برگردانیدند و رفتند
تا به یوحنان پسر قاریح بپیوندند. ۱۵اما ۱۶،۱۰:۴۱
اسماعیل پسر نتنیا با هشت مرد از دست
یوحنان گریخت و نزد بنی عَمون رفت.
۱۶یوحنـان پسر قـاریح و تـمام رؤسـای
نظامیان که با او بودند، تمام بازماندهٔ قوم
را که اسماعیل پسر نتنیا از مصفه به اسارت
برده بود، بعد از آنکه جدلیا پسر اخیقام را
زده بود، برگرفتند، (یعنی) مردان جنگی،
زنان، کودکان و خواجگان را که از جبعون
می بردند[c]. ۱۷ایشان به راه افتادند و در
جیروت ـ کـمهام[d] که در کـنـار بـیت‌لحم
است، توقف کردند؛ قصد این بود که به
مصر بروند، ۱۸به دور از کلدانیان که از
ایشان می ترسیدند، زیرا اسـماعیل پسر
نتنیا، جدلیا پسر اخیقام را که پادشاه بابل ۱۱:۴۲
او را حاکم مقرر کرده بود، زده بود.

فرار به مصر علی‌رغم کلام خداوند

۴۲ ۱آنگاه تمامی رؤسای نظامیان و
نیز یوحنان پسر قاریخ و عزریا[e] پسر
مَعسیا و تـمام قـوم، از کوچک تـرین تـا ۱۳،۸:۴۰
بزرگ ترین، پیش آمده، ۲به ارمیـای نبی
گفتند: «بادا که استدعای ما به حضور تو
برسد! برای تمام این بازمانده نزد یهوه،
۳:۳۷ خدایت، دعا کن[f]؛ چرا که از آن عدهٔ بسیار
[که بودیم]، تعداد اندکی باقی مانده ایم،
تث۲۸:۶۲؛ دان یونانی۳:۳۷ چنان که آن را با چشمانت خودت می بینی.
۳باشد که یهوه، خدایت، راهی را که باید
دنبال کنیم و آنچه را که باید انجام دهیم،
برای ما مشخص سازد!»
۴ارمیای نبی به ایشان گفت: «شنیدم.
اینک نزد یهوه، خدایتان، مطابق سخنانتان
دعـا خـواهم کـرد، و هر کلامی که یـهوه در
پاسخ شما بگوید، آن را برایتان مشخص
خواهم ساخت؛ هیچ چیز را از شما پنهان
نخواهم کرد». ۵و ایشان به ارمیا گفتند:
«بادا که یهوه بر علیه ما شاهد راست و امین
باشد اگـر در هـر امری مطابق کلامی که
یهوه، خدایت، برای ما به تو بفرستد عمل
نکنیم. ۶چه نیک باشد و چه بد، صدای
۲۰:۳۸ یهوه، خدایمان را که تو را نزد او می فرستیم
خواهیم شنید، تا با اطاعت از صدای یهوه،
خدایمان، برای ما سعادت حاصل شود».
۷پس بعد از ده روز، کلام یهوه بر ارمیا
فرا رسید[g]. ۸او یوحنان پسر قاریح و تمام
رؤسای نظامیان را که با او بودند، و نیز
تمام قوم را، از کوچکترین تا بزرگترین، فرا
خواند. ۹به ایشان گفت: «چنین سخن

c متن عبری را می توان به این دو صورت قرائت کرد: «... که او با خود باز آورده بود» یا «... که او با اسماعیل پسر نتنیا از مصفه برده بود». با اندکی تغییر در ترتیب حروف، به این شکل نیز می توان قرائت کرد: «آنان که اسماعیل پسر نتنیا از مصفه به اسارت برده بود».

d این دو کلمه در عبری مبهم می باشند. طبق ترجمه های آرامی و سیماک و وولگات، می توان به این شکل ترجمه کرد: «... و در اردوگاه کمهام که ...»

e قرائت متن عبری: «یزَنیا پسر هوشعیا» ر.ک. ۸:۴۰ ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمه یونانی.

f ر.ک. توضیحات ۱:۱۵.

g ارمیا با اینکه برای بیان کلام خدا تخصیص یافته بود (ر.ک. توضیحات ۹:۱)، اما نمی توانست به خواست خود، از کلام خدا برخوردار شود، بلکه باید منتظر می ماند تا خداوند پاسخ دهد؛ ر.ک. توضیحات ۱۸:۱۱؛ توضیحات ۱:۲۸.

می‌گوید یهوه خدای اسرائیل، که مرا نزد او
فرستادید تا استدعایتان را در پیشگاه او
مطرح کنم. ۱۰ اگر بخواهید در این سرزمین
ساکن شوید، شما را بنا خواهم کرد و ویران
نخواهم نمود؛ شما را خواهم کاشت و بر
نخواهم کند؛ زیرا از بدی که به شما کردم
۸:۱۸ پشیمانم. ۱۱ از پادشاه بابل که از او
می‌ترسید، مهراسید؛ از او مترسید - وحی
یهوه - زیرا من با شما هستم تا شما را نجات
۸:۱؛ ۲۰:۱۳؛ ۳۰:۱۰ دهم و از دست او برهانم ۱۲ کاری خواهم
کرد که مورد ترحم قرار گیرید؛ او بر شما
رحم خواهد کرد و خواهد گذاشت[h] که بر
۱۱:۲۷ روی زمین خود ساکن شوید. ۱۳ اما اگر
بگویید: در این سرزمین ساکن نخواهیم شد
- به خاطر گوش نسپردن به صدای یهوه،
۲۱:۴۲؛ ۴۳:۷ خدایتان - ۱۴ اگر بگویید: نه! به سرزمین
مصر داخل خواهیم شد؛ در آنجا جنگ
۲:۳۱ نخواهیم دید و صدای کرنا نخواهیم شنید و
تنگی نان نخواهیم داشت؛ و در آنجا است
۴:۵ که ساکن خواهیم شد ۱۵ بسیار خوب! پس
ای بازماندهٔ یهودا، کلام یهوه را بشنوید:
۴۴:۲۴ چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای
اسرائیل: اگر به راستی نگاه‌های خود را به
مصر بدوزید تا به آنجا داخل شوید، و اگر
به آنجا داخل شوید تا در آنجا اقامت
گزینید، ۱۶ شمشیری که از آن می‌ترسید،
حز ۱۱:۸ در آنجا، در سرزمین مصر به شما خواهد
رسید، و قحطی که نگرانش می‌باشید، در
آنجا، در مصر به پایهای شما خواهد
چسبید، و در آنجا خواهید مرد! ۱۷ تمام
افرادی که نگاه‌هایشان را به مصر
می‌دوزند تا به آنجا داخل شوند و در آنجا
اقامت گزینند، با شمشیر و قحط و طاعون
خواهند مرد؛ و در آنجا، در میان ایشان
۱۱:۲۳؛ مرا ۲۱:۲۲ کسی نخواهد بود که از مصیبتی که بر
ایشان وارد خواهم آورد، زنده باقی بماند و
از خطر رهایی یابد. ۱۸ زیرا چنین سخن
می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: به
۴۴:۶ آن سان که خشم و غضبم بر ساکنان اورشلیم
فرو ریخت، به همان سان غضبم، آن گاه که
به مصر داخل شوید، بر شما فرو خواهد
ریخت؛ و شما نفرین و ویرانی و لعنت و
رسوایی[i] خواهید بود، و دیگر این مکان را
نخواهید دید».

۱۹ [ارمیا گفت]: «ای بازماندهٔ یهودا،
این است کلام یهوه برای شما: به مصر
داخل مشوید. خوب بدانید که امروز به
شما با قاطعیت هشدار دادم! ۲۰ شما به خود
زیان رساندید آن هنگام که مرا نزد یهوه،
خدایتان فرستادید و گفتید: برای ما نزد
یهوه، خدایمان، دعا کن، و هر آنچه یهوه
خدای ما بگوید، آن را برای ما مشخص
ساز و آن را به انجام خواهیم رساند.
۲۱ امروز آن را برای شما مشخص ساختم، و
۴۳:۴ شما به صدای یهوه، خدایتان را در هیچ
امری که مرا برای آن به سوی شما فرستاد،
گوش نگرفتید. ۲۲ پس این را خوب
۴۲:۱۶ ۱۷ بدانید: شما در آن مکانی که می‌خواهید
داخل شوید تا در آن اقامت گزینید، با
شمشیر و قحط و طاعون خواهید مرد».

h قرائت متن عبری: «*او شما را باز خواهد آورد*»، ر.ک. ۱۶:۱۵. ترجمه ما منطبق است با ترجمه‌های آکیلا و سریانی و ولگات، اما این ترجمه‌ها ضمیر افعال را به اول شخص آورده‌اند.
i همانند ۴۴:۱۲؛ ر.ک. ۲۴:۹؛ ۲۹:۱۸.

۴۳ ۱پس چون ارمیا از بیان تمامی
سخنان یهوه، خدای ایشان را به
مردم فارغ شد، (سخنانی) که یهوه، خدای
ایشان، او را برای آنها نزد ایشان فرستاده
بود (یعنی) تمامی این سخنان را ۲زَریا
پسر مَعسیا، و یوحنان پسر قاریح، و جمیع
مردان متکبر به ارمیا گفتند: «آنچه به ما ۱:۴۲
می‌گویی دروغ است. یهوه، خدای ما، تو را اش۱۳:۱۱؛ سیک۳:۱۹
نفرستاده تا بگویی: به مصر داخل مشوید تا
در ان اقامت گزینید. ۳بلکه باروک پسر
نیریا است که تو را بر علیه ما تحریک
می‌کند، تا ما را به دست کلدانیان بسپارد
تا ما را هلاک سازند یا ما را به بابل تبعید
کنند».

۴اما یوحنان پسر قاریح، و تمامی رؤسای
نظامیان و تمام مردم از شنیدن صدای یهوه
برای سکونت در سرزمین یهودا سر باز ۲۳:۴۴:۷:۴۳
زدند. ۵یوحنان پسر قاریح و تمامی رؤسای
نظامیان، تمام بازماندهٔ یهودا و آنانی را که
از (نزد) جمیع ملت‌ها بازگشته بودند[j]،
(ملت‌هایی) که نزد آنها رانده شده بودند،
گرفتند، ۶(یعنی) مردان و زنان و کودکان
و دختران پادشاه و همهٔ کسانی را که
نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان نزد جُدُلیا پسر
اخیقام پسر شافان گذارده بود، و نیز ارمیای
نبی و باروک پسر نِریاهو را. ۷ایشان وارد ۴:۴۳
سرزمین مصر شدند، زیرا صدای یهوه را ۱۳:۴۲
نشنیدند؛ ایشان تا به تَحفَنحیس رسیدند. ۲پا۲۵:۲۶

کلام خداوند در مصر

۸کلام یهوه در تَحفَنحیس به این مضمون
به ارمیا فرا رسید: ۹سنگ‌های بزرگ در
دستان خود برگیر و آنها را در مقابل
چشمان مردمان یهودا، با سیمان در
سنگفرشی[k] که در ورودی خانهٔ فرعون، در
تحفَنحیس هست، در زمین فرو کن. ۱۰و به
ایشان بگو: چنین سخن می‌گوید یهوهٔ
لشکرها، خدای اسرائیل: اینک خواهم
فرستاد تا نبوکدنصر پادشاه بابل، ۹:۲۵
خدمتگزار خویش را برگیرم، و او تخت
سلطنت خود را بر بالای این سنگ‌ها که در
خاک کرده‌ام خواهد گذارد، و سایبان خود
را بر آنها برقرار خواهد ساخت. ۱۱او
آمده، سرزمین مصر را خواهد زد[l]: ۱۳:۴۶

آن کس را که برای مرگ است، به ۲:۱۵؛ حز۵:۱۲؛ ۶:۱۱؛ زک۱۱:۹
مرگ!
آن کس را که برای اسارت است، به
اسارت!
آن کس را که برای شمشیر است، به
شمشیر!

۱۲او خانه‌های خدایان مصر را به آتش
خواهد کشاند و آنها را خواهد سوزاند و ۲۵:۴۶؛ حز۳۰:۱۳
[خدایان] را به اسارت خواهد برد؛ او
سرزمین مصر را شپش‌گیری خواهد کرد، به
همان گونه که چوپان جامهٔ خود را
شپش‌گیری می‌کند، و از آنجا در آرامش
بیرون خواهد رفت. ۱۳او ستون‌های یادبود

j با توجه به ۴۰:۱۱، منظور بازگشت از نزد ملت‌های مجاور است، نه آن بازگشت بزرگ از تبعید.

k ترجمهٔ این عبارات مبتنی است بر حدسیات. ارمیا مأموریت می‌یابد تا شالوده‌ای را بنا نهد که نبوکدنصر، ابزار مجازات الهی، تخت سلطنتش را بر آن قرار خواهد داد. رویدادی که با این «عمل نمادین» اعلام می‌شود، از هم اکنون شروع به تحقق یافتن می‌کند؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱.

l این پیشگویی عملاً به هنگام جنگ نبوکدنصر بر علیه مصر، در زمان فرعون آماسیس، در سال‌های ۵۶۸ تا ۵۶۷ ق.م. جامهٔ عمل پوشید؛ ر.ک. حزق ۲۹:۱۹-۲۰.

بیت‌شمش[m] را که در سرزمین مصر
است، خرد خواهد ساخت، و خانه‌های
خدایان مصر را به آتش خواهد سوزاند.

۴۴

[1]کلامی که بر ارمیا خطاب به
۳۵:۱ تمامی اهالی یهودا که در سرزمین
مصر، و در سرزمین مجدل[n]، در تَحفَنحیس
و نوف[o] و در سرزمین فَتروس[p] ساکن
۴۶:۱۴ بودند، به این مضمون فرا رسید: [2]چنین
۴۴:۸؛ ۱۱:۱۰، ۱۷؛ ۱۹:۴ سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای
اسرائیل: شما تمام مصیبتی را که بر
اورشلیم و بر تمام شهرهای یهودا وارد
آوردم دیدید، و اینک امروز آنها ویران
هستند و در آنها سکنه‌ای نیست. [3]این به
سبب شرارتی است که مرتکب شده‌اند تا
مرا به خشم آورند، چرا که رفته‌اند و برای
خدایان دیگر که نمی‌شناختند، نه ایشان و
نه شما و نه پدران شما[q]، بخور سوزاندند.
[4]من بدون خستگی خدمتگزارانم انبیا را
۳۵:۱۵؛ نزد شما فرستادم تا بگویند: این کار نفرت
۲ توا ۳۶:۱۵ انگیز را که از آن متنفرم انجام مدهید. [5]اما
۴۴:۲۲؛ ۶:۱۵؛ ۷:۱۰؛ ایشان نشنیدند و گوش نسپاردند تا از
حز ۸:۶ شرارت خود بازگشت کنند و از سوزاندن
۷:۲۶؛ ۱۸:۸ بخور برای خدایان دیگر باز ایستند.
[6]آنگاه غضب و خشم من فرو ریخت و
۷:۲۰؛ ۳۶:۷ شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم را
سوزاند و اکنون خراب و ویران[r] شده‌اند، ۴۴:۲۲ ۲۳
همان گونه که امروز [شده است].
[7]و اینک، چنین سخن می‌گوید یهوه،
خدای لشکرها، خدای اسرائیل: از چه سبب
این شرارت بزرگ را بر علیه خودتان حب ۲:۱۰
مرتکب می‌شوید تا خود را، مرد و زن و
کودک و شیرخواره را در بین یهودا از میان مرا ۲:۱۱؛ ۴:۴
بردارید، بی‌آنکه از شما بازمانده‌ای باقی
بماند، [8]چون با اعمال دست خود مرا به
خشم می‌آورید[s] و برای خدایان دیگر در ۱:۱۶؛ ۲۵:۶، ۷
سرزمین مصر که برای اقامت به آنجا داخل
شده‌اید بخور می‌سوزانید، تا خود را از
میان بردارید و در بین تمامی ملت‌ها زمین،
تبدیل به نفرین و رسوایی[t] گردید؟ [9]آیا
شرارت‌های پدرانتان و شرارت‌های
پادشاهان یهودا و شرارت‌های بزرگانشان و
شرارت‌های خودتان و شرارت‌های زنانتان
را که در سرزمین یهودا و در کوچه‌های
اورشلیم به عمل آمده، فراموش کرده‌اید؟
[10]ایشان تا به امروز نه ندامتی نشان
داده‌اند و نه ترسی، و مطابق شریعت من و
مطابق فرایض من که در برابر شما و در
برابر پدرانتان قرار داده بودم، سلوک
نکرده‌اید. [11]به همین سبب، چنین سخن
می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل:

m نامی است عبری به معنی «خانهٔ خورشید». این شهر که به مصری «اون» خوانده می‌شود (ر.ک. پید ۴۱:۴۵؛ حزق ۳۰:۱۷) و به یونانی «هلیوپولیس»، در اطراف معبد بزرگ خدای خورشید بنا شده بود.
n شهری واقع در شرق تحفنحیس (یونانی: دافنه)، در منتها الیه شمال مصر ر.ک. حزق ۲۹:۱۰؛ ۳۰:۶.
o ر.ک. توضیحات ۲:۱۶؛ توضیحات اش ۴۹:۱۲.
p مصر عُلیا؛ ر.ک. توضیحات پید ۱۰:۱۴؛ اش ۱۱:۱۱؛ توضیحات حزق ۲۹:۱۴.
q ر.ک. توضیحات ۷:۹ در ترجمه یونانی فقط آمده: «... که شما نمی‌شناختید»، ر.ک. ۷:۹.
r ر.ک. آیه ۲۲؛ ۲۵:۱۱، ۱۸.
s مانند ۲۵:۶ (ر.ک. توضیحات)
t ر.ک. آیه ۱۲؛ ۲۴:۹؛ ۴۲:۱۸.

اینک روی خود را به سوی شما برای
مصیبت نگاه خواهم داشت، تا شما را از ۱۰:۲۱
تمام یهودا از میان بر دارم. ۱۲ من بازماندهٔ
یهودا را که نگاه هایش را به سوی سرزمین
مصر دوخته تا به آنجا داخل شده، در آنجا
اقامت گزینند، بر خواهم گرفت؛ ایشان در
سرزمین مصر به کلی نابود خواهند شد، و
با شمشیر خواهند افتاد؛ ایشان، از
کوچک ترین تا بزرگ ترین، با قحط به کلی
نابود خواهند شد؛ با شمشیر و با قحط
خواهند مرد، و تبدیل به نفرین و نابودی و
لعنت و رسوایی[u] خواهند گشت. ۱۳ من
تمام آنانی را که در سرزمین مصر ساکن اند
مجازات خواهم کرد، همان گونه که اورشلیم
را با شمشیر و قحط و طاعون مجازات ۱۳:۲۷
نمودم. ۱۴ از بازمانده یهودا، از آنانی که به
سرزمین مصر داخل شده اند تا در آن اقامت
گزینند، کسی نه رهایی خواهد یافت و نه
زنده خواهد ماند. و اما دربارهٔ بازگشت به
سرزمین یهودا که ایشان آرزو دارند به آنان
باز گردند و در آن ساکن شوند، نه، به آنجا
باز نخواهند گشت، به جز چند تن که
رهایی خواهند یافت.
۱۵ تمام مردانی که می دانستند زنانشان
برای خدایان دیگر بخور می سوزاندند و
تمام زنان حاضر - (یعنی) جماعتی عظیم - و ۳:۴۴، ۸، ۲۱، ۲۳
تمامی قومی که در سرزمین مصر، در
فَتروس ساکن بودند، به این مضمون به
ارمیا پاسخ دادند: ۱۶ «در مورد کلامی که
به نام یهوه به ما گفتی، آن را گوش نخواهیم ۱۷:۶
گرفت. ۱۷ بلکه می خواهیم هر کلامی را که ۲:۳۱:۵:۲۳؛
از دهان خودمان خارج می شود، آن را به جا مز ۵۰:۱۷
آوریم، (یعنی اینکه) برای ملکهٔ آسمان ها[v]
بخور بسوزانیم و برای او هدایای ریختنی
بریزیم، همان گونه که ما و پدرانمان،
پادشاهانمان و بزرگانمان، در شهرهای
یهودا و در کوچه های اورشلیم می کردیم؛ در
آن زمان نان کافی داشتیم، و سعادتمند هو ۷:۲
بودیم و مصیبت را نمی دیدیم. ۱۸ اما از آن
هنگام که از سوزاندن بخور برای ملکهٔ
آسمانها و از ریختن هدایای ریختنی برای ۲۵:۴۴
او باز ایستادیم، محتاج همه چیز شده ایم و ۱ مکا ۱۱:۱۱
به طور کامل با شمشیر و قحط از میان
می رویم!» ۱۹ و زنان گفتند[w]: «وقتی برای
ملکهٔ آسمان ها بخور می سوزانیم و برای او
هدایای ریختنی می ریزیم، مگر بدون آگاهی
شوهرانمان است که برای او شیرینی هایی
می سازیم که به شکل او هستند[x]؛ و برای او
هدایای ریختنی می ریزیم؟»
۲۰ ارمیا به تمام قوم، به مردان و زنان و
تمام کسانی که به او پاسخ داده بودند،
گفت: ۲۱ «مگر بخوری که در شهرهای ۱۳:۱۱
یهودا و در کوچه های اورشلیم سوزاندید،
شما و پدرانتان، پادشاهان و بزرگانتان،
همچنین مردم سرزمین، همین نیست که
یهوه به یاد آورده و به فکرش رسیده است؟
۲۲ و چون یهوه دیگر نمی توانست شرارت ۶:۱۵
اعمالتان و مکروهاتی را که مرتکب ۴:۴۴

u تحت اللفظی: «تبدیل به خرابه و ویرانه و لعنت شده است». مانند ۱۸:۴۲ (ر.ک. توضیحات)
v ر.ک. توضیحات ۱۸:۷.
w مطابق چند نسخه خطی یونانی و سریانی؛ در عبری نیست.
x یا: «برای اینکه با او همچون خدا رفتار کنیم». در ترجمه یونانی نیست.

۹:۹ ۱۰ می‌شدید تحمل کند، سرزمینتان تبدیل به
خرابه و ویرانه و لعنت شده[y]، و خالی از
سکنه، آن چنان که امروز [شده است].
۲۳ از آنجا که بخور سوزاندید و بر علیه
۱۶:۱ یهوه گناه ورزیدید، و از آنجا که صدای
یهوه را نشنیدید و مطابق شریعت و فرایض
۲۵:۳ و احکام او سلوک نکردید، به همین سبب
است که این مصیبت بر شما وارد آمده، آن
۱۸:۲۵ چنان که امروز [شده است]».
۲۴ ارمیا به تمامی قوم و به همهٔ زنان
گفت: «ای تمامی شما اهالی یهودا که در
۲۶:۴۴ سرزمین مصر هستید، کلام یهوه را بشنوید:
۲۵ چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: شما زنان[z]، به دهان
خویش آن را اعلام کرده و با دست خود آن
را به انجام رساندید و گفتید: می‌خواهیم
نذرهایمان را ادا کنیم، (نذرهایی) که
کرده‌ایم، تا برای ملکهٔ آسمان‌ها بخور
:۱۷:۴۴ بسوزانیم و برای او هدایای ریختنی[a]
:۱۳:۱۹:۱۸:۷ صف۱:۵ بریزیم. پس نذرهای خود را ادا کنید و
هدایای ریختنی‌تان را به عمل آورید[b]!
۲۶ اما کلام یهوه را بشنوید، ای همهٔ شما
۴:۲ اهالی یهودا که در سرزمین مصر ساکن اید:
اینک این را به نام عظیم خود[c] سوگند
می‌خورم: نام من دیگر از دهان هیچ یک از
مردمان یهودا ذکر نخواهد شد؛ در تمامی

سرزمین مصر، هیچ کس نخواهد گفت: به
حیات خداوند یهوه (سوگند)[d]! ۲۷ اینک ۲۸:۳۱
بر ایشان نظر خواهم داشت برای مصیبت و
نه برای سعادت؛ جمیع مردمان یهودا که در
سرزمین مصر هستند، به طور کامل با
شمشیر و با قحط از میان خواهند رفت، تا
اینکه کاملاً قلع و قمع شوند. ۲۸ چند تن که :۵۰:۵۱
از شمشیر خواهند رست ـ (یعنی) تعداد اش۱۱:۱۱
اندکی از افراد ـ از سرزمین مصر به سرزمین :۱۳:۲۷ حز۶:۸
یهودا باز خواهند گشت. و تمام آنان که از
یهودا باقی می‌مانند، (یعنی) آنانی که به
سرزمین مصر داخل شده‌اند تا در آن اقامت
گزینند، خواهند دانست که کلام چه کسی
تحقق می‌یابد کلام من یا کلام ایشان!
۲۹ «و نشانه برای شما وحی یهوه که ۲ پا۲۹:۱۹
شما را در این مکان مجازات خواهم کرد، تا
بدانید که سخنان من بر علیه شما برای
تیره‌روزی‌تان به یقین خواهد یافت، این
است: ۳۰ یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک
فرعون حُفرَع، پادشاه مصر را به دست ۲۶:۴۶
دشمنانش و به دست آنانی که قصد جانش
را دارند[e] خواهم سپرد، همان گونه که ۵:۳۹
صدقیا، پادشاه یهودا را به دست
نبوکدنصر، پادشاه بابل، دشمن او که قصد
جانش را داشت، سپردم».

y ر. ک. آیه ۶ و توضیحات: ۲۴:۹؛ ۱۸:۴۲.
z مطابق ترجمه یونانی؛ قرائت عبری: «شما و زنانتان».
a ر. ک۴۴:.۱۹:۱۸:۱۹:۱۹:۱۸:۷:۱۹:۱۳:۳۲:۲۹. ملکه اسمانهار. ک. تفسیر۷:۱۸.
b قرائت چند نسخه خطی فقط می‌گوید: «هدایای ریختنی‌تان»، و قرائت چند نسخه خطی دیگر فقط: «نذرهایتان».
c ر. ک. توضیحات ۲۲:۵.
d ر. ک. ۱۶:۱۲. مهاجرین علاوه بر عبادت «ملکه آسمان‌ها» (ر. ک. آیات ۱۷ ۱۹) که همان ایشتار یا انات می‌باشد، یهوه را نیز عبادت می‌کردند؛ در خصوص آیین‌های مشابه در فلسطین، ر. ک. توضیحات ۲: ۲۰. اسناد یهودی به دست آمده در الفانتین در مصر علیا، که کمی متأخرتر است، بیانگر اختلاط عبادت دو الهه با عبادت یهوه می‌باشد.
e حفّرع به دست آماسیس در سال ۵۷۰ ق.م. از سلطنت خلع شد، یعنی دو سال پیش از حمله نبوکدنصر، به مصر (ر. ک. توضیحات ۴۳: ۱۱). این تغییر در خاندان سلطنتی مؤید نبوت ۴۳: ۸ ۱۳ بود و تحقق قریب الوقوع آن را اعلام می‌کرد.

نجات باروک[f]

۴۵ [1]کلامی که ارمیای نبی به باروک
پسر نریا گفت، آن هنگام که وی،
در سال چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه
۱:۳۶ یهودا، چون ارمیا بر او میخواند، این
سخنان را در کتابی نوشت: [2]«چنین سخن
می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل، در مورد تو،
ای باروک. [3]تو می‌گویی: وای بر من، چرا
۱۹:۱۰ که یهوه محنت را به درد من می‌افزاید! از
ناله کردن خسته شده‌ام و استراحت نیافتم! مرا۵:۵
[4]این است آنچه به او خواهی گفت: یهوه
چنین سخن می‌گوید: آنچه بنا کردم، اینک
آن را خراب خواهم ساخت؛ آنچه کاشتم، آن
را بر خواهم کند[g]. [5]اما تو برای خویش
چیزهای بزرگ می‌طلبی! آنها را مَطَلَب[h]؛ روم۱۲:۳،۱۶
زیرا اینک مصیبتی بر تمامی بشر خواهم
آورد - ای یهوه - اما جان تو را، به هر جا که ۶:۱۹؛۲۵:۲۹
بروی، به تو به غنیمت خواهم بخشید[i].»

وحی‌های مربوط به ملت‌ها (دنباله)

۴۶ [1]کلام یهوه به ارمیا نبی بر علیه
۲۵:۱۳ ملت‌ها چنین بود.

مصر
شکست در کَرکمیش[j]

[2]برای مصر. بر علیه لشکر فرعون نکو،
پادشاه مصر، که بر رود فرات در کَرکمیش
بود و نبوکدنصر، پادشاه بابل، در سال
چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه یهودا، ۱:۳۶
شکست داد.
[3]سپرهای بزرگ و کوچک را آماده ۵۱:۱۱
سازید
و به جنگ بروید.
[4]اسب‌ها را زین کنید،
سوار شوید، ای اسب‌سواران!
در صفوف خود، کلاهخود بر سر،

f محتوای این وحی به وحی‌هایی که ارمیا خطاب به صدقیا (۳۴: ۱ ۷) و عبدملک (۳۹: ۱۵ ۱۸) بیان کرد، نزدیک است؛ پس شاید مربوط به همان تاریخ باشد (۵۸۸ ۵۸۶ ق.م.) در این صورت، مقدمه‌ای که آن را مربوط به سال ۶۰۵ ق.م. می‌سازد، می‌تواند الحاقیه‌ای از سوی ویراستار تلقی شود. - باروک کاتب ظاهراً جاه‌طلبی‌هایی سیاسی در سر می‌پروراند (آیه ۵؛ ر.ک. ۴۳:۳). به دنبال رویدادهایی که یا در سال ۶۰۵ ق.م. رخ داد (در زمان قرائت علنی وحی‌های ارمیا، فصل ۳۶) یا در سال‌های ۵۸۷ ۵۸۶ ق.م. (در زمان مهاجرت اجباری به مصر، فصل ۴۳)، او می‌دید که حیات سیاسی‌اش نابود می‌شود. ارمیا با بیان قصد الهی، او را تسلی می‌دهد و می‌گوید که لااقل جانش در امان خواهد بود.

g در متن عبری، این عبارت به دنبال این جمله می‌آید: «و این در تمام زمین (به عمل خواهم آورد)». این عبارت در ترجمه یونانی نیست. آن را می‌توان مربوط به «سرزمین» اسرائیل دانست (ر.ک. ترجمه آرامی) که خداوند در حال ویران کردنش بود و آن را پس از بنا و کاشتن، ریشه کن می‌ساخت.

h انتقاد ارمیا بر ضد باروخ جدی میباشد: وقتی دشمن در شرف حمله کردن میباشد چگونه میتواند امتیازهای بزرگ برای خود بطلبد.

i ر.ک. توضیحات ۲۱:۹.

j کرکمیش شهری مهم در بین‌النهرین بود و امروزه جرابلوس نامیده می‌شود و شهری مرزی میان سوریه و ترکیه می‌باشد. در اینجا بود که در سال ۶۰۵ ق.م. مصری‌ها و آشوری‌ها از بابل‌ها متحمل شکستی شدند که دیگر نتوانستند از آن سر برآورند؛ ر.ک. توضیحات ۲۵:۱.

سرنیزه ها را صیقل دهید[k]،
جوشن ها را بر دوش نهید[l].
۵ اما چه می بینم؟
ایشان هراسانند،
عقب می نشینند!
شجاعانشان له شده اند،
پریشان حال می گریزند[n]
بی آنکه باز گردند. نا۲: ۹
وحشت از هر سو[m]! ۶:۲۵: ۴۹: ۲۹
- وحی یهوه.
۶ نه مرد چابک می تواند بگریزد عا۲: ۱۵
و نه مرد شجاع می تواند رهایی یابد؛
در شمال، در کرانهٔ رود فرات،
ایشان می لغزند؛ ایشان می افتند. ۴۶: ۱۲
۷ کیست آن کس که همانند نیل بر ۴۷: ۲؛ اش۸: ۷؛ دان۱۱: ۱۰
می آید
[و] آبهایش به سان رودها به تلاطم
می آید[o]؟
۸ این مصر است که همانند نیل بر
می آید
و آب هایش به سان رودها به تلاطم
می آید.
او گفت: بر خواهد آمد و زمین را خواهد
پوشاند،
و شهرها و ساکنان را هلاک خواهد ساخت!
۹ ای اسبان جنگی، حمله کنید،
ای ارابه ها، بیداد کنید، نا۲: ۵: ۳: ۲
ای شجاعان، پدیدار شوید،
ای مردمان کوش و فوت،
که سپرها را به کار می گیرید،
و شما، ای لودیان[p] که کمان را
می کشید[q]!
۱۰ اما امروز، روز خداوند یهوهٔ لشکرها
است،
روز انتقام که در آن از خصمان خویش
انتقام می گیرد.
شمشیر می درد و سیر می شود، ۱۲:۱۲؛ ۴۷: ۶؛ تث۳۲: ۴۲
از خون آنان سیراب می گردد!
زیرا خداوند یهوهٔ را قربانی ای[r] است
در سرزمین شمال، در کنار رود فرات.
۱۱ به جلعاد بر آی و روغن بَلَسان[s] برگیر، ۵۱: ۸؛ پید۳۷: ۲۵
ای باکره، ای دختر مصر[t].
مرهم ها را بیهوده اسراف می کنی: ۱۵: ۱۸؛ ۳۰: ۱۳؛ ۵۱: ۹
جراحت تو التیام نمی پذیرد!

k قرائت یونانی: «نیزه های تیز، به پیش»، ر.ک. مز ۳۵: ۲.
l پوششی چرمی مجهز به قطعات فلزی.
m این اصطلاح در ارمیا تکرار شده: ۶: ۲۵؛ ۲۰: ۳ و ۱۰؛ ۴۹: ۲۹.
n تحت اللفظی: «به پناهگاه می گریزند». اما سنت یهوه آن را در این معنا تفسیر می کند: «فرارکنان می گریزند».
o این تصویر یادآور طغیان های رود نیل و شاخه های متعدد آن می باشد. نبی ادعاهای سلطه جویانهٔ مصر را به این شکل تعبیر می کند.
p «فوت» احتمالاً همان لیبی است: «لود» مکانی مسکونی ناشناخته ای است در آفریقا. ر.ک. توضیحات اش ۶۶: ۱۹.
q در برخی نسخ چنین آمده: «به دست می گیرند و می کشند». عبارت اخیر احتمالاً حالتی تکراری دارد و می توان آن را حذف کرد.
r واژهٔ عبری اشاره دارد به خوراکی که از گوشت قربانی تهیه می شود (ر.ک. صف ۱: ۷). قربانی شامل دو بخش می شد: یکی عمل قربانی و ذبح کردن و دیگری خوردن آن. در اینجا، نگارنده پس از توصیف جنبهٔ ذبح شدن قربانی با شمشیر، با ارائهٔ تصویری انسان گونه انگارانه از جنبهٔ خوردن قربانی، نشان می دهد که خود خداوند در این امر بی تفاوت نیست.
s برای ارمیا، روغن التیام بخش بلسان، با جلعاد مترادف است.
t تحت اللفظی: «ای باکرهٔ مصر دختر». ر.ک. توضیحات آیه ۲۴: ۴: ۱۱؛ ۱۴: ۱۷.

۱۲ ملت‌ها از شرمساری تو آگاهی
یافته‌اند،
زمین از فریادهای تو پر است؛
زیرا مرد شجاع بر مرد شجاع می‌لغزد ۱۶:۴۶ تا ۶:۲۱
و هر دو با هم می‌افتند!

هجوم بر مصر[u]

۱۳ کلامی که یهوه به ارمیای نبی گفت، ۱:۵۰
آن گاه که[v] نبوکدنصر، پادشاه بابل آمد تا
سرزمین مصر را بزنند. ۱۱:۴۳
۱۴ آن را مجدُل اعلام کنید،
آن را نوف[w] انتشار دهید؛ ۲:۵۰
بگویید: راست بایست، آماده باش،
زیرا شمشیر در پیرامون تو[x] می‌دَرَد. ۱۴:۲۱
۱۵ آپیس از چه سبب گریخته است[y]؟
«قوچ»[z] تو از چه سبب ایستادگی نکرده
است؟

به این سبب که یهوه آن را سرنگون
ساخته است.
۱۶ قوم مختلط[a] تو می‌لغزند و می‌افتند؛ ۱۲،۶:۴۶
به یکدیگر می‌گویند:
به پا خیزیم! به سوی قوم خود باز گردیم
و به سوی زادگاه خویش، ۱۶:۵۰
به سبب شمشیر ویرانگر.
۱۷ به فرعون، پادشاه مصر، این نام را اش ۷:۳۰
بدهید[b]:
«هیاهو... که می‌گذارد ساعت بگذرد[c]!»
۱۸ به حیات خویش سوگند! ـ وحی
«پادشاه»
که نامش یهوهٔ لشکرها است ـ ۱۵:۴۸
آری، به سان تابور در میان کوهساران، اش ۲:۴۸
و همچون کَرمِل که در دریا پیشروی
می‌کند،
او می‌آید[d]!

u این بخش احتمالاً متأخرتر از بخش پیشین است.
v می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: باشد که نبوکدنصر، پادشاه بابل، بیاید تا سرزمین مصر را بزند»، یا «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: هنگامی که نبوکدنصر بیاید تا مصر را بزند، آن را در مصر اعلام کنید...».
w در سنت کتاب مقدس، «مجدُل» شهری است در مرز مصر (خروج ۱۴:۲). تعیین محل آن دشوار است (احتمالاً در شمال شرقی القنطره، بر سر راه فسلطین). «نوف» (این تلفظ عبری نامی مصری است به معنی «دیوار سفید»: به یونانی: ممفیس) مرکزی اداری است، واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب قاهره (ر.ک. هو ۶:۹). در متن عبری، نام تَحفَنحیس (به یونانی: دافَنه) نیز آمده، اما در نسخ خطی یونانی حذف شده است.
x قرائت یونانی: «محل‌های انبوه جنگل‌هایت را می‌درد».
y حروف بی‌صدای متن ماسورتی می‌تواند این معنی را نیز بدهد: «... برده شده است؟» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. آپیس نام قوچی است مقدس در نوف (مِمفیس) که به تدریج مترادف شد با «پتاه» خدای محافظت کنندهٔ شهر، و همچنین با اُوزیریس.
z منظور همان «آپیس» است.
a منظور اختلاط مردان لود و فوت و کوش است که قبلاً از آنها نام برده شده است.
b قرائت عبری: «او را در آنجا نام می‌نهند». ما مطابق ترجمه یونانی و وولگات، فعل را در وجه امری قرائت می‌کنیم؛ و واژهٔ «شَم» (یعنی نام) را به جای «شم» (یعنی در آنجا) ترجمه می‌کنیم.
c اشاره به قرار ملاقات تاریخ است که در پندار آن روزگار، از سوی ستارگان تعیین می‌شد. منظور این است که فرعون اجازه داد تا آن لحظه‌ای که می‌بایست ضربه را وارد کند، بگذرد.
d مشخص نیست منظور چه کسی است: دشمن (یعنی نبوکدنصر)؟ یا خدا؟ متن این نکته را تصریح نمی‌کند. «کوهساران» احتمالاً تصویری است از استحکام مداخلهٔ مورد نظر.

۱۷:۱۰؛ حز۱۲:۳ ۱۹ بار و بنهٔ تبعیدت را ببند،
ای زن سکونت کننده، ای دختر مصر[e]،
زیرا که نوف تبدیل به ویرانه خواهد
شد،
خواهد سوخت، بدون سکنه.
هو۱۰:۱۱ ۲۰ مصر گوسالهٔ ماده ای عالی بود،
از شمال، خرمگسی بر او آمده است.
۲۱ حتی مزدورانش در میان او،
همانند گوساله های پرواری بودند؛
اما ایشان نیز پشت می کنند،
همگی با هم می گریزند
۱۲:۲۳؛ ۲۷:۵۰ زیرا که روز تیره بختی شان بر ایشان فرا
رسیده است،
زمان مجازاتشان!
۲۲ گوش کنید! گوی ماری که سوت
می زند؛
چرا که با قدرت می آیند[f]،
مز۷۴:۶ و با تبرها بر او می آیند
همچون هیزم شکنان؛
۲۳ جنگل او را فرو می کوبند[g]
- وحی یهوه -
حال آنکه نفوذناپذیر بود[h]؛
چرا که ایشان از ملخ ها بیشتر می باشند، ۱۴:۵۱؛ داور۱۲:۷؛ یول۱۴:۱؛ مکا۳:۹
کسی نمی تواند ایشان را بشمارد.
۲۴ از شرمساری پوشیده شده، دختر مصر[i]:
او به دست قوم شمال سپرده شده است!

یهوه سخن می گوید

۲۵ یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل گفته
است: اینک من آمونِ نُو[j] را مجازات خواهم ۸:۹
کرد، فرعون و مصر را خدایانش و ۱۲:۴۳
پادشاهانش[k] را فرعون و آنانی را که بر او
اعتماد دارند. ۲۶ ایشان را به دست آنانی ۳۰:۴۴
که قصد جانشان را دارند خواهم سپرد، به
دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست
خدمتگزارانش. بعد از آن، مصر همچون ۱۵:۱۲
روزهای کهن مسکونی خواهد شد[l]. وحی
یهوه.
۲۷ و تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترس، ۱۰:۳۰ ۱۱
و هراس به خود راه مده، ای اسرائیل اش۱۳:۴۱ ۱۴
زیرا اینک تو را از (سرزمین) دور نجات
خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمینی که در آن
اسیرند.

e تحت اللفظی: «ساکنهٔ مصر دختر» ر.ک. ۱۸:۴۸.

f تحت اللفظی: «صدایش همچون صدای ماری است که می رود». اشاره به مصر است که حتی بدون اینکه صدایی بکند، می گریزد.

g وجه فعل عبری مبهم است؛ آن را می توان هم در وجه امری ترجمه کرد و هم در وجه اخباری.

h می توان این گونه نیز ترجمه کرد. جنگل او را می برند ... آری، ایشان بی شمار می باشند» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی.

i تحت اللفظی: «مصر، آن دختر» (ر.ک. ۳۱:۴ و توضیحات). منظور این اصطلاح، ساکنان مصر است (ر.ک. آیه ۱۹؛ ۱۸:۴۸). شخصیت بخشیدن به مصر به صورت یک زن، این امکان را می دهد تا تصویر شرمساری تشدید شود: مصر همانند دختری عریان است!

j «آمون» خدای تبس یا نو است (با اشکال مختلف انسانی و حیوانی). می پنداشتند که او تمام خدایان دیگر را در بر دارد.

k ظاهراً این عبارت به متن عبری اضافه شده، چون در ترجمه یونانی نیست.

l این وحی اعلام کنندهٔ احیای مصر است. وحی های اش ۱۶:۱۹ ۲۵ وحزق ۱۳:۲۹ ۱۵ نیز که مربوط به همین دوره می باشند، همین نکته را اعلام می دارند. این توضیحی است دربارهٔ جایگاه سایر ملت ها در طرح الهی (نیز ر.ک. ار ۴۷:۴۸؛ ۶:۴۹، ۳۹).

یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد زیست
لاو۲۶:۶؛ حز۳۴:۲۸؛ ایو۱۱:۱۹ آسوده خاطر، بی آنکه کسی او را
مضطرب سازد
۲۸تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترس!
۸:۱؛ اش۴۳:۵ - وحی یهوه. زیرا من با تو هستم،
چرا که در میان تمامی ملت‌ها به قلع و
قمع خواهم پرداخت
در جاهایی که تو را رانده‌ام؛
اما تو را قلع و قمع نخواهم کرد،
نا۱:۳؛ مز۹۹:۸ بلکه تو را مطابق عدالت اصلاح خواهم
نمود[m]!

فلسطینیان[n]

۴۷ ۱چنین بود کلام یهوه به ارمیای
نبی، در مورد فلسطینیان، پیش از
آنکه فرعون غزه را بزند[o]. ۲یهوه چنین
سخن می‌گوید:
اینک آب‌ها از شمال بر می‌آید
۴۶:۷؛ اش۳۰:۲۸؛ نا۱:۸؛ مز۱۲۴:۴ ۵ و به سیلابی غوطه‌ور کننده بدل می‌شود
سرزمین و آنچه را که آن را پر می‌کند،
غوطه‌ور می‌سازد
شهر و آنان را که در آن ساکن‌اند.
مردمان فریاد برمی‌آورند؛ زوزه سر ۸:۱۶
می‌دهند
جمله ساکنان سرزمین.
۳در برابر کوبش سُم اسبانش داور۵:۲۲؛ حز۲۶:۱۰
در برابر خروش ارابه‌هایش،
در برابر غرش گردونه‌هایش،
پدران دیگر به سوی پسرانشان نا۲:۵؛۳:۲
برنمی‌گردانند،
زیرا که دست‌ها بیش از حد سست شده
است[p]!
۴این به سبب آن روزی است که می‌آید
برای نابودی تمام فلسطینیان،
برای ستاندن از صور و صیدون
هر آنچه که از متحدین [برایشان] باقی
مانده؛
چرا که یهوه فلسطینیان را نابود می‌سازد،
بازماندهٔ جزیرهٔ کفتور[q] را.
۵غزه سر خود را تراشیده[r]،

m این امر با آنچه که در انتهای آیه ۲۶ آمده متناقض نیست، بلکه مرحله‌ای را که درست پیش از آن اعلام شده، از سر می‌گیرد. وانگهی، آیه‌های ۲۷ - ۲۸ در ار ۳۰: ۱۰ - ۱۱ نیز یافت می‌شود و یادآور سبک اش فصل‌های ۴۰ - ۵۵ می‌باشد. لذا در اینجا، پس از اعلام واقعیت احیای مصر، احیای اسرائیل، یعنی قوم خدا، مطرح می‌شود. آنچه در اینجا مورد تأکید است، طرح الهی برای احیای ملت‌ها است و اسرائیل در میان این طرح قرار می‌گیرد.

n ر.ک. توضیحات یوشع ۱۳:۳.

o مشکل بتوان تعیین کرد که این نکته به کدام رویداد تاریخی اشاره می‌کند احتمالاً اشاره به یک رشته از شکست‌های مصر به دنبال شکستشان در کرکمیش است، زیرا نبوکدنصر ایشان را تعاقب کرد و اشقلون و سایر شهرها را به تصرف در آورد (آیه ۵). اما می‌دانیم که در سال‌های بعدی، فلسطین از سوی مصری‌ها اشغال شده بود (آیه ۱ و شاید آیه ۵). لذا در این بخش، یا بحث درباره هجوم بابلی‌ها نیست، یا در این زمینه فقط در آیات ۲ تا آیه ۴a سخن می‌گوید، و در آیات ۴b تا ۷ به عمل مصری‌ها اشاره می‌کند.

p ر.ک. توضیحات ۶:۲۴.

q احتمالاً منظور جزیره کرت، موطن اولیهٔ فلسطینیان است (ر.ک. تث ۲:۲۳؛ عا ۹:۷). پس از عبارات مترادف «فلسطینیان» می‌باشد.

r تحت اللفظی: «تیغ بر سر غزه می‌آید». این اشاره‌ای است به رسوم تشییع جنازه (ر.ک. ۴۸:۳۷؛ اش ۳:۲۴؛ عا ۸:۱۰).

اَشقَلون مفقود شده؛
ای اشدود، ای بازماندهٔ عناقیم[s]،
تا به کی خود را مجروح خواهی ساخت[t]؟
۴۶:۱۰؛ ۴۸:۲؛ ۵۰:۳۵ ۳۸؛ زک ۱۳:۷ ۶ آه! ای شمشیر یهوه،
تا به کی آرام نخواهی گرفت؟
به غلاف خود باز گرد،
بیاسا و آرام بگیر!
۷ چگونه بیارامد[v]
آن گاه که یهوه به او امر می کند؟
به سوی اَشقَلون و کرانهٔ دریا،
در آنجا است که برای او قرار ملاقات
تعیین کرده است[u].

موآب

۴۸ ۱ برای موآب[w]. چنین سخن
می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای
اسرائیل:
وای بر نبو[x]، چرا که ویران شده است!
قریه تاییم[y] از شرمساری پوشیده شده؛
گرفته شده است؛
پوشیده از شرمساری، له شده است، آن
دژ!
۲ جلال موآب دیگر نیست!
در حشبون بر علیه او بدی را
می اندیشند[z]:
«بیایید، آن را از میان ملت ها بر کنیم!»
تو نیز ای مَدمن، خاموش خواهی شد[a]،
از پس تو شمشیر پیش می آید! ۶:۴۷
۳ به هیاهوی حُورُونایِیم[b] گوش دهید:
ویرانی و پریشانی عظیم!
۴ موآب خرد شده! اش ۱:۲۵
تا به صوغر[c] فریادها را به گوش
می رسانند.

s قرائت یونانی: «عناقی هایی که جان سالم بدر برده اند». عناقی ها که به خاطر قامت بلندشان مشهور بودند، مدتی مدید در فلسطین باقی ماندند (ر.ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱).
t اشاره دیگری به رسوم تشییع جنازه (ر.ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱؛ر.ک۴۱:۵وتفسیرy).
u در این سخن خدا هیچگونه کج دهنی وکج خلقی برضد دشمن دیرینه اسرائیل وجود ندارد.
v قرائت عبری: «آیا می توانی بیارامی...؟» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های کهن (یونانی، سریانی، وولگات).
w موآب سرزمینی است مجاور یهودا، واقع در شرق دریای مرده. خصومت میان موآب و یهودا به اوائل تاریخ اسرائیل باز می گردد (ر.ک. اعد ۲۲ تا ۲۴: نیز ر.ک پید ۱۹: ۳۰ ۳۸؛ تث ۲۳:۴ ۷). اما میان این دو همیشه روابطی برقرار بوده (ر.ک. روت). به هنگام تبعید، ساکنان یهودا توانستند در آنجا پناه بگیرند (ر.ک. ار ۴۰:۱۱). تاریخ آن، به علت موقعیت جغرافیایی اش، بدون فاجعه ای مهم سپری شد (ر.ک. آیه ۱۱). به نظر نمی رسد که این وحی ناشی از رویداد خاصی باشد، بلکه می تواند ناشی از اشتیاق نبی برای بسط دیدگاه های الهیاتی اش باشد تا شرح دهد که خدا، سرور همهٔ ملت ها است. وانگهی، این فصل حاوی شمار زیادی عاریت های ادبی (خصوصاً از اش ۱۵ و ۱۶) و تکرارها است.
x شهری است واقع بر نشیب کوه نبو، در شرق رود اردن.
y از این شهر در یوشع ۱۹:۱۳ و اعد ۳۲:۳۷ و نیز در سنگ یادبود معروف «مِشا» پادشاه موآب نام برده شده است. محل آن را نمی توان با قطعیت تعیین کرد.
z در عبری نوعی بازی با کلمات وجود دارد: «حشبون» و «طرح اندیشیدن» دارای آوایی همسان می باشد. حشبون تپه ای است واقع در ۳۰ کیلومتری شرق اریحا، بر «راه شاه».
a در اینجا نیز میان «مدمن» و «خاموش و ساکت شدن»، بازی با کلمات به چشم می خورد. تعیین محل قطعی مدمن میسر نیست. نام آن شاید تغییر شکلی از نام «دیبون» باشد که شهری است در وسط موآب. در این صورت، باز با کلمات بازی شده است. ر.ک. توضیحات اش ۲۵:۱۰.
b شهری است که تعیین محل قطعی آن میسر نیست. این شهر شاید در بخش جنوبی موآب واقع بوده است. از آن در سنگ یادبود «مشا» نام برده شده است.
c این محل (پید ۱۳:۱۰؛ ۱۹:۳۰) در منتهای الیه جنوب شرقی دریای مرده قرار داشت. در متن عبری، کلمهٔ «کوچکان» آمده. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی و اش ۱۵:۵ . اگر متن عبری را مد نظر قرار دهیم، باید متذکر شد که طبق ترجمه آرامی و نظر مفسران یهودی، «کوچکان» عنوانی است هجوآمیز برای اشاره به بزرگان یا رؤسا.

۵آری، بر فراز لوحیت[d]،
از آن با گریه ها بالا می‌روند[e]؛
آری، در سراشیبی حورونایم،
هیاهوی اضطراب به گوش می‌رسد.
۶بگریزید، جان خود را نجات دهید،
همچون گورخر[f] در بیابان باشید.
۷از آنجا که به کارها و گنجهایت تکیه :۵:۱۷
کردی، ۴:۴۹
تو نیز گرفتار خواهی شد.
کموش به تبعید خواهد رفت[g]، ۳:۴۹
کاهنان و بزرگانش، همگی با هم.
۸شخصی ویرانگر[h] وارد هر شهر خواهد
شد
و هیچ شهری رهایی نخواهد یافت؛
دشت نابود خواهد شد و جلگه[i] ویران
خواهد گشت،
چنان که یهوه گفته است.
۹بال ها[j] بدهید به موآب،
چرا که آرزو دارد پرواز کند؛
شهرهایش به ویرانه بدل خواهد شد،
خالی از سکنه خواهد بود. ۲۸:۴۸

۱۰ملعون باد آن کس که کار یهوه را با
سهل انگاری انجام دهد!
ملعون باد آن کس که خون را از شمشیر ۴۶:۱۰؛
خود دریغ دارد! ۱سمو۱۵:۳،۹،
:۱۱
۱۱موآب از جوانی اش آسوده خاطر بود، ۱ پا۲۰:۳۲
بر دُرد خود می آرمید؛
او را از ظرفی به ظرفی دیگر خالی صف۱:۱۲
نمی کردند،
و به تبعید نرفته بود.
لذا طعمه او باقی مانده بود،
و عطرش تغییر نیافته بود.
۱۲به همین سبب، اینک روزهایی
می آید ـ وحی یهوه ـ که بر او خالی کنندگان
ظرف خواهم فرستاد که او را از ظرفی به
ظرف دیگر منتقل خواهند کرد؛ ظرف های
او را خالی کرده، و سبوهایش[k] را خرد
خواهند کرد. ۱۳و موآب از کموش شرمسار
خواهد شد، همان گونه که خاندان اسرائیل
از بیت ئیل[l]، امیدش شرمسار شد. ۲:۳۶ ۳۷
۱۴چگونه توانید گفت: ما شجاع هستیم ۲:۲۳
و مردان دلیر در جنگ؟

d شهر دیگری در جنوب موآب که تعیین محل آن مقدور نیست (ر.ک. توضیحات اش ۱۵:۵).
e این آیه را به کمک اش ۱۵:۵ و ترجمهٔ یونانی برگردانده ایم. متن عبری را این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «سربالایی لوحیت، گریه کنان گریه ها سر می دهد؛ در سراشیبی حورونایم، صدای دشمنان شنیده می شود که مصیبت را فریاد می کنند».
f مراد این است که بهتر است چون وحشی ها زندگی کرد، مانند گورخر در بیابان، تا اینکه به دست دشمن افتاد. کلمه «گورخر» را در متن عبری، می توان عروعیر (نام یک شهر) نیز خواند.
g کموش خدای ملی موآب بود که به واسطهٔ سنگ یادبود «مشا»، پادشاه موآب، به خوبی مورد شناسایی قرار گرفته است.
h اشاره به نبوکدنصر است.
i کلمهٔ «جلکه» اغلب دلالت دارد به منطقهٔ اصلی سرزمین موآب، واقع در شمال ارنون.
j قرائت متن عبری: «به موآب گلی بدهید». به نظر نمی رسد که این قرائت مفهومی داشته باشد. طبق قرائت یونانی، می توان ترجمه کرد: «برای موآب مقبره ای بنا کنید». این قرائت احتمالاً به متن اولیه وفادارتر است.
k برخی از مناطق موآب برای نشاندن تاک مساعد بود (ر.ک. اش ۱۶:۶ ۱۲).
l بر اساس توازی با کموش، در اینجا آشکار است که بیت ئیل به عنوان نام یک خدا گرفته شده است. نبی در تمام وحی های علیه ملت ها می خواهد نشان دهد که خدا نه فقط سرور تمام این اقوام بیگانه است، بلکه خدایانی نیز که تکریم می کنند (علاوه بر کموش و بیت ئیل، آپیس در ار ۱۵:۴۶؛ ملکُم در ار ۱:۴۹؛ مردوک در ار ۲:۵۰)، چیزی جز بت نیستند، یعنی «نیستی». فقط یهوه خدا است. این نکته یکی از عناصر اصلی در پیام این بخش از کتاب است.

۱۵ ویرانگر موآب بر علیه او برآمده
است[m]،
و نخبهٔ جوانی‌اش به کشتارگاه فرود
می‌آید،
- وحی پادشاه که نامش یهوهٔ لشکرها ۳:۱۲ :۳۴:۵۰ :۳۷:۵۱
است. اش ۱۵:۵۱
۱۶ نزدیک است فرا برسد، تیره بختی
موآب،
و مصیبتش با شتاب عظیم می‌آید.
۱۷ بر او دل بسوزانید، ای جمیع شما
همسایگان[n] او،
جمیع شما که نامش را می‌دانید؛
بگویید: «چگونه[o] خُرد شده آن عصای ۳۹:۴۸
سلطنتی[p]،
آن چوبدست پرجلال[q]؟»
۱۸ از جلال فرود آی، در کثافت بنشین،
ای زن سکونت کننده، ای دختر دیبون[r]؛
زیرا ویرانگر موآب بر علیه تو برآمده،
قلعه‌های مستحکمت را ویران ساخته
است.
۱۹ بر راه بایست و کمین کن،
ای دختر ساکن و در عَرُوعیر؛
از فراری و رهایی یافته سؤال کن،
بگو: «چه رخ داده؟»

۲۰ موآب پوشیده از شرمساری است، چرا
که له شده؛
زوزه بکشید و فریاد برآورید! ۳۹:۴۸
در اَرنون[s] اعلام نمایید
که موآب ویران شده است!
۲۱ داوری‌ای به سوی سرزمین جلگه
می‌آید، سوی حُولُون و سوی یهصَه، بر
میفاعَت، ۲۲ بر دیبون، بر نَبو، بر
بیت‌دبلَتایم، ۲۳ بر قریه تایم، بر
بیت‌جامول، بر بیت‌مَعون، ۲۴ بر قریوت، بر
بُصره و بر تمامی شهرهای سرزمین موآب،
دور و نزدیک.
۲۵ کوبیده شده، شاخ موآب[u]
و بازویش خُرد شده است! حز ۲۱:۳۰؛ مز ۱۷:۳۷
- وحی یهوه.
۲۶ او را مست سازید، زیرا بر یهوه کبر ۵۷:۵۱
فروخته است؛ بادا که موآب در قی خود در :۴۲:۴۸
غلطد و او نیز موجب تمسخر عموم گردد. دان ۲۳:۵
۲۷ آیا اسرائیل موجب تمسخر عموم
نگردید؟ آیا در میان دزدان یافت شد که ۲۶:۲
دربارهٔ او فقط با تکان دادن سر سخن
می‌گویی؟
۲۸ شهرها را ترک گویید و در صخره‌ها
مسکن گزینید،

m متن عبری مخدوش است: می‌گوید: «موآب ویران شده و شهرهایش برآمده». ما این آیه را به کمک مصرع سوم از آیه ۱۸، اصلاح کرده‌ایم.
n تحت‌اللفظی: «ای جمیع شما ای احاطه‌اش کرده‌اید...»
o این کلمه، وجه مشخصهٔ سوگواری‌ها است. همین کلمه است که در عبری، نام کتاب «مراثی» را به آن داده است.
p تحت‌اللفظی: «عصای قوت».
q تحت‌اللفظی: «چوبدست جلال».
r تحت‌اللفظی: «ساکنهٔ دیبون دختر»؛ ر.ک. ۱۹:۴۶.
s رودخانهٔ موآب که از جلگهٔ آن عبور می‌کند و بسترش میان دو کرانهٔ بلند قرار دارد و به دریای مرده می‌ریزد.
t مراد این است که موآب قوت خود را از کف داده است.
u برخی دیگر از نسخ خطی آورده‌اند: «ناله سر خواهند داد».

ای ساکنان موآب؛
همچون کبوتری باشید که آشیانه اش را
در جداره های گردنه ای باز می سازد.
اش ۱۶:۶؛ صف ۲:۱۰ ۲۹از تکبر موآب آگاهی یافته ایم،
او که بسیار متکبر است،
از بلندی اش، تکبرش، خودبینی اش
و دل مغرورش.
۳۰من می شناسم - وحی یهوه - خشم او را،
۶:۸ پرگویی های نامناسبش را،
و کارهای باطلش را.
۳۱به همین سبب است که بر موآب فریاد
می کشم،
و برای کل موآب فریاد بر می آورم،
و دربارهٔ مردمان قیرحارَس[v]، ناله سر
می دهم[u].
۳۲به گریه های یعزیر برای تو می گریم،
ای تاکستان سبمه؛
مز ۸۰:۱۲ شاخه های تو از دریا فراتر می رفت،
و به یعزیر[w] می رسید.
بر برداشت محصولت و بر خوشه چینی ات
ویرانگری فرود آمده است.

۳۳شادی و شعف دور شده[x]
از باغ های میوهٔ سرزمین موآب.
شراب خمره ها را خشکانده ام،
لگد کننده دیگر لگد نمی کند،
فریاد لگدکننده دیگر فریاد لگد کننده
نیست[y]!
۳۴هیاهوی[z] حشبون تا به العاله[a] می رسد؛
تا به یاهَص[b] صدا می دهند،
از صوغر تا به حُورُونایم،
و عجلَت شَلیشیا[c]؛
زیرا حتی آب های نِمریم[d] تبدیل به
ویرانه خواهد شد.
۳۵از نزد موآب نابود خواهم ساخت -
وحی یهوه - ۳:۱۷
آن کس را که به مکان بلند برمی آید
و برای خدایان بخور می سوزاند.
۳۶به همین سبب است که دل من، برای
موآب ۱۹:۴؛ اش ۱۶:۱۱
همچون نای می لرزد،
و دل من، بر مردمان قیرحارَس
همچون نای می لرزد؛

v این شاید پایتخت موآب بوده باشد. طبق ترجمهٔ یونانی، نام آن «شهر نوین» است (قیرحادَس): «قیر حارَس» در عبری به معنی «شهر تکه سفال ها» می باشد و این حاکی از بازی‌ای است که نویسنده با کلمات کرده، می گوید که برای سفال های خرد شده، ناله سر می دهد.

w در برخی از نسخ خطی آمده: «و به دریای یعزیر می‌رسد». ما مطابق با برخی نسخ خطی عبری و ترجمه یونانی و اش ۱۶:۸، این کلمه را حذف کرده ایم.

x نبی به شور و شعف جشن خوشه چینی اشاره می کند که در آنها مردم مست شراب می شدند (ر.ک. یول ۱:۱۶).

y مراد از «فریاد لگد کننده» فریاد فاتحی است که موآب را لگدمال می کند: این فریادی است وحشیانه که هیچ شباهتی به فریاد شادمانهٔ لگدکنندگان انگور برای تهیه شراب ندارد. در خصوص این تصویر، ر.ک. ۲۵:۳۰؛ مرا ۱:۱۵؛ یول ۴:۱۳؛ اش ۶۳:۲-۳؛ مکا ۱۴:۱۹-۲۰؛ ۱۹:۱۵.

z تحت اللفظی: «از فریاد کمک».

a شهری واقع در ۳ کیلومتری شمال شرقی حشبون.

b شهری واقع در ۲۵ کیلومتر به سوی جنوب.

c شهرهای صوغر و حورونایم در جنوب غربی قلمرو موآب قرار داشت. عجلت شلیشیا به معنی «گوسالهٔ مادهٔ سه ساله» است. این یا صفتی است برای حورونایم، یا نام شهری است؛ این در هر حال، اشاره به دامداری در این ناحیه دارد.

d واحه ای است در جنوب شرقی دریای مرده.

به همین سبب است که سودهایی که به
دست آورده بودند،
از میان رفته است[e].
۳۷ زیرا همهٔ سرها تراشیده شده
و همهٔ ریش ها بریده شده؛ اش۱۵:۲
بر همهٔ دست ها جراحات (هست)،
و بر همهٔ کمرها، پلاس.
۳۸ بر تمامی بام های موآب و بر ۴۹:۳
میدان هایش،
همه چیز مرثیه است؛
زیرا موآب را خُرد کرده ام
همانند ظرفی که کسی نمی خواهدش ۲۲:۲۸
- وحی یهوه.
۳۹ چه له شده است! زوزه سر دهید!
چگونه پشت خود را برگردانده است، ۴۸:۲۰؛
موآب، شرمسار! ۴۹:۲۵
موآب به تمسخر و وحشت بَدَل شده
برای تمام همسایگانش.
۴۰ زیرا یهوه چنین سخن می گوید:
اینک همچون عقاب بر بال های باد سوار ۴۹:۲۲؛
است، تث۲۸:۴۹
بال های خود را به سوی موآب می گشاید.
۴۱ شهرها گرفته شده
و مکان های مستحکم[f] برده شده است؛
و دل شجاعان موآب، در آن روز، ۴۹:۲۲
به سان دل زنی است که درد زایمان
می کشد.

۴۲ موآب نابود شده، دیگر قومی نیست،
چرا که بر یهوه کبر فروخته است. ۴۸:۲۶؛ ۵۰:۲۹
۴۳ وحشت، گودال و تله اش۲۴:۱۷-۱۸؛
بر تو، ای ساکن موآب! مرآ۳:۴۷
وحی یهوه.
۴۴ هر که از برابر وحشت بگریزد، در عا۵:۱۹
گودال خواهد افتاد،
و هر که از گودال بر آید، در تله گرفتار
خواهد شد.
زیرا این را بر موآب وارد خواهم ساخت،
در سال مجازاتش ۱۱:۲۳؛ ۲۳:۱۲
- وحی یهوه.
۴۵ گریزندگان، بدون قوت،
در سایهٔ حشبون متوقف خواهند شد؛
اما از حشبون آتشی بیرون می آید اعد۲۱:۲۸
و شعله ای از شهر سیحون؛
شقیقه های موآب را خواهد درید اعد۲۴:۱۷
و جمجمهٔ پسران هیاهو را[g].
۴۶ وای بر تو، ای موآب!
قوم کموش هلاک شده است! اع۲۱:۲۹
زیرا که پسرانت به اسیری برده شده اند،
و دخترانت به اسارت!
۴۷ اما در دنبالهٔ ایام، سرنوشت موآب را
تغییر خواهم داد - وحی یهوه[h]. ۱۲:۱۵؛
در اینجا داوری موآب متوقف می شود. ۲۹:۱۴؛ ۴۹:۶

e برگردان ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «به سبب سودهایی که به دست آورده اند، از میان می روند».
f قرائت عبری: «قریوت» (یعنی شهرها) و «مسادوت» (یعنی کُنج ها)
g «شقیقه» و «جمجمه» شاید اشاره دارند به دامنهٔ غربی و جلگهٔ این سرزمین.
h طرح این تغییر سرنوشت و احیا به همان چشم اندازی تعلق می یابد که در ار ۲۶:۴۶ آمده است.

عمّون

۴۹
۱ برای بنی عمّون[i]،
چنین سخن می گوید یهوه:
آیا اسرائیل را پسری نیست،
آیا وارثی ندارد؟
از برای چه ملکُم[j] از جاد[k] میراث برده
و قومش در شهرهایش ساکن شده است؟
۲ به همین سبب، اینک روزهایی می آید
- وحی یهوه -
در ربّهٔ بنی عمّون
هیاهوی جنگ را به گوش ها خواهم
رساند. ۵۰:۱۵؛ اش ۴۲:۱۳
آن به تلّی[l] متروک بدَل خواهد گشت،
دخترانش[m] به آتش کشیده خواهند شد، ۱۴:۱۸
و اسرائیل از وارثانش[n] میراث خواهد
گرفت
- وحی یهوه.
۳ زوزه سر ده، ای حشبون[o]، چرا که
ویرانگری[p] برآمده است؛
فغان برآورید، ای دختران ربّه، ۴:۸؛
پلاس در بر کنید، سوگواری نمایید، حز ۱۸:۷
و در محوطه های محصور[q] بگردید؛ ۴۸:۷
زیرا مَلکُم به تبعید خواهد رفت،
کاهنانش و بزرگانش، جملگی با هم.
۴ چگونه با دشت خود را جلال می دهی،
ای دختر مرتد
که به گنجهایت اعتماد می کنی و
می گویی:
«چه کس می تواند بر علیه من بیاید؟» ۲۱:۱۳
۵ اینک هراس[r] را از تمامی حوالی
بر تو خواهم آورد ۴۶:۵
- وحی خداوند یهوهٔ لشکرها؛
هر یک در جلو خویش رانده خواهید
شد،

i عمونی ها که سرزمینشان در شرق دریای مرده قرار داشت و پایتختشان شهر ربّه عمون بود (عمّان امروزی)، دشمنان سنتی اسرائیل بودند (ر.ک پید ۱۹:۳۸؛ تث ۲:۱۹ و غیره و اشارات مکرر در ارمیا). در اینجا، نبی ایشان را به سبب اشغال قلمرو جاد نکوهش می کند: این رویداد ممکن است بعد از ۷۲۱ ق.م. رخ داده باشد (حالت خصمانهٔ ایشان به هنگام سقوط یهودا به سال ۵۸۷ ق.م. نیز مشهود است؛ ر.ک. ۲-پاد ۲۴:۲).

j قرائت ماسورتی: «مَلکَم» (یعنی پادشاه ایشان). متن اولیه قطعاً به مَلکُم اشاره دارد، چنان که ترجمه های یونانی و وولگات و سریانی نیز چنین قرائت کرده اند. ملکُم خدای ملی عمّونی ها بود (ر.ک. ۱-پاد ۱۱:۵، ۷، ۳۳؛ ۲-پاد ۲۳:۱۳). این نام از کلمه «مَلک» یعنی پادشاه، مشتق شده است. عبارت «از جاد میراث برده» به این معنی است که آن را به تصرف درآورده است، احتمالاً در ۷۲۱ ق.م.

k جاد منطقه ای واقع در شرق رود اردن و در برابر اریحا بود. قبیلهٔ جاد به هنگام ورود قوم اسرائیل به کنعان، در آنجا ساکن شد (ر.ک. اعد ۲۱:۲۴؛ ۳۲:۳۴-۳۵؛ یوشع ۱۳:۲۴-۲۸). این سرزمین همواره مورد تهدید همسایگانش قرار داشت: نخست از سوی «مشا»، پادشاه موآب (ر.ک. سنگ یادبود مشا) در قرن ۹ ق.م. و بعد از سوی حزائیل، پادشاه ارامیان در قرن ۸ ق.م.

l این کلمه دلالت بر تپه ای مصنوعی دارد که از ویرانه های شهرهای پیشین تشکیل یافته. ر.ک. ۳۰:۱۸؛ توضیحات یوشع ۸:۲۸.

m مراد شهرهای تابع آن است.

n یعنی اسرائیل میراث خود، جاد را از عمّون که آن را تسخیر کرده بود، باز به دست خواهد آورد.

o حشبون یکی از شهرهای موآب بود که احتمالاً به تصرف عمّونی ها درآمده بود.

p قرائت عبری: «... زیرا که عای ویران شده است». ما بر اساس ۴۸:۱۸ متن را اصلاح کرده ایم. به هر حال، «عای» به معنی «ویرانه» می باشد.

q منظور محوطه ای است محصور میان دیوارهایی از سنگ های نتراشیده.

r «هراس» می تواند، در ضمن، یکی از القاب خدای پدران باشد (ر.ک. پید ۳۱:۴۲، ۵۳). در این صورت، جمله مفهومی اندکی متفاوت می یابد و باید این کلمه را نام خاص تلقی کرد و آن را اشاره به خدا دانست.

ناˍ۳:۱۸ و کسی برای گرد آوردن فراریان نخواهد
بود!
۴۷:۴۸ [۶]اما پس از این سرنوشت بنی عَمّون را
تغییر خواهم داد[s]
- وحی یهوه.

ادوم

ادوم متروک می‌شود[t]

[۷]برای ادوم[u].
چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها:
عو۸: باˍ۳:۲۲ آیا در تیمان دیگر حکمت نیست؟
آیا مشورت از مردان هوشمند روی بر
تافته؟
آیا حکمتشان زایل شده است؟
[۸]بگریزید، پشت خو درا بر گردانید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان دَدان[v]،
۳۲:۴۹ زیرا که بر عیسو[w] شوربختی‌اش را
می‌آورم،
آن زمان را که مکافاتش می‌دهم[x].

[۹]اگر انگورچینان نزد تو آیند،
چیزی برای چیدن نخواهند گذارد؛
اگر دزدان شب هنگام باشند،
به دلخواه خویش ویران خواهند ساخت.
[۱۰]آری، عیسو را من کاویده‌ام، میک۱:۳
و نهانگاه هایش را عریان ساخته‌ام؛
نمی‌تواند خود را پنهان سازد. عو۶
نسلش نابود شده، هم چنان که
برادرانش،
و همسایگانش: او دیگر نیست[y]!
[۱۱]یتیمانت را واگذار، من خود آنان را
زنده نگاه خواهم داشت،
و باشد که بیوگانت به من اعتماد کنند!
[۱۲]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: ببین:
آنانی که محکوم به نوشیدن جام نبودند،
باید که بنوشند[z]، و آیا تو می‌توانی بدون ۲۹:۲۵
تنبیه باقی بمانی؟ بدون تنبیه باقی نخواهی ۱۵:۲۵،۲۱:
ماند، بلکه باید که بنوشی. [۱۳]آری، به خود اش۶۳:۶: ناˍ۳:۱۱:
سوگند می‌خورم[a] - وحی یهوه - بُصره[b] بَدَل مرا۴:۲۱
به ویرانی و رسوایی و خرابه و لعنت[c] ۱۵:۱۹: ۱:۳۴

s این طرح تغییر سرنوشت جزو همان چشم‌اندازی می‌باشد که در ۴۶:۲۶ توصیف شده است.
t بخش‌هایی از آیات ۷ تا ۱۶ در عو ۱ ۶ آمده است.
u ادوم با قوم اسرائیل نسبت برادری دارد (ر.ک. پید ۲۵: ۳۰: ار ۴۰:۱۱) و قلمرو آن در جنوب شرقی فلسطین واقع است. قوم اسرائیل با ایشان اختلاف‌های متعدد داشته است (۲ـ سمو ۸:۱۴؛ ۱ـ پاد ۹:۲۶؛ ۲ـ پاد ۸: ۲۰ ۲۲: ۱۶:۶). در اینجا وحی به رفتار ادومیان به هنگام سقوط اورشلیم اشاره دارد (ر.ک. توضیحات عو ۱۱).
v شهری در ادوم، واقع در جنوب آن و در شمال عربستان. امروزه، ال الا (؟) نامیده می‌شود.
w مراد همان ادوم است.
x تحت‌اللفظی: «لحظه‌ای را که از او حساب خواهم خواست» ر.ک. ۵۰:۳۱ و توضیحات؛ ۲۳:۱۲ و توضیحات.
y در برخی ترجمه‌های دیگر، بر اساس سنت یهود، چنین برگردانده‌اند: «... و کسی نخواهد بود که بگوید: ۱۱ـ نگران یتیمانت مباش...»
z نبی به اسرائیل اشاره می‌کند که با اینکه قوم نخست‌زاده بوده و از سوی خدا مبارک شده، باز باید جام سقوط اورشلیم و تبعید را بنوشد؛ ر.ک. ۲۵:۱۵ ۲۹.
a ر.ک. ۲۲:۵ و توضیحات.
b پایتخت ادوم: ر.ک. پید ۳۶:۳۳؛ اش ۳۴:۶.
c ر.ک. ۲۴:۹ و ۲۵:۹.

خواهد شد، و تمامی شهرهایش تبدیل به
خرابه های ابدی خواهند گشت.

ادوم مورد حمله قرار می گیرد

[۱۴]از جانب یهوه خبری شنیدم
و پیام آوری به میان ملت ها گسیل شد:
«گرد آیید و بر علیه او بیایید؛
برای جنگ بر پا ایستید!»
[۱۵]زیرا که اینک تو را در میان ملت ها
کوچک ساخته ام،
خوار در میان مردمان.
[۱۶]نخوتت تو را فریفته،
تکبر دلت[d]؛
عو۳ تو که در شکاف های صخره ساکنی،
تو که بلندی های تپه را اشغال می کنی.
آن هنگام که آشیانه ات را به سان عقاب
برافرازی،
از آنجا تو را فرود خواهم آورد ـ وحی
یهوه.

ادوم ویران می شود.

[۱۷]ادوم تبدیل به ویرانه خواهد شد: هر که
۱۹:۸؛ از کنار او عبور کند، حیران خواهد شد و در
۵۰:۱۳ مقابل تمام این جراحاتش سوت خواهد زد[e].

۵۰:۴۰ [۱۸]یهوه می گوید، به سان زمان واژگونی
صف۲:۹ سدوم و عموره و [شهرهای] مجاور، هیچ
۴۹:۳۳؛ بشری در آن ساکن نخواهد شد، و هیچ بنی
۵۱:۴۳ آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.
۵۰:۴۴ ۴۶ [۱۹]اینک، به سان شیری که از انبوهی
۱۲:۵ اردن به سوی چراگاهی دائمی برمی آید، در
یک آن ایشان[f] را از آنجا[g] گریزان خواهم
ساخت، و در آنجا کسی را برقرار خواهم
داشت که برگزیده ام[h].
۱۰:۶ زیرا کیست همچون من؟
چه کس مرا [برای عدالت] به محاکمه
خواهد کشاند؟
کدامین چوپان[i] است که تواند در برابر
من ایستاد؟
[۲۰]به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه
برای ادوم تعیین کرده، گوش فرا دهید،
به طرح هایی که او برای ساکنان تیمان
ریخته:
آری، گوسفندان ـ حتی نحیف ترین آنها[j]
ـ کشیده خواهند شد،
آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران
خواهد شد.
[۲۱]با صدای سقوط ایشان، زمین به لرزه
می آید،

d تحت اللفظی: «لرزه ای که می دهی، تو را می فریبد، آن بی شرمی دلت».
e ر.ک. ۱۹:۸؛ توضیحات ۱۸:۱۶.
f قرائت عبری: «... او را». ترجمه او مبتنی است بر ترجمه یونانی و آرامی و سریانی، مشابه ۵۰:۴۴. منظور ساکنان ادوم است.
g مراد ادوم است: ر.ک. آیه ۱۷.
h برخی دیگر ترجمه کرده اند: «جوانان جنگ آور را بر علیه او خواهم شتاباند» با تغییر یک حرف صدادار در متن، می توان چنین قرائت کرد: «به برگزیده ام (یعنی اسرائیل، یا فرمانروایی خاص) بر او حاکمیت خواهم بخشید».
i یعنی: «کدامین پادشاه».
j ر.ک. توضیحات ۵۰:۴۵.

پژواکش در دریای نیزارها شنیده
می‌شود[k].
۲۲اینک او به مانند عقاب بر می‌آید، بر ۴۰:۴۸
باد سوار است،
و بال‌هایش را بر بُصره می‌گشاید،
و دل دلاوران ادوم، در آن روز، ۴۱:۴۸
همچون دل زنی در حال زایمان می‌باشد. ۳۱:۴

دمشق

۲۳برای دمشق[l].
حمات و ارفاد[m] از شرمساری پوشیده
شده‌اند،
زیرا که خبر بدی شنیده‌اند؛
دلشان از نگرانی ذوب می‌شود،
نمی‌تواند آرام گیرد[n].
۲۴دمشق، ناتوان، برمی‌گردد تا بگریزد،
وحشت او را فرو می‌گیرد،
اضطراب و درد او را در گرفته، همچون
زنی که می‌زاید. ۴۳:۵۰؛ اش۱۳:۸
۲۵زیرا آن شهر پرشکوه رها شده،
آن شهر شادمانی[o]! ۲۳:۵۰
۲۶به این سبب، جوانانش در ۳۰:۵۰
میدان‌هایش خواهند افتاد،
و جمله مردان جنگی‌اش در آن روز از
پای در خواهند آمد
- وحی یهوهٔ لشکرها،
۲۷حصار دمشق را به آتش خواهم کشید،
و آن، کاخ‌های بِنهَدَد را نابود خواهد
ساخت.

عرب‌ها[p]

۲۸برای قیدار[q] و ممالک حاصور[r] که
نبوکدنصر، پادشاه بابل مغلوب ساخت.
یهوه چنین سخن می‌گوید:
بر پا ایستید! به سوی قیدار برآیید
و بنی مشرق[s] را ویران سازید.
۲۹بادا که خیمه‌ها و گله‌هاشان را ۲۰:۴
بگیرند،
پرده‌ها و تمامی بار و بنه‌شان را؛
بادا که شترانشان را بر دارند
و بر آنان فریاد زنند: «وحشت از هر
سو!»
۳۰بگریزید، به شتاب بگریزید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان حاصور - وحی یهوه -
زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل،

k تحت‌اللفظی: «فریادی! سر و صدای او در دریای نیزار شنیده می‌شود» (ر.ک. خروج ۱۹:۱۰).
l این وحی قطعاً به دنبال پیروزی نبوکدنصر در ۶۰۵ ق.م. در کرکمیش، بر مصریان و آشوریان بیان شده است. اندکی پس از آن بود که وی شروع به تصرف شهرهای ارامی کرد.
m حمات که امروز نیز به همین نام خوانده می‌شود، بر رود اُرونت قرار دارد، و ارفاد نیز در ۳۰ کیلومتری شمال حلب.
n تحت‌اللفظی: «ایشان مضطرب‌اند. در دریا، وحشت وجود دارد». برخی دیگر، با تغییر در یک حرف بی‌صدا در متن، چنین ترجمه کرده‌اند: «ایشان به سان دریا متلاطم‌اند. چه وحشتی! ممکن نیست که آرام ماند» (ر.ک. اش ۵۷:۲۰).
o ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های قدیمی. قرائت عبری: «شهر شادمانی من» اما در هیچ جا اشاره‌ای نیست به اینکه دمشق چگونه می‌توانسته شادمانی خداوند باشد.
p در ۵۹۹ ق.م. نبوکدنصر دست به حملاتی پراکنده به اعراب زد. این وحی احتمالاً بازتابی است از این امر.
q نام قبیله‌ای چادرنشین در شمال عربستان (ر.ک. ار ۲:۱۰).
r تحت‌اللفظی: «بیشهٔ احشام» در اینجا اشاره به نامی است گروهی مربوط به قبایل عرب نیمه اسکان یافته.
s تحت‌اللفظی: «بنی قیدیم» قیدیم که به معنی مشرق است، دلالت بر منطقه‌ای واقع در شرق عربستان دارد. منظور مردمان بیابان‌نشین است.

بر علیه شما قصدی اندیشیده
و طرحی بر علیه شما[t] ریخته است.
۳۱ بر پا ایستید! به سوی ملتی آسوده خاطر بر آیید
که در امنیت ساکن است[u] - وحی یهوه -
که نه دروازه‌ای دارد و نه چفتی،
و در انزوا ساکن است.
۳۲ شترانشان به غنیمت خواهند رفت،
و انبوه گله هاشان طعمه خواهند بود.
ایشان را به هر بادی پراکنده خواهم ساخت،
۱۰:۳۱ این «شقیقه تراشیدگان[v]» را؛
۸:۴۹ از هر سو شوربختی‌شان را خواهم آورد
- وحی یهوه.
۳۳ حاصور تبدیل به مَغارهٔ شغالان خواهد شد،
ویرانه‌ای همیشگی،
۱۸:۴۹؛ ۴۰:۵۰ هیچ بشری در آنجا ساکن نخواهد شد،
و هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.

عیلام[w]

۳۴ این چنین بود کلام یهوه به ارمیای نبی برای عیلام، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا:

۳۵ چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها:
اینک کمان عیلام را خرد خواهم ساخت[x]، اش۲۲:۶
آن اصل قدرتش را.
۳۶ از چهار گوشهٔ آسمان
چهار باد بر عیلام خواهم آورد.
ایشان را به تمامی این بادها پراکنده خواهم ساخت،
و ملتی نخواهد بود
که طردشدگان عیلام بر آنجا نرسند.
۳۷ عیلام را از برابر دشمنانش ۱۷:۱
وحشت‌زده خواهم ساخت
و از برابر آنان که قصد جانش را دارند؛
بر ایشان مصیبتی خواهم آورد، ۱۳:۱۲
شدت خشمم را - وحی یهوه.
از پس ایشان تیغ را خواهم فرستاد، ۱۵:۹
تا آن هنگام که قلع و قمعشان کنم.
۳۸ سپس تخت سلطنت خود را بر عیلام خواهم نهاد
و از آنجا پادشاه و بزرگانش را نابود خواهم ساخت
- وحی یهوه.
۳۹ اما در دنبالهٔ ایام، واقع خواهد شد که
سرنوشت عیلام را تغییر خواهم داد[y] - وحی یهوه. ۴۷:۴۸

t عبارت «بر علیه شما» اضافه ای است که در چند نسخه خطی عبری وجود دارد.
u ر. ک. داور۱۸:۷و۲۷؛حزق۳۸:۱۱.
v ر. ک. توضیحات ۹:۲۵.
w عیلام سرزمینی است واقع در شرق بابل که از هزارهٔ سوم وجود داشته و پایتختش شوش بوده است. به هنگام اعلام این وحی (در ۵۹۷ ق.م.) عیلام از گذشته ای پرافتخار برخوردار بوده و استقلال خود را که در زمان آشوریان از دست داده بود، باز یافته بود، اما دیگر نقشی ایفا نکرد. اشاره نبی به این سرزمین شاید علت الهیاتی داشته؛ او احتمالاً می‌خواسته نشان دهد که قدرت خدا جهان شمول بوده، همهٔ مردمان را در بر می گیرد.
x مهارت کمانداران عیلامی در تاریخ تبدیل به ضرب المثل شده است. تصویر ایشان کراراً در نقوش پارسی یافت می شود.
y در اینجا باز همان پیامی را که در ار ۴۶:۲۶ و ۴۹:۶ آمده، باز می یابیم.

سقوط بابل و رهایی اسرائیل[z]

۵۰ [۱]کلامی که یهوه خطاب به بابل و ۱۳:۴۶
خطاب به سرزمین کلدانیان، به اش۱۳:۱ ۲۱:۱
واسطهٔ خدمت ارمیای نبی گفت[a]. ۱۰

بابل

[۲]این را در میان ملت ها اعلام نمایید،
آن را منتشر سازید، مخفی مکنید، ۱۴:۴۶
بگویید:
بابل گرفته شده!
بل[b] از شرمساری پوشیده شده! اش۴۶:۱
مَرودک[c] له شده!
بت هایش از شرمساری پوشیده شده!
«کثافاتش»[d] له شده اند! ۳۸:۵۰
[۳]زیرا که از شمال[e] ملتی بر علیه او اش۲۱:۹ ۵۰:۹
می آید
که سرزمینش را به ویرانی خواهد سپرد،
و در آنجا دیگر سکنه ای نخواهد بود:
از انسان گرفته تا حیوان،
گریخته اند؛ از آنجا رفته اند[f]!

اسرائیل

[۴]در آن روزها و در آن زمان
- وحی یهوه -
بنی اسرائیل خواهند آمد،
ایشان و پسران یهودا، جملگی با هم[g]؛
گریان، ره خواهند سپرد ۳۱:۹
و یهوه، خدایشان را خواهند طلبید[h]. هو۳:۵
[۵]روی خود را به سوی صهیون خواهند ۳۱:۶
گرداند
و دربارهٔ آن خبر خواهند گرفت:
«بیایید به یهوه بپیوندیم[i]

z بخش نبوت ها بر علیه ملت ها، با مجموعه ای از وحی های خطاب به بابل به پایان می رسد که دو فصل طولانی را در بر می گیرد. این دو فصل که از کیفیت ادبی بالایی برخوردار بوده و به سبک های مختلف نوشته شده، دائماً حول دو موضوع می گردد: سقوط بابل و نجات اسرائیل پراکنده. اگر این متون را ارمیا در زمانی که بابل دراوج قدرتش بود نوشته باشد، قصدش این بوده که به واسطهٔ آنها، ویرانی بابل و احیای اسرائیل را به دست آورد. اما این امکان نیز هست که این وحی ها به دست یکی از شاگردان ارمیا، در زمانی که سقوط بابل نزدیک به نظر می رسید نوشته شده باشد. در هر حال، این وحی ها از یک سو آشکار کنندهٔ تأملی بشری آکنده از واقع بینی است، یعنی انتقاد بنیادین از هر گونه توسعه طلبی سیاسی و خودمحورانه و به ضرر سایر اقوام؛ و از سوی دیر، نگرش الهیاتی عمیقی است در این خصوص که خدا به خاصان خود نزدیک است، حتی در مواقع بحرانی تاریخشان، تا ایشان را نجات بخشد.

a آنچه که عمل می کند، کلام خدا است؛ ارمیا فقط ابزاری است برای آن.

b «بل» در اصل به معنی «مالک» است مانند «بعل» این عنوان به خدایان متعددی اطلاق شده اما خصوصاً به مردوک.

c «مردوک» خدای شهر بابل است؛ از زمان حمورابی به بعد، او خدای ملی تمام مملکت بابل گردید.

d اصطلاح عبری که در اینجا به کار رفته، به معنای «چیزی شدیداً نفرت انگیز» می باشد (احتمالاً با «مدفوع» مرتبط است). آن را کراراً در کتاب حزقیال باز می یابیم (نیز ر. ک. لاو ۲۶: ۱ـ پاد ۱۵:۱۲ و توضیحات؛ ۱ـ پاد ۲۱:۲۶؛ ۲ـ پاد ۲۱:۱۱).

e مصیبت از شمال می آید (ر. ک. توضیحات ۴:۶) در اینجا فقط معنای استعاری مد نظر است، زیرا دشمن، یعنی پارسیان، عملاً از جنوب شرقی می آیند.

f ر. ک. ۹:۹. در عبری، معنای خاص «رفتن» همان «گریختن» است، و در معنای مجازی، «مردن».

g در خصوص رؤیای اتحاد اسرائیل و یهودا، ر. ک. ار ۳:۱۸؛ ۲۳:۶؛ ۳۱:۶؛ اش ۱۱:۱۳؛ حزق ۳۷:۱۵ ۲۸؛ هو ۲:۲؛ زک ۹:۱۳؛ ۱۰:۶.

h نبی با این تصویر، توبه تبعیدیان را توصیف می کند، توبه ای که از دور مشاهده می کند (ر. ک. ۳:۲۱ ۲۵).

i ترجمهٔ ما با تغییری در یک حرف صدادار در کلمهٔ دوم متن عبری صورت گرفته است. قرائت متن عبری: «بیایید و ایشان می پیوندند». برخی دیگر، بر اساس آکیلا و با اعمال تغییری در حروف صدادار کلمه اول، چنین ترجمه کرده اند: «ایشان می آیند و به یهوه می پیوندند».

۴۰:۳۲ با عهدی دائمی و فراموش نشدنی».
۱۷:۵۰ [۶]گوسفندان[j] گمشده؛ این چنین بودند قوم من؛
چوپانانشان ایشان را سرگردان می‌کردند،
۱:۲۳؛ زک ۲:۱۰ برروی کوه‌ها، ایشان را گرد خودشان می‌گرداندند؛
از کوه به تپه می‌رفتند
و آغل خود را از یاد می‌بردند.
[۷]هر که ایشان را می‌یافت،
۳:۲؛ ۱۶:۳۰ می‌دریدشان،
و دشمنانشان می‌گفتند: «ما مقصر نیستیم،
۸:۱۴؛ ۲۳:۳۱ چرا که به یهوه گناه ورزیده‌اند،
به آن مسکن عدالت و امید پدرانشان[k].»

بابل

۱۶:۵۰؛ ۴۵،۶:۵۱؛ اش ۲۰:۴۸؛ زک ۲: ۱۰ ۱۱ [۸]از میان بابل بگریزید،
و از سرزمین کلدانیان بیرون آیید!
همچون بزهای نر باشید
در رأس گله[l].
[۹]زیرا اینک من بر علیه بابل
۴۱:۵۰؛ ۱۴:۲۵؛ ۴۸،۲۷:۵۱ قشونی از ملت‌های بزرگ را
که از سرزمین شمال [آمده‌اند]
برخواهم انگیخت و برخواهم آورد؛
ایشان بر علیه او صف‌آرایی خواهند کرد؛
این چنین است که گرفته خواهد شد[m].
تیرهاشان به سان تیرهای جنگاوری ماهر است[n]
که دست خالی باز نمی‌گردد.
[۱۰]کلده به یغما گذارده خواهد شد،
جمله غارتگرانش به سیری خواهند رسید
- وحی یهوه.
[۱۱]می‌توانید شادی کنید، می‌توانید هلهله کنید، مرا ۲۱:۴۱
ای غارتگران میراث من[o]!
می‌توانید همچون گوساله‌ای ماده در سبزه‌زار بجهید،
و همچون اسبان نر شیهه بکشید!
[۱۲]مادر شما تماماً از شرمساری پوشیده شده؛
خجل‌زده است آن زن که شما را زایید!
اینک او واپسین ملت‌ها است،
بیابان است و زمین خشک و صحرا! ۴۳:۵۱
[۱۳]به سبب خشم یهوه، آن دیگر مسکون نخواهد شد، ۲۶:۴؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۳:۱۲؛ ۳۷:۲۵؛ اش ۱۳:۱۳
تماماً ویرانه خواهد گشت:
هر آن کس که از کنار بابل بگذرد،
حیران خواهد شد
و در برابر تمام جراحاتش سوت خواهد زد[p]. ۱۷:۴۹
[۱۴]بر علیه بابل، گرداگرد آن، صف‌آرایی کنید، ۲۹،۹:۵۰

j تحت‌اللفظی: «احشام کوچک» (یعنی گوسفند و بز).
k این جمله احتمالاً از سوی نبی ادا شده، نه از سوی دشمنان.
l این تصویر بازگو کنندهٔ شجاعت و شور و شوقی است که نبی آرزو دارد در تبعیدیان برای خروج از اسارت ببیند.
m تحت‌اللفظی: «از آنجا گرفته خواهد شد».
n این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «... جنگاوری است که از فرزندان محروم می‌سازد».
o یعنی بابلی‌ها در فلسطین.
p ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

ای همگی شما که کمان را می کشید؛
تیرها را به سوی او پرتاب کنید و آنها را
دریغ مدارید،
۷:۵۰ زیرا که به یهوه گناه ورزیده است[q].
:۱۹:۴ [۱۵] بر او فریاد بزنید، در گرداگردش!
:۱۶:۲۰ دست خود را دراز می کند[r]، ستون هایش
یوشع۶:۵، ۲۰: فرو می ریزد،
اش۴۴:۲۳ حصارهاش تخریب شده است.
:۹:۵ زیرا این انتقام یهوه است؛ از او انتقام
۶:۵۱ بگیرید،
۲۹:۵۰ مطابق آنچه کرده با او انجام دهید!
[۱۶] از بابل محو کنید آن کس را که بذر
می پاشد
و آن کس را که به هنگام درو، داس را به
کار می برد!
:۲۸:۵۰ به سبب شمشیر ویرانگر،
:۳۸:۲۵ بادا که هر کس به سوی قوم خود باز
:۴۵،۹:۵۱ گردد،
اش۱۳:۱۴ هر کس به سرزمین خود بگریزد.

اسرائیل

:۶:۵۰ [۱۷] اسرائیل گوسفندی گمشده بود
:۱۵:۲ که شیرها تعاقبش می کردند.
اش۵:۲۹ پادشاه آشور، اول از همه، آن را درید[s]؛
سپس این آخرین، نبوکدنصر، پادشاه بابل،
استخوان هایش را خُرد کرد[t]. [۱۸] به همین
سبب، چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: اینک من پادشاه بابل و ۹:۸
سرزمینش را مجازات خواهم کرد، همان اش۱۰:۱۲
سان که پادشاه آشور را مجازات نمودم.
[۱۹] من اسرائیل را به چراگاهش باز خواهم ۳:۲۳
گرداند؛
بر کرمل و در باشان[u] خواهد چرید،
در کوهساران افراییم و جلعاد[v] سیر
خواهد شد.
[۲۰] در آن روزها و در آن زمان وحی
یهوه
به دنبال خطای اسرائیل خواهند گشت، و :۲۲:۳
خطایی نخواهد بود، مز۱۰:۱۵
و (به دنبال) گناهان یهودا، و نخواهند
یافت؛
چرا که [بازمانده] را که باقی می گذارم، :۳۴:۳۱
خواهم آمرزید[w]. اش۳۳:۲۴

بابل

[۲۱] به سزمین مراتاییم[x] بر آی،
بر علیه او بر آی
و بر علیه ساکنان فقود[y].

q این جمله در ترجمه یونانی نیست: احتمالاً حالت توضیحی دارد.
r احتمالاً یعنی «تسلیم می شود».
s اشاره با سقوط سامره در ۷۲۲ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.
t اشاره با سقوط اورشلیم در ۵۹۷ ۵۸۷ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.
u باشان به کوه های کرانه شرقی رود اردن دلالت دارد که به سبب چراگاه هایش شهرت داشت (ر.ک. میک ۷:۱۴؛ مز ۲۲:۱۳).
v جلعاد در جنوب باشان واقع بود که این نیز در شرق رود اردن قرار داشت.
w این بدان معنی نیست که برخی از آمرزش برخوردار خواهند شد به این دلیل که این بخت را داشته اند که زنده باقی بمانند، بلکه فقط می خواهد بگوید که آمرزش و زنده ماندن مرتبط اند (ر.ک. اش ۴:۴ ۶؛ صف ۳:۱۳).
x در اصل «مرَاتیم» که در زبان اکّدی یعنی «مناطق ساحلی» و دلالت دارد بر منطقه دهانه رودهای دجله و فرات. قرائت سنتی یهود معنای جغرافیایی «مرَاتیم» را از دست داده و آن را تبدیل به کلمه «مراتاییم» کرده، یعنی «ارتداد مضاعف» یا «تلخی (مرارت) مضاعف».
y «فقود» دلالت دارد به بخشی از منطقه مرایتم. در حزق ۲۳:۲۳ به ساکنان این دیار اشاره شده است.

۵۰:۲۶ ۲۷؛ ۵۱:۳ بکش و قلع و قمع کن[z] آنچه را که از آن باقی مانده
وحی یهوه
و مطابق آنچه تو را امر کرده ام، عمل نما.
[۲۲] هیاهوی رزم در سرزمین
۵۱:۵۴ و بلایی عظیم!
۵۱:۴۱؛ [۲۳] چگونه فرو کوبیده و خرد شده
اش ۱۰:۵؛ ۱۴:۵ آن چکش تمامی زمین؟
چگونه تبدیل به ویرانه شده،
۵۰:۳،۱۳؛ مکا ۱۸:۱۹ بابل، در میان ملت ها؟
[۲۴] برایت دامی گستردم[a] و گرفتار شده ای،
ای بابل، بی آنکه متوجه شوی؛
یافت شده و گرفته شده ای،
از آنجا که یهوه را تحریک کرده ای.
[۲۵] یهوه زرادخانهٔ خود را گشوده
و [از آنجا] ابزارهای[c] غضب خود را بیرون کشیده است؛
زیرا خداوند یهوه را کاری است
در سرزمین کلدانیان.
[۲۶] همگی، بدون استثناء به آنجا بیایید[b]،
انبارهایش را بگشایید،
آن را همچون بافه ها توده کنید،
آن را قلع و قمع کنید تا چیزی از آن باقی نماند[d]! ۵۰:۲۱
[۲۷] همهٔ گاوهای نر[e] آن را بکشید،
بادا که به کشتارگاه فرود آیند! ۴۸:۱۵؛
وای بر آنان، زیرا روزشان[f] فرا رسیده، اش ۳۴:۷
زمان مکافاتشان! ۲۳:۱۲؛ ۴۶:۲۱

اسرائیل

[۲۸] گوش کنید! گریزندگان و رهایی یافتگان از سرزمین بابل، ۵۰:۸
می آیند تا در صهیون اعلام دارند ۵۰:۲؛ ۵۱:۱۰
انتقام یهوه، خدای ما را،
انتقام معبدش[g] را.

بابل

[۲۹] کمانداران را بر علیه بابل احضار کنید،
تمام آنان را که کمان را می کشند؛ ۵۰:۱۴؛
در تمام پیرامون آن، بر علیه آن اردو زنید، ۴۹:۳۵
کسی نگریزد!
مطابق رفتارش به او باز پس دهید، ۵۰:۱۵؛
مطابق هر آنچه کرده، با او انجام دهید؛ ۲۵:۱۴؛ ۵۱:۶؛
زیرا نسبت به یهوه متکبر بوده است، مز ۱۳۷:۸؛ ۴۸:۲۶،۴۲
نسبت به قدوس اسرائیل! ۵۱:۵

z تحت اللفظی: «به ممنوعیت نذر کن» یعنی «وقف خدا کن»؛ ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.
a ترجمه های دیگر: «دام ها گستردی» یا «در دام خودت گرفتار شدی». قرائت ترجمه یونانی برای اجتناب از نسبت دادن عملی خائنانه به خدا: «دامی خواهند گستراند».
b قرائت عبری: «بدون انتها به آنجا بیایید». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه سریانی.
c ابزار بمعنی اسلحه ر.ک ۲. سمو ۱:۲۷.
d تحت اللفظی: «آن را به ممنوعیت (یا لعنت) نذر کنید»؛ ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.
e اصطلاحی که مراد از آن یا بازرگان قوم است، یا نخبگان نظامی.
f یعنی روز مرگشان؛ ر.ک. ۴۶:۲۱.
g تحت اللفظی: «انتقام کاخش» یعنی کاخ خدا که درآسمان است، و نیز بر زمین، یعنی همان معبد که در ۵۸۷ ق.م. به دست بابل ها به آتش کشیده شد.

۳۰ به همین سبب، جوانانش در ۲۶:۴۹؛ ۴:۵۱
میدان هایش خواهند افتاد،
و جمله مردان جنگی اش در آن روز از
پای در خواهند آمد
- وحی یهوه.
۳۱ اینک من بر ضد تو هستم[h]، ای ۲۵:۵۱؛ حز۲۶:۳؛ ۸:۲۹
«تکبر»،
- وحی خداوند یهوهٔ لشکرها -
زیرا روز تو فرا رسیده،
زمانی که تو را مکافات دهم[i].
۳۲ آنگاه «تکبر» خواهد لغزید، خواهد
افتاد،
و کسی نخواهد بود که او را بر خیزاند! ۶۴:۵۱
شهرهایش را به آتش خواهم کشاند، ۱۴:۲۱
آن همهٔ پیرامونش را خواهد درید.

یهوه، نجات دهندهٔ اسرائیل

۳۳ چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها:
بنی اسرائیل ستم کشیده اند،
و پسران یهودا نیز به همان شکل؛
همهٔ آنان که ایشان را اسیر ساخته اند،
ایشان را نگاه می دارند،
و از آزاد ساختنشان سر باز می زنند. اش۱۴:۱۷
۳۴ اما فدیه دهندهٔ[j] ایشان توانمند است،
یهوهٔ لشکرها نام او است؛
او از امر ایشان نیک دفاع خواهد کرد، ۱۹:۵۱، ۳۶؛ اش۵۱:۲۲

تا به زمین آسودگی بدهد
و ساکنان بابل را بلرزاند.

بابل

۳۵ شمشیر بر علیه کلدانیان - وحی یهوه - ۱۲:۱۲
و بر ساکنان بابل،
و بر بزرگانش و بر حکیمانش! ۵۷:۵۱
۳۶ شمشیر بر پُرگویانش[k]، و بادا که اش۴۴:۲۵
دیوانه شوند!
شمشیر بر قهرمانانش، و بادا که هراسان
شوند!
۳۷ شمشیر بر اسبانش و بر ارابه هایش،
و بر تمام [قوم] مختلط که در میان او
است، ۲۰:۲۵
و بادا که تبدیل به زن گردند! ۳۰:۵۱
شمشیر بر گنجهایش، و بادا که آنها را به
غارت ببرند!
۳۸ شمشیر بر آبهایش، و بادا که ۳۶:۵۱
بخشکند! ۲:۵۰
چرا که سرزمین بتها است،
و با «وحشت های»[l] خود، خویشتن را
جلال می دهند!
۳۹ به همین سبب، حیوانات بیابان با
کفتارها در آنجا ساکن خواهند شد؛
شترمرغان در آنجا ساکن خواهند شد[m]؛ ۱۰:۲۲؛
دیگر هرگز مسکونی نخواهد گردید، و نسل اش۱۳:۲۱ ۲۲

h تحت اللفظی: «من بر ضد تو».
i تحت اللفظی: «لحظه ای که از تو حساب خواهم خواست»؛ ر.ک. ۸:۴۹ و توضیحات: ۱۲:۲۳ و توضیحات.
j ر.ک. اش ۱۴:۴۱؛ ۱۴:۴۳.
k با اعمال تغییری در یک حرف صدادار، می توان مانند ترجمه های کهن (سریانی، آرامی و وولگات) ترجمه کرد: «غیب گویانش».
l اصطلاحی است طعنه آمیز که دلالت دارد بر «بتها». کاربرد عبارت «خویشتن را جلال می دهند» منطبق است با ترجمه های کهن. قرائت عبری: «مانند دیوانگان رفتار می کنند».
m منظور از این تصاویر این است که بابل تبدیل به بیابان شده است.

اندر نسل در آن سکونت نخواهند گزید.
۴۰ به سان زمانی که خدا سدوم و عموره و ؛۱۶:۲۰
[شهرهای] مجاور را واژگون ساخت ـ وحی ؛۱۸:۴۹ اش۱۳:۱۹
یهوه ـ هیچ کس در آن ساکن نخواهد شد، و
هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید. ۳۳،۱۸:۴۹
۴۱ اینک قومی از شمال فرا می‌رسد[n]؛ ۳:۵۰
ملتی بزرگ و پادشاهان بی‌شمار
او دوردست‌ترین نقطهٔ زمین سر بر
می‌آورند.
۴۲ کمان و زوبین[o] را به دست دارند،
سنگدل و بی‌رحم اند،
بانگشان همچون دریا می‌خروشد،
بر اسبان بر آمده اند،
به سان مردی واحد برای نبرد صف‌آرایی ۲۲:۵
کرده اند،
بر علیه تو، ای دختر بابل! ۲۴:۴۶
۴۳ آن هنگام که پادشاه بابل خبر را
شنید،
دستانش سست شد[p]،
اضطراب او را فرا گرفت،
و لرزه، همچون زنی که می‌زاید. ؛۲۴:۶ میک۴:۹ ۱۰
۴۴ اینک، به سان شیری که از انبوهی ۷:۴
اردن[q] به سوی چراگاهی دائمی بر می‌آید،
در یک آن ایشان را از آنجا گریزان خواهم
ساخت[r]، و در آنجا کسی را برقرار خواهم
داشت که برگزیده‌ام.
زیرا کیست همچون من؟
چه کسی مرا برای عدالت به محاکمه ایو۹:۱۹
خواهد کشاند؟
کدامین چوپان است که تواند در برابر ۲:۴۱
من ایستاد؟
۴۵ به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه ۲۹،۱۲:۵۱؛ اش۲۴:۱۴
برای بابل تعیین کرده، گوش فرا دهید،
به طرح هایی که او برای ساکنان
کلدانیان ریخته:
آری، گوسفندان ـ حتی نحیف‌ترین آنها[s]
ـ کشیده خواهند شد،
آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران
خواهد شد.
۴۶ با صدای گرفته شدن بابل، زمین به ۲۹:۵۱
لرزه می‌آید،
و پژواکش در میان ملت‌ها شنیده می‌شود.

۵۱

۱ یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک بر علیه بابل
و بر علیه ساکنان لب ـ قمایی[t]
روح شخصی ویرانگر را بر می‌انگیزانم؛ ۳۲:۲۵:۱۱:۴
۲ باد دهندگان[u] غله را به بابل خواهم
فرستاد که آن را باد خواهند داد ۷:۱۵

n آیات ۴۱ ۴۳ تقریباً عیناً ۶:۲۲ ۲۴ را تکرار می کند.
o به عبارتی دقیق تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته بلند دارد.
p ر. ک. ۸:۳۸؛ ۴:۴۷: ۳.
q آیات ۴۴ ۴۶ با تغییرات اندک، ۴۹: ۱۹ ۲۱ را تکرار می کند.
r یعنی از بابل؛ ر. ک. آیه ۴۲.
s برخی چنین ترجمه می کنند: «به یقین کوچکان در گله ایشان را خواهند کشید». اگر چنین ترجمه ای را مدنظر قرار دهیم، منظور از «کوچکان در گله» طبق سنت یهود، می توانند پارسی‌ها باشند که جوان‌ترین پسر یافث بودند و بابل را ساقط کردند. طبق نظر داوید قیمهی، این اشاره‌ای است به یهودیان ستمدیده، خصوصاً برای ۴۹: ۲۰، که می روند تا انتقام خود را بگیرند.
t یعنی «دل دشمنانم» این نوعی عبارت رمزی است که بر اساس کلمهٔ «کلده» ساخته شده است.
u این کلمه را با همین حروف بی صدا، می توان «بیگانگان» نیز ترجمه کرد. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های آکیلا، سریانی و وولگات.

و زمینش را ویران خواهند ساخت؛
زیرا که در روز مصیبت
او را از هر سو احاطه خواهند کرد.
۱۴:۱۳ [۳] بادا که کماندار، کمان خویش را بکشد
و جوشنش را در بر کند[v]!
جوانانش را معاف مدارید،
۲۱:۵۰ تمامی لشکرش را قلع و قمع کنید.
۵۲:۵۱؛ ۳۰:۵۰ [۴] بادا که بیفتند، قربانیان شمشیر، در سرزمین کلدانیان،
شمشیر خورده، در کوی‌هایش.
[۵ج] زیرا که سرزمینشان از جنایات آکنده است
۲۹:۵۰ [۵د] بر ضد قدوس اسرائیل[w]؛
اش ۵۴:۴ ۸ [۵الف] زیرا که اسرائیل بیوه[x] نیست،
[۵ب] و نه یهودا [بیوه] از خدای خویش،
از یهوهٔ لشکرها.
۸:۵۰؛ [۶] از میان بابل بگریزید
پید ۱۹:۱۵ ۱۷؛ مکا ۱۸:۴ و هر یک جان خود را نجات دهید،
به سبب خطای او هلاک مشوید[z].
۱۱:۵۱ چرا که زمان انتقام[y] برای یهوه است:

حق او را به او خواهد پرداخت! ۲۴:۵۱؛ ۲۹:۵۰
[۷] بابل جامی زرین بود در دست یهوه، مز ۹:۷۵
تمام زمین را سرمست می‌ساخت؛ مکا ۸:۱۴
ملت‌ها از بادهٔ او نوشیدند، ۲۵:۱۶
به همین سبب دیوانه شده‌اند.
[۸] ناگاه بابل افتاده و خُرد شد. مکا ۱۸:۲،۹
بر او زوزه بکشید!
بروید و برای دردش به دنبال مرهم بگردید[a]؛ ۸:۲۲
شاید که شفا یابد!
[۹] می‌خواستیم بابل را شفا دهیم، اما شفا نیافت!
رهایش کنیم، هر یک به سرزمین خود برویم؛ ۳۰:۱۲؛ ۴۶:۱۱
چرا که داوری‌اش تا به آسمان‌ها می‌رسد ۴۵:۵۱
و تا به ابرها بالا می‌رود[b]. یون ۱:۲؛ مکا ۱۸:۵
[۱۰] یهوه عدالت ما را پدیدار ساخت:
بیایید و در صهیون بازگو کنیم ۲۳:۶؛ مز ۳۷:۶
عمل یهوه، خدایمان را[c].
[۱۱] تیرها را تیز کنید،

v متن عبری که درکش دشوار است، چنین قرائت می‌کند: «کماندار کمان خویش را نکشد و جوشنش را در بر نکند»، در این معنا که هیچ مقاومتی فایده نخواهد داشت. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

w ما دو مصرع آخر را در آغاز آورده‌ایم چرا که دنبالهٔ منطقی آیه ۴ است.

x این تنها نمونه در کتاب مقدس است که در آن کلمهٔ «بیوه» مذکر است. این بدان معین نیست که خدا زن قوم خویش می‌باشد. این امر فقط به این دلیل است که این کلمه به نام اسرائیل مربوط می‌شود و این نام همیشه مذکر است. مفهوم مورد نظر این است که خدا نمرده و اسرائیل تنها نیست: خدا با او است.

y ر.ک ۴۶:۱۰؛ ۵۰:۱۵و۲۸؛ اش ۳۴:۸؛ ۶۱:۲؛ ۶۳:۴.

z تحت‌اللفظی: «در فساد او به خاموشی نگرایید».

a وجه امری این افعال خطاب به متحدین و مزدوران بابل بیان شده است.

b این اصطلاحات مبهم هستند. دو تعبیر برای آنها متصور است: «صدای خرد شدنش چنان عظیم است که عالم هستی را پر می‌سازد»؛ یا «مرمت آن فقط می‌تواند در اثر داوری خدا به انجام برسد، خدایی که ساکن در آسمان‌ها است و امانتش تا به ابرها می‌رسد» (ر.ک. مز ۳۶:۶؛ ۵۷:۱۱؛ ۱۰۸:۵).

c این آیه مضمون ۵۰:۲، ۲۸ را همچون بندگردان تکرار می‌کند. این عبارات بیانگر عمق ایمان اسرائیل است، ایمانی که مکاشفهٔ عمل نجات بخش خدا است و نیز شهادت است. ر.ک. مز ۹:۱۵؛ ۷۳:۲۸.

۳:۴۶ خود را به سپرها[d] مجهز نمایید!
یهوه روح پادشاه مادی ها[e] را برانگیخته،
زیرا بر علیه بابل طرحی ریخته تا آن را
۲۹:۵۱ نابود سازد؛
۶:۵۱؛ ۴۶:۱۰؛ زیرا که این انتقام یهوه است،
۱۵:۵۰ انتقام معبدش[f].
۱۲ بر علیه حصارهای بابل نشانه ای بر پا
۲۷:۵۱ دارید[g]،
بیشتر کشیک بدهید،
قراولان بگمارید،
کمین گاه ها بر پا کنید؛
زیرا یهوه مصمم شده
۱۱:۵۱؛ ۴۵:۵۰ و آنچه را که بر علیه ساکنان بابل گفته،
به عمل می آورد.
مکا۱:۱۷، ۱۵ ۱۳ ای تو که در کنار آب های عظیم[h]
ساکنی،
که از گنج ها غنی هستی،
پید۱۳:۶؛ انتهایت رسیده،
نا۱۴:۲ پایان سودهایت[i].
۱۴ یهوهٔ لشکرها آن را به خویشتن سوگند
۵:۲۲ خورده:
«تو را از انسان ها، همچون ملخ ها، پر
خواهم ساخت، ۲۷:۵۱؛
و بر علیه تو فریاد لگدکننده را سر نا۱۷:۳
خواهند داد». ۳۰:۲۵

سرود[j]

۱۵ او زمین را با قوت خویش ساخته، اش۱۸:۴۵
و جهان را با حکمت خود برقرار داشته،
و با هوشمندی خویش آسمان ها را
گسترده است.
۱۶ هر گاه آوا دهد،
خروش آب ها در آسمان پدید می آید؛
ابرها را از اقصای زمین بر می آورد، ۲۲:۱۴؛
و برق ها را برای باران به وجود می آورد، تث۱۲:۲۸؛ ایو۳۴:۳۸ ۳۵
و باد را از خزانه های خویش می کشد.
۱۷ هر بشری ابله است، به سبب نبود
دانش،
هر ریخته گری شرمسار است از تندیس ۵:۲؛
خویش؛ اش۲۰:۲؛ ۱۷:۴۲؛ ۱۶:۴۵
زیرا دروغ را می ریزد،
در آن نَفَسی نیست.
۱۸ بطالت هستند، اثری مضحک،
در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد. ۲۷:۵۰

d معنی این اصطلاح قطعی نیست. همراه با یونانی و وولگات و سنت یهود، می توان چنین قرائت کرد: «تیردان ها را پر کنید».
e «مادیها» (ر.ک. پید ۲:۱۰؛ ۲ـ پاد ۶:۱۷؛ اش ۱۷:۱۳) قبلاً به سقوط نینوا در ۶۱۲ ق.م. کمک کردند. در ۵۸۵ ق.م. بر لیدیها پیروزی یافتند و بعد قدرتشان رو به افول گذارد. لذا این وحی را می توان مربوط به اوائل تبعید دانست.
f ر.ک. توضیحات ۲۸:۵۰.
g این روشی بود به نشانهٔ حمله. به این منظور، پرچمی را تکان می دادند: تصور می شد که این حرکت، اثری جادویی دارد.
h منظور فرات و شعباتش است. این اصطلاح نمادین، اشاره دارد به تمام ثروت های مادی بابل، یعنی ثروت کشاورزی و بازرگانی و غیره. ر.ک. آیه ۳۶ و توضیحات.
i نگرش نبی که مبتنی بر ایمان است، بازتاب نگرشی است که در تمام انجیل در مورد ثروت به چشم می خورد: ثروتی که بدون توجه به خدا جمع آوری شده باشد، به هیچ دردی نمی خورد (ر.ک. مثلاً مت ۲:۶، ۱۹، ۲۴؛ لو ۱۲: ۲۰ ۲۱؛ ۲۵:۱۶؛ یع ۱:۵ ۵ و غیره).
j آیات ۱۵ ۱۹ تکرار ۱۲:۱۰ ۱۶ است. اگر این سرود در اینجا آورده شده، به این سبب است که ارتباط الهیاتی عمیقی با محتوای وحی های علیه بابل دارد، به این معنی که نشان می دهد خدا سرور امپراطوری های بزرگ و تاریخ است (خصوصاً تاریخ اسرائیل)، همان گونه که سرور خلقت می باشد.

[۱۹] سهم یعقوب این چنین نیست: تث۳۲:۹؛ زک۲:۱۲
همه چیز را «او» شکل بخشیده،
و اسرائیل[k] قبیلهٔ میراث او است،
و یهوهٔ لشکرها نام او است. ۵۱:۵۷

مرثیهٔ بابل

[۲۰] تو برای من چکش بودی، ۵۰:۲۳
سلاح جنگی.
با تو ملت‌ها را چکش زدم،
با تو مملکت‌ها را ویران ساختم،
[۲۱] با تو اسب و اسب‌سوار را چکش زدم،
با تو ارابه و ارابه‌ران را چکش زدم،
[۲۲] با تو زن و مرد را چکش زدم،
با تو سالخورده و طفل را چکش زدم، اش۱۳:۱۸؛ ۲تو۳۶:۱۷
با تو مرد جوان و دختر جوان[l] را چکش زدم،
[۲۳] با تو چوپان و گله را چکش زدم،
با تو کشتگر و گاوش را چکش زدم،
با تو حاکم و والی را چکش زدم. ۵۱:۲۸
[۲۴] اما در مقابل چشمان شما، کاری ۵۱:۵۶
خواهم کرد که بابل و به تمام ساکنان کلده
همهٔ بدی را که به صهیون کرده‌اند،
بپردازند - وحی یهوه[m].
[۲۵] اینک بر ضد تو هستم، ۲۱:۱۳؛ اش۱۳:۸؛ ۲۸:۲۲
ای «کوه ویرانی»[n] - وحی یهوه -
تو که تمام زمین را ویران می‌ساختی؛ ۱۵:۶
دست خود را بر علیه تو دراز خواهم کرد،
تو را از بالای صخره‌ها خواهم غلطاند مکا۸:۷؛ ۸:۹؛ ۱۸
و از تو کوهی سوخته خواهم ساخت.
[۲۶] از تو نه سنگ زاویه خواهند گرفت
و نه سنگ شالوده؛ اش۲۸:۱۶
زیرا که ویرانهٔ ابدی خواهی بود
- وحی یهوه.
[۲۷] نشانه‌ای در سرزمین بر پا کنید، ۵۱:۱۲؛ ۴:۵ ۶
در میان ملت‌ها کرنا بنوازید،
ملت‌ها را بر علیه او وقف کنید، ۶:۴
مملکت‌ها را بر علیه او احضار نمایید، ۵۰:۹
آرارات، مینّی، اشکناز[o] را،
بر علیه او کاتبان تعیین کنید،
اسبان را بار کنید، همچون ملخ هایی با ۴۶:۲۳
موهای براق.
[۲۸] ملت‌ها را بر علیه او وقف کنید،
پادشاه ماد را،
حاکمان و جمله والیانش را،
تمام سرزمین تحت سلطه‌اش را.
[۲۹] زمین می‌لرزد و مرتعش است، ۵۰:۴۵؛ ۴۶؛ ۵۱:۱۱
زیرا طرح یهوه بر علیه بابل به انجام
می‌رسد:
تبدیل نمودن سرزمین بابل به مکانی
ویران، خالی از سکنه، ۵۱:۳۷

k ما کلمه «اسرائیل» را بر اساس متن مشابه آن در ار ۱۰:۱۶ و نسخ خطی متعدد، اضافه کرده‌ایم.
l می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «پسران نوجوان و دختران نوجوان». معنی کلمات عبری بیانگر سنی میان کودکی و بزرگسالی است.
m این آیه یکپارچگی وحی را می‌گسلد. به نظر می‌رسد که توضیحی متأخر به دست کاتب الهام یافته‌ای باشد.
n نویسنده این تصویر را که با موقعیت جغرافیایی بابل سازگار نیست، از تجربه‌ای که از شهرهای فلسطین دارد، ارائه داده، شهرهایی که بر بلندی‌ها بنا شده است.
o «آرارات» یا به آشوری مملکت اورارتو، همان ارمنستان است؛ «مینّی» ناحیه‌ای بود در ارمنستان واقع در پیرامون دریاچه وان، و جزو متحدین آشوری‌ها بر علیه بابل در ۶۱۶ ق.م. بود. «اشکناز» قومی چادرنشین سکایی، از ریشه‌ای ایرانی بودند که در پایان سدهٔ هفتم ق.م. به آسیای صغیر نفوذ کردند و بعد تا به سوریه و فلسطین منتشر شدند.

[۳۰]شجاعان بابل از جنگیدن دست
کشیده اند؛
در دژها می مانند،
شجاعتشان به انتها رسیده،
زن شده اند؛ ۵۰:۳۷؛ نا۳:۱۳
مسکن هاشان سوخته،
چفت درهایش خرد شده است.
[۳۱]پیک پیشاپیش پیک می دود،
قاصد پیشاپیش قاصد[p]، ایو۱:۱۴ ۱۹
تا به پادشاه بابل اعلام نمایند
که شهرش از یک سو تا سوی دیگر ۵۰:۲، ۲۴
گرفته شده است.
[۳۲]گذرگاه ها اشغال شده،
باروها به آتش سوخته[q]،
و مردان جنگی وحشت زده شده اند.
[۳۳]زیرا چنین سخن می گوید یهوهٔ
لشکرها، خدای اسرائیل: ۵۰:۴۲
دختر بابل به سان خرمنگاه است اش۲۱:۱۰
در زمان لگدمال کردنش؛
پس از زمانی کوتاه، زمان درو او فرا
می رسد[r].

اسرائیل
[۳۴]مرا دریده، مرا فرو برده، ۵۱:۴۴؛ ۵۰:۷
نبوکدنصر، پادشاه بابل،
مرا ظرفی تهی ساخته است؛ اش۲۷:۱؛ ایو۷:۱۲
مرا فرو بلعیده همچون اژدها،
شکم خود را پر ساخته است[s]؛
مرا از خوشی هایم رانده است.
[۳۵]زن ساکن در صهیون[t] خواهد گفت:
بادا که خشونتی که به جسم من[u] روا
داشته شده، بر بابل باشد؛
و اورشلیم خواهد گفت: مت۲۷:۲۵
و خون من بر ساکنان کلده باشد!
[۳۶]به همین سبب، یهوه چنین سخن
می گوید:
اینک از امر تو دفاع خواهم کرد؛ ۵۰:۳۴
یقیناً انتقامت را خواهم گرفت،
دریای او را خواهم خشکانید ۵۰:۳۸؛ اش۴۴:۲۷
و چشمه اش را خشک خواهم ساخت[v].
[۳۷]بابل بَدل به توده ای سنگ خواهد شد، ۹:۱۰؛ اش۲۵:۲؛ ۵۰:۱۳، ۳۹
مَغارهٔ شغال ها،
ویرانه و ریشخند[w]،
[مکانی] خالی از سکنه.

p این اصطلاحات را می توان به سه طریق تعبیر کرد: ۱) پیک ها و قاصدان پیغام را به یکدیگر تحویل می دهند؛ ۲) پیک ها و قاصدان در کاخ پادشاه به یکدیگر می رسند؛ ۳) پیک ها و قاصدان، در حالت پریشانی، به هر سو می دوند.
q متن دشوار است. برخی بر این عقیده اند که شاید چند کلمه در متن جا افتاده. با تغییر جای دو حرف بی صدا، می توان این گونه ترجمه کرد: «زورق ها (سوار کشتی شدن در رود فرات) به آتش کشید شده اند». بعضی دیگر ترجمه کرده اند: «باروها به آتش کشیده شده اند»، یا «نی ها به آتش کشیده شده اند».
r قرائت عبری: «پس از اندک زمانی، زمان درو» ترجمه ما مطابق است با ترجمه های یونانی و سریانی و آرامی. این تصویر یادآور ویرانی بابل است؛ بابل مانند خرمنگاه تسطیح شده، لگدمال حیواناتی خواهد شد که برای بر گرفتن دانه از بافه ها بر آن خواهند گذشت.
s برخی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «شکم خود را از خوشی های من پر ساخته و مرا رانده است».
u ر. ک. ۴۸:۱۹.
t طبق ترجمه های یونانی و آرامی، می توان این گونه نیز تعبیر کرد: «بادا که دردها و مصیبت های من بر بابل وارد آید».
v «دریا» و «چشمه» احتمالاً به رودهای بابل اشاره دارد. در هر حال، منظور به طور نمادین، ثروت و غنای بابل است؛ ر. ک. توضیحات آیه ۱۳.
w تحت اللفظی: «ویرانه و سوت زدن»؛ ر. ک. ۱۹:۸؛ توضیحات ۱۸:۱۶.

بابل

۳۸جملگی با هم به سان شیربچگان ۱۵:۲؛ مز۱۰۴:۲۱؛ اش۵:۲۱
می‌غرند[x]،
به سان بچه‌های شیران ماده غرش
می‌کنند.
۳۹در آن حال که خود را گرم می‌کنند،
ضیافتی برایشان تدارک می‌بینم،
مستشان خواهم کرد تا کودن شوند[y] ۵۱:۵۷، ۶۴؛ ۱۳:۱۳؛ نا۲:۱۲
و به خوابی ابدی بخسبند
و دیگر بیدار نشوند[z]
- وحی یهوه.
۴۰ایشان را همچون بره‌ها به کشتارگاه ۵۰:۲۷
فرود خواهم آورد،
همچون قوچ‌ها و بزها.

سوگواری بر بابل

۴۱شیشک[a] چگونه گرفته شده و گرفتار ۵۱:۲۱؛ ۲۵:۲۶؛ ۴۸:۱۷
آمده،
آن جلال تمامی زمین؟
چگونه تبدیل به ویرانه شده،
بابل، در میان ملت‌ها؟
۴۲دریا بر علیه بابل برآمده، نا۲:۷
او را با خروش موج‌هایش پوشانده
است.
۴۳شهرهایش بدل به ویرانه شده،
زمینی خشک، صحرا،
جایی که کسی در آن ساکن نمی‌شود، ۵۰:۱۲، ۴۰
جایی که هیچ بنی بشری از آن ۲:۶
نمی‌گذرد.
۴۴بِل و بابل را مجازات خواهم نمود، ۵۰:۲
آنچه را که بلعیده از دهانش بیرون ۵۱:۳۴؛ مز۱:۷
خواهم آورد،
و ملت‌ها دیگر به سوی او حرکت
نخواهند کرد،
حتی حصار بابل نیز خواهد افتاد! ۵۱:۵۸
۴۵از میان او بیرون آیید، ای قوم من، ۵۱:۹،۲۵،۳۸؛ ۵۰:۱۳،۱۶
و هر یک جان خود را نجات دهید
از شدت غضب یهوه!
۴۶دلتان سست نگردد!
از خبرهایی که در سرزمین شنیده خواهد
شد، مهراسید؛ مت۲۴:۶
یک خبر در یک سال خواهد رسید،
سپس، سال بعد، خبر دیگری:
خشونت در سرزمین،
حاکم بر علیه حاکم!
۴۷زیرا اینک روزهایی فرا می‌رسد
که در آنها بت‌های بابل از مجازات
خواهم نمود؛
تمام سرزمینش از شرمساری پوشیده
خواهد شد
و همهٔ قربانیانش در میانش خواهند ۴۹:۲۶
افتاد.
۴۸آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنها اش۴۴:۲۳؛ مکا۱۸:۲۰
یافت می‌شود

x منظور اهالی بابلی است.
y تحت‌اللفظی: «... تا فراوان گردند» یا «... تا بسیار شاد شوند». مطابق ترجمه‌های یونانی و سریانی و وولگات، می‌توان چنین تعبیر کرد: «... تا کودن شوند»، یا «... تا سر حد مرگ مست شوند».
z این تصویر بیانگر تمام تاریخ بابل است که به گونه‌ای سیرناپذیر، ممالک را یکی پس از دیگری از میان برد: اما این امر نتیجه‌ای جز فراهم ساختن موجبات نابودی خودش نداشت.
a نوعی کلمه رمزی برای بابل.

بر بابل فریاد شادی سر خواهند داد،
۳:۵۰ زیرا که از شمال ویرانگران بر او خواهند رسید
- وحی یهوه.
۴۹بابل نیز باید که بیفتد
برای قربانیان اسرائیل،
۲۴:۵۱ به همان سان که برای بابل افتادند
قربانیان تمامی زمین[b].
۲۸:۴۴ ۵۰ای رهایی یافتگان از تیغ،
بروید، توقف مکنید،
از دوردست‌ها یهوه را به یاد آورید،
مز۵:۱۳۷ و بادا که اورشلیم به خاطرتان برسد.
۵۱چون ناسزا می‌شنیدیم، شرمسار می‌شدیم،
خجالت رویمان را می‌پوشاند،
مز۱:۷۹؛ مرا۱۰:۱ زیرا که بیگانگان می‌آمدند
بر علیه مکان‌های مقدس خانهٔ یهوه.
۵۲به همین سبب، اینک روزهایی می‌آید
- وحی یهوه -
۴۷:۵۱؛ ۲:۵۰، ۳۸؛ ایو۱۲:۲۴ که در آن بت‌هایش را مکافات خواهم رساند
و قربانیان در تمامی سرزمینش ناله سر خواهند داد.
۵۳گرچه بابل خود را تا به آسمان بالا برد
و گرچه دژهای رفیعش را دست نیافتنی سازد،
۱۶:۴۹؛ اش۱۳:۱۴؛ ایو۶:۲۰ از جانب من بر او ویرانگران فرا خواهند رسید
- وحی یهوه.
۵۴هیاهویی را که از بابل می‌آید، بشنوید!
۲۲:۵۰ صدای عظیم خُرد شدن سرزمین کلدانیان را!
۵۵زیرا یهوه بابل را ویران می‌سازد
و صدای بلندش را ساکت می‌سازد؛
۶:۲۳؛ ۴۲:۵۰ موج‌هایش[c] به سان آب‌های عظیم می‌خروشد،
قیل و قال صدایشان طنین می‌افکند[d].
۵۶زیرا شخصی ویرانگر بر علیه بابل می‌آید؛
شجاعانش گرفته شده و کمان‌هایش خرد شده است.
چرا که یهوه، خدای تقاص است:
۶:۵۱ او به دقت می‌پردازد!
اش۱۸:۵۹؛ ۶:۶۶ ۵۷بزرگان و حکیمانش را مست خواهم ساخت،
۳۹:۵۱؛ ۲۶:۴۸؛ نا۱۱:۳، ۱۸ حاکمان و والیان و دلاورانش را،
و به خوابی ابدی خواهند خوابید،
و دیگر بیدار نخواهند شد
- وحی پادشاه
۱۶:۱۰؛ ۱۸:۴۶ که نامش یهوهٔ لشکرها است.
۵۸چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها:

b این آیه را می‌توان به گونه‌های مختلف ترجمه کرد. مطابق ترجمه آرامی می‌توان گفت: «در بابل قربانیان اسرائیل افتاده‌اند»، یا «برای بابل قربانیان تمام زمین افتاده‌اند». مطابق وولگات: «همان سان که بابل زخمیان رو به مرگ اسرائیل را افکند، به همان سان زخمیان رو به مرگ تمامی زمین برای بابل خواهند افتاد». ترجمهٔ تحت‌اللفظی دیگر: «بابل نیز باید که بیفتد، ای شما قربانیان اسرائیل، به همان سان که قربانیان تمام زمین برای بابل افتادند». برخی نیز با بخش کردن یک حرف بی‌صدا و تغییر جای مصرع‌ها، چنین ترجمه کرده‌اند: «قربانیان تمامی زمین برای بابل افتاده‌اند: بابل نیز به نوبهٔ خود باید برای قربانیان اسرائیل بیفتد».

c با تغییر حروف صدادار در این کلمه، می‌توان آن را «هیاهو» ترجمه کرد. ترجمه ما مطابق قرائت عبری است.

d تحت‌اللفظی: «از قیل و قالش به او آسودگی داده خواهد شد».

۵۱:۴۴؛ ۵۰:۱۵ حصارهای بابل، آن وسیع،
بالکل با خاک یکسان خواهد شد؟
و دروازه هایش بلندش را
و آتش خواهند کشید.
بدینسان قوم ها خود را برای هیچ خسته
می کنند
حب۲:۱۳؛ بنسی۱۴:۱۹ و ملت ها خود را برای آتش درمانده
می سازند.

نبوت بر علیه بابل به شکل عملی نمادین[e]

[۵۹][این است] دستوری که ارمیای نبی
۳۲:۱۲ به سرایا پسر نریا پسر مَعَسیا داد، آن هنگام
که وی با[f] صدَقیا، پادشاه یهودا، در سال
۴۶:۲ چهارم سلطنتش، به بابل رفت. سرایا
مسئول اردوگاه بود. [۶۰]ارمیا تمام مصیبتی
۳۶:۲ را که می بایست بر بابل وارد آید، در
کتابی نوشته بود، (یعنی) تمام این سخنان
مکتوب را دربارهٔ بابل. [۶۱]ارمیا به سرایا
گفت: «وقتی به بابل برسی، دقت کن که
تمام این سخنان خوانده شود. [۶۲]بگو: ای
یهوه، این تو هستی که این سخنان را دربارهٔ
این مکان گفته ای، که آن را نابود خواهند
۵۱:۲۶؛ ۵۰:۳ ساخت، آن سان که در آن دیگر سکنه ای
نباشد، نه انسان و نه حیوان، بلکه
ویرانه ای ابدی خواهد بود. [۶۳]و چون از
خواندن این کتاب فارغ شدی، سنگی به آن
۵۰:۳۲؛ مکا۱۸:۲۱ بیند و آن را به میان فرات بینداز؛ [۶۴]بگو:
به این شکل است که بابل غرق خواهد
شد، و از مصیبتی که بر آن وارد خواهم
آورد، دیگر سر بر نخواهد افراشت[g]».
در اینجا سخنان ارمیا پایان می پذیرد[۱].

ضمیمه

تحقق نبوت‌های ارمیا بر علیه اورشلیم و یهودا[h]

۵۲ [۱]صدقیا به هنگام آغاز سلطنتش،
بیست و یک ساله بود، و یازده سال
در اورشلیم حکومت کرد. مادرش حموطال
نام داشت، دختر ییرمیاهو؛ وی از لِبنَه[i]
[بود]. [۲]او آنچه را که در نظر یهوه بد بود،
انجام داد، مطابق هر آنچه یهویاقیم کرده

e این عمل نمادین (ر.ک. توضیحات ۱۳:۱) که مربوط به ۵۹۴ ق.م. می گردد، یعنی ۵۵ سال پیش از سقوط بابل، نمایانگر ایمان نبی به تحقق کلام خداوند است.

f قرائت یونانی: «از سوی صدقیا». شاید این قرائت ارجح باشد زیرا این سفر صدقیا در جای دیگر مورد تصدیق قرار نگرفته است.

g در متن عبری، در اینجا این عبارت وجود دارد: «درمانده می باشند». این عبارت در ترجمه یونانی نیست؛ در ضمن، با آنچه که قبل از آن آمده، ارتباطی ندارد؛ احتمالاً تکرار بخش پایانی آیه ۵۸ است تا آیات ۵۹ ۶۴ را (که حالتی الحاقی دارد) به بخش پیشین آن مرتبط سازد. تحت اللفظی: «تا اینجا سخنان ارمیا» ر.ک۴۸.:۴۷. این جمله که در هفتادتنان نیامده، بیشتر با انتهای ایه۵۸ مناسبت دارد که در ان، وحی های ارمیا به پایان میرسد.

h در این فصل، روایت کتاب پادشاهان (۲ـ پاد ۲۴:۱۸ تا ۲۵:۳۰) با اندک تغییراتی، تکرار شده است. این مطالب در اینجا آورده شده تا تحقق نبوت های ارمیا را نشان دهد. در ضمن، همین مطالب، به نوبهٔ خود، بر نگارش نهایی ار ۳۹ تأثیر گذارده است.

i شهری واقع در ساحل مدیترانه (ر.ک. یوشع ۱۰:۲۹ و غیره).

۱۳:۲۲ ۱۷ بود. ۳به سبب خشم یهوه بود که در اورشلیم
و یهودا چنین شد، آن سان که سرانجام او
۳۱:۳۲ ایشان را از روی خود دور کرد[j]. صدقیا بر
علیه پادشاه بابل قیام کرد.
۴باری، در سال نهم سلطنت [صدقیا]،
در ماه دهم[k]، روز دهم ماه، نبوکدنصر،
پادشاه بابل، هم او و هم تمامی لشکرش، بر
علیه اورشلیم آمد؛ ایشان در مقابل [شهر]
اردو زدند و در تمام پیرامونش، بر علیه آن
تجهیزات بنا کردند. ۵شهر تا سال یازدهم
صدقیا پادشاه در حالت محاصره بود. ۶در
ماه چهارم، روز نهم ماه، آن هنگام که
قحطی در شهر بیداد می کرد و دیگر برای
مردمان سرزمین نان نبود، ۷شکافی به شهر
زده شد، و تمام مردان جنگی گریختند و
شبانه، از راه «دروازه» میان دو دیوار[l]، که
نزدیک باغ پادشاه است، از شهر خارج
شدند ـ آن هنگام که کلدانیان شهر را در
محاصره داشتند ـ و ایشان راه عربه[m] را در
پیش گرفتند. ۸لشکر کلدانیان به تعقیب
پادشاه بر آمدند و در بیابان اریحا به
صدقیا رسیدند؛ در آنجا تمام سپاهش به
دور از او پراکنده شدند. ۹پادشاه را
گرفتند و او را نزد پادشاه بابل به ربله، در
سرزمین حمات[n]، بر آوردند، و وی بر او
داوری ها اعلام داشت. ۱۰پادشاه بابل
پسران صدقیا را در مقابل چشمان او گردن
زد، و نیز تمام بزرگان یهودا را در ربله
گردن زد. ۱۱سپس چشمان صدقیا[o] را در ۵:۳۲؛
آورد و او را با زنجیر برنجین دولایه بست، حز۱۲:۱۳
و پادشاه بابل او را به بابل برد و در آنجا او
را تا به روز مرگش در خانهٔ محافظان نگاه
داشت.
۱۲در ماه پنجم، روز دهم ماه ـ که سال
نوزدهم نبوکدنصر[p]، پادشاه بابل بود ـ
نبوزَرَدان، فرمانده محافظان که جزو
اطرافیان پادشاه بابل بود[q]، وارد اورشلیم
شد. ۱۳او خانهٔ یهوه و خانهٔ پادشاه و تمام ۱۷:۲۷:۳۷؛ ۸:
خانه های اورشلیم را سوزاند؛ او تمام ۸:۳۹؛ حز۱۶:۴۱
خانه های بزرگان را به آتش سوزاند.
۱۴سپس تمام لشکر کلدانیان که با فرمانده
محافظات بودند، کلیهٔ حصارهایی را که
اورشلیم را در احاطه داشت، فرو کوبیدند. ۱:۱۰
۱۵بقیهٔ جمعیتی که در شهر باقی گذاشته
شده بودند، و خائنانی که جانب پادشاه
بابل را گرفته بودند، و باقی صنعت گران

j ر. ک ۲. پا ۱۷: ۲۰ : ۱۷:۱۸ و ۲۳: ۲۴: ۳. دراین باب اخر به این اشاره شده است که نبوت ارمیا به تحقق رسیده است.
k پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.
l دروازه ای واقع در جنوب که فراریان ترس کمتری از برخورد با دشمن داشتند، زیرا که دشمن احتمالاً شکاف را در دیوار شمالی شهر به وجود آورده بودند.
m یعنی به سمت دره اردن.
n ربله شهری است واقع بر رودخانه اُرونت (العاصی)، در سوریه.
o این صحنهٔ خشونت بار، در آن روزگار در خاور نزدیک، امری متداول بود. این عمل را در نقش برجسته های آشوری مشاهده می کنیم، خصوصاً نقش برجسته ای مربوط به سَرگُن.
p لذا در پایان ژوئیه ۵۸۷ ق.م.؛ ر. ک. توضیحات ۱:۲۵.
q قرائت ماسورت ها: «نبوزردان رسید و در مقابل پادشاه بابل در اورشلیم ایستاد». این امر در مضمون متن روشن نیست. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و وولگات که احتمالاً متن اولیه را بهتر بر گردانده اند.

را نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان، به تبعید
برد[r]. ۱۶ اما[s] از مردمان پست سرزمین،
نبوزردان، فرماندهٔ محافظان، بخشی را به
عنوان رَزبان و کشتگر واگذارد.
۱۷ ستون های برنجین خانهٔ یهوه، و پایه ها
و «دریای برنجین» که در خانهٔ یهوه[t] بود،
کلدانیان آنها را خُرد کردند و تمام برنج را
۲۲:۲۷ به بابل بردند. ۱۸ همچنین دیگ ها و
بیلچه ها و چاقوها و جام های پاشیدن و
کاسه ها و تمام اشیا برنجین را که برای
عبادت بود، گرفتند. ۱۹ فرماندهٔ محافظان
همچنین لگن ها و آتشدان ها و جام های
پاشیدن و دیگ ها و شمعدان های چند
شاخه و کاسه ها و پیاله ها، و هر آنچه را که
از طلا بود و هر آنچه را که از نقره بود،
گرفت. ۲۰ در مورد آن دو ستون و «دریای»
واحد و دوازده گاو برنجین که زیر [دریا]
بود و پایه هایی که سلیمان پادشاه برای
خانهٔ یهوه ساخته بود، کسی نمی توانست
وزن برنج تمام این اشیا را برآورد کند.
۲۱ در مورد ستون ها، ارتفاع هر ستون هجده
ذراع بود؛ ریسمانی دوازده ذراعی، پیرامون
آن را می پیمود؛ ضخامت (ستون) چهار
انگشت بود؛ آن میان تهی بود. ۲۲ بر بالای
آن سرستونی برنجین بود، و ارتفاع هر
سرستون پنج ذراع بود. بر روی سرستون،
در پیرامون آن، رشته ای و انارهایی وجود
داشت؛ همه از برنج بود. ستون دوم و انارها
نیز این چنین بود. ۲۳ نود و شش انار وجود
داشت که آزادانه آویزان بود. جمع انارها بر
روی رشته، در تمام اطراف آن، یکصد بود.
۲۴ فرماندهٔ محافظان، سرایا، رئیس
کاهنان، و صَفَنیاهو، کاهن دوم، و سه ۱:۲۱
محافظ آستانه را گرفت. ۲۵ از شهر
خواجه ای[u] گرفت که بر مردان جنگی
گماشته شده بود، و (نیز) هفت مرد از آنان
که روی پادشاه را می دیدند و در شهر یافت
بودند. ۲۶ چون نبوزَرَدان، فرماندهٔ
محافظان، ایشان را گرفت، نزد پادشاه
بابل، به ربله، برد. ۲۷ پادشاه بابل، در
ربله، در سرزمین حمات، دستور داد تا آنان مر۱۱:۳
را بزنند و بمیرانند[v].
یهودا به دور از زمین خود تبعید شد.
۲۸ این است رقم جمعیتی که نبوکدنصر
تبعید کرد:
سال هفتم[w]:
اهالی یهودا: ۳/۲۳ (نفر)؛
۲۹ سال هجدهم نبوکدنصر[x]:
از اورشلیم: ۸۳۲ (نفر)؛
۳۰ سال بیست و سوم نبوکدنصر[y]،

r در متن عبری، در آغاز آیه، عبارت «مردمان پست قوم» آمده: این عبارت در بخش های موازی (ار ۳۹:۹ و ۲ـ پاد ۲۵:۱۲) وجود ندارد و با مضمون متن متناقض است. این احتمالاً تحت تأثیر آیه بعدی اضافه شده است.
s متن عبری تکرار می کند: «نبوزردان، فرماندهٔ محافظان».
t ر. ک. ۱ـ پاد ۷:۲۱، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.
u منظور شخصی مهم در دربار پادشاه میباشد. ر. ک۳۹.:۳و۱۳:۲پا۲۵:۱۹:۱۸:۱۷.
v ترجمه یونانی فقط آورده: «بزنند». در پایان آیه نیز موضوع تبعید، و نیز آیات ۲۸ ۳۰ را از قلم انداخته است.
w احتمالاً منظور سال هفتم نبوکدنصر است، یعنی سال ۵۹۷ ق.م. که تاریخ نخستین تبعید ساکنان اورشلیم می باشد.
x یعنی سال ۵۸۷ ق.م. تاریخ دومین تبعید ساکنان اورشلیم. ر. ک. توضیحات ۱:۲۵.
y یعنی سال های ۵۸۲ ۵۸۱ ق.م. از شرایط این تبعید سوم که در روایت کتاب های پادشاه ذکر نشده، آگاهی نداریم. اما می دانیم که در این سال بود که نبوکدنصر، موآبیان و عمّونیان را به تبعید برد.

نبوزَرَدان فرماندهٔ محافظان، (اینها را) تبعید کرد:
اهالی یهودا: ۷۴۵ (نفر)؛
جمعاً: ۴٫۶۰۰ (نفر)[z].

سرنوشت نسل داود[a]

۳۱باری، در سال سی و هفتم تبعید
یهویاکین، پادشاه یهودا[b]، در ماه
دوازدهم، (روز) بیست و پنجم ماه، اویل
ـ مرودک، پادشاه بابل، در سال آغاز
سلَطنتش، سر یهویاکین، پادشاه یهودا را
بر افراشت، و او را از زندان بیرون
آورد. ۳۲او با وی با نیکویی سخن گفت
و برای او جایگاهی رفیع تر از جایگاه
پادشاهانی که با او در بابل بودند[c]،
تعیین کرد. ۳۳او جامه های زندانی وی را
عوض کرد، و [یهویاکین] در تمامی
روزهای زندگی اش، دائماً خوراک خود
را در حضور او می خورد.
۳۴معیشت او، روزانه، تا به روز وفاتش،
در تمامی روزهای زندگی اش، دائماً از
سوی پادشاه بابل تأمین می شد.

z در مقایسه با رقم «ده هزار تبعیدی» (رقم گرد شده) که در ۲ـ پاد ۲۴:۱۴ آمده، این ارقام هم دقیق تر می نماید و هم محدودتر، باید در نظر داشت که یهودا سرزمین کوچکی بود و فقط صاحبان منصب ها و حرفه ها به تبعید رفتند.

a با اینکه مؤخره کتاب ارمیا حزن آلود است، اما با چهار آیهٔ امیدبخش خاتمه می یابد (آیات ۳۱ ۳۴) زیرا یکی از اعقاب داود از افتخار و امتیاز برخوردار می شود؛ ر. ک. توضیحات ۲ـ پاد ۲۵:۳۰.

b یعنی در ۵۶۱ ۵۶۰ ق.م.

c ترجمه ما تحت اللفظی است. برخی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «... که با او سرنوشتی مشابه داشتند».